

مطابق با فتاویٰ شریعی  
حضرت ایتامہ العظمیٰ مکارم



# مناسک جامع حج

کر داورى: حجة الاسلام والمسلمين عليان نژادى

فهرستتویسی پیش از انتشار: توسط مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

مناسک جامع حج / مکارم شیرازی؛ گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی. - قم:  
مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.

ISBN: 978-964-8139-33-4

۴۶۴ ص.

۱. حج. ۲. فقه جعفری - رساله عملیه. الف. علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ -

گردآورنده. ب. عنوان

۲۹۷/۳۵۷

م ۸ / م ۱۸۸ / BP

**ناشر برتر**

**نوزدهمین نمایشگاه بین المللی تهران**

**مناسک جامع حج**

مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

گردآوری: حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سوم

صفحه و قطع: ۴۶۴ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۹-۳۳-۴



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۲۲۴۷۸

[www.amiralmomeninpub.com](http://www.amiralmomeninpub.com)

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

مناسک جامع حج / مکارم شیرازی؛ گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی. - قم:  
مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.

ISBN: 978-964-8139-33-4

۴۶۴ ص.

۱. حج. ۲. فقه جعفری -- رساله عملیه. الف. علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ - ،  
گردآورنده. ب. عنوان  
م ۷ / م ۱۸۸ / ۸ BP ۲۹۷ / ۳۵۷

**ناشر برتر**

**نوزدهمین نمایندگانه بین المللی تهران**

**مناسک جامع حج**

مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی)  
گردآوری: حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سوم

صفحه و قطع: ۴۶۴ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۹-۳۳-۴



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

### پیشگفتار

- ۱۷ ..... سیر تاریخی «مناسک جامع»
- ۱۸ ..... مزایای این کتاب

### مقدمه

- ۲۱ ..... اهمیت حج در اسلام
- ۲۳ ..... اسرار حج

### فصل اول: حَجَّةُ الْاِسْلَام

- ۲۹ ..... شرایط وجوب حج
- ۲۹ ..... ۱- بلوغ
- ۳۰ ..... ۲- عقل
- ۳۰ ..... ۳- عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر
- ۳۱ ..... ۴- استطاعت
- ۳۲ ..... شرط اول: استطاعت مالی
- ۳۷ ..... شرط دوم: استطاعت طریقی
- ۳۷ ..... شرط سوم: استطاعت جسمانی

- شرط چهارم: داشتن وقت کافی ..... ۳۸
- شرط پنجم: گذران زندگی واجب النفقهاش در مدّت سفر او ..... ۳۸
- شرط ششم: رجوع به کفایت ..... ۳۸
- استفتائات شرایط و جوب حج ..... ۳۹
- ۱- بلوغ ..... ۳۹
- ۲- عقل ..... ۴۰
- ۳- عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر ..... ۴۰
- ۴- استطاعت ..... ۴۱

### فصل دوّم : حجّ نیابتی

- شرایط نایب ..... ۵۶
- حجّ بلدی و حجّ میقاتی ..... ۵۷
- احکام نیابت ..... ۵۸
- استفتائات حجّ نیابتی ..... ۶۱
- موارد جواز نیابت ..... ۶۱
- مواردی که نیابت جایز نیست ..... ۶۳
- شرایط نایب ..... ۶۳
- این امور در نایب شرط نیست ..... ۷۰
- ۱- عمل بر طبق فتوای منوب عنه ..... ۷۰
- ۲- نیابت زن از زن، و مرد از مرد ..... ۷۰
- ۳- سابقه تشرّف ..... ۷۱
- سوالات دیگر نیابت ..... ۷۱

نیابت در اعمال .....	۷۷
استفتائات نیابت در اعمال .....	۷۷

### فصل سوّم : حجّ مستحبّی

#### فصل چهارم : حجّ نذری

#### فصل پنجم : حجّ بذلی

#### فصل ششم : اقسام حج

استفتائات اقسام حج .....	۸۷
--------------------------	----

### فصل هفتم : حجّ تمتّع

الف) عمره تمتّع .....	۸۹
ب) حجّ تمتّع .....	۹۰
شرایط حجّ تمتّع .....	۹۳

### فصل هشتم : میقات‌های اِحرام

۱- مسجد شجره .....	۹۷
۲- جُحْفَه .....	۹۸
۳- وادی عقیق .....	۹۹
۴- قرن المنازل .....	۹۹
۵- یلملم .....	۹۹
۶- شهر مکه .....	۱۰۰
۷- منزل خود انسان .....	۱۰۰

- ۸- جعرانه ..... ۱۰۰
- ۹- محاذات یکی از میقاتها ..... ۱۰۱
- ۱۰- أدنی الحل ..... ۱۰۲
- احکام میقاتها ..... ۱۰۵
- استفتائات مواقیت و احکام آن ..... ۱۰۹

### فصل نهم: اعمال عمره تمتع

#### ۱- احرام

- اول: پوشیدن لباس احرام ..... ۱۱۳
- دوم: نیت ..... ۱۱۷
- سوم: گفتن لبیک ..... ۱۲۰
- احکام احرام ..... ۱۲۲
- استفتائات احرام ..... ۱۲۵
- محرمات احرام ..... ۱۳۱
- ۱- پوشیدن لباس دوخته ..... ۱۳۲
- ۲- پوشیدن چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند ..... ۱۳۴
- ۳- پوشانیدن سر برای مردان ..... ۱۳۵
- ۴- پوشانیدن صورت برای زنان ..... ۱۳۶
- ۵- زینت کردن ..... ۱۳۷
- ۶- سرمه کشیدن ..... ۱۳۸
- ۷- نگاه کردن در آینه ..... ۱۳۹
- ۸- استعمال بوی خوش ..... ۱۳۹



- 
- 
- ۹- مالیدن انواع روغن‌ها و کرم‌ها به بدن..... ۱۴۱
- ۱۰- ناخن گرفتن..... ۱۴۲
- ۱۱- زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)..... ۱۴۳
- ۱۲- زایل کردن مو از بدن..... ۱۴۴
- ۱۳- عقد ازدواج..... ۱۴۶
- ۱۴- نگاه کردن..... ۱۴۷
- ۱۵- لمس کردن..... ۱۴۸
- ۱۶- بوسیدن..... ۱۴۸
- ۱۷- نزدیکی کردن..... ۱۴۸
- ۱۸- استمناء کردن..... ۱۵۰
- ۱۹- کشتن حشرات..... ۱۵۱
- ۲۰- بیرون آوردن خون از بدن..... ۱۵۱
- ۲۱- کشیدن دندان..... ۱۵۲
- ۲۲- دروغ و دشنام و تفاخر..... ۱۵۲
- ۲۳- مجادله و نزاع..... ۱۵۲
- ۲۴- شکار حیوانات صحرائی..... ۱۵۴
- ۲۵- حمل اسلحه..... ۱۵۶
- قطع درخت و گیاه حرم..... ۱۵۶
- دیگر مسائل محرّمات و کفّارات احرام..... ۱۵۷
- استفتائات محرّمات احرام..... ۱۵۹
- کفّارات احرام به طور خلاصه..... ۱۶۷

## ۲- طواف

- شرایط پنج گانه طواف ..... ۱۷۱
- اول: نیت ..... ۱۷۱
- دوم: طهارت از حدث ..... ۱۷۲
- سوم: طهارت از نجاست ..... ۱۷۶
- چهارم: ختنه برای مردان ..... ۱۷۷
- پنجم: پوشانیدن عورت ..... ۱۷۸
- استفتائات شرایط پنج گانه طواف ..... ۱۷۹
- طهارت از حدث ..... ۱۷۹
- حکم مسلوس ..... ۱۸۱
- حکم مبطون ..... ۱۸۲
- وظیفه مستحاضه، حائض و جنب ..... ۱۸۲
- پاک بودن از نجاسات ..... ۱۸۷
- ختنه کردن ..... ۱۸۸
- طواف در لباس مشمول خمس ..... ۱۸۹
- حد پوشش در طواف ..... ۱۸۹
- واجبات هفتگانه طواف ..... ۱۹۱
- اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن ..... ۱۹۱
- سوم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد ..... ۱۹۲
- چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد ..... ۱۹۳
- پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد ..... ۱۹۴
- ششم: حد مطاف ..... ۱۹۴

۱۹۵	هفتم: موالات
۱۹۹	استفتائات واجبات هفت‌گانه طواف
۲۰۷	احکام طواف
۲۰۹	کم یا زیاد کردن طواف
۲۱۱	قرآن در طواف
۲۱۱	شک در تعداد دورهای طواف
۲۱۳	استفتائات احکام طواف
۲۱۶	نیابت در طواف
۲۱۷	دیگر سؤالات طواف

### ۳- نماز طواف

۲۲۵	استفتائات نماز طواف
۲۲۵	محلّ نماز طواف
۲۲۸	محمول نجس
۲۲۸	وظیفه زنان حائض
۲۲۹	اصلاح قرائت نماز
۲۲۹	سؤالات دیگر
۲۳۳	طوافهای مستحبی
۲۳۵	استفتائات طوافهای مستحبی

### ۴- سعی صفا و مروه

۲۳۷	واجبات سعی
۲۴۱	احکام سعی
۲۴۱	الف) ترک سعی

- ۲۴۲ ..... (ب) سعی زیادتر از هفت دور
- ۲۴۲ ..... (ج) سعی کمتر از هفت دور
- ۲۴۳ ..... قطع کردن سعی
- ۲۴۳ ..... شک در سعی
- ۲۴۴ ..... انجام محرمات احرام بعد از سعی
- ۲۴۵ ..... امور باقی مانده در سعی
- ۲۴۷ ..... استفتائات سعی

#### ۵- تقصیر

- ۲۵۵ ..... چگونگی تقصیر
- ۲۵۵ ..... محل تقصیر
- ۲۵۶ ..... احکام تقصیر
- ۲۵۹ ..... استفتائات تقصیر
- ۲۵۹ ..... چگونگی تقصیر
- ۲۶۰ ..... زمان تقصیر
- ۲۶۰ ..... شرایط تقصیر کننده
- ۲۶۰ ..... احکام تقصیر

#### فصل دهم: احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

- ۲۶۵ ..... استفتائات احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

#### فصل یازدهم: تبدیل حج تمتع به افراد

- ۲۷۱ ..... استفتائات حج افراد و تبدیل حج تمتع به آن
- ۲۷۳ ..... استفتائات تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع

## فصل دوازدهم: اعمال حج تمتع

### ۱- احرام بستن از مکه

استفتائات احرام حج تمتع ..... ۲۷۹

### ۲- وقوف در عرفات

استفتائات وقوف در عرفات ..... ۲۸۳

### ۳- وقوف در مشعر الحرام

احکام وقوف در عرفات و مشعر ..... ۲۸۷

استفتائات وقوف در مشعر الحرام ..... ۲۹۱

### ۴- رمی جمرة عقبه

شک در رمی ..... ۲۹۷

نیابت در رمی ..... ۲۹۷

ترک رمی جمرات ..... ۲۹۸

استفتائات رمی جمرات ..... ۲۹۹

### ۵- قربانی

شرایط حیوان قربانی ..... ۳۰۲

تقسیم و مصرف گوشت قربانی ..... ۳۰۵

نیابت در قربانی ..... ۳۰۷

بدل قربانی ..... ۳۰۸

استفتائات قربانی ..... ۳۱۱

### ۶- تقصیر

استفتائات تقصیر ..... ۳۲۳

### ۷ تا ۱۱- واجبات پنج‌گانهٔ مکه (بعد از منی)

- ۳۳۵ ..... استفتائات اعمال بعد از منی
- ۳۳۵ ..... الف) مقدم داشتن اعمال پنج‌گانه مکه.
- ۳۳۷ ..... ب) طواف نساء
- ۳۴۰ ..... سوالات دیگر

### ۱۲- توقّف شبانه (بیتوته) در منی

- ۳۴۴ ..... بیتوتهٔ شب سیزدهم.
- ۳۴۵ ..... بازگشت از منی
- ۳۴۶ ..... کفّارهٔ ترک بیتوته در منی
- ۳۴۷ ..... استفتائات بیتوته

### ۱۳- رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم

- ۳۵۵ ..... شک در رمی.
- ۳۵۷ ..... استفتائات رمی جمرات

### فصل سیزدهم: احکام مصدود و محصور

- ۳۶۹ ..... استفتائات محصور و مصدود

### فصل چهاردهم: عمرهٔ مفرده

- ۳۷۴ ..... فاصلهٔ معتبر بین دو عمرهٔ مفرده
- ۳۷۵ ..... اعمال عمرهٔ مفرده
- ۳۷۹ ..... استفتائات عمرهٔ مفرده

## فصل پانزدهم : مسائل متفرقه حج

- ۱- شرکت در نماز جماعت اهل سنت ..... ۳۸۳
- ۲- سجده گاه ..... ۳۸۵
- ۳- نماز مسافر ..... ۳۸۶
- ۴- وقت نماز و روزه ..... ۳۸۷
- ۵- اعلان عید ..... ۳۸۸
- ۶- حج و خمس ..... ۳۸۸
- ۷- لقطه (گمشده) حرم ..... ۳۸۹
- ۸- استفتائات مرتبط با مسائل حج ..... ۳۹۰
- چهل مسأله مهم و محلّ ابتلاء در حجّ و عمره ..... ۳۹۷

## فصل شانزدهم : آداب و مستحبات حجّ و عمره

- مستحبات سفر ..... ۴۰۵
- مستحبات احرام ..... ۴۰۶
- مکروهات احرام ..... ۴۰۹
- مستحبات دخول حرم ..... ۴۱۰
- مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام ..... ۴۱۱
- آداب و مستحبات طواف ..... ۴۱۴
- دعاهای اشواط طواف ..... ۴۱۶
- مستحبات نماز طواف ..... ۴۲۰
- مستحبات سعی ..... ۴۲۰
- دعاهای اشواط سعی ..... ۴۲۲

- ۴۲۸ ..... مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
- ۴۲۹ ..... مستحبات وقوف به عرفات
- ۴۳۳ ..... مستحبات وقوف به مشعر
- ۴۳۵ ..... مستحبات رمی جمرات
- ۴۳۶ ..... مستحبات قربانی
- ۴۳۷ ..... مستحبات حلق
- ۴۳۷ ..... مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۴۳۷ ..... مستحبات منی
- ۴۳۸ ..... مستحبات دیگر مکه معظمه
- ۴۴۰ ..... طواف وداع
- ۴۴۱ ..... قسمتی از مستحبات مدینه طیبه
- ۴۴۱ ..... زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۴۴۱ ..... زیارت حضرت صدیقه عالیه السلام
- ۴۴۲ ..... زیارت ائمه بقیع عالیه السلام
- ۴۴۷ ..... دعای امام حسین عالیه السلام در روز عرفه



## پیشگفتار

### سیر تاریخی «مناسک جامع»

بخشی از نظرات فقهی مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی، مدّ ظلّه العالی، پیرامون مناسک و اعمال حج، برای نخستین بار در کتاب «تعلیقات علی العروة الوثقی» به زبان عربی منتشر شد، سپس به صورت کاملتر و فراگیر، به گونه‌ای که عمده احکام حج و عمره را در بر داشت، در کتاب «مناسک حجّ» معظّم له انتشار یافت. در مرحله بعد، و به پیشنهاد سازمان حج، معظّم له «بر مناسک حجّ امام خمینی قدس سرّه الشریف» که از جامعترین مناسکهای حج به زبان فارسی محسوب می‌شود، حاشیه زدند که ابتدا حواشی مزبور به صورت مستقل، و سپس در پاورقی کتاب مذکور، و به همراه حواشی سه تن از مراجع بزرگ تقلید، آیات عظام خوئی، گلپایگانی و اراکی قدّس الله اسرارهم چاپ، و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

پرسش و پاسخهای جدیدی که از محضر معظّم له شده بود نیز در دو جلد، به نام «استفتائات جدید» به علاقمندان عرضه شد، که بحمدالله جلد

سوم آن نیز در آستانهٔ نشر است. بخشی از کتاب مذکور در مورد مسائل مهم حج است.

دو موضوع «قربانی» و «رمی جمرات» پس از تحقیقات گسترده، و با عرضهٔ فتاوا و نظریاتی جدید، در دو کتاب مستقل به نام «رمی جمرات» و «حکم الاضحیه فی عصرنا» به زیور طبع آراسته گردید. پراکندگی فتاوی معظّم له در مورد مناسک حج در کتابهای مذکور، تغییر فتوی در برخی از مسائل، و تضادّ ظاهری برخی از مسائل که در کتابهای مذکور آمده بود، و امور دیگر، سبب شد که فکر تألیف کتابی مستقل ذهن ما را به خود مشغول سازد. کتابی که نظرات معظّم له در تمام کتابهای مذکور را در خود جمع کند، و اشکالات مزبور را مرتفع سازد.

با این انگیزه، و پس از مشورت با استاد معظّم دام ظلّه العالی، تهیّۀ کتابی را که در دست دارید در عصر پنجشنبه ۱۳۸۰/۷/۷ شروع، و با امدادهای الهی، و عنایات حضرت ولی عصر عجلّ الله تعالی فرجه الشریف در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۲ پایان یافت، سپس معظّم له تمام مطالب کتاب را به طور دقیق مطالعه نموده، و با اصلاحاتی که انجام دادند به شکل کنونی در اختیار شما خوانندگان گرامی قرار گرفته است. امید است خداوند متعال این خدمت ناچیز را به لطف و کرمش قبول فرماید.

### مزایای این کتاب

به برخی از ویژگیهای کتاب به صورت کوتاه اشاره شد، اما تفصیل آن به شرح زیر است:

۱- این کتاب نظرات فقهی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مدّ ظلّه را در مورد حج، که در کتابهای مختلف پراکنده بود، یکجا در خود جمع کرده

است، و گزافه نیست اگر آن را یکی از جامعترین مناسک حج در زبان فارسی بدانیم.

۲- با توجه به این که در برخی از مسائل، نظریات معظم له تغییر کرده بود، این کتاب آخرین فتاوای معظم له را در اختیار شما می‌گذارد.

۳- با توجه به این که کتابهای فقهی مربوط به حج معظم له در زمانهای مختلف تألیف و منتشر شده بود، گاه ناهماهنگی‌های ظاهری در بین برخی از فتاوای ایشان به چشم می‌خورد، که در این کتاب اصلاح شده است.

۴- کتابهایی که به صورت متن و حاشیه عرضه می‌شود مشکلات خاصی برای خوانندگان دارد. با درج حواشی مورد اشاره در متن، در این کتاب با مشکل مذکور رو به رو نخواهید شد.

۵- در برخی از کتابهای مناسک به مسائل غیر مورد نیاز، یا تکراری برخورد می‌کنیم. آنها را حذف نموده، و مسائل جدید و مورد نیاز را جایگزین آن نمودیم.

۶- ادبیات حاکم بر همه مسائل در حدّ توان و بضاعت علمی ما یکسان شده، و کتاب حاضر با ویرایش و پیرایش مناسبی در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

۷- سعی شده است عنوانهای فرعی بیشتری برای مسائل انتخاب شود، تا خوانندگان عزیز در زمان کمتری به مسأله مورد نظر دسترسی پیدا کنند.

۸- برخی از مسائل را جایجا کرده، و در ابواب و فصول مناسب‌تر نهاده‌ایم.

۹- مسائلی که مصداق خارجی نداشته، و در بسیاری از مناسک‌های قدیم وجود داشت، به طور کامل حذف شده است.

۱۰- الفاظ و تعبیراتی که احیاناً نامناسب و دور از نزاکت قلم بوده، اصلاح شده است.

با توجه به مزایای ده‌گانه فوق، و جامعیت این مجموعه، آن را «مناسک جامع» نامیدیم، و در عین حال ادعا نمی‌کنیم که این کتاب هیچ عیب و نقصی ندارد که چنین ادعائی، خود بزرگترین عیب است.

از خوانندگان عزیز، مخصوصاً روحانیون محترم کاروانهای حج، که مسؤولیت سنگین و پر زحمتی را بر دوش دارند، می‌خواهیم که با دقت این کتاب را مطالعه نموده، و ما را از پیشنهادات خویش آگاه سازند. تا انشاء الله در چاپهای بعد از آن استفاده کنیم.

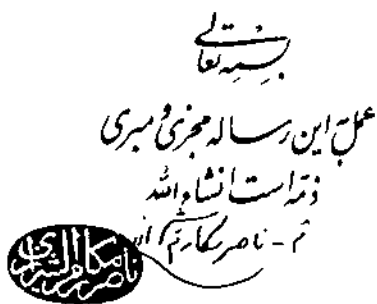
در پایان از تمام عزیزانی که در تهیه این اثر ارزشمند از ابتدای کار تا مرحله چاپ و نشر مساعدت نموده‌اند، به ویژه حجة الاسلام آقای حاج مسعود مکارم (زید عزه) که زحمات شایان توجهی در تهیه این اثر کشیده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم، و از خداوند متعال برای آنان سربلندی، عزت، توفیق تشرّف و حجّ مقبول تقاضا می‌نمدم.

آمین یا ربّ العالمین

قم - حوزه علمیه

ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۸۳/۲/۲۲ مطابق با ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۲۵



## مقدمه

### اهمیت حج در اسلام

حج یکی از ارکان مهم اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است. قرآن مجید در یک عبارت کوتاه و پرمعنی می‌فرماید: «**وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا**»؛ برای خدا بر مردم است که حج خانه او کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی او دارند.

و در ذیل همین آیه می‌فرماید: «**وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ**»؛ و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.<sup>۱</sup>

جمله «برای خداست بر مردم...» به ضمیمه تعبیر به «کفر» در مورد کسانی که حج واجب را ترک می‌کنند، اهمیت فوق العاده آن را در اسلام کاملاً روشن می‌سازد.

قابل توجه این که در تفسیر آیه شریفه ۷۲ سوره اسراء: «**وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَصْلُّ سَبِيلًا**».<sup>۲</sup> از امام صادق علیه السلام روایت

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده، در آخرت نیز نابینا =

شده که یکی از معانی آیه، کسی است که حجّ واجب خود را پیوسته به تأخیر می‌اندازد، تا مرگ او فرا می‌رسد (او در قیامت ناینجا خواهد بود).<sup>۱</sup> در حدیث دیگری آمده است: «هرکس حجّ واجب را بدون عذر ترک کند، روز قیامت یهودی یا نصرانی محشور می‌شود».<sup>۲</sup>

و در مقابل، برای حج آنچنان پادشاهای عظیمی در روایات اسلامی وارد شده، که دربارهٔ کمتر عملی دیده می‌شود.

چنان‌که در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: «کسانی که حج و عمره به جا آورند میهمان خدا هستند، هر چه بخواهند خدا به آنها می‌دهد، و هر دعایی کنند به اجابت می‌رسد، و اگر دربارهٔ کسی شفاعت کنند پذیرفته می‌شود... و اگر در این راه بمیرند خداوند تمام گناهان آنها را می‌بخشد».<sup>۳</sup>

و نیز در حدیث دیگری از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ حجّ مقبول پاداشی جز بهشت ندارد».<sup>۴</sup> و در حدیث سوّم از همان حضرت می‌خوانیم: «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ... خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَّلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ کسی که حج به جا آورد از گناه پاک می‌شود، همانند روزی که از مادر متولّد شده است».<sup>۵</sup>

و این بزرگترین موهبت، و برترین افتخار، و بالاترین پاداش است.

© و گمراه‌تر است.

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، ابواب وجوب الحج، باب ۶، حدیث ۵.

۲. همان، باب ۷، حدیث ۱.

۳. تهذیب الاحکام، جلد ۵، باب ثواب الحج، صفحه ۲۹، حدیث ۱۷.

۴. عوالی اللئالی، جلد اوّل، صفحه ۴۲۷، حدیث ۱۱۴. و صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۲.

۵. همان، صفحه ۴۲۶، حدیث ۱۱۳.

## اسرار حج

بدون شک ثوابهای عظیم و فوق العاده‌ای که برای حج در اخبار بالا و سایر روایات آمده، و همچنین کیفرهای سختی که برای ترک آن در قرآن مجید و روایات اسلامی ذکر شده، همه به خاطر اسرار و فلسفه‌های مهمی است که این عبادت بزرگ اسلامی دارد.

قرآن مجید در یک جمله کوتاه و بسیار پر معنا، درباره حج می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»؛ (مردم را دعوت به حج کن) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند!.<sup>۱</sup>

این منافع، فراوان است که در روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده، از جمله:

۱- تربیت نفوس، و تهذیب اخلاق، و تقویت پایه‌های تقوا و خلوص است. تعبیری که در احادیث بالا آمده بود که حج مقبول سبب می‌شود انسان از تمام گناهانش خارج شود و همانند روزی گردد که از مادر متولد شده، دلیل روشنی برای تأثیر حج بر پاکی دل و صفای روح و زدودن آثار گناهان یک عمر است. البته این فایده بزرگ اخلاقی هنگامی به دست می‌آید که زائران بیت الله الحرام به اسرار اعمال و مناسکی که انجام می‌دهند، دقیقاً توجه داشته باشند، تا هر قدمی که برمی‌دارند قدمی به سوی خدا و معبود و محبوب حقیقی باشد، و این عبادت بزرگ و پرمحتوی برای آنان به منزله «تولد دوباره» گردد.

کسانی که با توجه به اسرار این عبادت، و با نهایت خلوص نیت، این مراسم بزرگ روحانی را انجام می‌دهند، آثار عمیق آن را در درون جان خود تا پایان عمر احساس می‌کنند، و هر زمان به یاد خاطره‌های این سفر

روحانی و صحنه‌های مملو از روحانیت و صفا و اخلاص بیفتند، روح تازه‌ای در آنها دمیده می‌شود (این، اثر تربیتی و اخلاقی حج است).

۲- «آثار سیاسی» که در کنار آثار تربیتی حج قرار دارد بسیار مهم است؛ چرا که حج - اگر همان گونه که اسلام دستور داده و ابراهیم بت شکن، جهانیان را به آن فراخوانده انجام شود - سبب عزت مسلمانان، و تحکیم پایه‌های دین، و وحدت کلمه، و مایه قدرت و شوکت در برابر دشمنان، و برأت از مشرکین جهان خواهد شد، و این کنگره عظیم الهی، که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می‌شود، بهترین فرصت را به مسلمانان برای بازسازی نیروهای خویش، و تقویت پایه‌های اخوت و برادری، و خنثی کردن توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان اسلام در طول یک سال می‌دهد.

ولی متأسفانه همان گونه که گروهی از مسلمانان به عمق فلسفه اخلاقی حج نمی‌رسند، از فلسفه سیاسی آن نیز بی‌خبرند. تنها به ظواهر قناعت می‌کنند، و از روح این عبادت بزرگ غافلند، و به گفته یکی از سیاستمداران بیگانه: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، و وای به حال دشمنان اسلام اگر مسلمانان معنی حج را بفهمند!».

۳- «آثار علمی و فرهنگی» یکی دیگر از آثار مهم حج، که در روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده، آثار فرهنگی آن است، چرا که آثار رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در جای جای مکه و مدینه و مواضع حج به چشم می‌خورد، و حضور دانشمندان بزرگ اسلامی از تمام کشورها، اعم از علمای بزرگ دینی، و اساتید فنون دیگر، و گویندگان و نویسندگان، که همه سال در حج شرکت دارند، فرصت خوبی به همه مسلمانان جهان برای مبادله اطلاعات و دانستنیها در تمام زمینه‌های دینی و علمی می‌دهد، و از همه گذشته، آگاهی خوبی از وضع همه مسلمانان جهان در آن محیط پیدا



می‌شود که اگر برای این کار نیز برنامه ریزی شود آثار عظیم آن در جهان اسلام همه ساله ظاهر می‌گردد.

۴- در روایات اسلامی «فلسفه اقتصادی» نیز یکی از اسرار و اهداف حج شمرده شده است. ممکن است کسانی تصوّر کنند که حج با مسائل اقتصادی چه کار دارد؟ ولی وقتی توجّه می‌کنیم که مهمترین مشکل مسلمین امروز همان وابستگی اقتصادی آنها به دشمنان اسلام است، و در کنار مراسم حج می‌توان کنگره‌ها و سمینارهای عظیمی از اقتصاددانان جهان اسلام به وجود آورد، و مسلمین را از این نظر از زیر سلطهٔ اجانب رهایی بخشید، اهمّیت این موضوع روشن می‌شود.<sup>۱</sup>

خلاصه این که حج، اسرار مهمّی دارد که شایسته است در کتابهای جداگانه تدوین و به همهٔ مسلمین، مخصوصاً جوانان مسلمان، تعلیم داده شود. با توجّه به مقدمهٔ فوق به سراغ مسائل و احکام حج می‌رویم.

۱. این چهار فلسفه در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است. به وسائیل الشّیعه، جلد ۸، صفحهٔ ۷، حدیث شمارهٔ ۱۵، مراجعه فرمایید.



## فصل اول

### حَجَّةُ الْإِسْلَام

**مسألة ۱-** حج یکی از ارکان دین اسلام و از ضروریات آن به شمار می‌رود، و ترک حج با اقرار به وجوب آن، برای کسانی که مستطیع هستند، از گناهان کبیره محسوب می‌شود، و انکار آن، در صورتی که انکارکننده علم به ضروری بودن آن داشته باشد، موجب کفر است.

**مسألة ۲-** بر هر شخص مستطیعی<sup>۱</sup> واجب است یک بار در طول عمر خود حج بجا آورد، و این حج را حَجَّةُ الْإِسْلَام می‌گویند.

**مسألة ۳-** حج واجب فوری است؛ یعنی واجب است که در نخستین سال استطاعت آن را بجا آورد، و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست، و در صورت تأخیر، باید در سال بعد انجام دهد، و همچنین....

**مسألة ۴-** هر گاه شخصی مستطیع شود و انجام حج متوقف بر مقدماتی، مثل تهیة اسباب و لوازم سفر باشد، تهیة آن مقدمات، به گونه‌ای که بتواند در همان سال حج را بجا آورد، واجب است، و در صورت حصول استطاعت، چنانچه راه منحصر به نام نویسی برای چند سال بعد باشد آن

---

۱. در مسائل آینده معنای «استطاعت» و شرایط آن به طور مشروح خواهد آمد.

---

نیز واجب است، و در صورت کوتاهی در انجام حج واجب، حج بر او مستقر می‌گردد؛ یعنی باید در اولین فرصت ممکن به هر شکلی که می‌تواند، به حج برود؛ هر چند استطاعت او از بین رفته، و ناچار باشد که وام بگیرد.

## شرایط وجوب حج

### ۱- بلوغ

**مسئله ۵-** اگر شخص غیر بالغ موقّق به انجام مناسک حج شود، حجّ او صحیح است، ولی کفایت از حجّ واجب (حجّة الاسلام) نمی‌کند؛ یعنی اگر بعد از بلوغ مستطیع شد، باید دوباره حج را بجای آورد.

**مسئله ۶-** هرگاه کودک ممیّزی برای حجّ مُحرم شود، و در مشعر الحرام یا قبل از آن به سنّ بلوغ برسد، حج او صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، کفایت از حجّ واجب نمی‌کند.

**مسئله ۷-** کسی که تصوّر می‌کرده بالغ نشده، و بدین جهت به هنگام تشرّف به حجّ، نیت حجّ مستحبّی کرده، و بعد معلوم شده که بالغ بوده، حجّ او کفایت از حجّ واجب نمی‌کند؛ ولی اگر قصدِ وظیفه فعلیه کرده، و آن را اشتباهاً بر حجّ استحبابی تطبیق داده، کفایت از حجّة الاسلام می‌کند. همچنین در صورتی که قصد مأمور به (وظیفه) واقعی را داشته است.

**مسئله ۸-** رفتن به حج برای کودک ممیّز مستحب است، و حجّ او، حتی بدون اجازه ولیّش، صحیح می‌باشد، اما اگر در اموال خود تصرف می‌کند باید به اذن ولیّ باشد؛ ولی همان گونه که گذشت، چنانچه پس از بلوغ مستطیع گردد، حجّی که در زمان کودکی به جای آورده کافی نیست، و

باید دوباره به حج برود.

**مسأله ۹-** اگر کودک نابالغ قبل از احرام بالغ گردد، حجّ وی حَجَّة الاسلام محسوب می‌شود و کافی است که از همان محل مستطیع باشد؛ ولی اگر بعد از احرام بالغ گردد، کفایت نمی‌کند.

## ۲- عقل

**مسأله ۱۰-** دوّمین شرط وجوب حج (حَجَّة الاسلام) عقل است؛ بنابراین، بر شخص دیوانه حج واجب نیست، ولی اگر محرم شود، و در وقت درک مشعرالحرام عاقل گردد، حجّ او صحیح است؛ اما احتیاط واجب آن است که چنانچه پس از آن مستطیع شود دوباره حَجَّة الاسلام را به جای آورد.

**مسأله ۱۱-** حکم فوق مخصوص مجنون دائمی است؛ بنابراین اگر مجنون ادواری<sup>۱</sup> بتواند اعمال حج را در حالی که عاقل است (دور إفاقه) بجای آورد لازم است این کار را انجام دهد.

## ۳- عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر

**مسأله ۱۲-** یکی از شرایط وجوب حج آن است که با انجام حج، عمل واجب مهمتری ترک نگردد، یا کار حرام مهمتری انجام نشود.

**مسأله ۱۳-** اگر رفتن به حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی گردد، باید ملاحظه کند که کدام مهمتر است؛ چنانچه اهمّیت حج بیشتر باشد، باید به حج برود، و اگر اهمّیت کار واجب یا ترک حرام بیشتر است، باید حج را ترک کند (البته تشخیص این مطلب به نظر فقیه و مرجع تقلید است) و چنانچه این مطلب را مراعات نکند و به حج برود، معصیت کرده، اما حجّ او

۱. مجنون ادواری کسی است که گاهی عاقل است، و گاه عقل خود را از دست می‌دهد.

صحیح است؛ مثلاً اگر جهاد واجب را ترک کند و به حج برود، گناه کرده، ولی حجّ او باطل نیست.

**مسأله ۱۴-** کسی که برای حجّ نیابتی اجیر شده، سپس در همان سال، استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه مورد اجاره همان سال باشد، باید حجّ نیابتی را بجا آورد، و اگر استطاعت او باقی ماند، در سال آینده برای خودش حج بجا آورد.

**مسأله ۱۵-** در حج و عمره مستحبّی اجازه شوهر لازم است.

**مسأله ۱۶-** اگر حج یا عمره مستحبّی باعث آزار پدر یا مادر گردد، اشکال دارد.

#### ۴- استطاعت

**مسأله ۱۷-** استطاعت به چند چیز حاصل می‌گردد:

(الف) داشتن زاد و توشه و آنچه مورد نیاز او در سفر و به هنگام بازگشت است. (استطاعت مالی)

(ب) داشتن جواز سفر، و نبودن مانعی در راه، و عدم خوف بر جان و مال و آبروی خویش. (استطاعت طریقی)

(ج) داشتن توانایی جسمانی برای انجام اعمال و مناسک حج (استطاعت جسمانی).

(د) داشتن وقت کافی برای رسیدن به مگه و انجام اعمال حج (استطاعت زمانی).

هـ) داشتن مخارج زندگی همسر و فرزند و کسانی که خرج آنها در طول مدت حج شرعاً یا عرفاً بر او لازم است.

(و) داشتن مال، یا کسب و کار، یا شغلی که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند.

### شرط اول: استطاعت مالی

**مسئله ۱۸-** در استطاعت برای حج، علاوه بر داشتن هزینه رفت و برگشت، داشتن ضروریات زندگی و آنچه در گذران زندگی به آن نیاز دارد نیز شرط است؛ مثل خانه مسکونی (ملکی یا اجاره‌ای)، اثاث خانه، وسیله سواری و مانند آن؛ البته در حدی که مناسب شأن او باشد، و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا معادل قیمت آن را داشته باشد.

**مسئله ۱۹-** اگر ضروریات زندگی را برای حج هزینه کند حج او صحیح است؛ ولی کفایت از حج واجب نمی‌کند.

**مسئله ۲۰-** کسی که نیاز به ازدواج دارد در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد، و منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد، بلکه همین اندازه که ازدواج از شؤون زندگی او باشد کافی است.

**مسئله ۲۱-** کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز داراست، اگر طلبش بدون دردسر قابل وصول است، خواه وقت آن رسیده باشد یا نه، واجب است طلب خود را وصول کند و به حج برود.

**مسئله ۲۲-** شخصی که مستطیع نیست، اگر هزینه‌های حج را با قرض گرفتن از دیگران فراهم کند، مستطیع نمی‌شود؛ هر چند بتواند در آینده بدهی خود را براحتی بپردازد؛ و اگر با چنین پولی حج به جای آورد کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند؛ هر چند حجش صحیح است. آری اگر معادل وام، اموالی داشته باشد که از محل آن بتواند بدهی خود را به آسانی بپردازد، مستطیع است.

**مسئله ۲۳-** شخص بدهکار هرگاه مخارج حج را داشته باشد، ولی با پرداخت بدهی خود نتواند به حج برود، مستطیع نیست؛ مگر این که طلبکار عجله نداشته باشد، و او هم مطمئن باشد که بعداً قادر به ادای دین خواهد



بود، یا بدهی اقساطی باشد و هنگام پرداخت قسط آن نرسیده باشد.

**مسئله ۲۴-** کسی که هزینه حج را دارد، ولی بدهکار نیز می‌باشد، چنانچه بدهی او مدت دار است، و مطمئن باشد که به هنگام رسیدن زمان بدهی، قدرت بر پرداخت آن خواهد داشت، واجب است به حج برود. همچنین در صورتی که وقت پرداخت بدهی رسیده، ولی طلبکار راضی به تأخیر باز پرداخت بدهی باشد، و بدهکار مطمئن است که به هنگام مطالبه طلبکار، می‌تواند بدهی‌اش را ادا کند، در این صورت نیز واجب الحج است. در غیر این دو صورت، بدهکار واجب الحج نخواهد بود.

**مسئله ۲۵-** کسی که خمس یا زکات بدهکار است، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مالی که بتواند بدهکاری فوق را بپردازد، مخارج حج را نیز داشته باشد.

**مسئله ۲۶-** کسانی که بدهکار ادارات دولتی، مانند اداره دارایی و شهرداری و مانند آن هستند، و برای پرداخت آن تحت فشارند، مستطیع نمی‌باشند، مگر این که اموالی در اختیار داشته باشند که هزینه هر دو را تأمین نماید.

**مسئله ۲۷-** کسی که از نظر مالی استطاعت دارد، ولی از جهت بدنی یا باز بودن راه مستطیع نیست (یعنی در موقع حج، استطاعت بدنی ندارد، یا راه برای او باز نیست)، حق دارد پول خود را در سایر امور زندگی هزینه نموده، و خویش را از استطاعت مالی خارج کند؛ ولی اگر از این دو جهت هم مستطیع است، و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده، یا وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج نماید؛ و اگر چنین کند حج بر او واجب شده، و باید به هر شکل ممکن به حج برود.

**مسئله ۲۸-** اگر در سالی که استطاعت مالی دارد، استطاعت بدنی ندارد، یا راه باز نیست، ولی بداند در سالهای آینده از آن جهات نیز استطاعت پیدا

می‌کند، می‌تواند اموال خود را صرف امور دیگر نموده، و خود را از استطاعت خارج کند.

**مسئله ۲۹-** کسی که استطاعت حج دارد باید مخارج مقدّماتی، از قبیل تهیه‌ی گذرنامه، ویزا، هزینه‌ی آزمایشات بهداشتی و مانند آن را بپردازد. و چنانچه قدرت پرداخت این گونه مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.

**مسئله ۳۰-** اگر قیمت بلیط ماشین، یا هواپیما، یا سایر خدمات در سال استطاعت زیاد باشد، یا زیادتر از حدّ معمول باشد، باید به حج برود، و جایز نیست انجام حج را از سالی که مستطیع شده تأخیر بیندازد، مگر آن که گرانی به قدری باشد که موجب حرج و مشقّت (زحمت فراوان) در زندگانی او شود؛ که در این صورت حج واجب نیست.

**مسئله ۳۱-** اگر شخص مستطیع پول نقد نداشته باشد، ولی مستغلاتی دارد که به آن نیاز ندارد و اگر بفروشد می‌تواند با پول حاصل از آن به حج برود، باید چنین کند؛ هر چند به قیمت روز از او نخرند.

**مسئله ۳۲-** اگر کسی منزل گرانبه‌تری دارد که زائد بر شأن اوست، و چنانچه آن را تبدیل به منزل مناسب کند قادر بر حج خواهد بود، باید این کار را انجام دهد و به حج برود.

**مسئله ۳۳-** اگر کسی زمین یا چیز دیگری از اموالش را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی و قصد تهیه‌ی آن، مستطیع نمی‌شود.

**مسئله ۳۴-** کسانی که دارای وسایل و اجناس فراوانی هستند، که مورد نیاز آنها نمی‌باشد، چنانچه قیمت آن‌ها به اندازه‌ی مخارج سفر حج باشد، و سایر شرایط را نیز دارا باشند، واجب است به حج بروند.

**مسئله ۳۵-** هرگاه شک کند مالی که دارد به اندازه‌ی استطاعت هست یا نه، باید تحقیق و محاسبه کند، تا معلوم شود مستطیع هست یا نه.

**مسأله ۳۶-** زنی که مهریه‌اش به اندازه هزینه حج است، اگر شوهر قدرت پرداخت آن را نداشته باشد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع محسوب نمی‌شود؛ و اگر زوج قادر بر پرداخت باشد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد، در صورتی که شوهر نفقه و مخارج زن را بپردازد، لازم است مهریه‌اش را مطالبه نموده، و به حج برود؛ اما اگر مطالبه مهریه مشکلی در زندگی زن ایجاد می‌کند، و ممکن است به اختلاف یا مانند آن منتهی شود، مستطیع نمی‌باشد.

**مسأله ۳۷-** کسانی که برای خدمت در سفر حج استخدام می‌شوند، خواه به عنوان روحانی کاروان باشند، یا مدیر، معاون و خدمه کاروان، یا اعضای ستاد و بعثه حج، یا طبیب و پرستار، یا مامورین انتظامی و مسؤولین بانک و غیر اینها، و به این صورت حج خود را بجا می‌آورند، حج واجب آنها محسوب می‌شود، به شرط این که هزینه خانواده‌هایشان نیز در این مدت تأمین باشد، ولی تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست، و در هر حال قبول چنین کاری واجب نمی‌باشد.

**مسأله ۳۸-** پزشکان یا کسان دیگری که به عنوان ماموریت به میقات آمده، و در میقات تمام شرایط استطاعت را دارا هستند، واجب است حجة الاسلام به جا آورند، هر چند لازم است ماموریت خویش را نیز انجام دهند.

**مسأله ۳۹-** کسی که نیاز به ازدواج دارد، و بیش از مخارج آن پولی برای حج ندارد، مستطیع نیست و حج بر وی واجب نمی‌باشد.

**مسأله ۴۰-** هرگاه حج بر کسی واجب شود و انجام ندهد و استطاعتش از دست برود، باید به هر طریق ممکن حج را بجا آورد؛ هر چند با قرض کردن، یا اجیر شدن، یا مانند آن باشد.

**مسأله ۴۱-** هرگاه شخص مستطیع حج بجا نیاورد، سپس توانایی جسمانی‌اش را از دست بدهد، به طوری که ناامید باشد از این که خودش

بتواند به سفر حج برود، باید شخص دیگری را نایب کند، و از طرف خود به حج بفرستد، اما هرگاه کسی قدرت مالی پیدا کند، و در زمان قدرت، بر اثر پیری یا بیماری، توانایی انجام حج نداشته باشد، حج بر او واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که اجیر بگیرد.

**مسئله ۴۲-** هرگاه خانمی با اشتغال در مؤسسه‌ای هزینهٔ حجّش را به دست آورد، و مخارج روزانه‌اش نیز تأمین باشد، اما با رفتن به حج، شوهرش برای مخارج زندگی به زحمت بیفتد، در صورتی مستطیع است که به زحمت افتادن شوهر موجب مشکلاتی برای زن نباشد.

**مسئله ۴۳-** در استطاعت فرقی نیست که در ماههای حج (سؤال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجة) حاصل شود، یا قبل از آن مستطیع گردد (مشروط بر این که زمان کافی برای تهیهٔ مقدمات و رسیدن به اعمال حج را داشته باشد) بنابراین، اگر استطاعت مالی پیدا شود و سایر شرایط نیز موجود باشد نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند؛ مثلاً اموال خود را به کسی ببخشد، یا صرف کار غیر ضروری کند؛ حتی قبل از فرا رسیدن ماههای حج، این کار جایز نیست.

**مسئله ۴۴-** اگر شخصی با اعتقاد به این که مستطیع نیست، نیت حجّ مستحب کند، سپس معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت از حجّة الاسلام (حج واجب) می‌کند.

**مسئله ۴۵-** جایز نیست با مال حرام، یا مالی که خمس آن را نداده، حج بجا آورد، و اگر لباس احرام و طواف وسعی و پول قربانی و اجرت چادر و فرش‌ی که بر آن وقوف به عرفات و منی می‌کند حرام باشد، حجّ او بنا بر احتیاط باطل است.

**مسئله ۴۶-** اگر پولی که برای نام‌نویسی حج داده می‌شود، از درآمد همان سال بوده باشد خمس ندارد.

**مسأله ۴۷-** کسی که در محلّ زندگی اش مستطیع نمی‌باشد واجب نیست به حج برود؛ هر چند استطاعت حجّ میقاتی را داشته باشد، ولی اگر به حج برود، و زمانی که به میقات می‌رسد استطاعت حج با تمام شرایط دیگر حاصل گردد، مستطیع می‌شود، و کفایت از حجّ واجب او می‌کند.

#### شرط دوم: استطاعت طریقی

**مسأله ۴۸-** کسی که بلافاصله پس از استطاعت مالی برای تشرّف به حج ثبت نام کرده، و در قرعه کشی شرکت نموده، ولی قرعه به نام او اصابت نکرده، و موفق به عزیمت به خانه خدا نگردیده، مستطیع نشده، و حج بر او واجب نیست، مشروط بر آن که راه صحیح دیگری جز شرکت در قرعه کشی نداشته باشد، ولی اگر مسامحه نموده، و در ثبت نام تأخیر کرده، حج بر او واجب است.

#### شرط سوم: استطاعت جسمانی

**مسأله ۴۹-** هرگاه زنی، که در حیات شوهر استطاعت مالی نداشته، شوهرش را از دست بدهد، و پس از مرگ شوهر، به واسطه ارثی که از شوهر به او رسیده، استطاعت مالی پیدا کند، ولی بر اثر بیماری قادر بر رفتن به حج نباشد، مستطیع نشده، و حج بر او واجب نیست؛ همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت، یا صنعت، یا پس اندازی که بتواند پس از بازگشت از حج زندگی خود را با آن اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی‌شود؛ هر چند ارثی که برده جوابگوی هزینه‌های حج باشد.

**مسأله ۵۰-** شخصی که از سالها قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به خاطر کسالتی که دارد، برای او امکان‌پذیر نیست، و عزیمت به این سفر روحانی با غیر هواپیما نیز ممکن نباشد، باید نایب بگیرد، مگر این که امید بهبودی داشته باشد، که باید صبر کند، و اگر در این فاصله فوت کند،

باید از اموال وی حج او را بجا آورند، ولی اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته، مستطیع نشده است.

### شرط چهارم: داشتن وقت کافی

**مسأله ۵۱-** هرگاه برای حج ثبت نام کند، و پیش از آن که نوبتش فرارسد از دنیا برود، یا استطاعت بدنی او زائل شود، مستطیع نبوده و فیش حج او در صورت فوت متعلق به ورثه است؛ مشروط بر این که جز از طریق نام نویسی قادر بر حج نبوده باشد.

### شرط پنجم: گذران زندگی واجب النفقه اش در مدت سفر او

**مسأله ۵۲-** یکی از شرایط استطاعت آن است که شخص مستطیع مخارج خانواده اش را تا بازگشت از سفر حج داشته باشد؛ هر چند بعضی از آنها واجب التّفقه او نباشند.

### شرط ششم: رجوع به کفایت

**مسأله ۵۳-** یکی از شرایط استطاعت «رجوع به کفایت» است، یعنی پس از بازگشت از سفر حج، تجارت، یا زراعت، یا صنعت، یا منفعت ملک (مثل باغ و مغازه) یا شغلی که حقوق ماهیانه به او بدهند، یا قدرت بر کسب لایق به حالش، یا پس انداز و مانند آن، داشته باشد؛ به طوری که برای گذران زندگی به سختی و مشقت نیفتد.

**مسأله ۵۴-** طلاب و مانند آنها، که از محلّ وجوهات شرعیّه امرار معاش می کنند، در صورتی که سایر شرایط را داشته باشند واجب الحج می شوند.

**مسأله ۵۵-** هرگاه زن مالی دارد که می تواند با آن حج برود، ولی بعد از بازگشت نه شوهرش قادر بر تأمین زندگی اوست، و نه خودش، حج بر او واجب نمی شود.

## استفتائات شرایط وجوب حج

### ۱- بلوغ

**سؤال ۵۶-** اگر پدر و مادر، کودکان غیر ممیز را همراه خود به مکه ببرند، آیا در صورت توانایی کودکان، واجب است، آنها را وادار به انجام اعمال و مناسک حج نمایند، یا خود به نیابت از سوی آنها انجام دهند؟ اگر پدر و مادر هیچ یک از این دو کار را انجام ندهند، آیا پس از بلوغ و رشد می‌توانند ازدواج کنند، یا باید اول عمره و حج و طواف نساء را بجای آورده، سپس ازدواج نمایند؟

**جواب:** بر ولی کودک واجب نیست او را مُحرم نموده، یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم نمود، باید وظائف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک حج نوشته‌ایم انجام دهد، و اگر او را مُحرم نکرده، چیزی بر آن کودک نیست.

**سؤال ۵۷-** شخصی در زمان کودکی به همراه پدر و مادرش به مکه رفته، و پدر وی را مُحرم کرده، ولی تمام اعمالش را انجام نداده، و از احرام خارج نشده است. اکنون ازدواج کرده، و فرزندی دارد. آیا بر همسرش حرام ابدی است؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** باید اگر ممکن است خودش، و اگر نمی تواند نایب بگیرد تا اعمال او را انجام دهد، و از احرام خارج شود، و مجدداً صیغه عقد همسر را بخواند، و تا اعمال انجام نشده، و صیغه مجدداً نخوانده از آن زن پرهیز کند، ولی بر او حرام ابدی نمی شود.

## ۲- عقل

**سؤال ۵۸-** شخصی پس از انجام عمره تمتع دیوانه شد، آیا لازم است او را برای حج محرم کنند؟

**جواب:** لازم نیست، و دیوانه تکلیفی ندارد.

**سؤال ۵۹-** دختر بیخه ده ساله‌ای که متأسفانه کر و لال است، مشاعرش به گونه‌ای است که گاه به نماز می‌ایستد، ولی ناگهان نماز را رها می‌کند. آیا می‌توان او را محرم کرد؟

**جواب:** احتیاط آن است که چنین شخصی را محرم نکنید.

## ۳- عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر

**سؤال ۶۰-** سازمان حج و زیارت از خانمهای مستطیع اجازه رسمی شوهر را می‌خواهد. اگر شوهری اجازه ندهد، تکلیف همسرش چیست؟

**جواب:** بعید است آنها در حج واجب اجازه شوهر را بخواهند. زیرا اجازه شوهر در انجام واجبات شرط نیست.

**سؤال ۶۱-** اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجی بجا آورد، آیا در این صورت اجازه شوهر لازم است؟ آیا شوهر حق ممانعت دارد؟

**جواب:** اجازه شوهر لازم است؛ مگر این که به هنگام ازدواج شرط کرده باشد.



**سؤال ۶۲-** خانم خانه داری مستطیع شده، ولی همسرش اجازه نمی‌دهد که به تنهایی مسافرت کند. او می‌گوید: «چون برای حج اسم مرا ننوشتی، من هم اجازه نمی‌دهم». وظیفه این خانم چیست؟

**جواب:** اجازه شوهر در سفر حج واجب شرط نیست، بنابراین زن باید حج خود را بجا آورد؛ هر چند بهتر جلب رضایت شوهر است.

#### ۴- استطاعت

**سؤال ۶۳-** اینجانب با شرایط زیر و بر اساس قرعه کشی سازمان حج و زیارت انشاءالله در سال آینده عازم بیت الله الحرام خواهم بود:

۱- هزینه کامل سفر خود و همسرم را از پول مخمس (پولی که خمس آن پرداخت شده) تهیه کرده‌ام.

۲- کارمند هستم و حقوق متوسطی در حد معمول گذران زندگی با قناعت دریافت می‌کنم.

۳- منزل مسکونی و اتومبیل سواری ندارم، و مستأجر می‌باشم.

۴- اسباب و لوازم زندگی را در حد معمول و متعارف دارم.

با توجه به توضیح بالا، آیا من و همسرم مستطیع هستیم، و حج ما حج واجب است؟

**جواب:** در فرض مسأله، شما و همسرتان مستطیع هستید، و حج بر شما و ایشان واجب است.

**سؤال ۶۴-** شخصی جهت تشرّف به حج ثبت نام می‌کند. نوبت او را برای چندین سال بعد اعلام می‌کنند، حال اگر وی قبل از رسیدن نوبت پول قرض نموده، و از راه دیگری به مکه مشرف شود، و مناسک حج را بجای آورد، آیا حج واجب (حجّة الاسلام) محسوب می‌شود؟

**جواب:** اگر قبلاً حج بر او واجب نشده، و قبل از فرارسیدن نوبت جز با قرض نمی‌تواند به مکه برود، چنین شخصی مستطیع نیست، و حجّ او حجة الاسلام محسوب نمی‌شود، مگر این که نوبت خود را، که برای آن ثبت نام کرده، در مقابل آن به وام دهنده واگذار نماید.

**سؤال ۶۵-** اینجانب علی‌رغم بدهکاری، قبل از رسیدن وقت پرداخت آن، موفق به انجام سفر حج شدم. با توجه به این که شخص طلبکار نسبت به سفر حج من کاملاً راضی بود، و نیازی به پولش نداشت، آیا حجّ من، حجّ واجب محسوب می‌شود؟

**جواب:** هرگاه (علی‌رغم بدهی فوق) استطاعت مالی داشته‌اید، حج شما صحیح، و حجة الاسلام محسوب می‌شود؛ مشروط بر این که پرداخت بدهی براحتی برای شما امکان‌پذیر باشد، ولی اگر با قرض قادر بر این سفر شده‌اید، مستطیع محسوب نمی‌شوید، و حجّ شما حجّ واجب به شمار نمی‌آید، مگر این که مالی معادل آن داشته باشید، و بتوانید بدهی خود را با آن اداء کنید.

**سؤال ۶۶-** مردانی که مهریه همسرانشان را نپرداخته‌اند، اگر مقدار پولی داشته باشند که برای انجام حج یا پرداخت مهریه کافی باشد، و نتوانند با آن هر دو را انجام دهند، کدام مقدم است؟ آیا چنین مردی مستطیع است؟

**جواب:** در صورتی که زن اصرار به گرفتن مهریه خود ندارد، مستطیع است.

**سؤال ۶۷-** آیا شخص مستطیع می‌تواند پول خود را به پدر و مادرش ببخشد، و خرج سفر آنها کند؟ اگر به این وسیله خود را از استطاعت خارج کند، تکلیفش چیست؟

**جواب:** اگر شخصاً مستطیع است باید خودش حج بجای آورد، و با بخشش پول به والدین یا شخص دیگر، تکلیف حج از او ساقط نمی‌شود،

و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حجّ واجب خویش را بجای آورد، بخشش جایز نیست، هر چند بخشش او صحیح است.

**سؤال ۶۸-** آیا شخص مستطیع می‌تواند پول حج را در کارهای خیر دیگر، مانند تهیّۀ جهیزیّه دختران نیازمند، یا ادای دین بدهکاران، یا آزادی زندانیان، یا بناهای مذهبی، یا مانند آن هزینه نماید؟

**جواب:** البتّه انجام کارهای خیر بسیار خوبست، ولی مستطیع باید به حج برود، و صرف پول حج در موارد مذکور کفایت از حجّ واجب نمی‌کند، و اگر چنین کند، و از استطاعت خارج شود، باید به هر شکل که می‌تواند ولو به قرض کردن به حج برود.

**سؤال ۶۹-** شخصی سرمایه یا ابزار کار اضافه بر نیاز دارد، که اگر اضافه را بفروشد می‌تواند با بقیّه آن بدون زحمت امرار معاش کند، آیا چنین شخصی مستطیع است؟

**جواب:** در صورتی که فروختن آن مخالف شؤونات او نباشد، و سایر شرایط نیز جمع باشد، مستطیع است.

**سؤال ۷۰-** مدّتی قبل به منظور تشرّف به مکه معظمه ثبت نام کردم، ولی تاکنون موفق به رفتن نشده‌ام. با توجه به گذشت زمان، هم از لحاظ جسمانی ضعیف شده‌ام و به همان نسبت از نظر در آمد، فعلاً امکانات مالی اجازه انجام حج نمی‌دهد، مگر این‌که ملک شخصی خود را در معرض فروش قرار دهم، و چنانچه این کار را انجام دهم در مضیقه و تنگنا قرار می‌گیرم. آیا فروش ملک فوق جهت انجام حج لازم است؟

**جواب:** در فرض سؤال، شما مستطیع نیستید، و فروش آن ملک لازم نیست، حتی می‌توانید فیش حجّ خود را به دیگری واگذار کنید.

**سؤال ۷۱-** شخصی باغی دارد که چندین سال درآمدی نداشته است.

قیمت باغ مذکور برای هزینه سفر حج کافی است، ولی اطمینان دارد که در آینده نزدیک باغ ثمر می‌دهد، و او هم از کار افتاده خواهد شد، و باید از درآمد آن باغ امرار معاش نماید، آیا چنین شخصی مستطیع است؟  
**جواب:** مستطیع نیست.

**سؤال ۷۲-** مهریه خانمی به حد استطاعت حج می‌رسد. آیا به صرف طلبکاری مستطیع شده، و حج بر او مستقر می‌شود؟

**جواب:** هرگاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد، و مشکلی در زندگانی اش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود.

**سؤال ۷۳-** مهریه خانمی به اندازه استطاعت، یا بیشتر است. آیا بعد از فوت وی، بر ورثه لازم است که قبل از تقسیم ترکه مخارج حج را کسر کنند؟  
**جواب:** چنانچه زن در حیات شوهر، طبق عرف و عادت می‌توانسته مهریه اش را از شوهرش بگیرد مستطیع بوده، و باید از ترکه او برداشته شود و به نیابت از او حج بجای آورند، و چنانچه نمی‌توانسته، مستطیع نبوده است.

**سؤال ۷۴-** خانم جوانی در جشن عروسی، از سوی شوهر، دوستان و بستگان صاحب مقداری طلا و جواهرات شده، که ارزش آن بیش از هزینه حج واجب است، آیا ایشان مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و خودآرایی او می‌باشد، جزء مؤونه وی محسوب می‌شود؟ اگر طلا و جواهرات فوق را بفروشد یا تبدیل کند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر آن مقدار که دارد جزء شئون او برای زینت به شمار می‌رود، مستطیع نیست.

**سؤال ۷۵-** هرگاه کسی قادر بر تهیه فیش حج به قیمت آزاد باشد، ولی با قیمت دولتی تفاوت زیادی داشته باشد، آیا حج بر او واجب است؟

**جواب:** در صورتی که تفاوت آن قدر زیاد نباشد که سبب اجحاف گردد مستطیع است، ولی اگر سبب اجحاف شود، یا موجب تضييع حقّ دیگران گردد، مستطیع نیست.

**سؤال ۷۶-** شخصی به جز پول قربانی، استطاعت حج را دارد، آیا حج بر او واجب است؟

**جواب:** آری حج بر او واجب است؛ زیرا بجای قربانی روزه می‌گیرد، و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

**سؤال ۷۷-** شخصی از مسجد شجره محرم شده، به امید این که در جدّه از برادرش هزینه سفر حج را بگیرد تا مستطیع گردد، به سمت جدّه حرکت می‌کند، ولی برادرش پولی ندارد که به او بدهد. مدّتی برای تهیّۀ پول معطل می‌شود، تا این که شخصی مقداری پول به عنوان هدیه یا غیر آن، به برادرش می‌دهد، و او هم در اختیار این شخص می‌گذارد. آیا احرام او صحیح است؟

**جواب:** ظاهر این است که احرامش صحیح و حجّ او، کفایت از حجّه الاسلام می‌کند.

**سؤال ۷۸-** خدمۀ کاروانها، با توجه به عدم استطاعت مالی، حجّ را چگونه انجام دهند؟ آیا باید نیت واجب کنند؟

**جواب:** خدمۀ کاروانها مستطیع هستند (به شرط آن که نفقه همسر و فرزندان خود را در مدّت حج داشته باشند) و باید نیت حجّ واجب کنند. همچنین اگر کسی را به عنوان کمک به بیمار یا مانند آن به حجّ ببرند.

**سؤال ۷۹-** شوهرم تمام مخارج سفر حجّ مرا بر عهده گرفته است، ولی متأسفانه اهل خمس نیست، و من هم از خود مالی ندارم که خمس هزینه‌های حج را بپردازم. تکلیف من در ارتباط با خمس هزینه‌های رفت و

برگشت، ارز، لباس احرامی، قربانی، و سایر مخارج چیست؟ خمس این هزینه‌ها بر عهده کیست؟

**جواب:** خمس اینها بر عهده شماست، و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید، ولی ما به امثال شما اجازه می‌دهیم که خمس آن را به ذمه بگیرید، و پس از بازگشت تدریجاً پردازید.

**سؤال ۸۰-** شخصی مستطیع است، ولی نوه‌اش شرعاً و عرفاً نیاز به ازدواج دارد، به گونه‌ای که با ترک ازدواج به گناه می‌افتد؛ وظیفه این شخص چیست؟ به حج برود، یا پولش را صرف ازدواج نوه‌اش نماید؟

**جواب:** حجّ خودش مقدّم است، مگر این که ازدواج نوه‌اش از مخارج عرفی او محسوب شود، و نتواند هزینه هر دو را تأمین نماید، و در این صورت هرگاه پیش از فرا رسیدن نوبت حج، موجودی خود را صرف ازدواج نوه‌اش کند، حج بر ذمه او نخواهد بود.

**سؤال ۸۱-** آیا طلاب یا دانشجویانی که از شهریه حوزه یا دانشگاه زندگی آنها تأمین می‌شود، اگر مخارج حجّ را داشته باشند، مستطیع می‌شوند؟  
**جواب:** این‌گونه افراد، مستطیع هستند و حجّشان صحیح و مجزی است.

**سؤال ۸۲-** هرگاه کسی مستطیع باشد و در عزیمت به سفر حج کوتاهی کند تا نوبتش از دست برود، در صورتی که دیگر نتواند از طریق ثبت نام اقدام کند، آیا لازم است با واسطه و سفارش از داخل کشور، یا خارج از ایران به حج مشرف شود؟

**جواب:** لازم هست به هر شکلی که امکان دارد، و بر خلاف مقرّرات نظام اسلامی نیست، به حج مشرف شود.

**سؤال ۸۳-** شخصی پنج سال پیش، که مستطیع بود، برای حج ثبت نام کرد، ولی اکنون که نوبتش رسیده، فقیر شده است، آیا حج بر چنین شخصی واجب است؟

**جواب:** اگر موقعی که نوبت او فرا می‌رسد، فاقد بعضی از شرایط باشد حج بر وی واجب نیست، هر چند انجام آن بهتر است.

**سؤال ۸۴-** شخصی قبل از ثبت نام، سایر شرایط حج را نداشته، ولی به هنگام ثبت نام مستطیع بوده است؛ اما هنگامی که نوبت او می‌رسد از نظر مالی در تنگنا قرار دارد، آیا می‌تواند پول ثبت نام حج را باز پس بگیرد و مصرف کند؟

**جواب:** در فرض مسأله مستطیع نیست، و می‌تواند پول را گرفته، و در نیازهایش هزینه نماید.

**سؤال ۸۵-** پدری پس از ثبت نام حج فوت می‌کند، قبل از فوت به یکی از پسران اجازه می‌دهد که برای خودش حج بجای آورد. در چنین موردی برای کدام یک از آنان استطاعت طریقی حاصل می‌شود؟

**جواب:** اگر پدر قبلاً توانایی بر حج نداشته حج بر او واجب نبوده، و در این صورت به هر فرزندی که اجازه داده او باید حج بجای آورد.

**سؤال ۸۶-** مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت زمانی برای ثبت نام اعلام نشده، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

**جواب:** اگر سایر شرایط استطاعت را دارید، و در همین سال هم ثبت نام می‌شود باید ثبت نام کنید، در غیر این صورت مستطیع نیستید، و نگهداری پول برای ثبت نام در سالهای بعد لازم نیست.

**سؤال ۸۷-** شخصی برای حج ثبت نام نموده، ولی متأسفانه پیش از آن که نوبتش برسد فوت کرده است. وی در وصیت نامه‌اش قید نموده که پسر بزرگتر برای او حج مستحبی بجای آورد. پسر بزرگتر به گمان این که مستطیع شده (چون استطاعت بدنی و مالی داشته) به نیت خود حج را بجا

می‌آورد. آیا حجّ او صحیح است؟

**جواب:** باید به نیابت پدر حج بجای آورد، و اگر به قصد خودش حج  
بجا آورده گناه کرده، ولی حجّش صحیح است.

**سؤال ۸۸-** از آنجا که اینجانب متأسفانه معتاد هستم، اداره بهداشت  
طبق مقرّرات جمهوری اسلامی از رفتن من به حج جلوگیری می‌کند.  
تکلیف من، با وجود استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چیست؟

**جواب:** اگر قبلاً مستطیع بوده و قادر به رفتن مکه نیز بوده‌اید و  
نرفته‌اید، حج بر شما مستقر شده است، و اگر مایوس از ترک اعتیاد  
هستید باید نایب بگیرید، ولی اگر قبلاً استطاعت نداشته‌اید در فرض  
مذکور مستطیع نیستید؛ مگر آن که بتوانید، هر چند با ترک اعتیاد، اجازه  
بگیرید و به حج بروید.

**سؤال ۸۹-** یکی از مؤمنین، که به قصد تشرّف به بیت الله الحرام وارد  
مدینه شده، متأسفانه سگته کرده و طبق نظر پزشکان باید دو هفته در  
بیمارستان مدینه بستری گردد، و پس از آن وقت کافی برای انجام مناسک  
حج ندارد، تکلیف او چیست؟

**جواب:** اگر سال اوّل استطاعت اوست، و قدرت بر اعمال حج، حتی  
به شکل اضطراری ندارد، مستطیع نبوده، و حج بر او واجب نیست، ولی  
برای داخل شدن به مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده، از  
احرام خارج گردد، ولی اگر سال اوّل استطاعت او نباشد، و قبلاً حج بر  
او واجب شده، در صورتی که امید به بهبودی ندارد باید نایب بگیرد تا  
حجّ تمّتع را برای او انجام دهد، و خودش برای وارد شدن به مکه طبق  
آنچه در بالا گفته شد عمل کند، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال  
حجّ تمّتع ممکن باشد، هر چند با انجام اضطراری اعمال، لازم است



محرم شود و هر مقدار از اعمال را که توانایی دارد خودش یا با کمک گرفتن از دیگران انجام دهد، و برای بقیه نایب بگیرد، ولی در وقوف به عرفات و مشعر، گرفتن نایب کافی نیست.

**سؤال ۹۰- اولاً:** با وجود بدهکاری، چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟  
ثانیاً: در صورتی که از نظر مالی مستطیع است، ولی مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت، به خاطر بیماری اجازه سفر به او نمی دهند، وظیفه اش چیست؟ آیا چنین شخصی مستطیع است؟

**جواب: اولاً:** استطاعت مالی در صورتی حاصل است که هزینه رفتن و برگشتن را داشته باشد، و پس از بازگشت از حج پرداخت بدهی به آسانی ممکن باشد. ثانیاً: اگر قبل از آن که استطاعت مالی پیدا کند بیمار شده و قادر بر حج نبوده، مستطیع نشده است، و نایب گرفتن نیز لازم نیست.  
**سؤال ۹۱- شخصی** پس از انجام عمره تمتع بیمار شده، و به این جهت از انجام حج منصرف شده، و در مکه کسی را نایب می کند که اعمال او را انجام دهد، و به ایران باز می گردد. اکنون وظیفه این شخص چیست؟ آیا محرمات احرام بر او حرام است؟

**جواب:** در فرض مسأله، نایب گرفتن بی فایده است، و چنانچه سال اول استطاعت اوست، و در اثر بیماری از انجام حج بازمانده، فعلاً مستطیع نیست، مگر این که استطاعت او در سالهای بعد باقی بماند و حال او خوب شود، و اگر قبلاً مستطیع بوده، و حج بر او واجب شده، چنانچه از خوب شدن مأیوس باشد، باید در همان سال، و اگر ممکن نشد، در سالهای بعد برای انجام حج تمتع نایب بگیرد، و اگر بعداً خوب شد خودش حج را بجای می آورد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج گشته، و محرمات احرام بر او حلال است.

**سؤال ۹۲-** خانمی که استطاعت مالی و جسمانی داشته، چندین سال قبل ثبت نام کرده، و امسال نام او را اعلان نموده‌اند، ولی متأسفانه اکنون تصادف کرده، و قسمتی از استخوانهایش شکسته است، به گونه‌ای که در وضعیت فعلی توان حرکت و حتی شستشوی خود را ندارد. آیا نام‌برده باید به همین شکل به حج مشرف شود، یا صبر کند تا سال بعد بهبودی یابد؟ اگر سازمان حج تضمینی برای تشرّف وی در سال بعد ندهد، چه کند؟

**جواب:** با توجه به این که فعلاً توانایی انجام مناسک حج را ندارد، باید به زمان بعد واگذار کند.

**سؤال ۹۳-** خانم مستطیعی ثبت نام نموده، و امسال نام او را اعلان کرده‌اند، ولی از آنجا که متأسفانه پس از ثبت نام نایبنا شده، فرزند خویش را جهت انجام حج نایب نموده است. آیا صرف نایبنا شدن استطاعت را از بین می‌برد؟ ضمناً نام‌برده همراه ندارد، و قادر به پرداخت هزینه همراه نیز نمی‌باشد.

**جواب:** افراد نایبنا اگر همراه نداشته باشند، معمولاً مستطیع نیستند، و اگر قبلاً استطاعتی نداشته‌اند، لزومی ندارد کسی را به جای خود بفرستند؛ مگر این که خودشان مایل باشند.

**سؤال ۹۴-** آیا خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و شرایط دیگر مستطیع است، ولی فرزند شیرخواری دارد که نزد غیر او آرام نمی‌گیرد، مستطیع است؟

**جواب:** چنانچه جدا شدن از آن طفل، خطر جانی یا بیماری شدیدی برابچه داشته باشد، یا سبب عُسر و حرج برای دیگران شود، مستطیع نیست.

**سؤال ۹۵-** اگر زنی بدون اجازه شوهر به حج یا عمره مستحبی برود، آیا فقط گناه کرده، یا اعمالش نیز باطل است؟ و آیا چنین زنی حق دارد مُحرم شود، یا باید بازگردد؟

**جواب:** حج و عمره اش صحیح است، هر چند گناه کرده است.

**سؤال ۹۶-** شخصی ده سال قبل برای حج ثبت نام کرده، ولی هنگامی که نوبتش رسید فوت کرد. آیا چنین شخصی مستطیع بوده است؟ وظیفهٔ ورثهٔ او چیست؟ تصرّف ورثه در پولی که جهت حج واریز کرده، چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اگر راهی برای رفتن به مکه جز از طریق نوبت نداشته، مستطیع نشده، و وجه فیش او جزء مال الارث است، و اگر ورثه بخواهند احتیاط کنند، می‌توانند حجّ میقاتی به مبلغ کمتری برای او بگیرند، مشروط بر این که آن مرحوم صغیری نداشته باشد، یا اگر صغیر دارد از سهم کبیر بردارند.

**سؤال ۹۷-** اگر کسی در بین سال از حیث مالی مستطیع شود، ولی قبل از رسیدن موسوم حج، در همان سال فوت کند، آیا حج بر او واجب است؟  
**جواب:** حج بر او واجب نیست.

**سؤال ۹۸-** پدرم مستطیع شد و به حج رفت؛ ولی پس از احرام و قبل از رسیدن به مکه و انجام هرگونه عملی از اعمال حج فوت نمود، آیا حجّی بر گردن او هست؟

**جواب:** اگر بعد از احرام فوت کند، حجّ او قبول است؛ خواه در حرم فوت کرده باشد، یا خارج از حرم.

**سؤال ۹۹-** شخصی که واجب الحج بوده در مدینهٔ منوره بیمار، و با همان حال عازم مکه مکرّمه گردیده، و قبل از مراسم حج در مکه فوت می‌کند. داریی‌اش به هنگام فوت مقداری پول نقد و قطعه زمینی بیش نبوده است، آیا با فوت او حج ساقط می‌شود، یا باید ورثه‌اش با فروش آن زمین، شخصی را نایب کنند تا از سوی پدرشان حجّ بجا آورد؟

**جواب:** هرگاه بعد از احرام فوت شده حج از او ساقط است؛ خواه بعد از دخول در حرم باشد، یا قبل از آن.

**سؤال ۱۰۰-** اگر شخصی به قصد حجّ مستحب حرکت کرد، و به خاطر در آمدی در میقات مستطیع شد، و حجّ را بجای آورد، آیا کفایت از حجّ واجب می‌کند؟ آیا در چنین صورتی رجوع به کفایت شرط است؟

**جواب:** چنانچه انجام حجّ در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حجّ او صحیح است، و رجوع به کفایت در این مورد شرط نیست.

**سؤال ۱۰۱-** شخصی به حج مشرف شده است، و چون مرجع تقلید او در آن زمان رجوع به کفایت را شرط استطاعت نمی‌دانسته، با این که رجوع به کفایت نداشته قصد حجّ واجب نموده، و آن را بجای آورده است. فعلاً همه شرایط استطاعت حتی رجوع به کفایت را دارد و از جنابعالی تقلید می‌کند، آیا لازم است دوباره حجّ بجای آورد؟

**جواب:** اعاده لازم نیست.

**سؤال ۱۰۲-** خانمی برای حجّ ثبت نام نموده، ولی شوهرش علی‌رغم استطاعت ثبت نام نکرده است، آیا زن شرعاً می‌تواند نوبتش را به شوهرش واگذار کند؟

**جواب:** اگر زن مستطیع است نمی‌تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر چنین کند، حجّ شوهرش صحیح است؛ هر چند زن گناه کرده، و حجّ بر ذمه او باقی می‌ماند.

**سؤال ۱۰۳-** اینجانب در موقع ازدواج یک سفر حجّ به همسرم وعده دادم. آیا ادای این وعده لازم است؟

**جواب:** اگر تنها وعده بوده، ادای آن واجب نیست؛ اما بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است، ولی چنانچه آن را جزئی از مهریه قرار داده‌اید، یا شرط ضمن العقد بوده، باید به آن عمل کنید.

**سؤال ۱۰۴-** شخصی حجّ واجبش را انجام داده، ولی احتمال می‌دهد که به طور صحیح انجام نشده، یا در آن زمان مستطیع نبوده، و اکنون شرایط استطاعت را دارد. اگر بخواهد احتیاطاً حجّ بجای آورد، چه نیّتی کند؟

**جواب:** می‌تواند قصد ما فی الذمه کند (قصد می‌کند که آنچه را بر

ذمه اوست انجام دهد) و می‌تواند قصد حجّ واجب احتیاطی نماید.

**سؤال ۱۰۵-** آیا شخصی که حج واجب خود را انجام داده، می‌تواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

**جواب:** اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده، و جهی برای اعاده آن نیست، ولی اگر شکّی در آن دارد، تکرار آن به قصد ما فی الذمه مانعی ندارد.

**سؤال ۱۰۶-** هرگاه شخصی به تصوّر این که مستطیع است به نیت عمره تمّتع محرم شود، و کلیّۀ اعمال و مناسک عمره و حجّ تمّتع را بجا آورد، سپس معلوم شود که مستطیع نبوده است. آیا از احرام خارج گردیده، و حج انجام شده حجّ واجب او محسوب می‌شود؟

**جواب:** احرام او صحیح است و حجّ او مستحبی محسوب می‌شود، و کفایت از حجّ واجب نمی‌کند، و از احرام خارج شده است.

**سؤال ۱۰۷-** هرگاه شخصی به تصوّر این که مستطیع نیست، به قصد حجّ مستحبی محرم شود، و اعمال عمره تمّتع را به انجام رساند، سپس در مکّه مکرمه سؤال کند و معلوم شود که مستطیع بوده است. آیا مجدداً باید به نیت حجّ واجب محرم شود، یا همان عمره انجام شده کفایت می‌کند؟

**جواب:** کفایت می‌کند.

**سؤال ۱۰۸-** متأسفانه حکومت بعضی از کشورهایی که مسلمانان در آن ساکن هستند برای اعزام مسلمانان به حج پول زیادی از آنها می‌گیرند، که

قهرماً در جهت تقویت چنان حکومت‌های ظالمی مصرف می‌گردد. هرگاه راه تشرّف آن مسلمانان منحصر به این کار باشد، بفرمائید:

(الف) آیا حج بر چنین اشخاصی واجب می‌شود؟

(ب) به هر حال اگر مسلمانان مذکور با شرحی که گذشت حج بجای آورند، حجّ واجب محسوب می‌شود؟

**جواب:** آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی‌شود، و حجّ آنها مجزی است.

**سؤال ۱۰۹-** آیا بر اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت

مالی دارند، واجب است اسم نویسی کنند؟ و بر فرض وجوب، اگر بر اثر

سهل انگاری ثبت نام ننموده، و پس از مدّتی فوت کنند، یا از استطاعت

مالی خارج گردند، آیا فقط مرتکب گناه شده‌اند، یا حج نیز بر ذمه آنهاست؟

**جواب:** آری لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکنند حج بر آنها

مستقر است و به هر شکلی که شده باید به حج بروند، مشروط بر این که

مطمئن باشند قرعه به نامشان اصابت می‌کرده است.

**سؤال ۱۱۰-** پدری با چهار پسر خود به طور مشترک زندگی می‌کند، و

درآمدشان نیز یکجاست. وی برای تمام پسرها همسر اختیار کرده، و

مخارج سالانه خود و فرزندانش را نیز دارد، و بحمدالله بدهکاری نیز ندارد،

ولی فقط هزینه حج دو نفر را دارند. آیا حج بر آنها واجب می‌شود؟ بر فرض

وجوب، آیا تنها بر پدر واجب است، یا بر پسران هم واجب شده؟ کدام یک

از پسران اولویت دارند؟

**جواب:** در فرض سؤال هیچ کدام مستطیع نیستند؛ زیرا اگر آن را در

میان خود تقسیم کنند سهم هیچ کدام به اندازه حج نمی‌شود، مگر این که

همه سهم خود را به دو نفر ببخشند، در این صورت به هر کس که

ببخشند او مستطیع می‌شود.

## فصل دوم

### حجّ نیابتی

**مسأله ۱۱۱-** جایز است از طرف میّت کسی را برای حجّ واجب، یا مستحب اجیر کنند؛ اما از طرف کسی که زنده است فقط برای حجّ مستحبی می‌توان اجیر کرد، مگر نسبت به کسانی که حج بر آنها واجب شده، و بر اثر کوتاهی آن را بجا نیاورده‌اند، و اکنون به خاطر بیماری یا پیری و ناتوانی قادر بر حج نیستند، در این صورت واجب است نایب بگیرند؛ اما اگر زمانی استطاعت مالی پیدا کرده که استطاعت جسمی نداشته، و یا راه برای او باز نبوده، حج بر وی واجب نیست، و گرفتن نایب نیز واجب نمی‌باشد؛ نه در حیات، نه بعد از مرگ او.

**مسأله ۱۱۲-** کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول با داشتن استطاعت از تمام جهات به حج نرفته، اگر بعداً به واسطه بیماری، یا پیری، قدرت رفتن را از دست بدهد، یا برای او بسیار مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد، مشروط بر این که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن در آینده را نداشته باشد، و احتیاط واجب آن است که در اولین فرصت این کار را انجام دهد.

**مسأله ۱۱۳-** اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده، و فعلاً به خاطر کسالتی که دارد، مسافرت با هواپیما، برایش میسر نیست، و غیر از هواپیما وسیله دیگری برایش فراهم نمی‌شود، در صورتی که امید بهبودی نداشته باشد باید نایب بگیرد.

### شرایط نایب

**مسأله ۱۱۴-** کسی که نایب در انجام حج می‌شود، باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ۱- بلوغ بنا بر احتیاط واجب، بلکه در نیابت از حج واجب، بلوغ لازم است.
  - ۲- عقل.
  - ۳- ایمان.
  - ۴- اطمینان به انجام دادن عمل.
  - ۵- آگاهی از احکام حج، هر چند با راهنمایی دیگران.
  - ۶- بر خود نایب در آن سال حج واجب نباشد. البته اگر واجب باشد نیابت او صحیح است، ولی به خاطر ترک حج واجب گناه کرده است.
  - ۷- در ترک بعضی از افعال حج معذور نباشد، ولی عذرهایی که در خود حج پیش می‌آید مانعی ندارد.
- مسأله ۱۱۵-** هرگاه نایب عمل را انجام دهد، ولی در صحت اعمال او شک شود، حمل بر صحت می‌شود.
- مسأله ۱۱۶-** کسی که برای انجام حج تمتع وقت ندارد، و وظیفه او عدول به حج افراد است، نمی‌تواند برای حج تمتع نایب شود، ولی اگر شخصی در وسعت وقت برای حج تمتع اجیر شود، سپس وقت او برای انجام حج تمتع تنگ گردد، باید عدول کند و نیابت او صحیح است.



**مسأله ۱۱۷-** هر کسی می‌تواند از طرف دیگری برای انجام حج نایب شود، به شرط این که از مسائل حج آگاه باشد، خواه قبلاً حج بجا آورده باشد یا نه، و اگر نایب به عللی نتواند حج نیابتی را بجا آورد، نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار کند؛ مگر به اجازه صاحب پول.

**مسأله ۱۱۸-** کسی که حج بر او واجب شده (چه سال استطاعتش باشد، و چه از قبل حج بر وی مستقر شده باشد) نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج اجیر شود، ولی اگر این کار را کند حجّ نیابتی وی صحیح می‌باشد؛ هر چند گناه کرده است، و کسی که مستطیع نیست می‌تواند حجّ نیابتی بجا آورد، و با رسیدن به مکه از این طریق مستطیع نمی‌شود.

**مسأله ۱۱۹-** کسی که معذور از انجام صحیح بعضی از مناسک و اعمال حج است، نمی‌تواند اجیر و نایب دیگری شود، و اگر چنین شخصی، حتی به صورت مجانی، از سوی شخصی حج بجا آورد، اکتفا کردن به آن اشکال دارد، ولی عذرهایی که در خود حج به طور تصادفی پیش می‌آید، مانند وقوف اضطراری و امثال آن، مانع نیابت نیست.

**مسأله ۱۲۰-** زن می‌تواند از طرف مرد و مرد می‌تواند از طرف زن نیابت کند، و هر کدام باید وظیفه خودشان را در چنین حجّی رعایت نمایند. اگر زن است وظایف زنان را بجا آورد، و اگر مرد است مطابق وظائف مردان عمل کند؛ ولی بهتر آن است که زن برای زن و مرد برای مرد نیابت کند.

### حجّ بلدی و حجّ میقاتی

**مسأله ۱۲۱-** جایز است برای انجام حجّ واجب کسی را از طرف میّت اجیر کنند که از «میقات» حج را بجای آورد، و پول آن از اصل ترکه خارج می‌شود، و آن را «حجّ میقاتی» می‌نامند، ولی اگر ورثه اجازه دهند می‌توان

از طرف او «حجّ بلدی» انجام داد (کسی را اجیر کنند تا از همان شهری که میّت در آن بوده حج بجای آورد) و این افضل است، ولی تفاوت قیمت حجّ بلدی و میقاتی را فقط وارثان کبیر باید بپردازند.

**مسأله ۱۲۲-** اگر «نایب» در حجّ بلدی چند ماه قبل از ایّام حج به شهر «منوب عنه» برود، و به عنوان «نیابت» از حج از آنجا حرکت کند، و به وطن خویش یا محلّ دیگری رود، و در ماه ذی الحجّه از آنجا عازم حج شود، همین مقدار برای حجّ بلدی کافی است، و رفتن در ماه ذی الحجّه ضرورتی ندارد.

### احکام نیابت

**مسأله ۱۲۳-** نایب باید در عمل قصد نیابت کند و منوب عنه را در نیّت، ولو إجمالاً، تعیین کند، و لازم نیست نام او را ببرد، ولی مستحبّ است.

**مسأله ۱۲۴-** لباس احرام و پول قربانی در حجّ نیابتی بر عهده اجیر است؛ مگر این که هنگام قرارداد طور دیگری شرط کرده باشند.

**مسأله ۱۲۵-** نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه را نماید، و احتیاط مستحبّ آن است که آن را به قصد «ما فی الذمه» یعنی آنچه بر عهده او است بجا آورد.

**مسأله ۱۲۶-** اگر نایب طواف نساء را به طور صحیح انجام ندهد، همسر بر او حلال نمی‌شود، ولی بر منوب عنه، چنانچه در حیات باشد، چیزی نیست.

**مسأله ۱۲۷-** در حجّ واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست ولی در حجّ غیر واجب می‌تواند قصد نیابت از چند نفر کند.

**مسأله ۱۲۸-** کسی که برای حجّ تمتّع اجیر شده، پس از انجام حجّ نیابتی،

می‌تواند از سوی دیگری برای عمره مفرده اجیر شود؛ همان گونه که می‌تواند برای خودش عمره مفرده بجا آورد؛ مشروط بر این که در همان ماه قمری که برای منوب عنه انجام داده نباشد، و اگر در همان ماه قمری باشد، قصد رجاء کند.

**مسأله ۱۲۹-** اگر کسی برای حج اجیر شود و تعیین نکنند در چه سالی انجام دهد، باید در اولین سال انجام دهد.

**مسأله ۱۳۰-** پس از آن که نایب اعمال حج را بجا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود، و لازم نیست خودش به حج برود؛ هر چند بعداً عذرش برطرف شود؛ اما اگر قبل از اتمام حج عذرش برطرف شد، چه قبل از احرام باشد یا پس از آن، بنابر احتیاط واجب باید خودش به حج برود.

**مسأله ۱۳۱-** تنها با اجیر کردن کسی برای حج از طرف میّت، ذمه او ادا نمی‌شود، مگر زمانی که اطمینان حاصل شود او حج را بجا آورده است. ولی چنانچه نایب بعد از احرام و داخل شدن در حرم بمیرد ذمه میّت ادا می‌شود، و فرقی میان اقسام حج و نیابت نیست. و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد احتیاط آن است که دوباره اجیر بگیرند. و اگر قبل از احرام بمیرد، باید دوباره اجیر بگیرند.

**مسأله ۱۳۲-** نایبی که اولین بار به مکه مشرف می‌شود احتیاط واجب آن است که بعد از عمل نیابت، اگر بتواند عمره مفرده‌ای برای خودش نیز بجا آورد.



## استفتائات حجّ نیابتی

### موارد جواز نیابت

**سؤال ۱۳۳-** پیرزنی هستم مستطیع، که به علت کهنوت سن توانایی انجام اعمال حج را ندارم. آیا می‌توانم در حال حیات کسی را به نیابت خود به حج بفرستم، و حال آن که امید بهبودی در آینده نیز ندارم؟  
**جواب:** باید نایب بگیرید.

**سؤال ۱۳۴-** اینجانب که به علت کهنوت سن و بالا بودن قندخون و بیماریهای دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی‌باشم، آیا می‌توانم کسی را به نیابت از طرف خودم به حج بفرستم؟

**جواب:** اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده، و اقدامی برای انجام حج نکرده‌اید، واجب است نایب بفرستید، و اگر قبلاً مستطیع نبوده‌اید، نایب گرفتن مستحب است.

**سؤال ۱۳۵-** اگر کسی به عنوان خدمه یک بار به حج مشرف شود و حج خویش را بجای آورد، آیا می‌تواند در سفر دوم، که به همین عنوان مشرف می‌شود، به نیابت از پدر یا مادر متوقّایش حج بجا آورد؟ در چنین صورتی، آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می‌شود؟

**جواب:** مانعی ندارد، و حج برای آنها صحیح است.

**سؤال ۱۳۶-** فرزندی اختیار تمام اموال پدرش را دارد، و پدرش نمی‌تواند حج بجا آورد. فرزند بدون اطلاع پدر، شخصی را برای وی اجیر کرده و خودش نیز برای انجام حج خویش مشرف شده است. آیا حج اجیر از سوی پدر صحیح است؟ اگر در مدینه قصد کند که همه مخارج اجیر را از مال خودش محاسبه کند، آیا اشکال برطرف می‌شود؟

**جواب:** در فرض مزبور نیابت از طرف پدر صحیح نیست، مگر این که با اطلاع و موافقت او باشد، و حج از طرف پدر واقع نمی‌شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

**سؤال ۱۳۷-** شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته، و اکنون هیچ گونه توانایی مالی جهت انجام حج ندارد، آیا فرزندش می‌تواند به صورت مجانی از طرف پدر حج نیابتی انجام دهد؟

**جواب:** نیابت در حج واجب از طرف انسان زنده صحیح نیست، مگر در صورتی که شخص از جهت پیری یا بیماری نتواند به حج برود، و از توانایی و خوب شدن وی تا آخر عمر مأیوس باشد.

**سؤال ۱۳۸-** آیا انجام حج به نیابت از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، با توجه به این که معروف است خودشان در موسم حج تشریف دارند، جایز است؟

**جواب:** به امید مطلوبیت اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۳۹-** فقها می‌فرمایند: «نیابت از سوی کسی که بعد از استطاعت، به مکه مشرف شده، و پس از دخول در حرم فوت کرده، لازم نیست». حال اگر شخصی بعد از تمام کردن عمره تمتع از دنیا برود، آیا در این صورت هم نیابت لازم نیست؟

**جواب:** نیابت لازم نیست.

### هواردی که نیابت جایز نیست

**سؤال ۱۴۰-** نیابت از بچّه، یا دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده، چه حکمی دارد؟

**جواب:** خالی از اشکال نیست.

**سؤال ۱۴۱-** شخصی پس از تشرف به مدینه منوره بر اثر حوادثی دیوانه می‌شود. با توجه به این که حج سابقاً بر او مستقر شده، آیا می‌توان برای او نایب گرفت؟ اگر نیابت جایز نباشد، تبرّع حج از سوی او چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر امید به بهبودی او نباشد، گرفتن نایب مانعی ندارد.

### شرایط نایب

**سؤال ۱۴۲-** آیا شخص غیر بالغی که چندین بار به مکه مشرف شده، و به تمام مناسک و احکام حج آگاهی دارد، و نزدیک سنّ بلوغ است، می‌تواند نیابت کند و به جای مرحوم پدرش یا شخص دیگری حج بجا آورد؟ نیابت غیر بالغ در بقیّه عبادات چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال دارد.

**سؤال ۱۴۳-** آیا همان گونه که جنون دائم مانع نیابت در حجّ است، جنون ادواری (جنون گاهگاهی) نیز مانع است؟ یعنی حتّی در زمان عقل نیز نمی‌تواند نیابت کند؟

**جواب:** اگر در تمام مدت حج عاقل باشد مانعی ندارد.

**سؤال ۱۴۴-** آیا شیعه بودن در نایب شرط است؟

**جواب:** بنابر احتیاط واجب شرط است.

**سؤال ۱۴۵-** شخصی که خود مستطیع بوده در میقات به نیابت از دیگری محرم شده، و عمره تمّتع را از طرف آن شخص انجام داده است، اکنون وظیفه او چیست؟

**جواب:** نیابتش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

**سؤال ۱۴۶-** مرحوم پدرم وصیت کرده که پسر بزرگش به نیابت او به مکه برود. من که پسر بزرگ او هستم به وسیلهٔ ارث مستطیع شده‌ام، اما تا کنون نتوانسته‌ام سهم خود را به پول تبدیل کنم. آیا با این حال می‌توانم به نیابت از پدر حج بجا آورم؟

**جواب:** اگر امکان فروش سهم ارث، و صرف قیمت آن در حج وجود دارد، شما مستطیع هستید، و باید اول برای خودتان حج بجا آورید، بعد برای پدر، مگر این که پدر در حال حیات خود پولی بدهد و شما را موظف به انجام حج سازد، در این صورت حج پدر مقدم است.

**سؤال ۱۴۷-** شخصی طبق وصیت پدر، که پول به حساب سازمان حج واریز کرده، به نیابت از وی به مکه آمده است، در حالی که خود نیز از نظر مالی مستطیع بوده، ولی نام نویسی نکرده است. وظیفهٔ او چیست؟ حج پدر را انجام دهد، یا حج خود را بجا آورد؟

**جواب:** اگر راه برای پسر باز نبوده، و به خاطر نیابت از پدر موفق به زیارت خانهٔ خدا شده، باید حج پدر را انجام دهد.

**سؤال ۱۴۸-** هرگاه شخصی بعد از احرام حج بیمار شود و قادر بر اعمال و مناسک حج نباشد، آیا کسی که برای انجام عمرهٔ تمتع مستحبی محرم شده، و عمره را انجام داده، می‌تواند نایب او در حج شود؟

**جواب:** کسی که به نیت خودش برای عمرهٔ تمتع محرم شده (هر چند مستحبی باشد) باید اعمال خود را به اتمام برساند، و نمی‌تواند نایب دیگری شود، ولی اگر شخص مریض فقط قادر بر انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوف عرفات و مشعر را درک کند، جایز است دیگری را برای طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند نایب برای خودش هم اعمال حج و عمره را بجا می‌آورد.



**سؤال ۱۴۹-** شخصی حجّ واجب را بجا آورده، ولی امرار معاش او از وجوه شرعیّه بوده، سپس در حالی که استطاعت قطعی از غیر وجوه شرعیّه پیدا کرده، به نیابت از دیگری حجّ بجا آورده است. آیا حجّ نیابتی او صحیح است، یا باید پس از انجام حجّ واجب خودش، حجّ نیابتی را تکرار کند؟

**جواب:** حجّ اوّل صحیح بوده، و حجّ نیابتی او نیز صحیح است، و استطاعت از امرار معاش با وجوهات شرعیّه حاصل می‌شود.

**سؤال ۱۵۰-** شخصی پس از استطاعت مالی ثبت نام نموده، و بعد از دو سال نوبتش فرا می‌رسد، ولی چند ماه قبل از حرکت به سوی مکه فوت می‌کند. وی پسرش را نایب کرده که حجّ او را انجام دهد، در حالی که پسر استطاعت مالی دارد، اما در ثبت نام کوتاهی کرده است، در صورتی که اگر ثبت نام می‌کرد شاید در همان سال اوّل، قرعه به نامش اصابت می‌نمود. اکنون این پسر به عنوان نیابت حجّ بلدی از پدر به مدینه آمده، و هنوز محرم نشده است، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** نیابت او صحیح، و استطاعت خودش حاصل نشده است، هر چند به خاطر کوتاهی کردن در اسم نویسی گناه کرده است.

**سؤال ۱۵۱-** خانمی که واجب الحجّ بوده وصیّت کرده، وصیّش از اموال او برایش حجّ بلدی انجام دهد. اکنون وصی از هر جهت مستطیع است، فقط به خاطر عدم ثبت نام استطاعت طریقی ندارد. آیا می‌تواند به نیابت از آن مرحومه حجّ بجا آورد؟

**جواب:** اگر از نوبت آن زن استفاده می‌کند، باید برای او حجّ بجا آورد.

**سؤال ۱۵۲-** پدر یا مادری برای حجّ ثبت نام کرده و قبل از فرا رسیدن نوبت، فوت نموده، و نسبت به انجام حجّ خویش وصیّتی نکرده است. با

توافق ورثه یکی از فرزندان برای انجام حجّ نیابتی انتخاب می‌شود، در حالی که این فرزند تمام شرایط استطاعت، غیر از استطاعت طریقی، را دارد (یعنی ثبت نام نکرده، و باید از فیش پدر یا مادر استفاده کند) لطفاً بفرمائید:

**الف)** این فرزند برای خود حج بجا آورد، یا برای آنها؟

**جواب:** باید برای پدر یا مادر که از فیش آنها استفاده می‌کند حج بجا آورد؛ مگر این که با ورثه توافق کند که برای پدر یا مادر حجّ میقاتی خریداری کند، و برای خود حجّ واجب بجا آورد.

**ب)** چنانچه تخلف کند و بدون هماهنگی با ورثه به نیت خود حج بجا آورد، آیا حجّ او صحیح است؟

**جواب:** حجّ او صحیح و کفایت از حجّ واجب می‌کند، ولی اولاً گناه کرده، و ثانیاً باید تمام پول فیش را به قیمت روز برگرداند، تا ورثه درباره حجّ پدر یا مادر تصمیم بگیرند.

**سؤال ۱۵۳-** اگر شخصی قرار داد نیابت حج را ببندد، بعد به او پیشنهاد شود که به عنوان خدمه به حج مشرف شود، حج را برای چه کسی باید انجام دهد؟ برای خودش، یا به عنوان نیابت؟

**جواب:** باید حج را فقط به قصد نیابت انجام دهد، ولی اگر اجیر شده در حکم مستطیع است و حجّ او حجّ واجب محسوب می‌شود.

**سؤال ۱۵۴-** شخصی که یک پای او قطع شده به نیابت از دیگری به حج آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟

**جواب:** نیابت او مانعی ندارد.

**سؤال ۱۵۵-** آیا نایب معذور در انجام برخی اعمال حج، می‌تواند در آن اعمال دیگری را اجیر کند؟ آیا می‌تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟

**جواب:** نیابت معذور بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست، و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر این که از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند شخص دیگری را در تمام عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کند، و او عمل را انجام دهد، حج از طرف منوب عنه انجام می شود، ولی نایب اول باید پول را به صاحبش برگرداند (مگر این که صاحبش راضی گردد) و صاحب پول ضامن چیزی نیست، و نایب اول باید اجرت نایب دوم را بپردازد.

**سؤال ۱۵۶-** برخی از خدمه کاروانهای حج، قبول نیابت می کنند، ولی ناچارند برای انجام کارهای لازم در منی، یا جهت همراهی با افراد عاجز و ناتوان، نیمه شب از مشعر به منی بروند، آیا نیابت آنها صحیح است؟  
**جواب:** نیابت آنها صحیح است.

**سؤال ۱۵۷-** کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک وقوف اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنها از معذورین می باشند که نیابت آنها، هر چند به صورت مجانی، مورد اشکال است، یا چنین عذری مضرّ به نیابت نیست؟

**جواب:** نیابت در این گونه موارد صحیح است.

**سؤال ۱۵۸-** آیا نایب می تواند شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا عمل دیگری که نیابت بردار است، نایب بگیرد؟ آیا این شرط نافذ است؟  
**جواب:** اگر عذر دارد نمی تواند قبول کند؛ بلی در قربانی می تواند دیگری را نایب کند و شرط لازم نیست.

**سؤال ۱۵۹-** کسی که احتمال می دهد نتواند اعمال حج را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حجّ تمتّع را مبدّل به حجّ افراد کند، آیا می تواند از حجّ واجب نیابت کند؟

**جواب:** می‌تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به حج افراد شد، احتیاط آن است که منوب عنه به آن حج اکتفا نکند، مگر این که از عذرهایی باشد که در حج احیاناً پیش می‌آید.

**سؤال ۱۶۰-** کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده، ولی بعداً و در اثناء عمل عذری برای آنها حاصل شده، و طبق وظیفه معذورین عمل کرده‌اند، آیا نیابتشان صحیح است، و مستحق تمام اجرت می‌باشند؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۱۶۱-** کسی که نماز او صحیح نیست، آیا نیابت او برای حج صحیح است؟

**جواب:** اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او بنا بر احتیاط واجب باطل است، و اگر معذور نیست صحیح است، ولی باید قرائت خود را درست کند؛ یعنی در صورتی که بتواند در خلال این مدت تا موقع نماز طواف، نمازش را کامل کند اجیر شدن او مانعی ندارد.

**سؤال ۱۶۲-** آیا کسی که قرائتش درست نیست، می‌تواند تبرّعاً و به طور مجّانی، از طرف کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند؟ یا برای نیابت در حج یا عمره اجیر شود؟

**جواب:** نیابت چنین شخصی، هر چند تبرّعی باشد، بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست؛ مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند.

**سؤال ۱۶۳-** زنی که روز دهم، یازدهم و دوازدهم قادر بر رمی جمرات نیست، ولی می‌تواند شبها رمی جمره نماید، و یا در روز سیزدهم قضای هر سه روز را بجا آورد، آیا می‌تواند نیابت کند؟

**جواب:** نیابت او صحیح است، و باید شبها به جای روز رمی کند.

**سؤال ۱۶۴-** کسی که نماز او چندان کامل نیست، اگر برای خود، یا به نیابت از دیگری به حج برود، آیا می‌تواند شخصی که قرائت نمازش صحیح است را نایب کند؟

**جواب:** در مورد حجّ خودش، باید به اندازه‌ای که توانایی دارد انجام دهد، و کوشش کند تا آنجا که می‌تواند قرائت نماز را اصلاح کند، ولی اگر قرائتش صحیح نیست، نایب شدن او برای دیگران مشکل است.

**سؤال ۱۶۵-** اگر کسی که دیگری را نایب کرده، یا منوب عنه، به هنگام نیابت بداند که نایب جزء معذورین است، لطفاً بفرمائید:

(الف) آیا اخذ اجرت برای نایب حلال است؟

(ب) آیا حجّ نیابتی او صحیح و از منوب عنه کفایت می‌کند؟

**جواب:** اگر نایب نمی‌دانسته که حجّ نیابتی معذور صحیح نیست، و منوب عنه می‌دانسته، باید اجرة المثل او را بپردازد، ولی این حجّ از منوب عنه کفایت نمی‌کند.

**سؤال ۱۶۶-** معذور به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا کسی که نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند، یا نمی‌تواند قربانی نماید، و یا نمی‌تواند یکی دیگر از واجبات حج، اعم از ارکان و غیر ارکان، را انجام دهد معذور شمرده می‌شود؟

**جواب:** هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است، و نمی‌تواند نایب شود؛ البتّه عذرهایی که در اثناء حج پیش می‌آید مانع صحت نیابت نیست. همچنین اقدام شخص حاجی به قربانی در حال اختیار نیز شرط نیابت نمی‌باشد.

**سؤال ۱۶۷-** شخصی معذور است، ولی عذرش به گونه‌ای است که ضرری به حج و عمره خودش نمی‌زند. آیا چنین شخصی حق دارد به

شکل تبرّعی (مجانّی) از سوی پدر یا مادر یا همسر یا یکی از اموات، یا حضرات معصومین علیهم السلام عمره یا حجّ نیابتی بجا آورد؟  
**جواب:** اشکالی ندارد.

### این‌ها در نایب شرط نیست

#### ۱- عمل بر طبق فتوای منوب عنه

**سؤال ۱۶۸-** آیا بر نایب واجب است که طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج خود را انجام دهد، یا باید مطابق وظیفه خودش عمل کند؟  
**جواب:** ملاک وظیفه خود اوست، ولی اگر به کیفیت خاصی اجیر شده، مثلاً از او خواسته‌اند که بر طبق فلان فتوی عمل کند، باید طوری انجام دهد که هم آن کیفیت خاص مراعات شود، و هم وظیفه اش انجام گردد.

**سؤال ۱۶۹-** آیا در مسأله نیابت حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلّد چه کسی هستند؟  
**جواب:** لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.

#### ۲- نیابت زن از زن، و مرد از مرد

**سؤال ۱۷۰-** آیا زن به نیابت از دیگری می‌تواند نماز طواف بخواند؟  
**جواب:** در مواردی که نیابت جایز است مانعی ندارد.  
**سؤال ۱۷۱-** مردی وصیت کرده برای او حج بجا آورند. آیا دختر، یا همسرش نیز می‌توانند به نیابت از وی حج بروند؟  
**جواب:** اگر شخص معینی را در وصیتنامه ذکر نکرده، دختر یا همسر او هم می‌توانند نیابت کنند.

### ۳- سابقهٔ تشرف

**سؤال ۱۷۲-** آیا «صرورة»، یعنی کسی که تاکنون به حج مشرف نشده، می‌تواند نایب شود؟ اگر مرد باشد یا زن، از طرف مرد باشد یا زن، تفاوتی دارد؟

**جواب:** نیابت «صرورة»، چه مرد باشد و چه زن، جایز است؛ خواه از طرف مرد باشد، یا از طرف زن؛ ولی نیابت زن، مخصوصاً اگر منوب عنه مرد باشد، کراهت دارد.

### سوالات دیگر نیابت

**سؤال ۱۷۳-** شخصی از قم برای حجّ بلدی اجیر شده، در حالی که ساکن اراک است. وی در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز، در حالی که از موضوع غافل بوده، برای انجام کار دیگری به قم و سپس به تهران می‌رود. آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است، یا باید به قم برگردد، و از آنجا نیت حجّ بلدی کند؟ اگر از ایران خارج شده باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** اگر می‌تواند، باید برگردد؛ مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد، و چنانچه برنگشت، هر چند در صورت امکان، و حج را انجام داد، حجّ او صحیح است؛ ولی اجرتش به همان نسبت کم می‌شود، مگر این که اجیرکنندگان راضی شوند.

**سؤال ۱۷۴-** آیا شخص زنده، در مواردی که مجاز به گرفتن نایب است، باید از «بلد» نایب بگیرد، یا از «میقات»؟ اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می‌کند؟

**جواب:** نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند، و خودش باید نایب

بگیرد، و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست، مگر این که از طرف او وکالت داشته باشد.

**سؤال ۱۷۵-** کسی که حجّ نیایی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص دیگری را وکیل کند، قربانی کننده، که نایب نایب است، چگونه نیت نماید؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از سوی میّت قربانی می‌کنم، یا به وکالت از سوی نایب میّت؟ و در هر صورت، آیا ذکر نام میّت هم لازم است؟

**جواب:** بردن نام میّت لازم نیست، بلکه کافی است نیت کند که آنچه را بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

**سؤال ۱۷۶-** نایی پس از ورود به مکه شک می‌کند که آیا هنگام نیت احرام، نیت نیابت کرده یا نه؟ آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیت منوب عنه مُحرم شود، یا حج برای خودش محسوب می‌شود، و دیگر نمی‌تواند نایب باشد؟

**جواب:** در نیت، گذراندن از ذهن لازم نیست. اگر انگیزه او از آمدن به مکه و احرام نیابت بوده، عمل را به عنوان نیابت انجام می‌دهد، ولی اگر از اول مردّد بوده به چه قصدی حج بجا آورد، می‌تواند به نیت اجمالی (یعنی همان نیت موقع احرام) عمل خود را به اتمام برساند، ولی برای نیابت کفایت نمی‌کند.

**سؤال ۱۷۷-** آیا برای کسی که در طواف عمره تمتع یا طواف حج، نایب شده جایز است که طواف را در غیر ایّام حج انجام دهد؟

**جواب:** باید طواف حجّ تمتع را تا آخر ذی الحجه، و طواف عمره تمتع را در ماههای حج، قبل از عرفات بجا آورد.

**سؤال ۱۷۸-** آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می‌آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟



**جواب:** واجب نیست.

**سؤال ۱۷۹-** اگر مردی که قادر است در روز رمی جمرات کند، از سوی زنی نایب شود، آیا می‌تواند رمی را در شب انجام دهد؟

**جواب:** نمی‌تواند.

**سؤال ۱۸۰-** شخصی در میقات محرم شده، و لثیک می‌گوید، سپس به فکر می‌افتد که چون سفر دوّم اوست، برای پدر، یا مادر، یا یکی از خویشاوندان، حجّ تبرّعی انجام دهد. آیا می‌تواند عدول کند، و دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود؟

**جواب:** اگر به احرام صحیح محرم شده نمی‌تواند نیت را عوض کند؛ بلکه باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته به انجام برساند.

**سؤال ۱۸۱-** شخصی به عنوان نیابت از دیگری در مسجد شجره محرم شده، و به مکه آمده است. در جلسات آموزشی مناسک حج، متوجه می‌شود که خودش مستطیع بوده است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** احتیاطاً عمره را تمام کند، و طواف نساء را بجا آورد، و سپس به میقات برگردد، و برای حجّ خودش محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد، و گرنه اجاره او صحیح است، و در آن سال مستطیع نیست.

**سؤال ۱۸۲-** آیا نایب می‌تواند با نذر قبل از میقات محرم گردد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۸۳-** آیا جایز است در یک سال اصالتاً از طرف خودم و نیابتاً از طرف دیگری حج بجا آورم؟

**جواب:** در یک سال نمی‌توان بیش از یک حج انجام داد، ولی می‌توان در هر ماه قمری یک عمره مفرده بجا آورد.

**سؤال ۱۸۴-** آیا می‌توانیم عمره مفرده، یا طواف مستحبی، را به نیابت از چند نفر انجام دهیم؟ آیا در اعمال آن، از جمله طواف نساء باید نیت همه شود، یا نیت بعضی از آنها کافی است؟

**جواب:** می‌توانید به نیابت از چند نفر انجام دهید، و باید همه چیز آن به نیت همه باشد.

**سؤال ۱۸۵-** آیا انجام یک عمره مفرده استحبابی به نیت خود، و به نیابت تبرّعی از دیگران صحیح است؟

**جواب:** احتیاط آن است که آن را به نیت خود بجا آورد، و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد به دیگران هدیه کند.

**سؤال ۱۸۶-** شخصی به نیابت از پدر مرحومش عازم حج می‌باشد. مخارج اعمال بعدی، از جمله فراهم کردن ارز، بر عهده کیست؟ آیا می‌تواند از ثلث مال او بردارد؟

**جواب:** هر گاه پدرش در اولین فرصت استطاعت ثبت نام کرده، و قبل از رفتن به حج فوت نموده، نیابت از او واجب نیست، و تنها در صورتی که ورثه راضی باشند می‌توان برای او حج بجا آورد، ولی اگر قبلاً مستطیع شده، و در ثبت نام و رفتن به حج کوتاهی نموده، باید برای او حج میقاتی انجام دهند؛ مگر این که وصیت کرده باشد حج بلدی بجا آورند، و آن مقدار از ارز که برای انجام حج ضروری است از ثلث بر می‌دارند، و اگر بتوانند فیش بانکی او را طبق موازین قانونی بفروشند و با قسمتی از آن اجیر بگیرند، احتیاط واجب آن است که چنین کنند.

**سؤال ۱۸۷-** پدری تمام اموالش را به دو تن از فرزندانش مصالحه می‌کند؛ مشروط بر این که پس از مرگ وی شخصی را به نیابت از او، حداکثر ظرف چهار سال، به مکه بفرستند. فرزندان طبق شرط در سال

چهارم کسی را از شهر خود روانه کرده‌اند، ولی نایب هنگامی که به شهر دیگر رسید شخص دیگری را برای حجّ میقاتی اجیر کرد، و نایب دوّم حجّ میقاتی را انجام داد. در حالی که اولاً فرزندان میّت از این جریان اطلاع نداشتند، و ثانیاً حجّ میقاتی برای مردم آنجا شناخته شده نیست.

لطفاً در این مورد به سوّالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا نایب، حقّ نایب گرفتن دیگری را داشته است؟

جواب: نایب حقّ نایب قرار دادن دیگری را ندارد.

ب) آیا طبق آنچه انجام شده، میّت بری الذّمه شده است؟

جواب: حجّ انجام گرفته صحیح می‌باشد، و میّت بری الذّمه شده

است.

ج) حکم مصالحه چیست؟

جواب: مصالحه به قوّت خود باقی است.

د) آیا فرزندان به شرط عمل کرده‌اند؟ یا عمل نشده و اموال میّت باید

بین همه ورثه تقسیم شود؟

جواب: باید پول حج را از نایب اول باز پس بگیرند، و احتیاط واجب

آن است که میان ورثه تقسیم کنند.

سؤال ۱۸۸- نایب عمره تمّتع را انجام داده، و بعد ناچار شده که به ایران

باز گردد. آیا می‌تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید، تا حج تمّتع را

تکمیل کند؟

جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۱۸۹- پیرمرد یا پیرزنی محرم شده، اما هوش و حواس کافی ندارد.

مثلاً به هنگام نماز از «ایاک نعبد» به «غیر المغضوب علیهم» منتقل

می‌شود آیا لازم است برای وی نایب گرفته شود؟

**جواب:** به مقداری که خودش می تواند انجام دهد، و نایب هم بگیرد.  
**سؤال ۱۹۰-** جنابعالی نیابت از چند نفر را به صورت مشترک جایز نمی دانید. آیا در این مساله بین اشتراک خود و دیگران، یا اشتراک چند نفر بدون خودش تفاوتی هست؟

**جواب:** صورت اخیر اشکال ندارد (البته در حج و عمره استحبایی).  
**سؤال ۱۹۱-** نیابت حج، یا عمره، یا طواف از سوی جنین در رحم چه حکمی دارد؟

**جواب:** مشروع نیست.

**سؤال ۱۹۲-** شخصی پس از احرام عمره تمتع متأسفانه دیوانه شد دوستانش بدون اجازه وی برایش نایب گرفته، یا تبرعاً و مجاناً بقیه اعمالش را به جا آورده اند. آیا این کار برای آن شخص کفایت کرده، و از احرام خارج شده است؟ اگر پولی خرج شده باشد، آیا می توان از ولیّ مجنون گرفت؟

**جواب:** نیابت مزبور کفایت نمی کند، و شخص اوّل همچنان در احرام باقی است، و پولی که خرج شده از جیب کسی که خرج کرده رفته، و نمی تواند از ولیّ مجنون بگیرد، ولی چنانچه او را فریب داده باشد، مثلاً کسی گفته باشد شما این کار را انجام دهید من اجرت آن را از ولیّ او می گیرم و به شما می دهم، در این صورت می تواند از همین شخص بگیرد، و احتیاط آن است که ولیّ مجنون برای او نایب بگیرد که بقیه اعمالش را انجام دهند.

**سؤال ۱۹۳-** آیا نیابت خدمه ای که پیش از طلوع صبح به همراه خانمها به منی می روند، ولی قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر رسانده، و وقوف رکنی مشعر را درک می کنند، صحیح است؟

**جواب:** اگر لازم است با زنها به منی بروند گناهی نکرده‌اند، و چنانچه از ذوی الاعذار نبوده‌اند (یعنی عذرشان عارضی است)، در فرض سؤال نیابت آنها اشکال ندارد.

**سؤال ۱۹۴-** کسانی که به جهت حجّ نیابتی به حج مشرف می‌شوند، علاوه بر اعمال واجب، چه مقدار از مستحبات را باید به نیابت از منوب عنه انجام دهند؟

**جواب:** به مقداری که معمول و متعارف در میان حجّاج است.

### نیابت در اعمال

**مسأله ۱۹۵-** هرگاه ولیّ کودک وی را محرم کند، باید او را وادار نماید تا آن مقدار از اعمال حجّ و عمره را که می‌تواند بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، ولیّ به نیابت از وی انجام دهد.

### استفتائات نیابت در اعمال

**سؤال ۱۹۶-** اگر مادری، دختر بچّه (مثلاً) سه ساله‌اش را در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و آنچه از اعمال را دختر بتواند انجام دهد او را وادار به انجام آن کند، و آنچه را قادر نیست مادر به نیابت از او انجام دهد. آیا حجّ این دختر صحیح است، و پس از رشد و بلوغ می‌تواند ازدواج کند؟

**جواب:** آری از احرام خارج شده، و می‌تواند ازدواج کند.

**سؤال ۱۹۷-** یکی از حجّاج را در روز عید قربان و قبل از تراشیدن سر دستگیر کرده و به ایران فرستاده‌اند. آیا رفقای او می‌توانند از وی نیابت نموده، بقیّه اعمالش را انجام دهند؟ چنین شخصی چگونه از احرام خارج می‌شود؟

**جواب:** این کار بدون این که نیابت به کسی بدهد صحیح نیست، و برای خروج از احرام اگر ممکن است باید به منی بیاید و تقصیر کند، سپس اعمال بعدی را انجام دهد تا از احرام خارج شود، و اگر نمی تواند به منی برود، در محلّ خودش حلق یا تقصیر می کند، و بنا بر احتیاط مستحب موهای خود را به منی می فرستد، و برای اعمال بعدی نایب می گیرد.

**سؤال ۱۹۸-** زنی در روز نهم ذی الحجّه، در صحرای عرفات دیوانه می شود، و او را به بیمارستان منتقل می کنند. همراهانش تا آخرین لحظه ای که می توانستند در مکه بمانند، همراهش ماندند، ولی متأسفانه بهبودی نیافت. آیا شوهرش که همراه اوست می تواند برای او نایب بگیرد، یا خودش باقی اعمال او را انجام دهد؟

**جواب:** در صورتی که سال اوّل استطاعت اوست حج بر او واجب نشده، و لازم نیست برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد باید به وظائف خود عمل کند، و چنانچه وقت گذشته لاقبل اعمال عمره مفرده را بجا آورد تا از احرام خارج شود.

**سؤال ۱۹۹-** آیا شرط ایمان نایب، که در اصل نیابت حج شرط است، در ذبح و سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی جمرات و طواف، نیز شرط است؟

**جواب:** در ذبح شرط نیست؛ ولی در بقیّه موارد بنا بر احتیاط واجب شرط است.

## فصل سوم

### حجّ مستحبّی

**مسأله ۲۰۰-** مستحب است برای کسانی که استطاعت ندارند، یا سایر شرایط در آنها جمع نیست، یا حج واجب را بجا آورده‌اند، حج بجا آورند، بلکه مستحب است هر سال تکرار کنند؛ ولی چنانچه ازدحام بیش از حدّ حجّاج، تولید مزاحمت شدید برای کسانی که هنوز حج بجا نیاورده‌اند می‌کند، سزاوار است کسانی که حجّ واجب بجا آورده‌اند موقتاً از انجام حجّ مستحبّی خودداری نمایند. همچنین سزاوار است هنگام نوبت گذاری، مسؤولین نوبت را به کسانی دهند که می‌خواهند برای نخستین بار حجّ واجب بجا آورند، ولی اگر خانه خدا (فرضاً) یک سال به اندازه کافی زائر نداشته باشد، بر حاکم شرع واجب است عده‌ای را با هزینه بیت المال به حج بفرستد؛ هر چند حجّ واجب خود را انجام داده باشند.

**مسأله ۲۰۱-** در حجّ مستحبّی زن، اجازه شوهر لازم است. حتی اگر حجّ مستحبّی فرزند بدون اجازه پدر یا مادر باعث آزار آنها شود اشکال دارد.

**مسأله ۲۰۲-** کسی که هزینه حج را ندارد مستحبّ است قرض کند و به حج برود؛ مشروط بر این که بتواند قرض را بدون مشقّت اداء کند.

**مسأله ۲۰۳-** کسی که مال ندارد تا با آن به حج برود، مستحب است با اجیر شدن و نیابت از دیگری، به حج برود.

**مسأله ۲۰۴-** مستحب است در وقت خارج شدن از مکه، نیت برگشتن نماید، و مکروه است قصد برنگشتن داشته باشد؛ مگر این که انجام حج‌های مستحبی پی در پی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب شود، که در این صورت بهتر است مجال را به آنها بدهند.

**مسأله ۲۰۵-** مستحب است که از اموال خود از طرف خویشاوندان یا دوستان و بزرگان حج بجا آورد؛ چه زنده باشند، یا از دنیا رفته باشند. همچنین مستحب است از طرف معصومین علیهم‌السلام حج نیابتی انجام دهد، و نیز انجام طواف از طرف آنها، یا دیگران مستحب است؛ مشروط بر این که آنها در مکه نباشند، یا معذور باشند.

**مسأله ۲۰۶-** بعد از انجام حج مستحبی می‌تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همان گونه که می‌تواند هنگام شروع آن را به نیت دیگری آغاز کند.



## فصل چهارم

### حجّ نذری

**مسأله ۲۰۷-** کسی که عاقل و بالغ باشد، و از روی قصد و اختیار نذر کند که حج بجا آورد، حج بر او واجب می‌شود؛ ولی نذر زن بدون اجازه شوهر - در صورتی که با حقّ او منافات داشته باشد - جایز نیست، و در صورتی که منافات نداشته باشد صحیح است، مثل این که زن همسفر شوهر باشد.

**مسأله ۲۰۸-** اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجّی بجا آورد، پس از ازدواج جهت انجام فریضه حج، اجازه شوهر لازم است، و شوهر حقّ ممانعت دارد.

**مسأله ۲۰۹-** هرگاه نذر حج کند و زمانی برای آن تعیین نکند می‌تواند آن را تأخیر بیندازد؛ (ولی احتیاط آن است که زیاد به تأخیر نیندازد). و اگر زمانی برای آن معین کرده، واجب است در همان زمان انجام دهد، و چنانچه عمداً انجام ندهد باید کفّاره<sup>۱</sup> بدهد، و احتیاط آن است که حج را نیز قضا کند.

**مسأله ۲۱۰-** هرگاه کسی نذر کند اگر فلان حاجتش روا شد حج بجا آورد،

---

۱. کفّاره نذر مانند کفّاره روزه ماه مبارک رمضان است.

و قبل از روا شدن آن از دنیا برود، قضای نذر لازم نیست؛ اما اگر بعد از روا شدن حاجت از دنیا برود، باید ورثه او آن را قضا کنند، یا برای او اجیر بگیرند، و احتیاط آن است که پول آن را با رضایت ورثه (اگر همه کبیر باشند) از اصل ترکه بردارند.

## فصل پنجم

### حجّ بذلی

**مسأله ۲۱۱-** هرگاه کسی مخارج رفتن به مکه را ندارد، ولی دیگری مالی به او می‌بخشد، یا در اختیار او می‌گذارد که با آن حج برود، و مخارج زن و فرزند او را نیز در این مدّت می‌پردازد، بر چنین کسی حج واجب است؛ هر چند بدهکار باشد، و در موقع بازگشت نیز وسیله کافی برای امرار معاش نداشته باشد، و قبول کردن چنین هدیه‌ای واجب است، مگر این که منت، یا ضرر، یا مشقّت غیر قابل تحمّلی به همراه داشته باشد، و این حج کفایت از حجّ واجب می‌کند، و آن را حجّ بذلی می‌نامند.

**مسأله ۲۱۲-** اگر شخصی مالی معادل مخارج حجّ به دیگری ببخشد که حج بجای آورد، باید قبول کند و طبق شرط عمل نماید. همچنین اگر پول دهنده بگوید: «مخیر هستی که با آن حج بجا آوری، یا در راه دیگر مصرف کنی» در این صورت نیز باید حج بجا آورد؛ بلکه اگر اسم حج را هم نیاورد، و فقط مال را به او ببخشد، احتیاط آن است که قبول کند و حج بجا آورد؛ مشروط بر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، و چنین حجّی، کفایت از حجّ واجب می‌کند.

**مسأله ۲۱۳-** در حجّ بذلی، دهنده پول می‌تواند از بذلش برگردد (مگر این که خویشاوند یکدیگر باشند) ولی اگر در بین راه باشد، باید هزینه بازگشت او را بپردازد، و اگر بعد از احرام باشد، بازگشت او اشکال دارد.

**مسأله ۲۱۴-** قربانی در حجّ بذلی بر عهده دهنده پول (بازل) می‌باشد، ولی کفّارات بر عهده وی نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که کفّارات غیر عمدی را بپردازد. و اگر باذل پول قربانی را ندهد حج واجب نمی‌شود. مگر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، که در این صورت حج بر وی واجب می‌گردد، و به جای قربانی روزه می‌گیرد.

**مسأله ۲۱۵-** مواردی که شخص، یا نهاد، یا ارگانی، فردی را بدون این که ملزم به انجام کاری باشد به حج می‌فرستد، شبیه حجّ بذلی است، و قبول آن لازم است و کفایت از حجّ واجب می‌کند.

**مسأله ۲۱۶-** کسی که توانایی سفر حج ندارد، و امیدی به تواناییش در آینده نیز نمی‌باشد، علاوه بر این، از نظر مالی نیز مستطیع نیست، اگر شخصی نفقه حج او را بدهد، حج بر او واجب نمی‌شود تا شخصی را نایب کند که از طرف او به حج برود، همچنین است اگر شخصی او را میهمان کند.

## فصل ششم

### اقسام حج

**مسألة ۲۱۷-** حج بر سه گونه است: «حج تمتع»، «حج قران» و «حج افراد».

**مسألة ۲۱۸-** «حج تمتع» وظیفه کسانی است که فاصله محل سکونت آنها تا مکه معظمه چهل و هشت میل (یعنی حدود هشتاد و شش کیلومتر) یا بیشتر باشد و «حج قران» و «افراد» وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که منازل آنها در کمتر از این مسافت قرار داشته باشد.

**مسألة ۲۱۹-** کسی که اهل مکه است اگر به خارج از مکه سفر کند، سپس به سوی مکه بازگردد، می تواند «حج تمتع» یا «حج قران» و «افراد» بجا آورد.

**مسألة ۲۲۰-** کسی که خارج از مسافت مذکور زندگی می کند، هرگاه بیش از دو سال در مکه اقامت نماید، وظیفه او همان وظیفه اهل مکه است؛ خواه قبلاً مستطیع بوده، و یا پس از اقامت مستطیع شده باشد، و خواه اقامت او به قصد همیشگی باشد، یا به قصد یک مدت محدود.

**مسألة ۲۲۱-** «حج افراد» مانند «حج تمتع» است، با این تفاوت که اولاً:

در حجّ تمتّع قربانی هست و در «حجّ افراد» قربانی واجب نیست؛ هر چند استحباب دارد. ثانیاً: عمره حجّ افراد پس از انجام مناسک حجّ است، بر خلاف عمره تمتّع که قبل از حج انجام می‌شود. ثالثاً: عمره تمتّع طواف نساء ندارد، ولی عمره مفرده که بعد از حجّ افراد انجام می‌شود طواف نساء دارد. در حقیقت این گونه افراد دو طواف نساء انجام می‌دهند؛ یکی در پایان حج و دیگری در پایان عمره مفرده.

**مسأله ۲۲۲-** زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتّع بجا آورد، باید قصد حجّ افراد کند، و با همان احرام عمره تمتّع که عدول به افراد کرده به عرفات برود، و مثل سایر حجّاج تمام اعمال حج را به جز قربانی که بر او واجب نیست انجام دهد؛ و به این ترتیب حجّ او کامل می‌شود، و بعد عمره مفرده بجا می‌آورد.

## استفتائات اقسام حج

**سؤال ۲۲۳-** آیا منظور از اقامت دو سال در مکه معظّمه، اقامت مستمر و پی در پی است، یا این حکم شامل کسانی که چندین ماه از سال را در آنجا مقیم هستند، مخصوصاً ماههای حج، و در طول سه چهار سال در مجموع دو سال آن را در مکه بوده‌اند، نیز می‌شود؟

**جواب:** منظور اقامت مستمرّ عرفی است.

**سؤال ۲۲۴-** عمره مفرده در حجّ افراد را تا چه زمانی می‌توان بدون عذر تأخیر انداخت؟

**جواب:** احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

**سؤال ۲۲۵-** کسی که حشش تبدیل به حجّ افراد شده و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد، اگر همان سال عمره مفرده را انجام ندهد، بلکه سال بعد که به حج می‌رود، عمره مفرده را بعد از اعمال حج بجا آورد، آیا کفایت می‌کند؟

**جواب:** باید توجّه داشت که عمره مفرده را در هر ماه از سال می‌توان انجام داد؛ ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است، نباید تأخیر بیندازد.





## فصل هفتم

### حجّ تمتّع

مسأله ۲۲۶- صورت حجّ تمتّع به طور اجمال چنین است:

#### الف) عمره تمتّع

عمره تمتّع حتماً باید در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود؛ و عمره تمتّع از پنج عمل زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- احرام بستن از میقات به قصد عمره تمتّع.
- ۲- هفت بار طواف خانه کعبه.
- ۳- دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم.
- ۴- سعی بین صفا و مروه (هفت بار).
- ۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن، ولی به گرفتن ناخن قناعت نشود.

پس از انجام اعمال پنجگانه فوق، از احرام بیرون می‌آید، و تمام چیزهایی که به خاطر احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود.

### ب) حجّ تمتّع

حجّ تمتّع شامل اعمال زیر است:

- ۱- احرام بستن از مگّه.
- ۲- وقوف (توقف کردن) در «عرفات» از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجه.
- ۳- وقوف در مشعر الحرام و ماندن در آنجا از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.
- ۴- رفتن به منی و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به محلی که در آخر منی قرار دارد، و نامش «جمره عقبه» است، می‌زند).
- ۵- قربانی کردن در منی روز عید قربان (دهم ذی الحجه).
- ۶- حلق یا تقصیر، یعنی تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن؛ ولی به ناخن تنها قناعت نکند.
- با انجام این شش عمل تمام آنچه با احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود، جز همسر و بوی خوش.
- ۷- هفت دور طواف خانه کعبه (این طواف، طواف زیارت نام دارد).
- ۸- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف.
- ۹- سعی (رفت و آمد) میان صفا و مروه.
- هنگامی که این سه عمل هم انجام شد، بوی خوش نیز بر محرم حلال می‌شود.
- ۱۰- طواف دیگری اطراف خانه کعبه بجا می‌آورد، و این طواف، طواف نساء نام دارد.
- ۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء.
- با انجام این دو عمل، همسر نیز بر او حلال می‌شود.

۱۲- بازگشت به منی و اقامت شب یازدهم و دوازدهم (و در بعضی حالات شب سیزدهم) در آنجا.

۱۳- رمی جمرات سه گانه (یعنی انداختن هفت سنگ در روز یازدهم و دوازدهم به هر کدام از سه محلی که در منی قرار دارد، و این سه محل جمره اولی، و وسطی، و جمره عقبه نام دارد).

بعد از ظهر روز دوازدهم با انجام این اعمال، می‌تواند به مکه باز گردد و حجّ او تمام است.

این بود اعمال پنجگانه عمره تمتّع و اعمال سیزدهگانه حجّ تمتّع، که شرح جزئیات آن در مسائل آینده خواهد آمد.

**مسأله ۲۲۷-** لازم نیست حاجی تمام احکام حج را قبل از سفر حج بداند، و کافی است که نیت عمره تمتّع یا حجّ تمتّع نماید؛ یعنی نیت کند عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده انجام دهد، و تفصیل هر یک از اعمال را به هنگام عمل از روحانی کاروان، یا رساله مناسک حج فرا گیرد، و سپس عمل کند. البته فراگیری اعمال حج قبل از سفر حج بهتر و موافق احتیاط است.



## شرایط حجّ تمتّع

مسأله ۲۲۸- در حجّ تمتّع پنج چیز شرط است:

۱- نیت؛ یعنی قصد کند برای خدا این اعمال را به عنوان «حجّ تمتّع» بجا آورد؛ بنابراین اگر نوع دیگری از حج را قصد کند، یا مردّد میان «حجّ تمتّع» و نوع دیگری باشد، یا قصد او خالص برای خدا نباشد، حجّش صحیح نیست.

۲- «عمره» و «حج» باید هر دو در ماههای حج (ماه شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود؛ بنابراین اگر تمام عمره، یا قسمتی از آن، را قبل از ماه شوال انجام دهد کافی نیست.

۳- احرام «حجّ تمتّع» همانطور که گفته شد، باید از خود مکّه باشد، و تفاوتی میان محلّه‌ها و مناطق مختلف مکّه قدیم و جدید نیست، خواه از منزل باشد، یا از مسجد الحرام، حتّی در کوچه یا خیابان مکّه می‌تواند قصد احرام کند، ولی بهتر از همه جا برای احرام حج «مسجد الحرام» است.

۴- «عمره تمتّع» و «حجّ تمتّع» هر دو را باید در یک سال انجام دهد؛ بنابراین اگر یکی را امسال و دیگری را سال دیگر در ماههای حج انجام دهد صحیح نیست.

۵- در صورتی که «حجّ تمتّع» عنوان نیابت داشته باشد باید «عمره» و «حج» هر دو به وسیلهٔ یک نفر انجام شود؛ بنابراین اگر یک نفر عمره تمتّع، و دیگری حج را بجا آورد، کافی نیست.

**مسألهٔ ۲۲۹-** شهر مکه امروز بسیار بزرگ شده است، با این حال تمام آنچه به نام مکه نامیده می‌شود احکام مکه را دارد، همان گونه که مسجد الحرام توسعه یافته، در عین حال تمام آن احکام مسجد الحرام را دارد.

**مسألهٔ ۲۳۰-** کسی که وظیفهٔ او «حجّ تمتّع» است نمی‌تواند به «حجّ افراد» یا «حجّ قرآن» تغییر نیت دهد؛ مگر این که وقت تنگ باشد، به طوری که نتواند عمرهٔ تمتّع را تمام کرده و به حج برسد. در این صورت می‌تواند «عمرهٔ تمتّع» را رها کرده، نیت حجّ افراد یا قرآن کند، و وظائف حج را بجا آورد، و بعد از پایان حج، عمرهٔ مفرده انجام دهد (مانند سایر کسانی که حجّ قرآن و افراد انجام می‌دهند) و منظور از تنگ بودن وقت برای حج این است که نتواند وقوف در عرفات را، که از ظهر تا غروب روز عرفه است، درک کند.

**مسألهٔ ۲۳۱-** هرگاه زن گرفتار عادت ماهانه شود و نتواند طواف و نماز طواف را، که شرط آن طهارت است، پیش از رسیدن زمان اعمال حج (و وقوف به عرفات) انجام دهد، باید نیت حجّ افراد کند، و با همان احرام به عرفات برود، و اعمال حج را انجام دهد، و بعد از بازگشت به مکه و پاک شدن، طوافهای حج و نمازهای طواف را انجام دهد، و پس از اتمام حج برای عمره مفرده به مسجد تنعیم - که در حاشیه مکه قرار دارد - رفته و از آنجا محرم شود، و اعمال عمرهٔ مفرده را انجام دهد، و احتیاط واجب آن است که در پایان آن طواف نساء را نیز بجا آورد.

**مسألهٔ ۲۳۲-** مانعی ندارد که زنان به وسیلهٔ خوردن قرص و مانند آن از

عادت ماهانه خود جلوگیری کرده؛ تا بتوانند اعمال حجّ تمتّع، از جمله طواف و نماز طواف را، در حال پاکی انجام دهند.

**مسأله ۲۳۳-** در احرام طهارت شرط نیست بنابراین شخص حائض و مستحاضه و جنب می‌توانند محرم شوند هر چند استحباب مؤکّد پاک بودن است (طهارت فقط در طواف و نماز طواف شرط است).<sup>۱</sup>

---

۱. وظیفه مستحاضه، حائض و جنب در بخش استفتائات شرایط طواف، صفحه ۱۸۲ به بعد آمده است.





## فصل هشتم

### میقات‌های احرام

**مسأله ۲۳۴-** منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای حج یا عمره احرام بست، و بدون احرام نمی‌توان از آن گذشت.

**مسأله ۲۳۵-** میقاتهای احرام ده محل است، که پنج میقات آن است اصلی است:

#### ۱- مسجد شجره

**مسأله ۲۳۶-** «مسجد شجره» در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می‌نامند. تمام کسانی که می‌خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا مُحرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» - که میان راه مکه و مدینه است - محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی‌توانند از مسجد شجره محرم شوند.

**مسأله ۲۳۷-** واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می‌توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و

مسجد امروز - که بسیار توسعه یافته - وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می‌توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

**مسئله ۲۳۸-** شخص جنب یا حائض می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقّف کند. همان گونه که می‌تواند در خارج از مسجد محرم شود.

**مسئله ۲۳۹-** چنانچه شخص جنب یا حائض بر اثر ازدحام جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موقّق بر غسل نیز نشود، می‌تواند تیمّم بدل از غسل حیض یا جنابت کند، و از داخل مسجد محرم شود، و نیز می‌تواند بیرون مسجد احرام ببندد.

**مسئله ۲۴۰-** احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد، و مستحبّ است که در محلّ اصلی و قدیمی مسجد احرام ببندند؛ هر چند در قسمتهای توسعه یافته مسجد، بلکه در خارج از مسجد - چنان که گفتیم - نیز می‌توان احرام بست.

## ۲- جُحْفَه

**مسئله ۲۴۱-** «جحفه» محلی است میان مکه و مدینه در فاصله ۱۵۰ کیلومتری مکه، و فعلاً با جاده اصلی مقداری فاصله دارد، و در آنجا مسجد بزرگی ساخته‌اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می‌آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند.

**مسئله ۲۴۲-** مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می‌شوند، و نمی‌خواهند به مدینه بروند، می‌توانند به جحفه رفته و از آنجا محرم شوند، سپس به مکه بروند، و چنین افرادی نمی‌توانند از جدّه یا حدیبیه برای عمره تمتّع محرم شوند.

**مسأله ۲۴۳-** همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می‌توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، و بهتر داخل مسجد است، ولی زنان حائض از بیرون مسجد محرم می‌شوند.

### ۳- وادی عقیق

**مسأله ۲۴۴-** «وادی عقیق» محلی است در سمت شمال شرقی مکه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می‌کنند، می‌توانند از آنجا مُحَرَّم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اول را «مَسْلَخ» می‌نامند، و قسمت دوم را «عَمْرَه»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می‌گویند، و احرام بستن از تمام آنها جایز است، هر چند افضل احرام از «مَسْلَخ» است.

### ۴- قرن المنازل

**مسأله ۲۴۵-** «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آنجا، یا کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می‌شوند، می‌توانند به آنجا رفته و از آنجا محرم شوند، هم اکنون در آنجا مسجدی وجود دارد که همه می‌توانند از آن محرم شوند.

### ۵- یلملم

**مسأله ۲۴۶-** «یلملم» نام کوهی است در نواحی جنوبی مکه، که حدود ۸۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات کسانی است که از جنوب شبه

جزیره عربستان، مانند یمن، به سوی مکه می‌آیند، و نیز تمام کسانی که از آنجا می‌گذرند، می‌توانند از آنجا محرم شوند. این پنج میقات، میقاتهای اصلی عمره تمتع است.

### ۶- شهر مکه

**مسأله ۲۴۷-** «مکه» میقات برای حج تمتع است؛ یعنی پس از انجام عمره، برای ادای مناسک حج، که نخستین عمل آن رفتن به «عرفات» است، از شهر مکه احرام می‌بندد.

**مسأله ۲۴۸-** فرقی بین محلات مکه نیست، و از هر نقطه آن می‌توان مُحْرِم شد؛ حتی در نقاطی که - بر اثر توسعه شهر مکه - امروز به آن اضافه شده است، ولی احتیاط واجب آن است که از محدوده حرم خارج نباشد؛ مثلاً امروزه که مکه امتداد یافته و از مسجد تنعیم، که نزدیکترین حد حرم است، فراتر رفته، اگر کسی از نقاطی که بیرون از حد حرم است محرم شود، احرام حج تمتع او خالی از اشکال نیست، و بهتر از همه جا مسجد الحرام است.

### ۷- منزل خود انسان

**مسأله ۲۴۹-** کسانی که منزلشان از میقات به مکه نزدیکتر است، محل احرام آنان همان «منزل خودشان» است؛ ولی جایز بلکه بهتر است که آنها هم به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف رفته، و از آنجا محرم شوند.

### ۸- جعرانه

**مسأله ۲۵۰-** «جعرانه» محلی است در انتهای حرم میان طائف و مکه، و

بنابر احتیاط واجب اهل مکه باید از آنجا احرام ببندند. همچنین کسانی که مدّت دو سال در مکه اقامت کرده‌اند.

### ۹- محاذات یکی از میقاتها

**مسأله ۲۵۱-** کسانی که از میقات نمی‌گذرند هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسند باید از همانجا محرم شوند، و لزومی ندارد که حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف بروند، و اگر از محاذات دو میقات می‌گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می‌رسند احرام ببندند، و در محاذات میقات بعد، نیت احرام را تجدید نمایند.

**مسأله ۲۵۲-** کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست).

**مسأله ۲۵۳-** منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می‌رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده، به گونه‌ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

**مسأله ۲۵۴-** اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد اطمینان بپرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد محاذات باشد بنابر احتیاط با نذر محرم می‌شود.

**مسأله ۲۵۵-** هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقاتها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات رود و از آنجا محرم شود، یا به جایی برود که محاذی یکی از میقاتها باشد، و اگر آن هم امکان ندارد، از هر جا که احتمال می‌دهد محاذی یکی از میقاتهاست محرم می‌شود، سپس به

اولین نقطه حرم (در اطراف مکه) که رسید، احرام خود را تجدید می‌کند (یعنی دوباره نیت نموده، و لَبَّیک گوید).

**مسئله ۲۵۶-** در مسأله محاذات میقات، فرقی میان صحرا و دریا نیست.

**مسئله ۲۵۷-** کسانی که با هواپیما به جده می‌روند نمی‌توانند از جده یا حدیبیه (برای عمره تمتع) محرم شوند؛ بلکه باید به یکی از مواقیت پنج‌گانه، یا به محاذات میقات، بروند و از آنجا محرم شوند، و اگر نمی‌توانند احتیاطاً نذر کنند و در همان جده محرم شوند، و در ابتدای حرم تجدید احرام کنند.

**مسئله ۲۵۸-** محاذات با علم و یقین و نیز شهادت دو شاهد عادل ثابت می‌شود، و اگر از این دو راه ثابت نشد، هرگاه از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند گمان قوی حاصل شود کافی است. همچنین از قول کسانی که اهل خبره هستند، و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند، اگر گمان قابل ملاحظه‌ای حاصل شود ظاهراً کافی است.

**مسئله ۲۵۹-** در صورتی که ثابت نشود «رابع» محاذی جحفه است، احرام از آن محل صحیح نیست.

## ۱۰- اَدْنَى الْحَلِّ

**مسئله ۲۶۰-** «اَدْنَى الْحَلِّ» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می‌آورند. (اعم از عمره حج قِران و افراد، یا عمره مفرده که در هر موقع از سال می‌توان انجام داد).

**مسئله ۲۶۱-** بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محلّ: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، و آسانتر برای کسانی که می‌خواهند بعد از حج، عمره مفرده

بجا آورند این است که به مسجد تنعیم - که حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است - بروند، و از آنجا محرم شوند.

**مسئله ۲۶۲-** کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکه می‌روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است).<sup>۱</sup>

**مسئله ۲۶۳-** اگر شخصی در مکه باشد و بخواهد عمره تمتّع بجا آورد، و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتّع معذور باشد، لازم است به خارج از حرم، مانند مسجد تنعیم، برود و از آنجا محرم شود، و از ادنی الحل کافی است.

**مسئله ۲۶۴-** میقات شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره تمتّع، همان مواقیت پنجگانه معروف است، ولی برای عمره مفرده می‌توانند مانند سایرین از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند، و چنانچه بر اثر جهل به مسئله در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود. در صورت علم و عمد نیز حکم مسئله همین است، ولی در صورت جهل، اگر بعد از اعمال مسئله را بفهمند عمل آنان صحیح است.

**مسئله ۲۶۵-** بهتر این است احرام عمره مفرده نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه (مسجد شجره، جحفه، قرن المنازل، وادی عقیق و یلملم) انجام گیرد، بنابراین کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می‌روند، بهتر است از مسجد شجره یا لااقل از جحفه محرم شوند؛ هر چند از

۱. حدیبیه در کنار جاده قدیم «جدّه، مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمشیه مسجدی ساخته‌اند که محاذی آن است، و می‌توان از آنجا محرم شد.

«حدیبیه» یا محاذی آن در جاذه جدید نیز مانعی ندارد.

مسأله ۲۶۶- ترتیب میقاتها به طور خلاصه بصورت زیر است:

- ۱- میقات «عمره حج تمتع» یکی از میقاتهای پنجگانه معروف است؛ خواه حج واجب باشد یا مستحب.
- ۲- میقات «حج تمتع» مکه است.
- ۳- میقات «حج افراد یا قران» یکی از میقاتهای پنجگانه است.
- ۴- میقات «عمره مفرده» ادنی الحل است؛ یعنی نخستین محلی که از حرم بیرون باشد، مانند تنعیم و جعرانه و حدیبیه.
- ۵- میقات کسانی که خانه آنها بعد از میقات است، همان منزلشان می باشد، که برای «عمره تمتع» یا «حج افراد» و «حج قران» می توانند از آنجا محرم شوند، ولی بهتر است آنها نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه احرام ببندند.



## احکام میقات‌ها

**مسأله ۲۶۷-** احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید در خود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت:

۱- در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شک کند، می‌تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲- برای کسی که می‌خواهد عمره ماه رجب را بجا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

**مسأله ۲۶۸-** رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حداقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن.

**مسأله ۲۶۹-** کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفتهٔ راهنما، یا رئیس کاروان، که می‌گوید فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفتهٔ آنها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظنّ حاصل از گفتهٔ اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند.

**مسأله ۲۷۰-** عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوم صحیح است؛ هر چند کار خلافی کرده است.

**مسأله ۲۷۱-** جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

**مسأله ۲۷۲-** کسانی که برای عمرهٔ مفرده به مکه مشرف می‌شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردند، و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می‌شوند.

**مسأله ۲۷۳-** هرگاه از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد، باید به میقات بازگردد و مُحرم شود، و اگر نتواند بازگردد حجّ او باطل است، و باید سال بعد بجا آورد.

**مسأله ۲۷۴-** اگر بدون احرام از میقات بگذرد، و میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم نیست به میقات اوّل بازگردد، بلکه از میقات دوم محرم می‌شود.

**مسأله ۲۷۵-** هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام ببندد، و

اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می‌بندد.

**مسئله ۲۷۶-** هرگاه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می‌تواند، باید به میقات برگردد و مُحْرَم شود، و اگر نمی‌تواند، به خارج حرم رود و در آنجا احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و حجّ و عمره او صحیح است.

**مسئله ۲۷۷-** همانطور که قبلاً گفته شد احرام برای حجّ تمتّع از خود مکه است. حال اگر از روی جهل یا فراموشی بدون احرام به سوی «عرفات» حرکت کند، چنانچه امکان داشته باشد به مکه برمی‌گردد و محرم می‌شود، و اگر نتواند به مکه برگردد، در خود «عرفات» یا «مشعر» یا «منی» (قبل از رمی جمرات و قربانی کردن) محرم می‌شود، و اگر بعد از رمی جمرات و قربانی یادش بیاید، وقت احرام گذشته، ولی حج او صحیح است.

**مسئله ۲۷۸-** هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او صحیح است؛ خواه در عمره تمتّع باشد، یا حج، یا عمره مفرده.

**مسئله ۲۷۹-** کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته، و عمره مفرده بجا آورده، و تا ماههای حج در مکه مانده، باید برای احرام عمره تمتّع به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف برود، و نمی‌تواند از «تنعیم» محرم شود.

**مسئله ۲۸۰-** خدمه کاروانها می‌توانند عمره تمتّع را بجا آورند، و از احرام خارج شوند، سپس برای انجام کارهای ضروری به جدّه، یا مدینه، یا مانند آن بروند، ولی باید مطمئن باشند که به موقع به حج می‌رسند، و اگر بخواهند به عمره مفرده قناعت کنند (البته در صورتی که سال اول آنها

نباشد) جایز است از ادنی الحل محرم شوند؛ مثلاً می‌توانند از حدیبیه که در وسط راه جدّه و مکه است محرم شوند، و در هر دو صورت اگر از مکه خارج شوند، و در همان ماه قمری که عمره انجام داده‌اند وارد شوند، احرام مجدد لازم نیست. در غیر این صورت، باید برای عمره مفرده دیگری محرم شوند.

## استفتائات مواقیت و احکام آن

**سؤال ۲۸۱-** هرگاه حائض یا جنب، عمدأ و عصبانأ وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجا توقّف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟

**جواب:** اگر عمدأ باشد خالی از اشکال نیست؛ ولی همان گونه که قبلاً گفته‌ایم احرام از خارج مسجد نیز جایز است.

**سؤال ۲۸۲-** عده‌ای از مردم طائف عازم مکه بودند، که مأمورین دولتی مانع از رفتن آنها به قرن المنازل جهت احرام شدند. بدین جهت، به وادی عقیق رفته و از آنجا احرام بستند. با توجه به این که میقات مردم طائف قرن المنازل است، نه «وادی عقیق» آیا احرام آنها صحیح بوده است؟

**جواب:** آری احرام آنها صحیح است. هر کس به هر میقاتی رود و از آنجا محرم شود کافی است.

**سؤال ۲۸۳-** آیا میقات کسانی که به صورت موقت در مکه اقامت کرده‌اند، همان میقاتهای پنجگانه معروف است، یا باید از خود مکه محرم شوند؟

**جواب:** اگر فریضة آنها تبدیل نشده، یعنی دو سال در مکه نمانده‌اند،

باید از میقاتهای معروف احرام ببندند، و اگر تبدیل شده، میقات آنها (احتیاطاً از منزلشان در) شهر مکه است.

**سؤال ۲۸۴-** آیا برای ساکنین مکه، که وظیفه آنها حج افراد است و آن را به جا آورده‌اند، و قصد دارند حج تمتع مستحبی انجام دهند، جایز است برای عمره تمتع از منزلشان، که از میقات به مکه نزدیکتر است، محرم شوند؟ به طور کلی در احرام عمره تمتع مستحبی، تفاوتی بین آفاقی<sup>۱</sup> و مکی هست؟

**جواب:** آنها می‌توانند از منزلشان محرم شوند؛ هر چند احرام آنها از یکی از میقاتهای پنجگانه نیز جایز است.

**سؤال ۲۸۵-** شخصی به قصد رفتن به جحفه جهت بستن احرام عمره تمتع، از جدّه حرکت می‌کند. به او می‌گویند: «فقط راه مکه باز است، و شما نمی‌توانید به جحفه بروید» متحیر می‌شود، از شخص ظاهراً آگاهی سؤال می‌کند. ایشان می‌گوید: «چون شما نمی‌توانید به میقات بروید، از جدّه محرم شوید» آن شخص هم از جدّه محرم می‌شود. آیا حج او درست است؟

**جواب:** احرام از جدّه کافی نیست، ولی چون شخص مزبور جاهل بوده، عملش صحیح است.

**سؤال ۲۸۶-** آیا احرام عمره تمتع از شهر جدّه جایز است؟

**جواب:** چون محاذی بودن شهر جدّه با هیچ یک از میقاتها مسلم نیست، باید برای احرام به میقات یا به محاذات میقات برود، و اگر هیچ کدام امکان ندارد، احتیاطاً با نذر محرم می‌شود، و سپس بنا بر احتیاط در ابتدای حرم تجدید احرام می‌کند.

۱. کسانی که از مکه و محدوده آن بیرون هستند.

**سؤال ۲۸۷-** آیا کسی که در یکی از میقاتها برای عمره تمتع محرم شده می‌تواند بر خلاف جهت مکه سفر کند، و پس از چند روزی به مکه بیاید. مثل این که در مسجد شجره محرم شود، و به مدینه بازگردد، و پس از چند روز به مکه برود؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۲۸۸-** کسی که در جدّه یا مدینه حالت روانی پیدا کرده، آیا لازم است با احرام وارد مکه گردد، یا بدون احرام نیز جایز است؟

**جواب:** مجنون تکلیفی ندارد، و احرام بر او واجب نیست؛ و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

**سؤال ۲۸۹-** آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۲۹۰-** زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می‌شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟

**جواب:** اگر نذر او منافاتی با حق شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

**سؤال ۲۹۱-** شخصی عمدتاً یا جهلاً یا سهواً بدون احرام وارد مکه شده، و بر اثر گرانی بیش از حد کرایه، یا ممنوعیت خروج از سوی دولت و مانند آن، نمی‌تواند به میقات برگردد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، باید از ادنی الحل (مانند تنعیم) محرم شود؛ مگر این که ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی‌تواند حج بجا آورد. هر چند احتیاط مستحب آن است که از ادنی الحل یا هر جا که می‌تواند محرم شود، و اعمال حج رابجا آورد، و سال آینده در صورت استطاعت دوباره به حج برود.





## فصل نهم

### اعمال عمره تمتع

#### ۱- احرام

مسأله ۲۹۲- نخستین اعمال عمره و حج «احرام» است، و واجبات «احرام» سه چیز است: «نیت»، «گفتن لبیک» و «پوشیدن لباس احرام».

#### اول: پوشیدن لباس احرام

مسأله ۲۹۳- شخصی که می‌خواهد احرام ببندد واجب است قبلاً لباسهایی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند. یکی را (که ازار گویند) به صورت لنگ دور کمر ببندد، و دیگری را مانند عبا بر دوش بیندازد (و آن را «رداء» گویند). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن دو جامه احرام، نه زیر لباسها و نه روی لباسها، لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می‌شود.

مسأله ۲۹۴- احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام و طرز پوشیدن آن به همین شکلی که معمول است باشد؛ یعنی لنگ را طوری ببندد که

لااقل از ناف تا زانو را بیوشاند، و رداء را روی شانه بیفکند، به طوری که بقیه بدن را بیوشاند، ولی جنس و رنگ خاصی در جامهٔ احرام شرط نیست، اما نباید دوخته باشد.

**مسئله ۲۹۵-** احتیاط واجب آن است که پوشیدن دو جامهٔ احرام قبل از نیت و گفتن لبیک باشد، و اگر بعد از لبیک بیوشد، احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

**مسئله ۲۹۶-** احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا فراموشی گره بزنند احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرری نمی‌زند و چیزی بر او نیست (اما گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد). و بهترین راه آن است که روی لنگ کمر بند یا مانند آن ببندد تا کاملاً راحت باشد؛ اما گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد. همچنین بستن آن به وسیلهٔ سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و بستن آن با یک قطعه کش یا نخ به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجاج معمول است) نیز مانعی ندارد؛ هر چند ترک این امور بهتر است.

**مسئله ۲۹۷-** احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامهٔ بلند، که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار می‌دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه باید دو جامهٔ جداگانه باشد.

**مسئله ۲۹۸-** احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامهٔ احرام قصد قربت و جلب رضای الهی داشته باشد، و احتیاط مستحب آن است که به هنگام بیرون آوردن جامهٔ دوخته هم قصد قربت داشته باشد.

**مسئله ۲۹۹-** تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامهٔ احرام نیز شرط می‌باشد؛ بنابراین لباسهای احرام باید پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد. (در این حکم، بنا بر

احتیاط واجب، فرقی میان زن و مرد نیست، هر چند در نماز در مورد پارچهٔ ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است).

**مسئله ۳۰۰-** در مواردی که نجس بودن لباس نماز گزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده شده است.

**مسئله ۳۰۱-** اِزار (لُنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط واجب آن است که رداء نیز چنین نباشد.

**مسئله ۳۰۲-** احتیاط واجب آن است که جامهٔ احرام از پوست نباشد.

**مسئله ۳۰۳-** احتیاط واجب آن است که جامهٔ احرام منسوج و بافتنی نباشد، و چیزهایی مانند نمد کافی نیست.

**مسئله ۳۰۴-** واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد؛ بلکه می‌تواند برای شستن، یا عوض کردن، یا حمام رفتن، یا مقصود دیگری، موقتاً آن را از تن درآورد.

**مسئله ۳۰۵-** هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید، و اگر میسر نبود هر وقت ممکن شد اقدام به تطهیر آن می‌کند. (و اگر رداء نجس شود می‌تواند موقتاً آن را بردارد) و احتیاط آن است که اگر بدن نیز در حال احرام نجس شود، مبادرت به تطهیر آن کند.

**مسئله ۳۰۶-** اگر جامهٔ احرام یا بدن را تطهیر نکند کفاره ندارد.

**مسئله ۳۰۷-** هرگاه محرم جامهٔ احرام را بنا بر عللی عوض کرده، بهتر است هنگامی که وارد مکه می‌شود، برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده، بپوشد.

**مسئله ۳۰۸-** اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است؛ ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد، و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این

کار از روی علم و عمد باشد، احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیت کند و لَبِیک بگوید.

**مسأله ۳۰۹-** هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی، پیراهن به تن کند احرامش صحیح است؛ ولی باید آن را از طرف پایین آورد، و اگر ممکن نشد، باید آن را بشکافد و بیرون آورد.

**مسأله ۳۱۰-** هرگاه بیمار باشد و نتواند لباس معمولی خود را در میقات از تن در آورد، کافی است نیت احرام کند و لَبِیک بگوید، و در صورت امکان لباسهای معمولی را موقتاً در آورد و لباس احرام بپوشد و محرم شود، و بعداً اگر ناچار است لباس معمولی خود را به تن کند، و اگر در میقات این کار ممکن نشد، و بعداً حال او برای پوشیدن لباس احرام مساعد شد، احتیاط واجب آن است که اگر توانایی دارد به میقات برگردد، و مجدداً احرام ببندد، و اگر بازگشت به میقات میسر نبود، از همان جا لباس را عوض می‌کند، و تجدید احرام لازم نیست.

**مسأله ۳۱۱-** پوشیدن بیش از دو جامه (مثلاً دو حوله) برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن، اشکالی ندارد.

**مسأله ۳۱۲-** هرگاه محرم بر اثر سردی هوا، یا علت دیگر، ناچار شود لباس دوخته بپوشد، این کار اشکالی ندارد، ولی اگر ممکن است، لباس دوخته را پایین و بالا کند و بر دوش ببندد، و دست در آستین آن نکند، و احتیاط آن است که آن را پشت و رو نیز بنماید، و اگر اضطرار به پوشیدن لباس دوخته به این نوع پوشش رفع نمی‌شود، می‌تواند به طور معمولی لباس بپوشد.

**دوّم: نیت**

**مسأله ۳۱۳-** نیت احرام چنین است که قصد می‌کند اموری را که بعداً به آن اشاره می‌شود بر خود حرام بشمرد، و به دنبال آن به اعمال عمره یا حج بپردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی، به زبان، یا در قلبش بگوید: «احرام می‌بندم برای عمره تمتع از حج واجب (یا مستحب) برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربه الی الله» و منظورش از «احرام می‌بندم» بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است، و در احرام حج می‌گوید: «احرام می‌بندم برای حج واجب قربه الی الله» و در عمره مفرده می‌گوید: «احرام می‌بندم برای عمره مفرده قربه الی الله».

**مسأله ۳۱۴-** لازم نیست نیت را بر زبان جاری کند، بلکه کافی است چنین قصدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصد باطنی، بر زبان نیز جاری سازد.

**مسأله ۳۱۵-** مستحب است ولیّ طفل غیر ممیّز، یا هر کسی که عهده‌دار کارهای کودک است او را محرم کند، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیت کند؛ یعنی به هنگام عمره تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم به عمره تمتع قربه الی الله» و به هنگام حج تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم برای حج تمتع قربه الی الله»، و در صورت امکان او را وادار کند که لَبِیک بگوید، و اگر توانایی ندارد خودش از طرف او لَبِیک بگوید؛ اما اگر ولیّ می‌ترسد که نتواند وظائف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صرفنظر کند.

**مسأله ۳۱۶-** منظور از قصد قربت، قصد جلب رضای خدا و قرب به ذات پاک اوست، و باید در همان حال، قصد انجام مناسک عمره یا حج را داشته باشد، و بهتر است از همان اول تعیین کند که قصد عمره دارد، یا حج، و

منظورش مثلاً «حجّة الاسلام» است (یعنی حجّ واجب به خاطر استطاعت) یا «حجّ مستحب»، یا «حجّ نذری» یا «نیابت»، ولی اگر از اوّل نیت احرام کند به این قصد که نوع عمل را بعداً تعیین نماید، نیز مانعی ندارد. (ولی احتیاط واجب آن است که قصد نیابت را از اوّل تعیین کند).

**مسأله ۳۱۷-** عمره و حج و اجزاء آن از عبادات است، و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند تعالی بجا آورد.

**مسأله ۳۱۸-** اگر عمره تمتّع را به سبب ریا، یا غیر آن، باطل کند، احتیاط واجب آن است که حجّ افراد بجا آورد، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد، و در سال دیگر حج را اعاده نماید، مگر این که بتواند عمره را اعاده کند.

**مسأله ۳۱۹-** اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد، و آن را به ریا و مانند آن باطل کند، باید سال آینده عمره و حج را اعاده نماید.

**مسأله ۳۲۰-** اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به قصد ریا انجام دهد، و آن را باطل کند، و نتواند جبران نماید، باید طبق آنچه در دو مسأله بالا گفته شد عمل نماید، ولی اگر محلّ جبران باقی است و جبران کند، عملش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

**مسأله ۳۲۱-** اگر بر اثر ندانستن مسأله، یا جهت دیگری، بجای نیت عمره تمتّع، حجّ تمتّع را قصد کند، و در نظرش این باشد که همان عملی که همه مردم انجام می دهند او هم بجا آورد، ولی خیال کرده جزء اوّل از دو جزء اعمال حج، حجّ تمتّع نام دارد، بدین جهت نیت حجّ تمتّع کرده، عمل او صحیح است و عمره تمتّع محسوب می شود، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

**مسأله ۳۲۲-** اگر بر اثر جهل به مسأله، یا جهت دیگری، گمان کند که حجّ تمتّع بر عمره تمتّع مقدّم است، و به هنگام احرام، نیت حجّ تمتّع کند، و

قصد داشته باشد پس از احرام به عرفات و مشعر برود و مناسک حج تمتع را انجام دهد، سپس عمره را بجا آورد، بنابر احتیاط واجب احرام او باطل است، و باید در میقات دوباره محرم شود، و اگر از میقات عبور کرده، باید در صورت امکان به میقات برگردد و در آنجا محرم شود، و اگر امکان بازگشت به میقات نیست، از همانجا که هست محرم می‌شود، و اگر وارد حرم شده و توجّه به مسأله پیدا کرده، باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم گردد، و گرنه در همانجا احرام می‌بندد، و اعمال او صحیح است.

**مسأله ۳۲۳-** اگر زن در میقات حائض باشد، و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند، و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن فهمید اشتباه کرده، در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام او باطل است، و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود، ولی بهتر است زن در چنین مواردی در موقع احرام، نیت کند احرامی را که بر او واجب است انجام دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

**مسأله ۳۲۴-** هرگاه در موقع نیت احرام قصد شکستن بعضی از محرّمات را داشته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سفر باشد، و بدون ضرورت زیر سقف اتومبیل یا هواپیما قرار گیرد) برای احرام او خالی از اشکال نیست، و اگر در آغاز نیت ترک همه را داشته، ولی پس از احرام نیت او عوض شود، یا بعضی از آن اعمال را مرتکب گردد، ضرری به احرام او نمی‌زند؛ هر چند در مواردی باید کفاره دهد.

**مسأله ۳۲۵-** دانستن اموری که بر محرم حرام است به طور مشروح لازم نیست؛ بلکه کافی است به طور اجمال نیت ترک همه را داشته باشد.

### سوّم: گفتن لَبَّيْكَ

**مسأله ۳۲۶-** واجب است هنگام احرام «لَبَّيْكُمَايِ چَهارگانه» را به عربی صحیح بگویند، و احتیاط واجب آن است که بصورت زیر باشد: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ یعنی خداوند! اجابت (و اطاعت) می‌کنم دعوت تو را، و دگر بار هم اجابت می‌کنم تو را، همتایی برای تو نیست، اجابت می‌کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است، و نعمت و ملک از آن تو است، هیچ همتایی نداری!».

**مسأله ۳۲۷-** احتیاط واجب آن است از افزودن لَبَّيْكَ پنجم و عبارات دیگر خودداری شود؛ مگر آنچه در مستحبات خواهد آمد.

**مسأله ۳۲۸-** واجب است لَبَّيْکُمَايِ چَهارگانه فوق را، همانند تکبیرة الاحرام نماز، به طور صحیح اداء کند.

**مسأله ۳۲۹-** در صورتی که زائر نتواند این عبارات را با عربی صحیح ادا کند، باید آن را یاد بگیرد، و اگر نتواند، یا وقت نباشد، کافی است دیگری شمرده شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تَلْفَظ صحیح نباشد، احتیاط آن است آنچه را می‌تواند بخواند، و ترجمه آن را نیز بگوید.

**مسأله ۳۳۰-** شخص گنگ بجای گفتن «لَبَّيْكَ» با دست خود اشاره می‌کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می‌دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت از او نیز لَبَّيْكَ بگوید، ولی واجب نیست.

**مسأله ۳۳۱-** کودکان نیز می‌توانند برای عمره یا حج مُحْرَم شوند، و چنانچه خودشان تمیز بدهند «لَبَّيْكَ» را همراه با نیت می‌گویند، و اگر غیر ممیز باشند کسی از طرف آنها نیت می‌کند و لَبَّيْكَ می‌گوید، و هرگاه کسی



در میقات بیهوش باشد، از طرف او نیز می‌توان نیت کرد و لَبَّیک گفت.

**مسئله ۳۳۲-** در احرام فقط یک بار لَبَّیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن، مستحب است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند؛ یعنی در موقع سوار شدن بر مرکب و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و پس از خواب، و بعد از نمازها تکرار می‌نماید، و بهتر است مردان صدای خود را به لَبَّیک بلند کنند.

**مسئله ۳۳۳-** در احرام عمره تمتع واجب است مُحرم هنگامی که خانه‌های مکه را مشاهده کرد «لَبَّیک» را قطع کند، و در احرام حج به هنگام ظهر روز عرفه، و در عمره مفرده واجب است هنگام مشاهده کعبه اگر از مکه برای احرام به خارج رفته است، و هنگام داخل شدن به منطقه حرم اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید، لَبَّیک را قطع کند.

**مسئله ۳۳۴-** هرگاه محرم «لَبَّیک» واجب را، چه عمداً و چه بر اثر عذر، نگفته باشد، محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود، و اگر چیزی از محرمات احرام که کفاره دارد انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی‌شود. همچنین اگر «لَبَّیک» اوّل را با ریا باطل کند.

**مسئله ۳۳۵-** پیش از گفتن «لَبَّیک» اعمالی که بر محرم حرام است، بر او حرام نمی‌شود؛ هر چند نیت احرام کرده، و لباس احرام را نیز پوشیده باشد. بنابراین، اگر قبل از گفتن لَبَّیک چیزی از آنها را بجا آورد کفاره‌ای ندارد، و در حقیقت «لَبَّیک» مانند «الله اکبر» اوّل نماز است، که تا آن را نگوید وارد نماز نمی‌شود، و هرگاه شک کند که «لَبَّیک» گفته یا نه؟ باز هم چیزی بر او حرام نمی‌شود.

**مسئله ۳۳۶-** هرگاه در میقات باشد و شک کند لَبَّیک گفته، یا نه باید لَبَّیک را بگوید، و اگر از میقات گذشته، احتیاط آن است اگر می‌تواند بازگردد

و لَبَّيْكَ را بگویند، و اگر نمی‌تواند، در همانجا بگوید، و اگر لَبَّيْكَ گفته، اما نمی‌داند صحیح گفته یا نه؟ بنا بر درست گفتن می‌گذارد، و احرامش صحیح است.

**مسئله ۳۳۷-** اگر لَبَّيْكَ را فراموش کند، یا به خاطر ندانستن مسأله آن را نگوید، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببندد و لَبَّيْكَ بگوید، و اگر نتواند برگردد، و هنوز داخل حرم نشده، همانجا لَبَّيْكَ می‌گوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به خارج حرم بازگردد، و در آنجا احرام ببندد و لَبَّيْكَ بگوید، و چنانچه نمی‌تواند بازگردد، همانجا محرم می‌شود و لَبَّيْكَ می‌گوید، و اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

**مسئله ۳۳۸-** جایز نیست لَبَّيْكَ واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر عمداً تأخیر بیندازد، باید به وظیفه کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند؛ یعنی اگر می‌تواند بازگردد.

**مسئله ۳۳۹-** اگر پس از گفتن لَبَّيْكَ واجب در میقات، شک کند که نیت حجّ تمتّع کرده، یا نیت عمره تمتّع، بنا می‌گذارد که نیت عمره تمتّع کرده، و عمره‌اش صحیح است. همچنین اگر بعد از گفتن لَبَّيْكَ در روز هشتم ذی الحجه، که باید برای حجّ تمتّع تلبيه بگوید، فراموش کند که برای حجّ لبیک گفته، یا برای عمره، بنا می‌گذارد که برای حجّ تمتّع گفته، و حجّ او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره لَبَّيْكَ بگوید.

### احکام احرام

**مسئله ۳۴۰-** لازم نیست محرم به هنگام احرام بستن، از حدث اصغر و اکبر پاک باشد، بنابراین بدون وضو، و در حال جنابت یا حیض، یا نفاس

می‌تواند محرم شود. (البته روشن است که در صورت جنابت و حیض و نفاس هم باید خارج از مسجد محرم شود)، بلکه غسل احرام بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است.

**مسأله ۳۴۱-** اگر احرام را فراموش کند و بعد از پایان مناسک و اعمال متوجه شود، عمره و حج او صحیح است.

**مسأله ۳۴۲-** احرام کسی که ختنه نشده صحیح است، ولی طواف و نماز طواف‌های او اشکال دارد، و در احرام باقی می‌ماند. مگر آن که ختنه کرده و سپس طواف و نماز طواف را بجای آورد.

**مسأله ۳۴۳-** اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است؛ ولی تمام طواف‌های او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می‌ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می‌شود؛ مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

**مسأله ۳۴۴-** هرگاه مکلفی که ختنه نشده مستطیع گردد (مانند کسی که تازه مسلمان شده) چنانچه بتواند ختنه کند باید در همان سال به حج برود، و اگر نتواند، حج را به تأخیر می‌اندازد تا ختنه شود، و اگر ختنه کردن برای همیشه برای او ضرر دارد، باید با همان حال حج را بجا آورد. (ولی احتیاط مستحب آن است علاوه بر این که خودش طواف می‌کند، نایی هم بگیرد تا برای او طواف کند).



## استفتائات احرام

سؤال ۳۴۵- یکی از حاجیها به هنگام احرام به شکل زیر نیت نموده

است:

«محرم می شوم برای عمره تمتع (یا حج تمتع)، قربه الی الله» با توجه به این که برخی از فقهاء فرموده اند: «نیت احرام لازم نیست»، احرام ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: احرام از امور قصدی است، و حقیقت آن بناگذاری بر تحریم تروک احرام بر خویشتن است، و باید نیت کرد، و اگر مقصود او از جمله مذکور همین معنی باشد کافی است.

سؤال ۳۴۶- شخصی در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا داشته

حج مستحبی بجا آورد، ولی از روی ناآگاهی، یا فراموشی، در نیت احرام عمره مفرده گفته: «احرام می بندم برای عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام قربه الی الله» آیا چنین نیتی به حج مستحبی او ضرر می زند؟

جواب: این گونه نیت اشکال دارد؛ مگر این که اشتباه لفظی باشد، و

قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد، ولی اسمش را از روی اشتباه حجة الاسلام گذاشته است. در این صورت صحیح است، و معمولاً همین گونه است.

**سؤال ۳۴۷-** زنی قبل از احرام عمره تمتع می‌دانست که عادت ماهانه او ده روز طول می‌کشد، و وقت کافی برای اعمال عمره تمتع قبل از احرام حج تمتع نخواهد داشت، ولی با همه این اوصاف نیت عمره تمتع می‌کند، وظیفه او چیست؟

**جواب:** نیت را به حج افراد برمی‌گرداند، و حج او اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۴۸-** هرگاه کسی که به دیگران «نیت احرام» و «تلبیه» را تلقین می‌کرده، فراموش کند که خودش نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

**جواب:** اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است، و باید - در صورت امکان - به میقات بازگردد و محرم شود، و اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، به خارج حرم می‌رود و در آنجا مجدداً احرام می‌بندد.

**سؤال ۳۴۹-** اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه محرم نمی‌شود، و در عین حال تلبیه را غلط بگوید، و سپس اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است؟

**جواب:** چنانچه عمداً غلط گفته اعمالش صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده، بلکه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله بوده، اعمالش صحیح است.

**سؤال ۳۵۰-** بعضی از زائران ایرانی، کلماتی مانند «لبّیک»، «غیر»، «یوم» و مانند آن را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاه احساس می‌شود متمایل به کسره است. در مقابل بعضی از اهل دقت، یا وسواسیها، اظهار می‌دارند که فتحه باید کاملاً ظاهر شود، و به هنگام تلفظ چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود (و لبّیک می‌گویند) در حالی که اساتید قرائت زبان عربی و حتی خود عربها نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند، ادا

نمی‌کنند. لطفاً بفرمائید طرز صحیح قرائت این کلمات چگونه است؟  
**جواب:** در این گونه مسائل باید به تلفظ اهل لسان توجه کرد؛ و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورتی که گروه دوّم معتقدند نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود؛ و آنچه از اهل لسان بارها شنیده‌ایم این است که فتحه را کمی مایل به کسره ادا می‌کنند، و همین صحیح است.

**سؤال ۳۵۱-** اگر کسی تلبیه را غلط بگوید، و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج متوجه این مسأله شود، وظیفه او نسبت به سایر اعمال و همچنین عمره قبلی چیست؟

**جواب:** با توجه به این که بعد از زمان جبران متوجه شده، اعمالش صحیح است، و هرگاه اعمال منی را انجام نداده به نزدیکترین نقطه خارج از حرم می‌رود و محرم می‌شود، و اعمال منی را انجام می‌دهد؛ و از احرام خارج می‌شود، سپس سایر اعمال حج را کامل می‌کند، و احتیاط آن است که یک عمره مفرده بعد از آن انجام دهد یعنی به مسجد تنعیم می‌رود و احرام می‌بندد، و اعمال عمره را بجا می‌آورد.

**سؤال ۳۵۲-** یکی از حُجّاج شنوایی خود را به کلی از دست داده، و زبانش هم لکنت دارد، و قادر بر تکلم صحیح نمی‌باشد. مسؤولین و دوستانش به این موضوع توجه نداشته، و آن شخص در میقات نیت نکرده، و تلبیه هم نگفته، و به همین شکل همراه بقیه وارد مکه شده است، وظیفه او چیست؟

**جواب:** باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه مُحرم شود؛ هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات بازگردد، باید در خارج از حرم مُحرم شود، و اگر نمی‌تواند تلبیه را، هر چند با تلقین، صحیح

بگوید احتیاط آن است که به هر نحو می تواند بگوید، و ترجمه اش را نیز بر زبان آورد.

**سؤال ۳۵۳-** چنانچه پس از خروج از میقات متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، یا به جهت دیگری احرامش درست نبوده، و از طرفی نمی تواند از نیمه راه به میقات برگردد، بلکه باید به مکه بیاید، و از آنجا به میقات بازگردد. وظیفه چنین شخصی چیست؟

**جواب:** اگر می تواند به میقات بازگردد، هر چند بعد از رفتن به مکه باشد، باید چنین کند، ولی چون وارد شدن به مکه بدون احرام جایز نیست، از ادنی الحلّ به نیت عمره مفرده محرم می گردد، و پس از اعمال عمره مفرده، به یکی از مواقیت معروف می رود، و برای «عمره تمتع» به طور صحیح محرم می شود.

**سؤال ۳۵۴-** آیا خانمها می توانند تلبیه را به گونه ای بلند بگویند که مرد نامحرم صدای آنها را بشنود؟  
**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۵۵-** آیا به هنگام پوشیدن لباس احرام، چه در میقات باشد یا ساعتها قبل از بستن احرام در مدینه صورت گرفته باشد، قصد خاصی لازم است؟

**جواب:** هیچ قصدی لازم نیست، بلکه هنگام احرام مطابق آنچه در بحث احرام گذشت نیت می کند.

**سؤال ۳۵۶-** هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن، یا ادنی الحلّ، یا شهر مکه، و خلاصه هر جا که وظیفه اش بوده محرم شود، و سپس پیشیمان گردد، آیا می تواند احرامش را بر هم بزند؟

**جواب:** نمی تواند از احرام خارج شود. حتی اگر لباس احرام را از تن



بیرون کند، و لباس دوخته بپوشد، و قصد بیرون آمدن از احرام کند، احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری کند که موجب کفاره است، باید کفاره بدهد و راه خروج از احرام فقط انجام عمره یا حج است که نیت آن را کرده است.

**سؤال ۳۵۷-** بعضی از مردان محرم برای این که موقع ورزش باد، یا به هنگام سوار شدن ماشین، یا مانند آن، عورت آنها ظاهر نشود، علاوه بر دو حوله احرام، یک متر پارچه نمدوخته از وسط پا عبور می دهند، به گونه ای که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد. این عمل چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال ندارد؛ ولی اجتناب از این گونه کارها جز در موارد ضروری بهتر است.

**سؤال ۳۵۸-** آیا لباس احرام منحصر به دو جامه است، و نباید بیشتر باشد؟  
**جواب:** مقدار واجب آن دو جامه است، و زیاده تر مانعی ندارد؛ مشروط بر این که مانند لباس احرام باشد، مثلاً از حوله های متعدد استفاده کند.

**سؤال ۳۵۹-** اینجانب به علت قطع نخاع و عدم کنترل بول و مشکلات دیگر، نمی توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه ام چیست؟  
**جواب:** آن مقدار که می توانید محافظت کنید، و آنچه موجب عُسر و حرج است اشکالی ندارد.

**سؤال ۳۶۰-** اگر لباس احرام زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می رساند؟  
**جواب:** این کار برای احرام اشکال دارد و طواف و نماز طواف باطل می کند.

**سؤال ۳۶۱-** طبق فتوای بعضی از مراجع که فرموده‌اند: «احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند» آیا زن بعد از پوشیدن حوله‌های احرام، می‌تواند حوله‌ها را کنار بگذارد، و اعمال حج را با لباس معمولی‌اش انجام دهد؟  
**جواب:** زنان می‌توانند در همان لباسهای معمولی محرم شوند، و پوشیدن حوله‌های احرام لازم نیست، و به فرض که احتیاطاً با آن محرم شوند، بعد می‌توانند بیرون آورند.

**سؤال ۳۶۲-** اگر جامهٔ احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، آیا احرام در آن صحیح است؟

**جواب:** احرام در آن حرام است.

**سؤال ۳۶۳-** آیا پرداخت خمس لباس احرام، که معلوم نیست از پول خمس نداده تهیه شده، یا از پولی که خمس به آن تعلق نگرفته (مانند مال الارث) واجب است؟

**جواب:** با فرض شک در تعلق خمس، پرداختن خمس آن لازم نیست، هر چند احتیاط در آن مطلوب است.

**سؤال ۳۶۴-** چنانچه شخصی که سال خمسی نداشته به حج مشرف شود، و با همان پولهای خمس نداده هزینه‌های حج، از جمله لباس احرام و قربانی را تأمین نماید. حج او چه حکمی دارد؟  
**جواب:** اعمال او اشکال دارد.

**سؤال ۳۶۵-** شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، و قربانی را اعاده کند.

## محرمات احرام

مسأله ۳۶۶- هنگامی که انسان محرم می‌شود کارهای زیر بر او حرام می‌گردد، و بعضی دارای کفاره است، به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است، که شرح آن خواهد آمد. این کارها به ترتیب زیر است:

- ۱- پوشیدن لباس دوخته (برای مردان).
- ۲- پوشیدن چیزی که پشت پا را می‌پوشاند (برای مردان).
- ۳- پوشانیدن سر (برای مردان).
- ۴- پوشانیدن صورت (برای زنان).
- ۵- زینت کردن برای همه.
- ۶- سرمه کشیدن.
- ۷- نگاه کردن در آینه.
- ۸- استعمال بوی خوش.
- ۹- مالیدن کرم و روغن به بدن.
- ۱۰- ناخن گرفتن.
- ۱۱- زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان).
- ۱۲- زائل کردن مو از بدن.

- ۱۳- عقد ازدواج.  
 ۱۴- نگاه به همسر از روی شهوت.  
 ۱۵- لمس کردن.  
 ۱۶- بوسیدن.  
 ۱۷- نزدیکی کردن.  
 ۱۸- استمناء کردن.  
 ۱۹- کشتن حشرات.  
 ۲۰- بیرون آوردن خون از بدن.  
 ۲۱- کشیدن دندان.  
 ۲۲- مجادله کردن.  
 ۲۳- دروغ گفتن.  
 ۲۴- صید حیوانات صحرائی.  
 ۲۵- حمل اسلحه.

**مسأله ۳۶۷-** پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولیّ یا سرپرست او باید او را از محرّمات احرام باز دارد، و اگر ممیّر نیست، او را از محرّمات احرام حفظ کند.

**مسأله ۳۶۸-** اگر کودک محرم مرتکب یکی از محرّمات احرام شد، کفاره آن در صید بر عهده ولیّ او است، نه آن که از اموال طفل بپردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولیّ از طرف او کفاره بدهد.

### ۱- پوشیدن لباس دوخته

**مسأله ۳۶۹-** پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن، قبا، کت و شلوار،

زیر پیراهن، شورت، بر مردان در حال احرام حرام است؛ بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کنند. همچنین از لباسهای بافتنی، و لباسهایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند، یا مانند نمذ درست می‌کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شلوار و مانند آن است، هر چند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط واجب این است که از همه این‌ها پرهیز شود.

**مسئله ۳۷۰-** در لباس دوخته تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست، ولی انداختن پتوهایی که اطراف آن دوخته شده بر شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط این که سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد، بلکه اگر لبه‌های احرامی نیز دوخته باشد ضرری ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

**مسئله ۳۷۱-** بستن «همیان»<sup>۱</sup> بر کمر مانعی ندارد، هر چند دوخته شده باشد. همچنین بستن کمر بند روی احرامی نیز مانعی ندارد؛ خواه دوخته باشد، یا غیر دوخته. بستن شال دوخته شده روی احرامی نیز بی‌مانع است، اما احتیاط مستحب در تمام اینها ندوخته بودن است.

**مسئله ۳۷۲-** استفاده از فتق بند، هر چند دوخته باشد، مانعی ندارد. همچنین کیفهای دوخته‌ای که احیاناً به گردن یا شانه می‌اندازند، و قمقمه آب که در محفظه دوخته‌ای قرار دارد، ضرری ندارد.

**مسئله ۳۷۳-** همان گونه که در باب احرام گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزنند؛ اما گره زدن آن به دور کمر، مخصوصاً در آنجا که احتیاج به آن باشد، و همچنین گره زدن رداء، یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن آن، یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است،

۱. همیان چیزی است که، بر کمر می‌بندند و پول نقد و مانند آن را در آن می‌گذارند.

و آنچه در میان بعضی از حجاج معمول است، که سنگی در کنار حوله گذاشته، و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می‌بندند نیز جایز است، و بهترین راه برای حفظ لنگ، استفاده از کمر بند است.

**مسئله ۳۷۴-** پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است؛ مگر دستکش که جایز نیست، هر چند دوخته نباشد.

**مسئله ۳۷۵-** کسی که عمداً لباس دوخته بپوشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست.

**مسئله ۳۷۶-** پوشیدن لباس دوخته در حال اضطرار حرام نیست، ولی کفاره دارد.

**مسئله ۳۷۷-** اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد، برای هر یک کفاره جداگانه بپردازد.

**مسئله ۳۷۸-** اگر از روی اضطرار لباسهای متعدّد بپوشد کفاره ساقط نمی‌شود؛ مگر این که کفاره متعدّد موجب عسر و حرج شود.

**مسئله ۳۷۹-** اگر لباسی، مثلاً پیراهن، بپوشد و کفاره آن را بپردازد، و دوباره پیراهن دیگری بپوشد، یا همان را که پوشیده از تن بیرون آورد و مجدداً بپوشد، باید دوباره کفاره بپردازد.

## ۲- پوشیدن چیزی که تمام پشت پا را بپوشاند

**مسئله ۳۸۰-** پوشیدن کفشهایی که تمام پشت پا را می‌پوشاند، مانند چکمه، گیوه، کفشهای معمولی و امثال آن، و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست؛ خواه ساق پا را بپوشاند، یا نه؛ اما اگر قسمتی از پشت پا را بپوشاند، مانند بند نعلین، و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن پوشیده

نمی‌شود، مانعی ندارد. البته این حکم مخصوص مردان است، و پوشیدن کفش و جوراب برای زنان در حال احرام اشکال ندارد.

**مسئله ۳۸۱-** هرگاه حولهٔ احرامی بلند باشد و پشت پا را بپوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه‌ای را داغ کنند و روی پشت پا بگذارند، اشکالی ندارد.

**مسئله ۳۸۲-** هرگاه مرد عمداً، یا در حال اضطرار، کفش و جوراب بپوشد کفاره ندارد، و احتیاط مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود، قسمت روی پا را شکاف دهد.

### ۳- پوشانیدن سر برای مردان

**مسئله ۳۸۳-** پوشانیدن تمام سر برای مردان در حال احرام حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشانند، ولی پوشانیدن سر با دست، یا موقع خشک کردن با حوله، یا به هنگام خواب به وسیلهٔ بالش جایز است. همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن، بر سر جایز است، و پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

**مسئله ۳۸۴-** احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی مثل گل، حنا، دارو، و مانند آن نیز نپوشانند.

**مسئله ۳۸۵-** احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثلاً باری را که می‌خواهد حمل کند بر روی سر قرار ندهد.

**مسئله ۳۸۶-** احتیاط واجب آن است که گوشها را نیز نپوشانند.

**مسئله ۳۸۷-** جایز نیست محرم سر خود را در آب فروبرد؛ خواه بقیهٔ بدن زیر آب باشد یا نه؛ اما ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین زیر دوش رفتن؛ ولی سر خود را در وان حمام زیر آب نکند.

**مسأله ۳۸۸-** دستمالی که برای سردرد به سر می‌بندند اشکال ندارد، و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز جایز است؛ مشروط بر این که سر را با آن نپوشانند.

**مسأله ۳۸۹-** اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند، به گونه‌ای که بالای سر قرار گیرد، و سر را برای حفظ از پشه زیر آن کنند اشکالی ندارد. همچنین استفاده از پشه بند اشکال ندارد.

**مسأله ۳۹۰-** مرد محرم نباید به هنگام خوابیدن سر خود را بیوشاند، و اگر بدون توجه، یا از روی فراموشی چنین کند، باید فوراً سر خود را برهنه نماید.

**مسأله ۳۹۱-** کفاره پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنابر احتیاط واجب)؛ ولی در صورت جهل و فراموشی و غفلت کفاره ندارد.

**مسأله ۳۹۲-** احتیاط واجب آن است که اگر سر را به طور مکرر بیوشاند، کفاره را نیز تکرار کند؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند بدهد، مگر این که موجب عُسر و حرج شود.

#### ۴- پوشانیدن صورت برای زنان

**مسأله ۳۹۳-** پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست، خواه به وسیله نقاب باشد، یا پوشیه، یا بادبزن، یا مانند آن. حتی احتیاط واجب آن است که به وسیله سدر و مانند آن هم صورت خود را نپوشانند.

**مسأله ۳۹۴-** پوشانیدن قسمتی از صورت، به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند حرام نیست. همچنین پوشانیدن در حال خواب به وسیله لحاف و گذراندن صورت بر بالش، یا پوشانیدن به وسیله دست، مانعی ندارد.



**مسأله ۳۹۵-** بر زنان واجب است که به هنگام نماز سر خویش را بپوشانند، و بدین منظور برای این که یقین حاصل کنند می‌توانند مقداری از صورت را نیز با مقنعه و مانند آن بپوشانند.

**مسأله ۳۹۶-** جایز است زن چادر خود را پایین بکشد، به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، و احتیاط آن است که به صورت نچسبد، و در صورتی که نامحرمی نباشد صورت را باز نگه دارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است).

**مسأله ۳۹۷-** کفاره پوشانیدن صورت برای زنان، بنابر احتیاط مستحب یک گوسفند است، و می‌توان این احتیاط را ترک کرد.

## ۵- زینت کردن

**مسأله ۳۹۸-** جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند؛ ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می‌کنند، اگر جنبه تزئینی نداشته باشد، بی‌اشکال است. بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد، باید از پوشیدن آن خودداری کند، خواه به قصد زینت باشد، یا نباشد.

**مسأله ۳۹۹-** اگر انگشتری به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب، مثل آن که برای خاصیتی به دست کند، و عرفاً جنبه زینتی نداشته باشد، اشکال ندارد.

**مسأله ۴۰۰-** پوشیدن زینت آلات مطلقاً برای زنان در حال احرام جایز نیست؛ اما زینت آلاتی که قبلاً به طور معمول آن را می‌پوشیده، اگر در حال احرام پنهان باشد مانعی ندارد، و آنها را نباید به مردان نشان بدهد؛ حتی به شوهر خود.

**مسأله ۴۰۱-** بستن «حنا» برای مردان و زنان، اگر جنبه زینت داشته باشد، در حال احرام جایز نیست.

**مسأله ۴۰۲-** احتیاط واجب آن است که محرم، خواه زن باشد یا مرد، از پوشیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کند؛ حتی احرامی زینتی، یا نعلین زینتی نپوشد، و از هرگونه آرایش سر و صورت و سایر اعضای بدن پرهیز نماید.

**مسأله ۴۰۳-** رنگ کردن موها، در صورتی که به آن تزئین گفته شود، برای محرم اشکال دارد؛ هر چند قصد زینت نکرده باشد، و در صورتی که جنبه تزئین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد. همچنین رنگ کردن موها و بستن حنا قبل از احرام، به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند، اشکالی ندارد؛ مگر این که از اول قصدش تزئین برای حالت احرام باشد، که معمولاً کسی این کار را نمی‌کند.

**مسأله ۴۰۴-** پوشیدن زیور آلات برای زنان در حال احرام حرام است، ولی کفاره ندارد.

## ۶- سرمه کشیدن

**مسأله ۴۰۵-** سرمه کشیدن برای زنان و مردان با مواد سیاه، یا غیر آن، اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد، مثلاً برای درمان چشم استفاده شود و شکل زینت به خود نگیرد، اشکالی ندارد.

**مسأله ۴۰۶-** سرمه کشیدن در حال احرام موجب کفاره نمی‌شود؛ مگر این که بوی خوش در آن باشد، که در این صورت اگر عمداً سرمه بکشد احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسأله ۴۰۷-** در صورتی که محرم به خاطر درمان و مانند آن احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد مانعی ندارد.

## ۷- نگاه کردن در آینه

**مسأله ۴۰۸-** نگاه کردن در آینه برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام حرام است؛ خواه مرد باشد، یا زن؛ اما برای هدفهای دیگر، مثل نگاه کردن رانندگان در آینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه کردن پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آینه برای دیدن محل زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۰۹-** نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش، حکم نگاه در آینه را دارد، و در حال احرام جایز نیست.

**مسأله ۴۱۰-** احتیاط مستحب آن است که به آینه نگاه نکند؛ هر چند برای زینت کردن نباشد.

**مسأله ۴۱۱-** اگر بدون اختیار چشمش به آینه بیفتد اشکالی ندارد؛ و بهتر این است که در ایام حج، در اطاقهایی که افراد محرم سکونت دارند، و نیز در آسانسورها، روی آینه چیزی بکشند که نگاه غیر اختیاری افراد محرم نیز به آن نیفتد.

**مسأله ۴۱۲-** نگاه کردن به آینه موجب کفاره نمی‌شود، ولی مستحب است بعد از نگاه کردن لُتیک بگوید.

**مسأله ۴۱۳-** نگاه کردن در شیشه اطاق، یا شیشه عینک که پشت آن پیدا است، در حال احرام بی مانع است، ولی اگر عینک زینتی باشد استفاده از آن برای محرم، خواه مرد باشد یا زن، جایز نیست.

## ۸- استعمال بوی خوش

**مسأله ۴۱۴-** استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مُشک، زعفران،

گلاب و غیر آن، خواه از طریق بوییدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس، یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری، یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن مُحرّم حرام است.

**مسأله ۴۱۵-** خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و پرتغال و مانند آن مانعی ندارد؛ ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود.

**مسأله ۴۱۶-** احتیاط واجب آن است که از تمام انواع گله‌ها و سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد اجتناب شود.

**مسأله ۴۱۷-** خرید و فروش عطریات در حال احرام اشکالی ندارد، ولی نباید حتّی به عنوان امتحان آنها را ببوید، یا استعمال کند.

**مسأله ۴۱۸-** احتیاط آن است که محرم از «دارچین»، «زنجبیل»، «هیل» و هر آنچه بوی خوش دارد، اجتناب کند.

**مسأله ۴۱۹-** محرم نمی‌تواند با صابونهای عطری، یا شامپوهای معطر، خود را بشوید، و لازم است از گذاشتن این‌گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود، که سبب بو گرفتن آنها می‌شود، خودداری کند.

**مسأله ۴۲۰-** هرگاه محرم در جایی قرار گیرد که بوی خوش در آنجا باشد، باید چیزی در برابر بینی خود بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی اگر از محلّی بگذرد که بوی بد در آنجاست، نباید بینی خود را بگیرد، اما می‌تواند به سرعت از آنجا بگذرد.

**مسأله ۴۲۱-** اگر ناچار شود لباسی که بوی خوش می‌دهد بپوشد، یا غذایی که بوی خوش دارد بخورد، باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود.

**مسأله ۴۲۲-** مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را با آن خوشبو می‌کنند) حرام نیست؛ ولی چون معلوم نیست خلوق کعبه

چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که فعلاً به کعبه می‌مالند نیز اجتناب شود.

**مسئله ۴۲۳-** اگر عمداً بوی خوش استعمال کند، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

**مسئله ۴۲۴-** اگر در زمان واحد به طور مکرر بوی خوش استعمال کند، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند؛ ولی احتیاط در تعدد است، و چنانچه در زمانهای مختلف از بوی خوش استفاده نماید، تکرار کفاره را ترک نکند، و اگر پس از استفاده از بوی خوش کفاره دهد، و دوباره بوی خوش استعمال کند، واجب است مجدداً کفاره دهد.

## ۹- مالیدن انواع روغن‌ها و کره‌ها به بدن

**مسئله ۴۲۵-** مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن، خواه معطر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست؛ حتی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است؛ اما روغن و کرم غیر معطر قبل از احرام مانعی ندارد.

**مسئله ۴۲۶-** مالیدن انواع پمادهای طبی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.

**مسئله ۴۲۷-** خوردن غذاهای چرب، هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند، برای محرم جایز است.

**مسئله ۴۲۸-** خوردن روغن اگر بوی خوش - همانند بوی زعفران - نداشته باشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۴۲۹-** اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است؛ هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بوی خوش نداشته باشد، در صورت مالیدن به بدن، کفاره آن نیز بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

### ۱۰- ناخن گرفتن

**مسئله ۴۳۰-** گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن یک ناخن یا بعضی از آن، بر محرم حرام است؛ ولی اگر ناخن آسیب دیده، و ماندن آن ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می‌تواند آن را قطع کند.

**مسئله ۴۳۱-** تفاوتی در گرفتن ناخن‌ها با قیچی و ناخن گیر و حتی با دندان نیست.

**مسئله ۴۳۲-** در آنچه که گفته شد تفاوتی میان انگشت اضافی و غیر آن نیست (بنابر احتیاط واجب).

**مسئله ۴۳۳-** هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد، کفاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است؛ (حدود ۷۵۰ گرم) و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است. همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفاره آن دو گوسفند است.

**مسئله ۴۳۴-** هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، ولی تمام ناخن پاها را نگیرد، یک گوسفند برای ناخن دستها کفاره می‌دهد، و برای هر یک از ناخنهای پا، یک مدّ طعام به نیازمند می‌پردازد. همچنین اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، ولی تمام ناخن دستها را نگیرد.

**مسئله ۴۳۵-** اگر پنج ناخن دست و پنج ناخن پا را بگیرد، باید برای یک از ناخن‌ها یک مدّ طعام کفاره بدهد. همچنین اگر کمتر از ده ناخن از دستها یا پاها را بگیرد.

**مسئله ۴۳۶-** اگر بیش از ده ناخن داشته باشد، و تمام ناخن‌ها را بگیرد،

باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از ناخنهای اضافه بر ده ناخن اصلی، کفّاره مدّ طعام بدهد.

**مسأله ۴۳۷-** هرگاه شخصی بیش از ده ناخن دارد، و ده ناخن اصلی را در حال احرام بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر بعضی از ناخنهای اصلی و بعضی از ناخنهای اضافه را بگیرد، برای هر یک از ناخنهای اصلی یک مدّ طعام، و برای هر یک از ناخنهای اضافی نیز، بنابر احتیاط مستحب، یک مدّ طعام می‌پردازد.

**مسأله ۴۳۸-** اگر ناچار به گرفتن ناخن شود، احتیاط واجب آن است که کفّاره آن را - به همان شرحی که گذشت - بپردازد.

### ۱۱- زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)

**مسأله ۴۳۹-** مرد محرم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد. بنابراین، سوار شدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست؛ ولی برای زنان و بچه‌ها جایز است، و کفّاره‌ای هم ندارد.

**مسأله ۴۴۰-** در منازل وسط راه، یا در مگّه، عرفات، مشعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد. همچنین گذشتن از بازارهای سر پوشیده، و تونلهایی که برای عابران درست کرده‌اند، بی مانع است.

**مسأله ۴۴۱-** گذشتن از زیر پله‌های وسط راه مانعی ندارد. همچنین بودن در سایه‌ای که از دیواره‌های اتومبیل سرباز به وجود می‌آید، جایز است.

**مسأله ۴۴۲-** در این حکم فرقی بین افراد پیاده و سواره نیست.

**مسأله ۴۴۳-** در مواقعی که سایبان اثری برای حفظ از آفتاب و باران

ندارد، رفتن مردان محرم زیر سایبان در حال سفر مانعی ندارد. بنابراین، مردان محرم می‌توانند در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کنند؛ ولی در شبهای بارانی استفاده از سایبان کفاره دارد.

**مسئله ۴۴۴-** کسانی که نذر کرده‌اند از کشور خود احرام ببندند، و ناچارند با هواپیما به مکه مُشرف شوند، نذر آنها صحیح است، و باید در کشورشان محرم شوند، ولی برای زیر سقف بودن در حال سفر، باید کفاره بدهند.

**مسئله ۴۴۵-** برای بیماران، و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می‌شوند، یا تابش آفتاب به آنها زیان می‌رساند، جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند؛ اما باید کفاره بدهند.

**مسئله ۴۴۶-** هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی، یا جهل، به هنگام سفر زیر سایه برود، کفاره ندارد؛ اما اگر عمداً، یا به خاطر ضرورتی باشد، کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای هر احرام است؛ یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است.

## ۱۲- زایل کردن مو از بدن

**مسئله ۴۴۷-** مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند؛ خواه با تراشیدن باشد، یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر (مثلاً به وسیله دارو)، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد تا او را اصلاح نماید؛ حتی جدا کردن یک مو از بدن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی‌باشد.

**مسئله ۴۴۸-** در حرمت جدا کردن مو از بدن، تفاوتی بین کم و زیاد بودن موی ازاله شده نیست، بلکه همان‌گونه که گفته شد ازاله یک مو نیز حرام



است؛ هر چند از نظر کفّاره تفاوت دارد.

**مسأله ۴۴۹-** اگر بداند شانه زدن موی سر و صورت، سبب جدایی موها می‌شود جایز نیست؛ بلکه احتیاط مستحب آن است که از شانه کردن موها در حال احرام مطلقاً خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد مویی جدا نشود.

**مسأله ۴۵۰-** هرگاه داشتن مو سبب بیماری، یا ناراحتی شدید گردد، جایز است آن را زایل کند؛ ولی کفّاره دارد.

**مسأله ۴۵۱-** اگر به هنگام انجام وضو یا غسل، مویی بدون قصد کنده شود اشکالی ندارد.

**مسأله ۴۵۲-** هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفّاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد مخیر است میان یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا اطعام شش فقیر، که به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) بدهد، و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیر بغل نیز همین کفّاره را بدهد؛ اما اگر مقداری از موی سر، یا صورت، یا زیر بغل، یا زیر گلو، و مانند آن را زایل کند، کافی است یک فقیر را اطعام نماید.

**مسأله ۴۵۳-** اگر موی سر را به غیر تراشیدن ازاله کند، احتیاط واجب آن است که کفّاره تراشیدن را بدهد.

**مسأله ۴۵۴-** اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی، یا غفلت، موی بدن را زایل کند کفّاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد، و موهایی کنده شود، همان طور که گفته شد، کفّاره‌ای ندارد؛ اما اگر بدون هدف دست بر سر و صورت یا بدن خود بکشد، و موهایی از او جدا شود، احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر بدهد.

**مسأله ۴۵۵-** محرم نمی‌تواند مو از بدن دیگری زایل کند. خواه طرف مقابل مُحَرَّم باشد، یا غیر مُحَرَّم، خواه با تیغ باشد، یا با وسیلهٔ دیگر؛ ولی این کار کفّاره‌ای ندارد. بنابراین، باید دقّت کرد که در منی به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد محرم نمی‌توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند؛ بلکه اوّل باید خودشان از احرام خارج شوند، و بعد چنین کنند.

### ۱۳- عقد ازدواج

**مسأله ۴۵۶-** ازدواج کردن در حال احرام برای مُحَرَّم، اعم از زن و مرد، جایز نیست؛ خواه خودش صیغهٔ عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد که این کار را انجام دهد. خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در هر صورت عقد او باطل است، و هرگاه علم به حرام بودن آن داشته باشد، و اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد.

**مسأله ۴۵۷-** جایز نیست مُحَرَّم برای دیگری صیغهٔ عقد بخواند، هرچند او مُحَرَّم نباشد، و در این صورت نیز عقد او باطل است؛ اما حرام ابدی نمی‌شود، و در هیچ یک از دو صورت فوق کفّاره واجب نیست.

**مسأله ۴۵۸-** جایز نیست مُحَرَّم در مجلس عقد ازدواج به عنوان شاهد حضور پیدا کند. همچنین (بنابر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد؛ هر چند قبل از احرام شاهد عقد بوده باشد، و برای خود یا دیگری خواستگاری کند.

**مسأله ۴۵۹-** اگر با علم به مسأله، همسری را در حال احرام برای خود عقد کند، همان گونه که گفته شد آن همسر بر او حرام دائمی می‌شود، ولی اگر با جهل به مسأله چنین کاری کند، عقد باطل است، اما حرام ابدی نمی‌شود، و احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند؛ مخصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

**مسأله ۴۶۰-** در احکامی که گفته شد، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

**مسأله ۴۶۱-** هرگاه مرد غیر مُحَرَّم زن مُحَرَّمی را عقد کند، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسأله، حرام ابدی نیز می‌شود؛ بنا بر احتیاط واجب.

**مسأله ۴۶۲-** رجوع کردن در حال احرام به زنی که وی را طلاق رجعی داده، اشکالی ندارد.

**مسأله ۴۶۳-** هرگاه شخص سوّمی زنی را برای کسی که در احرام است عقد کند، و محرم دخول نماید، و هر سه نفر عالم به حکم بطلان باشند، بر هر یک از آنان یک شتر به عنوان کفّاره واجب است، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، بر هیچ کدام کفّاره‌ای واجب نمی‌شود، و در این حکم تفاوتی نیست بین آن که زن و عاقد محرم باشند، یا نباشند، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانسته، و بعضی دیگر نمی‌دانسته‌اند، کفّاره فقط بر کسی که می‌دانسته واجب است.

#### ۱۴- نگاه کردن

**مسأله ۴۶۴-** جایز نیست مُحَرَّم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند؛ ولی نگاه بدون قصد لذّت مانعی ندارد.

**مسأله ۴۶۵-** هرگاه به قصد لذّت به همسرش نگاه کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و اگر با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک شتر کفّاره بدهد.

**مسأله ۴۶۶-** هرگاه عمداً به زن دیگری غیر از همسرش نگاه کند، و با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که در صورت توان یک

شتر، و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر قدرت بر آن هم ندارد، یک گوسفند کفاره دهد.

### ۱۵- لمس کردن

**مسئله ۴۶۷-** برای شخص مُحَرَّم جایز نیست که دست بر بدن همسرش بگذارد، ولی این کار بدون قصد لذت مانعی ندارد.

**مسئله ۴۶۸-** هرگاه به قصد لذت بدن همسرش را لمس نماید، باید یک گوسفند کفاره دهد، و اگر با این کار اِزْزَالَ منی شود، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است.

### ۱۶- بوسیدن

**مسئله ۴۶۹-** جایز نیست مُحَرَّم همسر خود را از روی شهوت ببوسد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند.

**مسئله ۴۷۰-** اگر همسرش را به قصد لذت ببوسد، کفاره آن یک شتر است؛ خواه اِزْزَالَ شود، یا نشود.

**مسئله ۴۷۱-** اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است، و اگر بدون شهوت باشد، یک گوسفند کفاره دارد.

### ۱۷- نزدیکی کردن

**مسئله ۴۷۲-** نزدیکی با همسر در حال احرام حرام است، و آن سه حالت دارد:

۱- هرگاه در حال احرام از روی علم و عمد نزدیکی کند، چنانچه قبل از وقوف به عرفات یا به مشعر الحرام صورت گیرد، حج او فاسد می‌شود؛ ولی باید آن را تمام کرده، و سال آینده اعاده نماید، و کفاره آن یک شتر است، و

باید آن زن و مرد (بنابر احتیاط واجب) تا پایان مناسک حج از هم جدا شوند، یا شخص سوّمی با آنها باشد، و در سال بعد نیز هنگامی که به آن مکان - که عمل مذکور در آن واقع شده - می‌رسند، باید تا پایان حج از هم جدا شوند، و اگر این عمل بعد از وقوف در مشعر الحرام و قبل از طواف نساء صورت گیرد، حجّ آنها صحیح است؛ ولی گناه کرده‌اند، و یک شتر کفّاره دارد.

۲- هرگاه نزدیکی عمدتاً در «عمره تمتع» واقع شده باشد، کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است؛ ولی عمره او باطل نمی‌شود. خواه این عمل قبل از سعی صفا و مروه باشد، یا قبل از تقصیر و بیرون آمدن از احرام، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از سعی باشد، عمره را در صورت امکان تمام کرده، سپس آن را اعاده کند.

۳- هرگاه نزدیکی در «عمره مفرده» واقع شود، اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است، و یک شتر باید کفّاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده، و یک ماه صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد، و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست؛ اما اگر بعد از طواف و سعی (و قبل از تقصیر) باشد، عمره او باطل نخواهد شد.

**مسأله ۴۷۳-** هرگاه نزدیکی با همسر در حال احرام بعد از وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و قبل از طواف نساء صورت گیرد، حجّ او صحیح است؛ هر چند گناه کرده و یک شتر کفّاره دارد.

**مسأله ۴۷۴-** هرگاه از روی فراموشی، یا غفلت، یا ندانستن مسأله نزدیکی کند، ضرری به حج یا عمره او نمی‌زند، و کفّاره هم ندارد. بنابراین، احکام فوق مربوط به کسی است که عالماً آن را انجام می‌دهد.

**مسأله ۴۷۵-** هرگاه مرد محرم با همسر خود، که وی نیز محرم است، از روی اجبار نزدیکی کند، چیزی بر زن نیست، ولی مرد در صورت علم و عمد علاوه بر کفاره خود، باید کفاره زن را نیز بدهد؛ اما اگر این کار با علم و رضایت زن صورت گیرد، هر کدام باید یک کفاره - به شرحی که گذشت - بدهند.

**مسأله ۴۷۶-** اگر با همسر خود نزدیکی بدون جماع کند، باید یک شتر کفاره بدهد؛ ولی حجّ او صحیح است، و در سال آینده لازم نیست حج بجا آورد. حکم زن نیز همین گونه است، و در صورت اکراه، مانند مسأله سابق است.

**مسأله ۴۷۷-** کفاره در همه این موارد، بنا بر احتیاط واجب، یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقت نیست. همچنین نزدیکی از جلو و عقب در این احکام یکسان است.

**مسأله ۴۷۸-** احکام بالا در حجّ واجب و مستحب و حجّ نیابتی یکسان است؛ ولی در صورت ارتکاب این عمل در حجّ نیابتی، اجیر حق مال الاجاره دارد، هر چند باید به وظائف بالا عمل کند (و همان گونه که گفته شد این احکام در صورت علم و عمد است).

## ۱۸- استمناء کردن

**مسأله ۴۷۹-** هرگاه مُحْرِم با خود بازی کند و منی از او خارج شود، حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد، که شرح آن در مسائل سابق گذشت، و اگر با همسر خود بازی کند، یا به وسیله نگاه کردن، یا فکر و تصوّر کردن چنان صحنه‌هایی، منی از او خارج گردد، کفاره بر او واجب است؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب تمام احکام جماع را، که در مسائل سابق گذشت، دارد.

**۱۹- کشتن حشرات**

**مسأله ۴۸۰-** احتیاط واجب آن است که مُحْرِم حشرات (مانند پشه، مگس، مورچه و امثال آن) را نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر. بلکه احتیاط واجب آن است که هیچ جنیده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایهٔ آزار او شوند، یا از حیوانات مودبی و خطرناک، مثل مار و عقرب و مانند آن باشد؛ حتی احتیاط واجب آن است که حشرات مذکور را از روی بدن نیفکند، و اگر از روی خطا چنین کند، مقداری طعام به فقیر دهد.

**مسأله ۴۸۱-** احتیاط واجب آن است که حشرات را از مکانی که محفوظ است به جایی که در معرض سقوط است منتقل نکند؛ بلکه احتیاط آن است که مطلقاً از محلی به محلّ دیگر منتقل ننماید؛ مگر این که مکان دوّم محفوظتر باشد.

**مسأله ۴۸۲-** کشتن و انتقال حشرات در حال احرام کفّاره دارد، و کفّارهٔ آن، خواه عمداً باشد یا از روی خطا، مقداری طعام است.

**۲۰- بیرون آوردن خون از بدن**

**مسأله ۴۸۳-** بیرون آوردن خون از بدن، خواه به وسیلهٔ حجامت باشد، یا جَزّاحی، یا مسواک نمودن، یا خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خارج شود، در غیر حال ضرورت مکروه است، و چون جمعی از فقها آن را حرام می‌دانند، احتیاط مستحب ترک آن است.

**مسأله ۴۸۴-** بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروز نیز خودداری کند؛ مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمان.

**مسأله ۴۸۵-** بیرون آوردن خون از بدن کفّاره‌ای ندارد.

## ۲۱- کشیدن دندان

**مسئله ۴۸۶-** کشیدن، یا کندن، یا جرم‌گیری، یا پر کردن دندان، اگر باعث خونریزی شود در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.

**مسئله ۴۸۷-** کفاره کشیدن دندان در حال احرام، بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

## ۲۲- دروغ و دشنام و تفاخر

**مسئله ۴۸۸-** دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده است؛ یعنی از کارهایی است که مُحَرَّم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران، یا بیان نقص دیگران نسبت به خود، نیز اجتناب کند، و این سه کار (دروغ، دشنام و تفاخر) مطابق بعضی از روایات معصومین علیهم‌السلام در معنی «فسوق» در آیه شریفه ﴿فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ﴾<sup>۱</sup> جمع است.

**مسئله ۴۸۹-** هرگاه مُحَرَّم هر یک از امور سه گانه فوق را انجام دهد کار خلافی کرده، ولی احرام او باطل نمی‌شود، و کفاره آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند، و جز به نیکی سخن نگوید.

## ۲۳- مجادله و نزاع

**مسئله ۴۹۰-** «جدال» در حال احرام ممنوع است، همان گونه که در آیه

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.



شریفهٔ ۱۷۹ سورهٔ بقره به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند، و بگوید: «بَلَىٰ وَاللَّهِ... آری، به خدا سوگند که مطلب چنین است» یا برای نفی مطلبی بگوید: «لَا وَاللَّهِ... نه، به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی‌باشد؛ بلکه هر عبارتی که این مفهوم را برساند در حال احرام حرام است.

**مسألهٔ ۴۹۱-** گفتن کلمهٔ «لَا» و «بَلَىٰ» و مرادف آن در سایر زبانها، مثل «نه» و «آری» در فارسی، جدال نیست؛ بلکه قسم خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی، از روی خصومت و مخالفت جدال است.

**مسألهٔ ۴۹۲-** اگر قسم به غیر «الله» و خداوند باشد، حکم جدال ندارد.  
**مسألهٔ ۴۹۳-** سایر نامهای خداوند نیز حکم لفظ جلالهٔ (الله) را دارد؛ (بنابر احتیاط واجب) بنابر این اگر مُحْرَم در مقام خصومت و مجادله برای اثبات یا نفی مطلبی در مقابل دیگری، به «رحمان» یا «رحیم» یا «خالق آسمان و زمین» و مانند آن قسم بخورد، جدال محسوب می‌شود.

**مسألهٔ ۴۹۴-** در مقام ضرورت قسم به لفظ جلاله، یا سایر اسماء الله، برای شخص محرم، جهت اثبات حق یا ابطال باطلی جایز است.

**مسألهٔ ۴۹۵-** در موضوع جدال سوگند دروغ و راست یکسان است؛ ولی اگر قسم دروغ باشد، کفارهٔ آن در همان مرتبهٔ اول یک گوسفند است، و احتیاط آن است که برای دو بار قسم دروغ یک گاو، و برای سه بار یک شتر کفاره دهد، و اگر راست باشد، چنانچه سه مرتبه تکرار کند کفاره‌اش یک گوسفند می‌باشد؛ اما کمتر از سه بار کفاره ندارد؛ هر چند در حال احرام کار خلافی کرده، و باید استغفار کند.

**مسأله ۴۹۶-** اگر محرم بیش از سه مرتبه قسم راست بخورد، هر مقدار که باشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد.

**مسأله ۴۹۷-** اگر به دروغ مثلاً ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره آن بنابر احتیاط یک شتر است؛ مگر این که پس از سه مرتبه یا بیشتر، کفاره را بپردازد که در این صورت باید در دفعه اول گوسفند، و در دفعه دوم گاو، و در دفعه سوم شتر کفاره دهد.

**مسأله ۴۹۸-** بهتر است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت پرهیزد؛ هر چند جمله‌های قسم - که در مسائل قبل گفته شد - در آن نباشد، ولی اظهار تنفر و بیزاری و براءت از دشمنان اسلام، نه تنها ضرری برای احرام ندارد، بلکه از وظائف مسلمین در برابر کفار می‌باشد.

**مسأله ۴۹۹-** هرگاه از روی محبت (نه به خاطر خصومت) بگوید: «به خدا قسم این کار را نکن» یا بگوید: «به خدا سوگند بگذار من برای تو این کار را انجام دهم» حرام نیست، و کفاره هم ندارد.

## ۲۴- شکار حیوانات صحرائی

**مسأله ۵۰۰-** شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است؛ همچنین شکار پرندگان، و در این مورد تفاوتی نمی‌کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران.

**مسأله ۵۰۱-** نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار (هر چند دیگری شکار کرده، یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد) حرام است.

**مسأله ۵۰۲-** کشتن ملخ نیز برای محرم جایز نیست؛ بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می‌تواند راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را حتی الامکان پایمال ننماید، ولی در صورت ناچاری و مشقت و عُسر و حرج اشکالی ندارد.

**مسأله ۵۰۳-** کشتن حیوانات موذی، مانند مار و عقرب و درندگان، در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است.

**مسأله ۵۰۴-** ذبح حیوانات اهلی، مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام اشکالی ندارد.

**مسأله ۵۰۵-** شکار حیوانات دریایی برای محرم جایز است.

**مسأله ۵۰۶-** منظور از حیوانات دریایی حیواناتی است که تخم‌گذاری و رشد نوزاد آنها هر دو در دریا انجام شود، و در دریا هم زندگی کند.

**مسأله ۵۰۷-** نگاه داشتن صید در حال احرام بنابر احتیاط واجب حرام است؛ هر چند مالک آن باشد.

**مسأله ۵۰۸-** هر حیوانی که شکار آن حرام است، نوزاد و تخم آن نیز حرام است؛ هر چند در دست‌رس باشد.

**مسأله ۵۰۹-** اگر محرم شکاری ذبح کند، بنابر مشهور در حکم میتة (مردار) خواهد بود، و بنابر احتیاط واجب هیچ کس (چه محرم و چه غیر محرم) نمی‌تواند از آن استفاده کند.

**مسأله ۵۱۰-** برای کشتن و شکار کردن هر یک از حیوانات صحرائی کفاره‌ای معین شده است، ولی چون در حال حاضر این مسأله چندین مورد ابتلا نیست، و حجاج بیت الله مطلقاً اقدام به شکار نمی‌کنند، از شرح آن صرف‌نظر می‌شود.

## ۲۵- حمل اسلحه

**مسئله ۵۱۱-** محرم نباید با خود اسلحه بردارد؛ خواه اسلحه گرم باشد، یا سرد، بلکه احتیاط آن است که از سلاحهای دفاعی، مانند سپر و امثال آن، نیز استفاده نکند؛ ولی در موقع ضرورت، خطر و ترس از دزد و دشمن و حیوان درنده، حمل هر نوع سلاحی که لازم باشد جایز است.

**مسئله ۵۱۲-** آنچه ممنوع است حمل نمودن اسلحه با خویش است؛ مانند بستن شمشیر به کمر، و گرفتن تفنگ بر دوش، یا با دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاثیه خود سلاحی داشته باشد، برای احرام او ضرر ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

**مسئله ۵۱۳-** هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد، احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

## قطع درخت و گیاه حرم

**مسئله ۵۱۴-** حرمت قطع گیاه و درخت حرم، اختصاص به حال احرام و شخص مُحرم ندارد؛ بلکه بر همه کس حرام است.

**مسئله ۵۱۵-** اگر گیاه یا درختی در منزل انسان باشد، چنانچه خودش آن را کاشته باشد قطع آن جایز است، و اگر دیگری کاشته قطع آن نیز مانعی ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که آن را قطع نکند؛ اما قطع درختان و گیاهان خودرو - که قبل از بنای منزل در آن بوده - حرام است.

**مسئله ۵۱۶-** گیاه اذخر که یکی از گیاهان خوشبو است از حکم بالا مستثنی است و قطع آن مانعی ندارد.

**مسئله ۵۱۷-** اگر به صورت متعارف و عادی راه برود، و گیاهی بر اثر راه رفتن قطع شود، اشکالی ندارد.

**مسأله ۵۱۸-** اگر حیوانی همراه داشته باشد نمی‌تواند از گیاهان و علفهای حرم برای او بچیند؛ ولی جایز است حیوان را رها کند تا خودش علف بخورد.

**مسأله ۵۱۹-** چنانچه درختی را که قطع آن جایز نیست قطع کند، احتیاط آن است که یک گاو کفاره دهد؛ خواه آن درخت بزرگ باشد، یا کوچک.

**مسأله ۵۲۰-** اگر قسمتی از درخت را قطع کند، نه همه آن را، لازم است قیمت آن را به عنوان کفاره بپردازد.

**مسأله ۵۲۱-** قطع گیاه حرم کفاره‌ای جز استغفار ندارد.

**مسأله ۵۲۲-** اگر نایب موجبات کفاره را انجام دهد، کفاره بر عهده خود اوست، نه منوب عنه.

### دیگر مسائل محرّمات و کفّارات احرام

**مسأله ۵۲۳-** هر یک از محرّمات احرام که موجب کفاره است اگر بر اثر جهل به مسأله، یا از روی غفلت، یا فراموشی واقع شود کفاره‌ای ندارد، و ضرری به حجّ یا عمره شخص محرم نمی‌زند، مگر صید که در هر صورت کفاره دارد.

**مسأله ۵۲۴-** شخصی که بر اثر جهل به مسأله، یا فراموشی حکم، یا موضوع آن، یا بر اثر غفلت، بعضی از محرّمات احرام را بجا آورده، کفاره ندارد، مگر در صید و شکار که در هر صورت کفاره دارد. بنابراین، به طور کلی در غیر شکار، هرگاه از روی علم و عمد مرتکب محرّمات احرام شود، کفاره واجب می‌گردد.

**مسأله ۵۲۵-** شرایط قربانی حجّ تمتع در حیوانی که برای کفاره تقصیر قربانی می‌شود، معتبر نیست، بنابراین می‌توان گوسفند خصی و معیوب را

برای این منظور قربانی کرد.

**مسألة ۵۲۶-** قربانی‌هایی که به عنوان کفّاره در عمره تمتّع بر حاجی واجب شده، احتیاط مستحب آن است که در مگّه ذبح کند، و آنچه در حجّ بر او واجب شده، در منی ذبح نماید، و اگر ترک کرد و به وطنش بازگشت، در همانجا قربانی کند، و تمام گوشت آن را به مستمندان صدقه دهد.

**مسألة ۵۲۷-** مصرف کفّارات فقط فقراء و مستمندان هستند، و احتیاط آن است که کفّاره غیر سادات به سادات داده نشود.

**مسألة ۵۲۸-** تأخیر انداختن انجام کفّارات تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد. بنابراین، می‌تواند گوسفند کفّاره را در وطنش ذبح کند، تا صرف فقرای شیعه گردد.

**مسألة ۵۲۹-** شخص فقیر نمی‌تواند گوشت کفّاره خود را به مصرف کسانی که واجب النفقه او هستند برساند؛ هر چند نیازمند باشند.

**مسألة ۵۳۰-** استفاده از گوشت کفّاره برای شخصی که کفّاره بر او واجب شده جایز نیست، ولی استفاده از گوشت قربانی واجب، یا مستحب، برای صاحب آن جایز است.

## استفتائات محرمات احرام

**سؤال ۵۳۱-** آیا مردان محرم، برای محافظت از سرما، می‌توانند از پتوهائی که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند؟

**جواب:** اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی‌شود.

**سؤال ۵۳۲-** آیا مردان محرم می‌توانند در شب مشعر برای محافظت از سرما از کیسه خواب استفاده کنند؟

**جواب:** جایز نیست و کفّاره آن، همان کفّاره پوشیدن لباس دوخته است.

**سؤال ۵۳۳-** آیا منظور از لباس دوخته - که در حال احرام بر مردان حرام است - دوختنیهایی است که قطعات جدا از هم را به هم متصل می‌کنند، یا حتی اگر بر روی حوله احرام هم دوخت بزند اشکال دارد؟

**جواب:** این گونه دوختن‌ها اشکالی ندارد.

**سؤال ۵۳۴-** آیا احرام در کفش دوخته شده، که تمام پشت پا را نگیرد، جایز است؟

**جواب:** آری جایز است؛ ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

**سؤال ۵۳۵-** آیا استفاده از دست و پای مصنوعی، که با چرمهای دوخته شده به بدن می‌بندند، برای جانبازان و معلولین مُحرم جایز است؟

**جواب:** اشکالی ندارد، و کفّاره هم ندارد.

**سؤال ۵۳۶-** آیا پوشیدن لباسهایی که قسمتهایی از آن، به عنوان تزیین، تور دوزی یا گلدوزی شده، برای زنان محرم جایز است؟ و آیا مقنعه جز لباس است؟

**جواب:** از لباسهای زینتی در حال احرام باید پرهیز کرد، و مقنعه نیز جزء لباس است.

**سؤال ۵۳۷-** در مورد زینت کردن زن در حال احرام فرموده‌اید: «اگر به قصد بقاء زینت قبل از احرام زینت کند، و اثرش پس از احرام نیز باقی باشد، اشکال دارد» آیا حکم مزبور تکلیفی است، یا وضعی؟

**جواب:** حکم مذکور تکلیفی است، و احرام او باطل نمی‌شود، و کفّاره‌ای ندارد.

**سؤال ۵۳۸-** اگر محرم سر درد بگیرد و بدین جهت دستمالی بر سر ببندد، که تمام سر را بپوشاند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** این کار در حال ضرورت جایز است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد.

**سؤال ۵۳۹-** مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می‌افتد. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را بپوشاند.

**سؤال ۵۴۰-** اگر محرم سرش را با چیز دوخته - مانند کلاه دوخته شده - بپوشاند، آیا باید دو کفّاره بدهد، یا یک کفّاره کافی است؟

**جواب:** در مثل پارچه دوخته شده - که به صورت کلاه نیست - یک کفّاره



دارد؛ ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب دو کفاره دارد.

**سؤال ۵۴۱-** هرگاه زن محرم از مقنعه‌ای استفاده کند که روی چانه را تا لبها بپوشاند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال ندارد؛ هر چند بهتر آن است که مقنعه روی خط چانه باشد.

**سؤال ۵۴۲-** آیا زن محرم می‌تواند صورت خود را با حوله خشک کند.

**جواب:** خشک کردن صورت برای زنان با حوله مانعی ندارد. به شرط اینکه تمام صورت را نپوشاند.

**سؤال ۵۴۳-** صورت خانمهای محرم در حال پوشیدن یا در آوردن مقنعه خواه و ناخواه پوشیده می‌شود، چه حکمی دارد؟

**جواب:** این مقدار مانعی ندارد.

**سؤال ۵۴۴-** آیا عکس گرفتن در حال احرام، یا فیلمبرداری در این حال، اشکال دارد؟ چون عکس گیرنده به شیشه دوربین، که حالت شفاف و آینه ماندگی دارد، نگاه می‌کند.

**جواب:** عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام اشکالی ندارد.

**سؤال ۵۴۵-** آیا برای محرم جایز است از صابون، یا شامپوهایی که بویی

دارد - هر چند بوی خیلی خوشی نیست - استفاده کند؟

**جواب:** اگر صدق بوی خوش می‌کند باید از آن اجتناب نماید؛ در غیر این صورت مانعی ندارد، و اگر مشکوک هم باشد، اشکالی ندارد.

**سؤال ۵۴۶-** گرفتن ناخن شخص غیر محرم توسط محرم چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۵۴۷-** طبق فتوای حضرت تعالی، محرم از منزل خود در مکه تا مسجد

الحرام می‌تواند از ماشین سقف دار استفاده کند. آیا کسانی که در مسجد الحرام برای حج احرام می‌بندند نیز می‌توانند در مکه زیر سقف بروند؟

**جواب:** در شهر مانعی ندارد؛ هر چند در حال حرکت به سوی عرفات

باشد، ولی هنگامی که به خارج شهر رسید سایبان جایز نیست؛ مگر این که شب باشد.

**سؤال ۵۴۸-** استظلال برای شخصی که از تنعیم محرم می شود چه حکمی دارد؟

**جواب:** با توجه به این که تنعیم در حال حاضر جزء شهر مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال اشکالی ندارد.

**سؤال ۵۴۹-** افرادی که از مسجد شجره محرم شده، و شبانه با ماشین سقف دار به سمت مکه حرکت کرده اند، نزدیک طلوع آفتاب در ماشین به خواب رفته، و پس از طلوع آفتاب بیدار شده، و بلافاصله ماشین را متوقف کرده اند. آیا برای مدتی که در حال حرکت روزانه در زیر سقف بوده اند کفاره ای به آنها تعلق می گیرد؟ اکنون که ماشین توقف کرده و می خواهند با حرکت در زیر سقف از ماشین پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** در این صورت کفاره ای لازم نیست.

**سؤال ۵۵۰-** پیاده و سوار شدن از ماشینی که ایستاده، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف جلو ماشین باشد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۵۵۱-** اینجانب - یکی از خدمه کاروانها - بعد از درک عرفات به اتفاق بانوان کاروان، در اتوبوسی سقف دار قرار گرفته، و برای درک وقوف اضطراری مشعر الحرام، صبح روز دهم به سمت مشعر حرکت کردیم. ناگهان یادم آمد که در هوای آفتابی نباید زیر سقف اتوبوس باشم. چند دقیقه پس از توجه به این مطلب در اتوبوس بودم و پس از توقف اتوبوس - بر اثر ترافیک - پیاده شده، و بقیه راه را پیاده رفتیم. لطفاً فرمائید:

۱- آیا کفاره ای به من تعلق می گیرد؟

۲- در صورت تعلق کفاره، آیا حتماً باید در منی ذبح گردد؟

۳- در صورتی که ذبح در منی شرط باشد، اکنون که در تهران هستیم، چه کنم؟

۴- با توجه به این که من خدمه کاروان بودم، و طبق دستور مدیر کاروان باید همراه بانوان با آن اتوبوس می‌رفتم، و از خود استقلالی نداشتم، کفاره بر عهده کیست؟

۵- چنانچه ستاد حج یا شخص دیگری تقبل کند که ذبح را انجام دهد، آیا از گردن من ساقط می‌شود؟

**جواب:** شما باید گوسفندی قربانی کنید، و انجام آن در وطن اشکالی ندارد. بلکه در شرایط فعلی، که یافتن مستحق در منی و حتی مگه مشکل است، ذبح در وطن اولی است، و می‌توانید به مسئولین ستاد حج یا شخص دیگری نیابت دهید که از طرف شما ذبح کنند، و در این صورت قربانی آنها هم کافی است؛ ولی بدون نیابت دادن به آنها صحیح نیست.

**سؤال ۵۵۲-** آیا استظلال مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا شامل سایه حاصل از تابش مایل خورشید هم می‌شود؟  
**جواب:** سایه دیوارهای ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

**سؤال ۵۵۳-** آیا استظلال مربوط به سایه‌ای است که بر سر محرم می‌افتد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد نیز حکم استظلال دارد؟  
**جواب:** در فرض سؤال، که سایه بر سر نیست، مانعی ندارد.

**سؤال ۵۵۴-** آیا در عرفات - همانند منی - می‌توان در حال حرکت از چتر استفاده کرد؟

**جواب:** حرکت کردن با چتر در عرفات نیز اشکال ندارد.

**سؤال ۵۵۵-** در شهر مگه تونلهائی وجود دارد که طول آن بیش از هزار متر است. آیا محرم می‌تواند با اتومبیل مسقف از آن عبور کند؟

**جواب:** مانعی ندارد؛ زیرا داخل شهر است.

**سؤال ۵۵۶-** آیا محرم به محض رسیدن به شهر مکه می‌تواند از سایه استفاده کند، یا این کار بعد از رسیدن به محلّ اقامت و منزل جایز است؟

**جواب:** با رسیدن به مکه استظلال مانعی ندارد.

**سؤال ۵۵۷-** اخیراً از آخر منی تا نزدیکی محلّ جمرات سایبانی دست کرده‌اند. عبور محرم از این راه، در صورتی که هنوز منزل نکرده و از مشعر الحرام مستقیم به سمت جمرات می‌رود، چه حکمی دارد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۵۵۸-** با ماشین بدون سقف در حال احرام به سمت مکه حرکت کردیم، برای نوشیدن آب مجبور شدم به قسمت جلو اتوبوس که مسقف است بروم. آیا مرتکب خلافی شده و باید کفاره بپردازم؟

**جواب:** این کار جایز نیست، و اگر عمداً باشد کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای تمام مدّت احرام است؛ ولی اگر در شب غیر بارانی باشد اشکال ندارد.

**سؤال ۵۵۹-** یکی از خدمه کاروان‌ها مجبور است به عنوان راهنما به همراه زنان با ماشین سقف‌دار روزانه به سوی مکه حرکت کند، چه حکمی دارد؟

**جواب:** رفتن زیر سایه در موقع ضرورت جایز است، ولی کفاره دارد، و کفاره آن برای هر احرام یک گوسفند است.

**سؤال ۵۶۰-** برخی از حجّاج، که برای عمره مفرده محرم می‌شوند، مجبورند روزانه و با ماشین مسقف حرکت کنند، و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه پیاده و سوار می‌شوند. چند کفاره بر آنان واجب است؟

**جواب:** برای تمام مدّت احرام عمره، یا تمام مدّت احرام حج، یک کفاره کافی است.

**سؤال ۵۶۱-** هرگاه شخصی که از احرام خارج شده موهای شخص محرم

را بتراشد یا کوتاه کند، یا یکی دیگری از کارهایی که بر محرم حرام است برای او انجام دهد، مانند گرفتن ناخن یا زینت کردن او و امثال آن، چه حکمی دارد؟  
**جواب:** در صورتی که محرم به میل و اختیار حاضر به این کار شود، مرتکب کار حرامی شده و باید کفاره بدهد؛ ولی چنانچه بدون اختیار، یا از روی فراموشی بوده، کفاره‌ای برای هیچ کدام ندارد.

**سؤال ۵۶۲-** آیا شوهر پس از خروج از احرام می‌تواند زوجه در حال احرامش را از روی شهوت لمس کند؟

**جواب:** برای شوهر اشکالی ندارد؛ ولی اگر زن نیز از این کار لذت می‌برد احتیاط آن است که به این کار رضایت ندهد.

**سؤال ۵۶۳-** مردی از احرام خارج می‌شود، سپس همسرش را که هنوز در احرام است می‌بوسد، هر چند زن راضی به این کار نبوده است. حکم زن و مرد در این مسأله چیست؟

**جواب:** اگر زن اختیاری نداشته و راضی نبوده، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفاره‌ای واجب نشده است.

**سؤال ۵۶۴-** آیا منظور از کشیدن دندان - که در فرض خونریزی مکروه است - دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می‌شود؟ مثلاً اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد آیا کراهت دارد؟

**جواب:** شامل دندان غیر نمی‌شود.

**سؤال ۵۶۵-** آیا در حال احرام می‌توان دندان‌هایی که شدیداً درد دارد، و دکتر سفارش به کشیدن آن کرده، را کشید هر چند باعث خونریزی شود؟

**جواب:** خارج کردن خون از بدن در حال احرام چه در حال ضرورت و غیر ضرورت حرام نیست، ولی مکروه است و کفاره‌ای هم ندارد.

**سؤال ۵۶۶-** تزریق آمپول برای تزریق کننده و تزریق شونده، که در حال

احرام است، چه حکمی دارد؟

**جواب:** تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن گردد مکروه است.

**سؤال ۵۶۷-** آیا می‌توان پوستهای زاید را، که از لبها یا کنار ناخن‌ها بر آمده، از بدن جدا کرد؟

**جواب:** در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد، و اگر خون بیاید مکروه است، و در هر حال کفّاره‌ای ندارد.

**سؤال ۵۶۸-** آیا سوگندهای معمولی، همانند سوگندهای روزمره مردم، در حال احرام اشکال دارد؟

**جواب:** قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

**سؤال ۵۶۹-** در مناسک حضرت‌تعالی قطع درخت حرم جزء محرمات احرام ذکر نشده است. آیا این کار از محرمات احرام نیست؟

**جواب:** این کار از محرمات احرام نیست، بلکه قطع درخت حرم بر همه کس حرام است.

**سؤال ۵۷۰-** در بین مردم معروف است که شخص محرم نباید به کسی دستور بدهد؛ بلکه باید خود کارهایش را انجام دهد. آیا چنین مطلبی صحیح است؟ اگر در حال احرام به کسی دستور دهد آیا گناه کرده و کفّاره دارد؟

**جواب:** این کار اشکال ندارد؛ ولی تفاخر و برتری جویی حرام است.

**سؤال ۵۷۱-** کسی که حجّش را باطل کرده، چگونه از احرام خارج شود؟  
**جواب:** اگر حجّ فاسد شده را به اتمام برساند، یا در بعضی از موارد، که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند، از احرام خارج می‌شود.

## کفّارات احرام به طور خلاصه

گرچه کفّاره هر یک از محرمات احرام، به هنگام ذکر آنها بیان شد، ولی مناسب است برای سهولت امر همه را یکجا بیاوریم:

کفّاره	کار حرام	ردیف
یک شتر (با تفصیلی که قبلاً ذکر شد)	جماع (آمیزش)	۱
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	استعمال بوی خوش	۲
برای هر ناخن یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم)	گرفتن کمتر از ده ناخن	۳
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست یا پا	۴
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست و پا در یک مجلس	۵
دو گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست با پا در دو مجلس	۶
یک گاو (بنابر احتیاط واجب) استغفار	قطع درخت حرم قطع گیاه حرم	۷
یک گوسفند	پوشیدن لباس دوخته حتی در حال ضرورت	۸

کفاره ندارد	پوشیدن کفش و جوراب برای مردان	۹
یک گوسفند (احتیاط مستحب)	پوشاندن صورت برای زنان	۱۰
یک گوسفند	زیر سایه رفتن برای مردان	۱۱
یک گوسفند	تراشیدن سر یا موهای زیر بغل	۱۲
تخیر بین یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به دو مد طعام	تراشیدن سر در حال ضرورت	۱۳
مانند مورد قبل (بنابر احتیاط واجب)	زایل کردن موی زیر بغل در حال ضرورت	۱۴
اطعام یک فقیر	زایل کردن مقداری از موی سر یا صورت یا زیر بغل و مانند آن	۱۵
کفاره ندارد	ازدواج برای خود	۱۶
کفاره ندارد	اجرای صیغه عقد برای دیگران	۱۷
یک گوسفند	نگاه یا لمس همسر بقصد لذت	۱۸
یک شتر (احتیاط واجب)	نگاه یا لمس همسر با انزال	۱۹
یک شتر	بوسیدن همسر بقصد لذت	۲۰
مقداری طعام (بنابر احتیاط واجب)	کشتن حشرات حتی سهواً	۲۱
استغفار	دروغ گفتن، دشنام دادن و تفاخر نمودن	۲۲
برای هر مرتبه یک گوسفند	قسم دروغ	۲۳
یک گوسفند	قسم راست (سه مرتبه)	۲۴
کفاره ندارد	قسم راست (کمتر از سه مرتبه)	۲۵
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	حمل سلاح	۲۶
کفاره ندارد	سرمه کشیدن	۲۷
کفاره ندارد	نگاه کردن به آینه	۲۸



کفاره ندارد	پوشیدن زیور آلات	۲۹
یک گوسفند	استعمال روغن که بوی خوش دارد	۳۰
کفاره ندارد	خارج کردن خون از بدن	۳۱
یک گوسفند (بنابر احتیاط مستحب)	کشیدن دندان	۳۲
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	پوشاندن سر	۳۳
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	مالیدن روغن	۳۴



## ۲- طواف

**مسأله ۵۷۲-** دوّم از واجبات عمره، طواف است؛ طواف یعنی هفت دور گردش به دور خانه خدا، که هم در عمره واجب است و هم در حج. (یک مرتبه در عمره، و دو بار در حج).

**مسأله ۵۷۳-** طواف از ارکان عمره است؛ بنابراین اگر کسی آن را عمداً ترک کند، و تا زمانی که وقت آن باقی است بجا نیاورد، عمره او باطل می‌شود؛ چه عالم به مسأله باشد، و چه جاهل، و احتیاط آن است که چنین شخصی «حجّ افراد» بجا آورد، و عمره را پس از حج انجام دهد، و حجّش را در سال بعد نیز اعاده نماید.

**مسأله ۵۷۴-** هرگاه طواف را سهواً ترک کند، لازم است هر وقت یادش آمد آن را بجا آورد، و اگر به وطن خود بازگشته و نمی‌تواند یا زحمت شدید دارد که به مکه بازگردد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

### شرایط پنج گانه طواف

#### اوّل: نیت

**مسأله ۵۷۵-** باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد؛ زیرا طواف

از عبادات است، و بدون نیت همراه با قصد قربت صحیح نیست.

**مسأله ۵۷۶-** لازم نیست محرم نیت را به زبان آورد، یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه همین مقدار توجّه داشته باشد که تصمیم دارد طواف انجام دهد، و این توجّه تا پایان طواف وجود داشته باشد کافی است. به عبارت دیگر، نیت در عبادات مانند نیت در کارهای روز مرّه است؛ همانطور که (مثلاً) با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود، اگر به همان شکل عبادت را بجا آورد نیت انجام شده است؛ تنها قصد قربت در عبادات لازم است.

**مسأله ۵۷۷-** اگر در انجام طواف، یا سایر اعمال عمره و حج، که عبادت است، ریا کند (یعنی برای نشان دادن، و به رخ دیگران کشیدن، و عمل خود را خوب جلوه دادن، عبادت را بجا آورد) آن عمل باطل است، و علاوه بر بطلان عمل، مرتکب معصیت و گناه بزرگی نیز شده است.

**مسأله ۵۷۸-** اگر در انجام عبادت، رضایت و خشنودی دیگری را هم مدّ نظر داشته باشد، و آن عمل خالص برای خدا نباشد، ریا و باطل است.

**مسأله ۵۷۹-** در صحیح بودن عمل کفایت می‌کند که آن را «برای خدا» یا «برای اطاعت امر خدا» یا «برای نجات از کیفر الهی» یا «برای رسیدن به بهشت» و یا «برای وصول به ثواب معنوی» انجام دهد.

**مسأله ۵۸۰-** هرگاه بعد از تمام کردن طواف یا دیگر عبادات، مرتکب ریا شود، عبادت باطل نمی‌شود؛ هر چند کار خلافی کرده است.

### دوم: طهارت از حدث

**مسأله ۵۸۱-** منظور از «طهارت از حدث» این است که محرم به هنگام طواف، از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد، و وضو داشته باشد.

**مسأله ۵۸۲-** «طهارت از حدث» در صورتی شرط است که طواف واجب

باشد، اما در طواف مستحب شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که طهارت داشته باشد، بنابراین اگر جنب یا حائض، یا نفساء بوده و فراموش کرده، و با همان حال طواف نموده، طواف مستحب او صحیح است، اما در صورت علم و آگاهی، چون بودن جنب در مسجد الحرام حرام است، طواف او صحیح نمی‌باشد، ولی طواف مستحب بدون وضو اشکالی ندارد.

**مسئله ۵۸۳-** همان گونه که در بالا آمد طهارت از حدث در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد، یا طواف حج، یا طواف نساء. حتی در عمره و حج مستحب - که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند - طهارت از حدث شرط است.

**مسئله ۵۸۴-** هرگاه شخصی که وضو نداشته، یا از جنابت، یا حیض، یا نفاس، پاک نبوده طواف واجب کند، طوافش باطل است؛ خواه از روی عمد باشد، یا بر اثر غفلت و نسیان، یا ندانستن مسأله.

**مسئله ۵۸۵-** هرگاه محرم دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد، و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود، واجب است به جای آن تیمم کند؛ خواه تیمم بدل از غسل باشد، یا بدل از وضو؛ سپس طواف را بجا آورد.

**مسئله ۵۸۶-** اگر محرم تیمم بدل از غسل کرد، و سپس یکی از میطلات وضو را انجام داد، لازم نیست تیمم بدل از غسل را تکرار کند؛ بلکه تیمم بدل از وضو می‌کند، و تا زمانی که یکی از موجبات غسل حاصل نشده، و عذرش باقی است، همان تیمم بدل از غسل اول کافی است.

**مسئله ۵۸۷-** اگر امید دارد که عذرش مرتفع گردد، احتیاط واجب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند؛ اگر عذر برطرف نشد تیمم کند.

**مسئله ۵۸۸-** اگر با طهارت بوده و شک کند که حدثی از او سر زده، بنا را

بر طهارت می‌گذارد، و لازم نیست دوباره آن را انجام دهد.

**مسئله ۵۸۹-** هرگاه یقین داشته باشد غسل بر او واجب شده، یا وضویش باطل گردیده، سپس شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید وظیفه غسل یا وضو را انجام دهد.

**مسئله ۵۹۰-** هرگاه بعد از انجام طواف شک کند آن را با وضو بجا آورده، یا شک کند غسل را انجام داده؟ طوافش صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد (که نیاز به وضو، یا غسل دارد) باید آن را بجا آورد.

**مسئله ۵۹۱-** اگر در اثناء طواف شک کند وضو گرفته؟ و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند، اگر بعد از تمام شدن دور چهارم باشد طواف را رها می‌کند و وضو می‌گیرد، و از همانجا بقیه طواف را بجا می‌آورد، و سپس احتیاطاً آن را اعاده می‌کند، و اگر قبل از دور چهارم باشد، طواف او باطل است.

**مسئله ۵۹۲-** هرگاه در اثناء طواف شک کند غسلی که بر او واجب بوده انجام داده، یا نه؟ باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و پس از غسل بازگردد، سپس اگر حداقل چهار دور را تمام کرده باشد، دنباله آن را بجا می‌آورد، و احتیاطاً آن است که پس از اتمام طواف آن را اعاده کند، و اگر قبل از شوط چهارم بوده، از اوّل شروع می‌کند.

**مسئله ۵۹۳-** هرگاه زن محرم حائض شود و نتواند طواف و نماز طواف را با طهارت قبل از وقوف به عرفات بجا آورد، باید نیت حج افراد کند، و بعد از اتمام اعمال حج، عمره مفرده را با طهارت انجام دهد؛ خواه حائض شدن قبل از احرام باشد، یا بعد از احرام. حکم زن زائو نیز همین است.

**مسئله ۵۹۴-** بانوان می‌توانند با خوردن قرص، عادت را به عقب بیندازند و طواف و عمره را به جا آورند، و برای حج و عمره آنها اشکال ندارد.

**مسأله ۵۹۵-** هرگاه بانوان بعد از خوردن قرص در ایام عادت لک ببینند، و سه روز پشت سر هم ادامه نداشته باشد، حیض محسوب نمی‌شود. وضو می‌گیرند، و اعمالشان صحیح است.

**مسأله ۵۹۶-** هرگاه زنی در غیر ایام عادت ماهانه لک ببیند، و به اعتقاد این که خون عادت نیست، طواف و نماز طوافش را انجام دهد، و شب بعد از طواف خونی ببیند که تمام شرایط عادت ماهیانه را داشته باشد، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک (در شب قبل از طواف) خون در باطن بوده و قطع نشده، آن لک احکام حیض دارد و طواف و نماز طوافش باطل است، ولی حج و عمره او صحیح است، اما باید طواف و نماز طواف را (بعد از قطع عادت و انجام غسل) اعاده کند، و اگر در عمره بوده، در صورت تنگی وقت برای اعاده طواف و نماز آن، احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده نیز به جا آورد. ولی اگر شک دارد، یا یقین دارد که آن لک مدتی قطع شده (و این خون تازه‌ای است)، حکم حیض ندارد و اعمالش صحیح است.

**مسأله ۵۹۷-** هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود، تجدید وضو می‌کند و باز می‌گردد. اگر حداقل چهار دور را تمام کرده بود، بقیه را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده از اول شروع می‌کند، و اگر زن در حال طواف عادت ماهانه شود، فوراً از مسجد الحرام خارج می‌شود، و حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است.

**مسأله ۵۹۸-** اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی، طواف واجب خود را قطع کند، مطابق مسأله سابق عمل می‌نماید.

**مسأله ۵۹۹-** هرگاه در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر بر اتمام طواف نباشد طواف را قطع می‌کند، و پس از بهبودی اگر چهار

دور را تکمیل کرده بوده، باقیمانده را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از آن بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند، او را طواف می‌دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می‌گیرد.

**مسئله ۶۰۰-** هرگاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد، یا غیر ضروری) هنگامی که باز می‌گردد می‌تواند از همانجا که رها کرده ادامه دهد؛ خواه چهار دور تمام شده باشد، یا نه.

**مسئله ۶۰۱-** نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد بجا آورد).

### سوّم: طهارت از نجاست

**مسئله ۶۰۲-** بدن و لباس طواف‌کننده (خواه در طواف واجب، یا مستحب) باید از هر نجاستی پاک باشد؛ حتی بعضی از نجاسات که در نماز بخشوده شده (مانند خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها، اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد، ضرری برای طواف ندارد.

**مسئله ۶۰۳-** اگر لباسهای کوچک مانند جوراب، شب کلاه و همیان، که به تنهایی نمی‌توان با آن ستر عورت کرد، نجس باشد عیبی ندارد.

**مسئله ۶۰۴-** اگر تطهیر خون قروح و جروح مشقت داشته باشد، شستن آن لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که به مقداری که می‌توان بدن را تطهیر کرد، و لباس را عوض نمود، و موجب مشقت نیست، انجام دهد.

**مسئله ۶۰۵-** در صورتی که بتواند با تأخیر انداختن طواف، خود و لباس



خویش را بدون مشقت تطهیر کند، احتیاط آن است که چنین نماید؛ به شرط آن که وقت باقی باشد.

**مسأله ۶۰۶-** هرگاه لباس یا بدن نجس باشد، و نداند یا می‌دانسته و فراموش کرده، چنانچه بعد از طواف بفهمد طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقف می‌کند، و لباس یا بدن را آب می‌کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می‌آورد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل کردن دور چهارم باشد، یا بعد از آن.

**مسأله ۶۰۷-** اگر شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است یا پاک، می‌تواند در آن حال طواف کند؛ خواه بداند قبلاً پاک بوده، یا نداند، ولی اگر یقین داشته باشد که قبلاً نجس بوده، و نداند که آن را تطهیر کرده یا نه، نمی‌تواند در آن حال طواف کند، بلکه باید ابتدا تطهیر کند، و سپس طواف نماید.

**مسأله ۶۰۸-** اگر در بین طواف بدن یا لباس او نجس شود، دست از طواف بر می‌دارد، و لباس یا بدنش را آب می‌کشد، سپس طواف را از همانجا که قطع کرده بود ادامه می‌دهد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از تکمیل چهار دور باشد، یا بعد از آن.

**مسأله ۶۰۹-** اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ملاحظه کند، و احتمال دهد که در همان حال طواف حاصل شده، طبق مسأله قبل عمل می‌کند.

#### چهارم: ختنه برای مردان

**مسأله ۶۱۰-** هرگاه مردی ختنه نکرده باشد، طوافش باطل است، و

احتیاط واجب آن است که پسر نابالغ نیز ختنه کرده باشد.

**مسئله ۶۱۱-** اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام او صحیح است؛ ولی تمام طوافهای او اشکال دارد. بنابراین، چنین فردی در احرام باقی می‌ماند، و در آمدن از احرام برای او مشکل می‌شود؛ مگر آن که او را ختنه کنند، و سپس طواف کند، یا او را طواف دهند.

**مسئله ۶۱۲-** اگر کسی ختنه کرده به دنیا بیاید، طوافش صحیح است.

**مسئله ۶۱۳-** هرگاه کسی از روی عمد، یا فراموشی، یا ندانستن مسئله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است.

### پنجم: پوشانیدن عورت

**مسئله ۶۱۴-** پوشانیدن عورت بر طواف کننده واجب است؛ بلکه لازم

است بدن خود را طوری بپوشاند که نگویند بدنش برهنه است.

**مسئله ۶۱۵-** احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نمازگزار را در

حال طواف رعایت کند.

## استفتائات شرایط پنج‌گانه طواف

### طهارت از حدث

**سؤال ۶۱۶-** شخصی پس از انجام تقصیر متوجه می‌شود که در حال طواف و نماز طواف وضو نداشته، یا وضویش باطل بوده، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا لازم است مجدداً لباس احرام بپوشد، و طواف کند؟  
**جواب:** طواف و نماز طواف را اعاده کند، و عمره او صحیح است، و پوشیدن لباس احرام لازم نیست.

**سؤال ۶۱۷-** وضوی یکی از حُجَّاج در دور آخر طواف باطل شد. طواف را با همان حالت به پایان رسانده، سپس وضو گرفته و طواف را از اول شروع کرده، و پس از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا عمل او صحیح می‌باشد؟

**جواب:** طواف دوم و اعمال پس از آن صحیح است؛ هر چند می‌توانست طواف اول را پس از وضو تکمیل و به آن قناعت نماید.

**سؤال ۶۱۸-** شخصی به نیابت از پدر، عمره مفرده‌ای انجام داده، و روز بعد به نیابت از مادر احرام می‌بندد و در اثنای عمره دوم متوجه می‌شود که طواف و نماز طواف عمره اول را بدون وضو انجام داده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** طواف و نماز عمرهٔ اوّل را اعاده می‌کند، و عمرهٔ دوّم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجّه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد؛ مگر به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه به طور قطعی).

**سؤال ۶۱۹-** کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای و تیمّم بوده، از روی جهل و نادانی به احکام شرعی بدون تیمّم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** طواف و نماز آن باید اعاده شود، و احتیاط آن است که اعمال بعد از آن را هم اعاده نماید.

**سؤال ۶۲۰-** هنگام اذان صبح به مسجد الحرام رسیدیم. سرپرست کاروان گفت: «کمی صبر کنید، پس از نماز صبح طواف می‌کنیم». بر اثر خستگی زیاد خوابم برد، و چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم تیمّم کردم، و طواف و نماز طواف را با تیمّم انجام دادم. آیا حجّ من صحیح است؟

**جواب:** در صورتی که برای شما امکان داشته وضو بگیرید، هر چند که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمّم صحیح نبوده است. وظیفه شما این است که طواف و نماز طواف را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی‌توانید، باید نایب بگیرید.

**سؤال ۶۲۱-** شخصی در طواف واجب احساس می‌کند لباس احرامش نجس شده، ولی اعتنا نمی‌کند، و با همان حال طواف و اعمال بعد را انجام می‌دهد، سپس لباسش را بررسی نموده، یقین پیدا می‌کند که در حال طواف چنین شده است، و بدون جبران اعمال به وطن باز می‌گردد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟ آیا هنوز در حال احرام است؟

**جواب:** اگر در حال طواف یقین نداشته که وضویش باطل و

احرامی اش نجس شده (هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد)، از احرام خارج شده است، ولی باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر شخصاً نمی تواند، باید نایب بگیرد.

### حکم مسلوس

**سؤال ۶۲۲-** وظیفه مسلوس (کسی که بی اختیار قطرات بول از او خارج می شود) نسبت به طواف و نماز طواف چیست؟

**جواب:** اگر در زمان خاصی بیماریش تخفیف پیدا می کند، به گونه ای که می تواند در آن زمان طواف و نماز طواف را با وضو و بدن پاک به جا آورد، باید این اعمال را در آن زمان انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که زحمت زیادی نداشته باشد، هر بار که وضویش باطل شد تجدید وضو کند، و اگر زحمت زیاد دارد، برای طواف یک وضو، و برای نماز هم یک وضو می گیرد، و نایب گرفتن لازم نیست.

**سؤال ۶۲۳-** شخصی عمل جزّاحی کرده، و فعلاً کیسه ای به او بسته اند که پیوسته قطرات بول در آن می ریزد؛ خواه از مجرای بول، یا از محلی که جزّاحی و سوراخ شده است. آیا چنین شخصی حکم مسلوس را دارد؟

**جواب:** آری، حکم مسلوس را دارد که حکم آن در پاسخ قبل گذشت.

**سؤال ۶۲۴-** مُحرمی که مبتلا به خروج ریح است (یعنی مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند) و در طول سال شاید یکی دو ماه بیماریش تخفیف پیدا کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیفش چیست؟

**جواب:** چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد، یا این کار زحمت

زیاد داشته باشد، می‌تواند برای طواف به یک وضو اکتفا کند، و برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد. هر چند در اثناء طواف و نماز، وضویش باطل شود، و نیازی به نایب گرفتن نیست.

**سؤال ۶۲۵-** پیرمردی سلس بول دارد و خود را برای طواف از تنجیس لباس و مسجد حفظ نمی‌کند و به راهنمایی و ارشاد دیگران توجه ندارد؛ آیا می‌تواند برای طواف نایب بگیرد؟  
**جواب:** باید نایب بگیرد.

### حکم مبطون

**سؤال ۶۲۶-** مدتی است، که به علت بیماری و در اثر عمل جراحی، مبطون هستم و خروج مدفوع را احساس نمی‌کنم. بدین جهت از کیسه مخصوصی استفاده نموده، و برای وضو و نماز طبق رساله عمل می‌کنم. با توجه به این که سال آینده، انشاء الله، به زیارت خانه خدا نائل می‌شوم، وظیفه‌ام در رابطه با مراسم حج چیست؟

**جواب:** چنانچه زمانی باشد که بتوانید طواف و نماز طواف را بدون خروج آن انجام دهید، باید همان زمان را انتخاب نموده، و اعمالتان را انجام دهید و اگر چنین چیزی امکان‌پذیر نیست، و به هیچ وجه خروج آن را احساس نمی‌کنید، طواف را با یک وضو، و نماز طواف را با وضوی دیگر انجام دهید.

### وظیفه مستحاضه، حائض و جنب

**سؤال ۶۲۷-** خانمی طبق تاریخ تولدش، بیش از پنجاه سال شمسی دارد، و یک سال و نیم است که عادت ماهانه نشده؛ ولی در حال احرام

خون می‌بیند. آیا می‌توان در یائسگی او تردید کرد؟ وظیفه او چیست؟  
**جواب:** هرگاه شرایط و صفات عادت ماهیانه را نداشته باشد، حکم مستحاضه را دارد و با انجام وظیفه مستحاضه حج و طواف او صحیح است.

**سؤال ۶۲۸-** هرگاه زنان سیده پس از شصت سال، و غیر سیده بعد از پنجاه سال، چند روز متوالی خونی ببینند، که همه نشانه‌های حیض را داشته باشد، برای طواف و نماز طواف چه کنند؟

**جواب:** در صورت داشتن تمام نشانه‌های حیض، حکم حیض را دارد. در ضمن زنان سادات در محیط ما حکم زنان قرشیه را ندارند، و آنها نیز در پنجاه سالگی قمری (حدود ۴۸/۵ سال شمسی) یائسه می‌شوند، یعنی هرگونه خون مشکوکی ببینند حکم استحاضه را دارد.

**سؤال ۶۲۹-** خانمی در حال طواف مستحاضه قلیله می‌شود. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام می‌کند، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر، طواف را از اول شروع می‌کند.

**سؤال ۶۳۰-** زن مستحاضه‌ای پس از انجام غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، ولی در اثناء طواف لک می‌بیند. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر خون او مستمر است و به وظیفه‌اش عمل کرده، و در حد امکان از خروج خون جلوگیری نموده، وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر خون کاملاً قطع شده و غسل کرده، سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید را دارد.

**سؤال ۶۳۱-** زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد، و با این کار فاصله‌ای بین اعمال او پیش می‌آید، که گاهی از اوقات طولانی است، مثل این که باید برای غسل به منزل برود. آیا این فاصله اشکال ندارد؟

**جواب:** همانطور که قبلاً گفته شد، هنگامی که مستحاضه وظیفه غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است، و غسل دیگری برای طواف و نماز طواف لازم نیست.

**سؤال ۶۳۲-** خانم مستحاضه‌ای طبق وظیفه‌اش غسل کرد، یا وضو گرفت، و مشغول طواف شد. در بین طواف، نماز ظهر شروع شد. طواف را قطع کرد و نمازش را خواند. پس از نماز، با همان وضو یا غسل طوافش را ادامه داد. آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** هرگاه مستحاضه کثیره غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری مطلقاً برای طواف و نماز طواف بر او واجب نیست.

**سؤال ۶۳۳-** خانمی پس از وقوف در عرفات و مشعر، عادت ماهانه می‌بیند. با مصرف قرص خون قطع می‌شود، و اعمال را انجام می‌دهد؛ ولی پس از آن لک می‌بیند. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر اعمال او در حال پاک بودن انجام شده صحیح است، و اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۳۴-** بعضی از بانوان برای جلوگیری از عادت ماهیانه، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می‌خورند؛ ولی با این حال به هنگام احرام لکه‌های مختصری می‌بینند. آیا ضرری به اعمال آنها می‌زند؟

**جواب:** لکه‌های مزبور، اگر سه روز مستمراً ادامه نیابد، حکم استحاضه را دارد، و ضرری به اعمال حج نمی‌زند، و باید مطابق اعمال استحاضه عمل کنند و چنانچه فقط لکه‌هایی دیده و ادامه نداشته، تنها



وضو بر آنان واجب است، و غسل ندارد.

**سؤال ۶۳۵-** اگر صاحب عادت «وقتیّه و عددیّه» که عدد روزهای عادتش همواره مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شود و غسل کند، سپس اعمال حج را بجا آورد، ولی بعداً لک ببیند، اعمالش چگونه است؟

**جواب:** هرگاه اعمال او در حال پاکی واقع شده، صحیح است.

**سؤال ۶۳۶-** نظم عادت ماهانه بعضی از خانمها به خاطر مصرف قرص جلوگیری بر هم می خورد؛ به طوری که گاه به مدت طولانی مرتب خون یا لک می بینند. وظیفه این دسته از زنان در حج چیست؟

**جواب:** اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و در ایام عادت دیده شود، هر چند به این صورت که پس از شروع تا سه روز باطن آلوده باشد، محکوم به حکم حیض است. در غیر این صورت، احکام استحاضه را دارد.

**سؤال ۶۳۷-** خانمی عادت ماهانه نمی شود؛ ولی هر دو ماه یکبار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟

**جواب:** اگر خون، هر چند در داخل و باطن، تا سه روز استمرار نداشته، حکم استحاضه را دارد.

**سؤال ۶۳۸-** هرگاه زنی در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار دور حائض شود، و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نگردد، وظیفه اش چیست؟

**جواب:** باید نیت حج افراد کند؛ و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

**سؤال ۶۳۹-** اگر خانمی بعد از دور چهارم در طواف عمره تمتع حائض شود، و تا وقت وقوف به عرفات پاک نشود، چه تکلیفی دارد؟

**جواب:** باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد، سپس برای حج تمتع احرام ببندد، و به هنگام طواف حج تمتع (قبل، یا بعد از آن) بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را بجا آورد.

**سؤال ۶۴۰-** خانمی عمره تمتع را به پایان می‌رساند، سپس متوجه می‌شود که طوافش به جهتی باطل بوده، و اکنون نیز عادت ماهانه شده است. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** هر وقت پاک شد طواف و نماز طواف را اعاده می‌کند و اگر قبل از وقوف به عرفات پاک نشود برای حج محرم می‌گردد، و پس از بازگشت به مکه و رفع عذر، آن اعمال را بجا می‌آورد.

**سؤال ۶۴۱-** خانمی بر اثر جهل و ناآگاهی از احکام شرع، پس از پاک شدن از عادت ماهانه، خیال می‌کرده جنب است، و لهذا نیت غسل جنابت کرده، و با همین حال حج بجا آورده است. حج او چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر منظورش انجام غسل برای عادت ماهانه بوده، و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

**سؤال ۶۴۲-** شخصی پس از به جا آوردن اعمال حج متوجه می‌شود که غسل مس میت بر او واجب بوده، و هنوز آن را انجام نداده است. آیا حجش صحیح است؟

**جواب:** هرگاه غسل واجب یا مستحب دیگری انجام داده کفایت می‌کند، و حجش صحیح است و اکنون وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر هیچ غسلی نکرده، هر چند حجش اشکالی ندارد، اما واجب است طوافها و نمازهای آن را اعاده کند، و اگر خودش قادر نیست نایب بگیرد.

**سؤال ۶۴۳-** دختر مجزودی در اوائل سن بلوغ جنب شده، و تا کنون غسل جنابت نکرده؛ ولی غسلهایی مانند غسل حیض یا جمعه را انجام

داده، و با این کیفیت به حج رفته است. لطفاً بفرمائید:

۱- عبادتهایی که بعد از آن حالت تاکنون انجام داده چه وضعی دارد؟

۲- آیا هنوز از احرام خارج نشده، و جمیع محرمات احرام بر او حرام

است؟

۳- حجّش چه حکمی دارد، و اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: هرگاه غسل دیگری انجام داده کفایت می‌کند؛ بنابراین،

اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، از جمله حجّ او،

صحیح است، ولی نمازهایی را که بعد از جنابت و قبل از اولین غسل

خوانده باید به تدریج قضا کند، و اگر بعد از جنابت تا زمان حج هیچ

غسلی نکرده، باید طوافهای عمره و حج و طواف نساء و نمازهای آن را

دوباره بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد، و تا زمانی که این اعمال

را اعاده نکرده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف

نساء حلال می‌شود، احتیاطاً اجتناب کند.

سؤال ۶۴۴- هرگاه شخص محرم جنب شود، و آب برایش ضرر داشته

باشد، و وقت عمره می‌گذرد، آیا طواف و نماز آن با تیمّم کافی است، یا باید

نایب هم بگیرد؟

جواب: کافی است، و نایب گرفتن لازم نیست.

### پاڪه بودن لز نجاسات

سؤال ۶۴۵- شخصی در دور ششم طواف نجاستی در بدن خود مشاهده

کرده، و یقین دارد که از دورهای قبل بوده است، ولی بدون توجه به این

مطلب، طواف را تکمیل کرده، و پس از تطهیر بدن طواف را اعاده می‌نماید،

سپس بقیه اعمال عمره را به انجام می‌رساند. آیا اعمال او صحیح است؟

**جواب:** عمل او اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۴۶-** شخصی در حین طواف متوجه اندکی خون بر بینی خود می‌شود. با دستمال آن را پاک کرده، و طواف را به انجام می‌رساند. آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** اگر بینی او نجس شده باید آن را آب بکشد، و طواف را تکمیل کند، و اگر این کار را نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر آن را تکمیل کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

**سؤال ۶۴۷-** اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند، یا در قنடைه خود بول کنند، چه حکمی دارند؟

**جواب:** در هر دو صورت حج آنها صحیح است؛ انشاء الله.

### ختنه کردن

**سؤال ۶۴۸-** جوان هفده ساله‌ای که ختنه نشده، و به تشخیص شورای پزشکی ختنه برایش ضرر دارد، مستطیع شده، و فعلاً در مدینه است. تکلیف او نسبت به حج چیست؟

**جواب:** باید با همان حال محرم شود، و اعمالش را بجا آورد، و گرفتن نایب برای طواف لازم نیست.

**سؤال ۶۴۹-** تکلیف کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده، و با این حال اعمال حج را به جا آورده، چه می‌باشد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که بعد از ختنه صحیح و کامل، طوافها و نماز طوافها را اعاده کند، و اگر نمی‌تواند به مکه برود، نایب می‌گیرد.

**سؤال ۶۵۰-** اگر شخصی را به طور ناقص ختنه کرده باشند، به این معنی

که قسمت بالای آلت کاملاً هویدا نیست، ولی در حال نعوذ آشکار می‌گردد. آیا چنین شخصی ختنه شده محسوب، و طواف‌هایش صحیح است؟ اگر پاسخ منفی است، و ختنه بر آن شخص برای بار دیگر لازم باشد، و او به علت سن بالا از انجام این کار خجالت بکشد، حکم مسأله چیست؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند، و در این گونه مسائل خجالت کشیدن معنی ندارد. می‌تواند به طور پنهانی نزد طبیب آگاهی برود و ختنه کند، و این کار در ایام ما بسیار آسان است.

### طواف در لباس مشغول خمس

**سؤال ۶۵۱-** شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر از روی علم و عمد نبوده، عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر بوده، احتیاط واجب آن است طواف و نماز آن، و قربانی را اعاده کند.

**سؤال ۶۵۲-** هرگاه محرم به هنگام طواف پول خمس نداده همراه داشته باشد، آیا طوافش اشکال پیدا می‌کند؟

**جواب:** اشکالی برای طوافش ایجاد نمی‌کند.

### حدّ پوشش در طواف

**سؤال ۶۵۳-** آیا حجاب زنان محرم در طواف، مانند حجاب در حال نماز

است، یا تفاوت می‌کند؟

**جواب:** تفاوت می‌کند؛ در حال نماز پوشیدن پشت پا و کف آن نیز مستثنی است؛ ولی احتیاط آن است که در حال طواف آنها را بپوشاند (جوراب بپوشد). همچنین در طواف استفاده از نقاب جایز نیست، ولی در نماز ضرری ندارد.

**سؤال ۶۵۴-** اگر مقداری از موی سر زن محرم، یا جاهای دیگر بدنش، که پوشیدن آن در حال طواف لازم است، ظاهر باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

**جواب:** طوافش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

## واجبات هفتگانه طواف

### اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

**مسألة ۶۵۵-** باید طواف را از «حجر الاسود» شروع کند، و به «حجر الاسود» ختم نماید، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرده، و به آن خاتمه داده کافی است، و دقت در محاذی بودن اجزای بدن با حجر الاسود لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجر الاسود شروع کند، و کمی بعد از آن ختم نماید، تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است.

**مسألة ۶۵۶-** در طواف باید همان‌گونه که همه مسلمین طواف می‌کنند شروع کند، و از دقتهای افراد و سواسی در مورد محاذات با حجر الاسود بپرهیزد، و در دوره‌های دیگر توقف در نزد حجر الاسود لازم نیست، بلکه بدون توقف ادامه می‌دهد تا هفت دور تمام شود تا مزاحمتی برای طواف کنندگان حاصل نگردد.

**مسألة ۶۵۷-** گاه دیده می‌شود که اشخاص جاهل در هر دوری که به هنگام طواف انجام می‌دهند توقف نموده، و مقداری عقب و جلو می‌روند تا محاذات با حجر الاسود را رعایت کرده باشند، این کار به هیچ وجه لازم نیست، بلکه گاهی حرام است.

### سوّم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد

**مسأله ۶۵۸-** واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد (برخلاف حرکت عقربه ساعت) همان گونه که معمول همه مسلمانان است.

**مسأله ۶۵۹-** طواف در طبقات بالای مسجد الحرام در غیر حال ضرورت خالی از اشکال نیست؛ ولی در صورت ازدحام فوق العاده، یا الزام حکومت که باید بیماران در طبقه فوقانی طواف کنند، مانعی ندارد.

**مسأله ۶۶۰-** لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول و متعارف مسلمانان خانه کعبه را دور بزند کافی است، حتی اگر گاهی صورت خود را به سوی کعبه کند و به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد.

**مسأله ۶۶۱-** آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (به خصوص موقع رسیدن به حجر اسماعیل) انجام می دهند هیچ لزومی ندارد؛ بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد جایز نیست، و بهتر است به جای این گونه احتیاطهای بیجا، در تمام حالات حضور قلب داشته باشند، و همانند سایر مسلمانان کعبه را دور بزنند.

**مسأله ۶۶۲-** گاه دیده می شود برخی از افراد جاهل برای احتیاط از شخص دیگری می خواهد که او را طواف دهد، و شانه های او را به سوی کعبه کند، به گونه ای که اختیار از طواف کننده سلب می شود. هر چند این کار موجب بطلان طواف نمی گردد، اما بدون شک کارهای این افراد بسیار بد و زنده است.

**مسأله ۶۶۳-** هرگاه بر اثر شلوغی مطاف، و ازدحام طواف کنندگان، مقداری از طواف برخلاف متعارف انجام شد؛ مثل این که بدن طواف کننده



در حال حرکت به سمت کعبه واقع شد، یا پشت به کعبه قرار گرفت، یا مقداری عقب عقب حرکت کرد، و طواف را ادامه دهد باید آن مقدار را از سر بگیرد، و اگر نمی‌تواند برگردد، بدون قصد طواف همراه جمعیت دور می‌زند تا به محل مورد نظر برسد، و از آنجا نیت کند و ادامه دهد.

**مسئله ۶۶۴-** اگر بر اثر ازدحام طواف کنندگان، انسان را بدون اختیار به پیش ببرند، در صورتی که با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شده، ضرری به طوافش نمی‌زند.

**مسئله ۶۶۵-** به هنگام طواف کردن به هر شکل برود مانعی ندارد؛ می‌تواند آهسته یا تند، سواره یا پیاده راه برود، یا حتی بدود، ولی بهتر آن است که به طور عادی و با آرامش راه برود، و ذکر خدا گوید.

### چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد

**مسئله ۶۶۶-** واجب است «حجر اسماعیل» را داخل در طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند. بنابراین، اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته، و از حجر الاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است، بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیت ادامه دهد، تا به حجر الاسود برسد، سپس نیت می‌کند و آن دور را ادامه می‌دهد).

**مسئله ۶۶۷-** هرگاه شخصی عمداً از داخل حجر اسماعیل طواف کند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که در ابتدای مسائل طواف حکم آن گذشت.

**مسئله ۶۶۸-** اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع متوجه شود که چند

شوط از طواف را، در طواف حج یا عمره، سهواً از داخل حجر اسماعیل انجام داده، حجّ او صحیح است، ولی باید آن طواف را تکمیل کند، سپس نماز طواف را اعاده نماید.

**مسأله ۶۶۹-** اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، کافی است همان مقدار را اعاده کند، و اعاده تمام طواف لازم نیست (البته در شرایط کنونی عملاً هیچ کس روی دیوار حجر نمی‌رود).

### پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد

**مسأله ۶۷۰-** طواف باید در خارج خانه کعبه باشد. بنابراین، طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست.

**مسأله ۶۷۱-** جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند؛ هر چند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً امکان طواف روی آن نیست.

**مسأله ۶۷۲-** دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه، یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا دست گذاردن روی حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که در آن طرف کعبه که شاذروان قرار دارد، هنگام طواف دست بر دیوار کعبه نگذارند.

**مسأله ۶۷۳-** هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است، و باید اعاده کند، و هرگاه از درون حجر اسماعیل طواف کند همان دور را (چنان که در بالا گفته شد) از حجر الاسود اعاده کند؛ اما اگر از روی دیوار حجر اسماعیل، یا شاذروان طواف کند، اعاده همان مقدار کافی است.

### ششم: حدّ مظاف

**مسأله ۶۷۴-** مشهور میان جمعی از فقها این است که باید طواف در

فاصلهٔ مقام ابراهیم و خانهٔ کعبه باشد<sup>۱</sup> و از هر طرف باید این فاصله در نظر گرفته شود، بنابراین در طرف «حجر اسماعیل» محدودهٔ طواف شش ذراع و نیم (کمتر از سه متر و نیم) خواهد بود، زیرا حجر اسماعیل (که مجموعاً بیست ذراع است) از آن کم می‌شود، ولی حق این است که طواف در تمام مسجد الحرام جایز می‌باشد؛ هر چند در غیر مواقع ازدحام رعایت احتیاط مستحب است؛ یعنی اگر طواف کردن در فاصلهٔ مزبور مشکل نباشد، از آن حد خارج نشود.

**مسئلهٔ ۶۷۵-** اتصال صفوف طواف کنندگان شرط نیست.

**مسئلهٔ ۶۷۶-** طواف در طبقات بالا در حال ازدحام زیاد، و در مورد بیماران که اجازهٔ طواف از پائین به آنها داده نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ و گرفتن نایب لازم نیست.

### هفتم: موالات

**مسئلهٔ ۶۷۷-** موالات عرفی در طواف شرط است؛ یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانهٔ خدا بگردد، و کمتر از هفت دور کافی نیست؛ ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست.

**مسئلهٔ ۶۷۸-** هرگاه طواف را عمداً قطع کند (برای رفع خستگی، یا نوشیدن آب، و مانند آن) ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات بازگردد، و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، طوافش صحیح است. خواه کمتر از چهار شوط طواف کرده باشد، یا بیشتر.

**مسئلهٔ ۶۷۹-** هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه، یا نافلهٔ وتر فرا رسد، می‌تواند طواف را قطع کرده، و نماز را به‌جا آورد، سپس

۱. این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می‌باشد.

بقیة طواف را تکمیل کند؛ خواه قبل از چهار دور باشد، یا بعد از آن.  
**مسألة ۶۸۰-** اگر شخصی در حال طواف باشد، و وقت نماز واجب تنگ گردد، واجب است طواف را رها کند، و نمازش را بخواند، سپس اگر بعد از چهار دور رها کرده، از همانجا طواف را تمام نماید، در غیر این صورت بنا بر احتیاط از اول شروع می‌کند.

**مسألة ۶۸۱-** قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است، و بعد از انجام نماز، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه می‌دهد، و احتیاط مستحب آن است که طبق مسألة بالا عمل کند. (توجه داشته باشید که این مسألة در مورد نماز جماعت است).

**مسألة ۶۸۲-** اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، و کاری که منافات با طواف داشت انجام داد، مثل این که فاصله زیادی انداخت، و موالات عرفیه از بین رفت، احتیاط آن است که اگر چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند، و سپس اعاده نماید؛ ولی مانعی ندارد از آغاز طواف را از سر بگیرد.

**مسألة ۶۸۳-** هرگاه در اثناء طواف عذری پیدا شد، مثل بیماری شدید، یا حیض، یا باطل شدن وضو و مانند آن، اگر عذر مذکور بعد از تمام شدن چهار دور بوده، پس از رفع عذر برمی‌گردد، و طواف را تکمیل می‌کند، ولی اگر قبل از تمام شدن چهار دور بوده، آن طواف را رها کرده، دوباره از اول شروع می‌کند، و احتیاط مستحب در فرض اول (در غیر حیض) اتمام و اعاده است.

**مسألة ۶۸۴-** هرگاه عذر شخصی که طواف را قطع کرده، ادامه پیدا کند تا زمانی که وقت انجام طواف تنگ شود، در صورت امکان باید او را به مسجد الحرام بیاورند و طوافش دهند، و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند.

**مسأله ۶۸۵-** اگر در حال سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند، سپس بقیه سعی را بجا آورد، و طواف و سعیش هر دو صحیح است. لکن احتیاط واجب آن است که اگر طواف کمتر از چهار دور بوده، آن را تمام کند و سپس اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، آن را تمام نموده و سپس اعاده کند، و در هر دو حالت می‌تواند طواف یا سعی را رها کرده، از اول بجا آورد.

**مسأله ۶۸۶-** واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف رو به جلو باشد؛ بلکه می‌تواند به سمت چپ و راست خود نگاه کند، و حتی صورت را برگرداند و به عقب نگاه کند. همچنین می‌تواند طواف را رها نموده، خانه را ببوسد، و سپس برگردد و از همانجا که قطع کرده طواف را ادامه دهد، ولی بهتر است این کارها را انجام ندهد.



## استفتائات واجبات هفت‌گانه طواف

**سؤال ۶۸۷-** شخصی طواف را از حجر الاسود شروع، و به رکن یمانی - که قبل از حجر الاسود است - ختم کرده، و فاصله رکن یمانی تا حجر را بدون نیت ادامه داده، و دوباره از حجر الاسود نیت کرده، و به رکن یمانی ختم نموده، و هفت دور طواف را به همین صورت انجام داده است. طواف او چه حکمی دارد؟

**جواب:** این طواف باطل است، و باید اعاده شود.

**سؤال ۶۸۸-** اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نموده، و به همانجا ختم کند، آیا طوافش باطل است؟

**جواب:** طوافش باطل است.

**سؤال ۶۸۹-** وظیفه شخصی که به اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع، و به همانجا ختم کرده، و سپس نماز طواف را خوانده، و پس از آن متوجه خطایش شده چیست؟ چنانچه در وسط طواف متوجه اشتباهش گردد، و طوافش را به حجر الاسود ختم کند، آیا مقدار اضافی برای طواف ضرر دارد؟

**جواب:** طواف و نماز آن را باید اعاده کند، و اعاده در صورت دوّم احتیاط است.

**سؤال ۶۹۰-** اگر شخصی یقین کرد رکن مستحار (رکن یمانی که قبل از حجر الاسود قرار دارد) حجر الاسود است، و طواف را از آنجا شروع و به همانجا ختم کرد، و بعد فهمید که این کار خطا بوده، تکلیفش چیست؟

**جواب:** طواف مذکور بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید اعاده شود.

**سؤال ۶۹۱-** شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده، و احتمال می‌دهد در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، و این شک بعد از انجام طواف به وجود آمده است. طوافش چه حکمی دارد؟

**جواب:** چون شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح است.

**سؤال ۶۹۲-** شخصی در اثناء طواف به خاطر لمس و بوسیدن بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی‌داند در بازگشت طواف را از همان نقطه ادامه داده یا نه، اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** هرگاه شک بعد از طواف بوده طوافش صحیح است، و الا باید از سر بگیرد.

**سؤال ۶۹۳-** یکی از حجّاج خیال کرده به هنگام طواف مقداری از شوط را بر اثر فشار جمعیت طی کرده، ولی یقین به این مطلب ندارد، و از آنجا که نمی‌توانسته آن مقدار را برگردد و اعاده کند، بقیه شوط را به قصد رجاء و احتیاطاً انجام می‌دهد (تا اگر آن دور باطل بوده اضافه لغو باشد، و اگر صحیح بوده، اضافه بر طواف محسوب نشود) سپس هفت دور بجا آورده، و آن دور را حساب نکرده است. این طواف چه حکمی دارد؟

**جواب:** این طواف بنا بر احتیاط صحیح نیست.

**سؤال ۶۹۴-** شخصی به هنگام طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رفته، سپس به جای آن که همان مقدار را جبران کند، آن را رها کرده و یک



دور دیگر به جا آورده، که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می‌شود. آیا این طواف صحیح است؟

**جواب:** طوافش اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند.

**سؤال ۶۹۵-** اگر محرم از ابتدا بداند که بر اثر شلوغی طواف کنندگان مقداری از طواف یا همه آن را بی‌اختیار انجام خواهد داد، آیا از اوّل می‌تواند نیت کند آن مقدار، که جمعیت او را می‌برد، نیز جزء طواف باشد، و آن را مثل طواف سواره محسوب نماید؟

**جواب:** طوافش صحیح است، و اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۹۶-** شخصی در حال طواف به یکی از طواف کنندگان که روی زمین افتاده، برخورد نموده، و او را از روی زمین بلند می‌کند. ممکن است در این حال چند گامی به جلو برود، در حالی که توجّه به طواف ندارد. در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از طواف را بدون قصد بجا آورده یا نه، تکلیفش چیست؟

**جواب:** اگر قصد طواف، و لو اجمالاً، داشته کافی است.

**سؤال ۶۹۷-** هرگاه طواف یا سعی کسی به علّتی قطع شود، و بخواهد از همان جا که قطع شده شروع کند، ولی در اثر ازدحام جمعیت نتواند به آن نقطه برود، و در محاذی آن به طرف چپ یا راست قرار گیرد. آیا می‌تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند؟

**جواب:** لازم نیست از همان نقطه باشد؛ بلکه محاذات کافی است.

**سؤال ۶۹۸-** شخصی در شوط پنجم یقین پیدا می‌کند که پنج متر شوط اوّل، و پنج متر از شوط دوّم را بی‌اختیار طواف کرده است. تکلیف او چیست؟

**جواب:** اگر از اوّل قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می‌آورد، جزء

طواف است و صحیح می باشد.

**سؤال ۶۹۹-** خانمی بدون کمک دیگران قادر بر طواف نیست یا باید او را با تخت در خارج مطاف طواف دهند، یا شخص نامحرمی او را بر پشت بگیرد، و در محدوده مطاف طواف دهد. وظیفه اش چیست؟

**جواب:** با توجه به این که به فتوای ما مطاف حدّ معینی ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

**سؤال ۷۰۰-** کسی که به حدود مطاف آگاهی نداشته، طواف را بجا آورده، و پس از آن شک می کند که در مطاف بوده یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** همان گونه که در بالا آمد در هر صورت طوافش صحیح است؛ چون طواف حدّ معینی ندارد.

**سؤال ۷۰۱-** چنانچه محرم یقین داشته باشد که در حال طواف در محدوده معین با مرد نامحرم یا زن نامحرم برخورد می کند، آیا باز هم لازم است در محدوده معین طواف کند؟

**جواب:** گفتیم که طواف حدّ معینی ندارد. به علاوه برخورد از روی لباس بدون قصد خاص اشکال ندارد.

**سؤال ۷۰۲-** گاه انسان ناچار می شود از محدوده طواف - فاصله میان مقام ابراهیم و کعبه - دورتر شود، خواه به سبب نظافت کارکنان مسجدالحرام باشد، یا تعمیراتی که احیاناً در بعضی از اطراف کعبه انجام می دهند، یا کسانی که با ویلچر و تخت روان طواف داده می شوند و مانند اینها، آیا طوافشان صحیح است؟

**جواب:** همان گونه که قبلاً گفتیم طواف از نظر ما محدوده خاصی ندارد، و در حال اختیار نیز می توان از فاصله مقام و کعبه دورتر طواف کرد.

**سؤال ۷۰۳-** شخصی در شوط اوّل طواف بود که نماز جماعت شروع شد. بدین جهت طواف را قطع کرده، و مشغول نماز می‌شود. پس از نماز، طواف را از سر می‌گیرد، و هفت شوط کامل به جا می‌آورد. آیا طواف او صحیح است؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۷۰۴-** شخصی در وسط طواف، آن را به هر دلیل رها کرده، و طواف را از سر می‌گیرد. آیا طوافش صحیح است؟ اگر اعمال بعدی را انجام داده باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** طواف و اعمال بعدی در هر حال صحیح است.

**سؤال ۷۰۵-** تعدادی از زائران خانه خدا مشغول طواف بودند که مأمورین نظافت مسجدالحرام شروع به نظافت نموده، و طواف کنندگان به ناچار طواف را رها کردند. مدّتی طول کشید، خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده، بدین جهت طواف را از سر گرفتند. در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان چه حکمی دارد؟

**جواب:** در هر صورت اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۰۶-** شخصی شوط اوّل طواف را، که به طور ناقص انجام شده بود، رها نموده، سپس شش شوط دیگر به جا می‌آورد، بعد از آن شوط اوّل را اعاده می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** هرگاه نیتش اجمالاً انجام طواف واجب شرعی بوده، مانعی ندارد.

**سؤال ۷۰۷-** شخصی نیت طواف را در دل می‌گذراند، و به قصد طواف حرکت می‌کند. پس از چند قدمی گمان می‌کند نیت طواف باید به زبان آورده شود، بدین جهت آن دور را رها نموده، و برمی‌گردد، و نیت را به زبان

آورده، و طواف را از نو شروع می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۷۰۸-** شخصی طواف خود را بر هم می‌زند و طواف دیگری را شروع می‌کند. آن را نیز بر هم زده و طواف سوّم را آغاز و به اتمام می‌رساند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** طواف آخر او اشکال ندارد. ولی سزاوار است مؤمنان از این گونه کارها حتی الامکان پرهیزند.

**سؤال ۷۰۹-** شخصی در شوط ششم بر اثر خستگی از ادامه طواف باز می‌ماند. بدین جهت طواف را قطع نموده، به استراحت می‌پردازد، و شخص دیگری را نایب می‌کند که بقیّه طوافش را انجام دهد؛ سپس خودش نماز طواف را بجا می‌آورد. بعداً متوجّه می‌شود که استراحت در وسط طواف موالات را بر هم نمی‌زند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** بقیّه طواف را خودش تکمیل می‌کند، سپس نمازش را اعاده می‌نماید.

**سؤال ۷۱۰-** شخصی در حال طواف غش کرده، و از ادامه طواف باز می‌ماند، و پس از چند ساعت به هوش می‌آید. آیا می‌تواند طوافش را از همان جا که قطع شده ادامه داده، سپس بقیّه اعمالش را بجا آورد؟

**جواب:** اگر طوافش قبل از اتمام شوط چهارم قطع شده، وضو می‌گیرد و طواف را از اوّل شروع می‌کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، پس از وضو از همانجا ادامه می‌دهد.

**سؤال ۷۱۱-** کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، هرگاه طواف ناقص خود را اتمام نموده، و به هنگام اعاده طواف، دوباره طوافش قطع شود. آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده کند؟

جواب: آری، فرقی نمی‌کند.

**سؤال ۷۱۲-** در مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند، سپس نماز طواف را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند، اگر یک طواف به قصد اعمّ از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده فقط بقیّه را قصد طواف داشته باشد) و سپس دو رکعت نماز طواف بخواند، آیا کفایت می‌کند؟

جواب: بهتر آن است که طواف اوّل را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند. زیرا این احتیاط مستحب است.

**سؤال ۷۱۳-** در مواردی که طواف و سعی را اتمام و اعاده می‌کند، آیا ترتیب نیز لازم است؟

جواب: آری، احتیاط آن است که ابتدا طواف را تمام کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده نماید، و بعد به سراغ سعی برود.

**سؤال ۷۱۴-** در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، آیا لازم است با لباس احرام باشد؟

جواب: لازم نیست.



## احکام طواف

**مسأله ۷۱۵-** کسی که طواف عمره تمتع را ترک کند چند صورت دارد:  
الف) هرگاه عمداً ترک کند تا وقت وقوف به «عرفات»<sup>۱</sup> تنگ شود، احتیاط واجب آن است که نیت حج افراد کند و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد، و سال بعد حج تمتع را اعاده نماید.

ب) کسی که از روی جهل و نادانی طواف را ترک کند، «حج» او مبدل به «افراد» می‌شود، و بنابر احتیاط واجب بعد از آن عمره مفرده به جا می‌آورد، و سال بعد حج تمتع را اعاده می‌کند و احتیاط مستحب آن است که یک شتر به عنوان کفاره قربانی کند.

ج) کسی که از روی سهو و فراموشی طواف را ترک کند، حج او درست است، و هر وقت یادش آمد طواف را به جا می‌آورد (و احتیاط مستحب آن است که سعی را هم بعد از آن اعاده کند) و اگر به وطن خود بازگشته، یا از مکه بیرون رفته، و مراجعت به مکه برای او زحمت دارد، نایب بگیرد تا طواف او را به جا آورد، و در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن

---

۱. وقت وقوف به عرفات بنابر احتیاط واجب از ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجّه) تا غروب آفتاب است.

است که یک گوسفند در مکه قربانی کند، و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست، در شهر خود قربانی نماید.

**مسألة ۷۱۶-** کسی که «طواف حج» را تا آخر ذی الحجّه ترک کند، اگر از روی عمد باشد حجّ او باطل است، و باید سال دیگر اعاده کند و اگر از روی جهل و ناآگاهی باشد، نیز حجّ او باطل است (خواه جاهل مقصّر باشد، یا غیر مقصّر) و علاوه بر اعاده حج، احتیاط آن است که شتری هم قربانی کند و اگر از روی سهو و فراموشی بوده، طواف را قضا می‌نماید، و حجّ او صحیح است و چنانچه بعد از مراجعت از حج، یا بیرون رفتن از مکه متوجه شود، و بازگشت برای او مشقت داشته باشد، کسی را نایب می‌گیرد که برای او طواف کند و مستحب است سعی را نیز بعد از آن اعاده کند، و یک گوسفند در منی قربانی نماید، و اگر ممکن نشد در وطن خود قربانی کند، و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست.

**مسألة ۷۱۷-** هرگاه محرم بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد تا وقت طواف تنگ شود، اگر ممکن است، او را به نحوی ببرند و طواف دهند (هر چند بر دوش بگیرند، یا بر چرخ یا تخت بنشانند. البته با رعایت شرایط و احکام طواف در حدّ ممکن) و اگر به این شکل هم ممکن نباشد، برای او نایب می‌گیرند.

**مسألة ۷۱۸-** اگر محرم مشغول سعی بین صفا و مروه شود، سپس یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها کرده و طواف و نماز طواف را انجام دهد، و پس از آن سعی را اعاده نماید.

**مسألة ۷۱۹-** هرگاه از روی سهو، یا غفلت، یا جهل، طواف را بدون وضو انجام دهد باطل است، و باید آن را اعاده نماید. همچنین اگر با حال جنابت، یا حیض، یا نفاس انجام دهد.



**مسأله ۷۲۰-** سخن گفتن و خندیدن در حال طواف، و حتی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی‌کند؛ ولی بهتر است در حال طواف (خواه واجب باشد، یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد، و از هر کاری که حضور قلب را می‌کاهد، پرهیز کند.

### کم یا زیاد کردن طواف

**مسأله ۷۲۱-** کم یا زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی از روی عمد یا جهل چیزی بر هفت دور بیفزاید، طواف او باطل است، و اگر طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات عرفیه بازگردد و آن را تکمیل نماید، طوافش صحیح است، و الا طواف او باطل می‌شود، و باید از نو شروع کند.

**مسأله ۷۲۲-** طواف واجب یا مستحب را می‌توان قطع کرد، و از نو شروع نمود. (این حکم برای حل بسیاری از مشکلات طواف کارساز است؛ زیرا می‌تواند آن را رها کند، و از سر بگیرد).

**مسأله ۷۲۳-** هرگاه طواف را از روی عمد بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است؛ خواه از اوّل قصد زیادی داشته باشد، یا بعد از اتمام هفت دور قصد کند که چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به اندازه یک دور باشد، یا کمتر، یا بیشتر؛ اما اگر مقدار اضافی را به قصد طواف به جا نیاورد، مثل این که در اوّل کار یک دور با جمعیت حرکت می‌کند تا به طواف آشنا شود، سپس هنگامی که مقابل «حجر الاسود» رسید قصد طواف می‌کند، این کار ضرری ندارد، همچنین اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعیت نتواند فوراً از دایره طواف خارج شود، مانعی ندارد

مقداری با مردم بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود.

**مسئله ۷۲۴-** هرگاه از روی سهو طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورد، اگر اضافه کمتر از یک دور باشد، آن را قطع می‌کند و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که به قصد قربت بر آن بیفزاید تا هفت دور دیگر به عنوان طواف مستحب کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب را به جا می‌آورد، و پس از سعی (در آنجا که سعی واجب است) دو رکعت دیگر برای طواف مستحب به جا می‌آورد. و لازم نیست قصد کند طواف اول واجب است، و دوم مستحب؛ بلکه همین اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافی است.

**مسئله ۷۲۵-** هرگاه از روی سهو و فراموشی طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تمام کردن چهار دور باشد، برمی‌گردد و طواف را کامل می‌کند. (خواه موالات از دسته رفته باشد، یا نه) و اگر قبل از چهار دور باشد چنانچه موالات به هم نخورده، می‌تواند آن را تکمیل نماید وگرنه، باید از نو شروع کند.

**مسئله ۷۲۶-** چنانچه پس از بازگشت به وطن متوجه نقصان در طواف شود، احتیاط آن است که برگردد، و طوافش را طبق آنچه در بالا گفتیم تکمیل کند، و اگر نتواند، یا مشکل باشد، نایب بگیرد. و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود، قربانی نماید.

**مسئله ۷۲۷-** هرگاه طواف کننده از روی عمد از اول قصد کند کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طوافش باطل است؛ هر چند به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن مسئله، بلکه اگر بر اثر فراموشی یا غفلت نیز باشد، طواف را اعاده کند.

**مسئله ۷۲۸-** اگر در وسط طواف از قصد هفت دور برگشت (چه قصد

کرده باشد کمتر انجام دهد، و یا بیشتر) از همانجا که چنین نیّتی کرده طوافش باطل است. و احتیاط آن است که طواف را به نیّت صحیح تمام کرده، و سپس اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتراً از هفت شوط انجام دهد، اصل طواف باطل می‌شود.

**مسأله ۷۲۹-** چنانچه شخصی گمان کند همانطور که هفت دور طواف مستحب است، یک دور هم استحباب دارد، و قصد کند هفت دور طواف واجب کند، و یک دور مستحب هم به دنبال آن انجام دهد، یا به همین نیّت هشت دور طواف کند، طوافش صحیح است، ولی آن یک دور بی‌فایده و باطل است؛ زیرا طواف، کمتر از هفت دور نیست.

### قران در طواف

**مسأله ۷۳۰-** «قران»، یعنی دو طواف را پشت سر هم بجا آوردن بی آن که در وسط آن نماز طواف بخواند، اگر در طواف واجب باشد حرام است، ولی طواف اول باطل نمی‌شود؛ مگر این که از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اول او مشکل است.

**مسأله ۷۳۱-** «قران» در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست.

**مسأله ۷۳۲-** اگر شخص محرم یک دور، یا کمتر، یا بیشتر، بر هفت دور بیفزاید، و قصدش این باشد که مقدار اضافه جزء آن طواف نباشد، حکم قران میان دو طواف را دارد که حرام است، ولی طواف اول باطل نیست.

### شک در تعداد دوره‌های طواف

**مسأله ۷۳۳-** اگر بعد از فراغت از طواف، در عدد دوره‌های طواف یا شرایط

طواف مانند وضو و غیره شک کند اعتنا نمی‌کند.

**مسئله ۷۳۴-** هرگاه بعد از رسیدن به «حجر الاسود» شک کند هفت دور به جا آورده، یا هشت دور، یا بیشتر، نباید اعتنا کند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند، و طوافش صحیح است.

**مسئله ۷۳۵-** اگر در آخر دور، یا در وسط دور، شک کند شش دور به جا آورده، یا هفت دور، طواف او بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید آن را رها کرده، از نو شروع کند. همچنین است در هر موردی که یک طرف شک کمتر از هفت دور باشد؛ اما در طواف مستحب در این موارد بنا بر کمتر می‌گذارد، و طواف را کامل می‌کند و طوافش صحیح است.

**مسئله ۷۳۶-** شخص کثیر الشک که در طواف زیاد شک می‌کند نباید به شک خود اعتنا کند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد؛ مثلاً اگر میان پنج و شش شک کند، بنا بر شش می‌گذارد و اگر میان هفت و هشت شک کند، بنا را بر هفت می‌گذارد.

**مسئله ۷۳۷-** ظنّ و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است، و باید مطابق حکم شک عمل کند.

**مسئله ۷۳۸-** مانعی ندارد که انسان برای شمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کند (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد).

**مسئله ۷۳۹-** بعضی برای حفظ عدد دورهای طواف، دعای توشل و مانند آن را شروع می‌کنند، تا به هفتمین معصوم علیه السلام برسند. این کار مناسب نیست؛ به خصوص اگر با صدای بلند خوانده شود. بهتر است از اذکار دیگر استفاده شود.

## استفتائات احکام طواف

**سؤال ۷۴۰-** زنی به همراه شوهرش، که یک دور طواف را انجام داده بود، شروع به طواف می‌کند، و پس از اتمام طوافِ همسرش، که دور ششم او بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و هفت دور دیگر می‌زند. طواف اول و دوم زن چه حکمی دارد؟

**جواب:** طوافی را که از سرگرفته صحیح است.

**سؤال ۷۴۱-** شخصی چند متر از یک شوط طواف را خراب کرده، و چون محلّ دقیق آن را نمی‌دانسته آن را رها نموده، و یک شوط دیگر از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم کرده است. اگر نیت او این باشد که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدمه علمیه باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

**جواب:** طوافش صحیح است، مگر این که بعد از خراب شدن آن شوط، آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

**سؤال ۷۴۲-** کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شده، و طواف را نیمه کاره رها کرده، به تصوّر این که همان مقدار کافی است، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است. اکنون تکلیف او چیست؟

**جواب:** سعی و طوافش باطل است. باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر نماید.

**سؤال ۷۴۳-** اگر در هنگام طواف در صحت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی - که مشغول انجام آن است و محل آن گذشته - شک کند، چه حکمی دارد؟ مثلاً مشغول انجام دور چهارم است و از حجر اسماعیل هم گذشته، ولی در صحت دور سوم شک دارد، یا در مورد دور چهارم شک دارد که از داخل حجر طواف کرده، یا از خارج آن دور زده است. اکنون وظیفه اش چیست؟

**جواب:** طوافش صحیح است.

**سؤال ۷۴۴-** شخصی به هنگام انجام طواف در تعداد دورهای طواف شک کرد، و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت. پس از انجام اعمال، یقین به صحت طواف پیدا کرد. آیا طوافش صحیح است؟

**جواب:** صحیح است.

**سؤال ۷۴۵-** اگر حاجی در حال طواف، یا سعی، شک کند که دور چندم طواف یا سعی است، و با همین حال عمل خویش را ادامه دهد، سپس به یک طرف شک یقین پیدا کرده، و عمل را تمام نماید، آیا چنین عملی صحیح می باشد؟

**جواب:** اگر طواف یا سعی را به امید انجام وظیفه شرعی ادامه دهد، و بعد یقین پیدا کند اشکالی ندارد، و طواف و سعی او صحیح است.

**سؤال ۷۴۶-** شخصی که به نیابت از دیگری به حج آمده، در دور دوم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده، یا برای خودش؟ اکنون وظیفه اش چیست؟

**جواب:** احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه به پایان برساند، پس از آن نماز طواف بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند. **سؤال ۷۴۷-** گاه انسان شک می‌کند که فلان شوط طواف را درست انجام داده، یا نه؟ آیا جایز است بعد از طواف یک شوط دیگر به عنوان احتیاط به جا آورد، سپس نماز طواف را بخواند؟

**جواب:** با قصد مذکور مانعی ندارد.

**سؤال ۷۴۸-** شخصی در پایان یکی از دورهای طواف آن را رها کرده، و لحظه‌ای استراحت می‌کند. هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد شک می‌کند که شوط پنجم بوده، یا ششم؟ وظیفه‌اش را بیان فرمائید. **جواب:** احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند، و از نو شروع نماید.

**سؤال ۷۴۹-** معیار و ملاک کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

**جواب:** کثیر الشک بودن یک امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند او بسیار شک می‌کند.

**سؤال ۷۵۰-** اگر هنگام خروج از محل طواف بعد از دور هفتم، مقداری از مسافت را به قصد آن که جزء طواف باشد به جا آورد، چه حکمی دارد؟ **جواب:** اگر عمدی باشد، طوافش باطل می‌شود، و اگر سهوی باشد باید قطع کند، و طوافش صحیح است.

**سؤال ۷۵۱-** آیا «قران در طواف» که حرام است، طواف را نیز باطل می‌کند؟

**جواب:** اگر از اول یا در وسط طواف اول، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کرده، طواف اول باطل نمی‌شود.

**سؤال ۷۵۲-** شخصی پس از انجام هفت دور طواف عمره تمتع، با خود می‌گوید: «این طواف دلچسب نشد» بدین جهت و بدون خواندن نماز طواف، هفت دور دیگر طواف می‌کند، سپس نماز و سعی را انجام داده، و تقصیر می‌کند. آیا عمل او صحیح است؟

**جواب:** عمل او صحیح است؛ هر چند ناآگاهانه داخل در قران حرام شده است.

**سؤال ۷۵۳-** شخصی پس از تمام شدن هفت دور طواف، دو دور دیگر برای جبران نقص احتمالی به قصد احتیاط به جا می‌آورد. آیا این عمل ضرری به طوافش می‌رساند؟

**جواب:** طواف او اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۵۴-** شخصی به هنگام سعی بین صفا و مروه متوجه می‌شود بیش از هفت دور طواف کرده است. وظیفه او چیست؟

**جواب:** احتیاط آن است که سعی را تکمیل نموده، سپس طواف و نماز طواف و سعی را دوباره بجا آورد، و پس از آن تقصیر کند.

### نیابت در طواف

**سؤال ۷۵۵-** آیا کسانی که قادر به انجام طواف نیستند باید نایب بگیرند؟ یا لازم است توسط چرخ، یا تخت‌های مخصوص طواف داده شوند؛ هر چند آنها را در خارج از محدوده، یا از طبقه بالا، طواف دهند؟

**جواب:** نیابت لازم نیست، و طواف به شکل مزبور صحیح است، و طواف از طبقه بالا به هنگام ضرورت مانعی ندارد.

**سؤال ۷۵۶-** آیا قسمتی از طواف، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت هست؟



**جواب:** در صورت امکان آنها را در باقیمانده سوار بر چرخ و مانند آن طواف دهند، در غیر این صورت، برای تمام طواف نایب بگیرند.

**سؤال ۷۵۷-** شخص ناتوانی که به خاطر گرانی نمی تواند طواف را بوسیله تخت روان و مانند آن انجام دهد، آیا می تواند نایب بگیرد؟  
**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۷۵۸-** آیا مُحرم می تواند قبل از انجام طواف واجب خود (چه طواف عمره باشد، یا حج، یا طواف نساء) به نیابت از معذور طواف انجام دهد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۷۵۹-** آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می کند لازم است لباس احرام بپوشد؟  
**جواب:** لازم نیست.

### دیگر سؤالات طواف

**سؤال ۷۶۰-** اگر طواف، یا نماز طواف، یا سعی شخصی در عمره به جهتی باطل شده، و آن شخص بدون توجه به این مطلب تقصیر نموده، و از احرام خارج شده باشد، سپس متوجه بطلان عمل مذکور گردد، چه وظیفه ای دارد؟

**جواب:** باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی ظاهراً از احرام خارج شده، و کفاره ای ندارد.

**سؤال ۷۶۱-** شخصی طواف حج واجب خویش را غلط انجام داده، و پس از آن، چندین طواف نیابی نیز به همان صورت به جا آورده است. تکلیف او در مورد طوافهای مذکور چیست؟

**جواب:** اگر از روی سهو و فراموشی باشد حجّ او صحیح است، و اگر عمداً یا جهلاً بوده، حجّ او اشکال دارد. طواف‌های نیابی نیز همین حکم را دارد.

**سؤال ۷۶۲-** اگر کسی طواف عمره را فراموش کند، یا ناقص انجام دهد، و در عرفات متوجه شود تکلیفش چیست؟

**جواب:** می‌تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند.

**سؤال ۷۶۳-** اگر شخصی طواف را فراموش کند، یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند قضای آن را در ماههای غیر حج انجام دهد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۷۶۴-** هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و اعمال عمره، نظیر طواف و سعی، را جهلاً یا عمداً با لباس دوخته انجام دهد، اعمالش چه حکمی دارد؟

**جواب:** طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، ولی اگر عمداً باشد کفّاره دارد.

**سؤال ۷۶۵-** به هنگام طواف، و بر اثر فشار و ازدحام، بعضی از وسائل طواف کنندگان مثل ساعت، انگشتر، احرامی، شانه و مانند آن، روی زمین و زیر دست و پای طواف کنندگان می‌افتد، که برداشتن آن خطرناک است. بعضی از طواف کنندگان پا روی آن می‌گذارند. آیا این عمل ضرری به طواف آنها می‌زند؟

**جواب:** اشکالی ندارد، ولی عمداً پا روی آن نگذارند.

**سؤال ۷۶۶-** اگر انسان هنگام طواف پا روی احرامی دیگران بگذارد، و بداند این کار موجب اذیت و آزار صاحب آن می‌شود، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: به طواف ضرری نمی‌زند، ولی عمداً این کار را نکند.

سؤال ۷۶۷- حجّاج اهل سنت هنگام طواف وقتی به محاذی حجرالاسود می‌رسند، دستها را بلند کرده و تکبیر می‌گویند، و سپس به طواف خود ادامه می‌دهند. آیا این کار طبق نظر علمای شیعه نیز سفارش شده است؟

جواب: این کار سفارش نشده است.

سؤال ۷۶۸- گاه در حال طواف تماس با بدن نامحرم حاصل می‌شود آیا ضرری برای طواف ندارد؟

جواب: طواف او باطل نمی‌شود، و کفّاره‌ای هم ندارد، حتی اگر خدای نکرده از روی عمد باشد، ولی باید مراقب دام‌های شیطان بود.

سؤال ۷۶۹- نظر به اهمّیت اعمال حج، به خصوص طوافها و نماز آن، بعضی از حجّاج پاره‌ای از اعمال را، هر چند ظاهراً نقصی ندارد، احتیاطاً چند بار انجام می‌دهند. چه حکمی دارد؟

جواب: نباید گرفتار وسواس شد؛ ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانعی ندارد.

سؤال ۷۷۰- یکی از حجّاج پس از فراغت از مناسک عمره متوجه شد که وضویش باطل بوده، وظیفه او چیست؟

جواب: باید طواف و نماز طواف را با وضوی صحیح تکرار کند، در این صورت عمره او صحیح خواهد بود.



### ۳- نماز طواف

**مسأله ۷۷۱-** واجب است بعد از طواف واجب، دو رکعت نماز بخواند، و احتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم بجا آورد، ولی لازم نیست متصل به آن باشد؛ بلکه همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.

**مسأله ۷۷۲-** محلّ نماز طواف واجب - چنانکه گفتیم - پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیت زیاد باشد، می‌تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب‌تر از مقام، نماز بخواند، به خصوص در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می‌شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه باید در جایی که این مشکل وجود ندارد خوانده شود، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، مانند این که گروهی دست به دست هم می‌دهند، و حریمی برای نمازگزاران مورد نظر درست می‌کنند، هیچ ضرورتی ندارد و اگر برای طواف کنندگان، یا سایر نماز گزاران ایجاد مزاحمت کند، خالی از اشکال نیست بلکه باید عقب‌تر بروند تا جایی که مزاحم طواف کنندگان نباشد.

**مسأله ۷۷۳-** نماز طواف را می‌توان بلند یا آهسته خواند، و اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر شبیه نماز صبح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

**مسأله ۷۷۴-** در نماز طواف هر سوره‌ای، جز سوره‌های سجده را می‌توان خواند؛ ولی مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.

**مسأله ۷۷۵-** نماز طواف را در همه اوقات می‌توان خواند، مگر این که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، به گونه‌ای که خواندن نماز طواف در آن وقت باعث از دست رفتن نماز واجب شود، که در این صورت باید نماز روزانه را مقدم داشت.

**مسأله ۷۷۶-** بر هر مکلفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد؛ یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را به طور صحیح بخواند؛ ولی اگر به علت بیسوادگی، یا علل دیگر، بعد از تلاش لازم نتوانست قرائت را به طور کامل بخواند، همان مقدار که می‌تواند کافی است، و اگر می‌تواند یاد بگیرد، اما کوتاهی کند، معصیت نموده است، ولی اگر وقت تنگ باشد، و فرصت برای یاد گرفتن نباشد، باید به همان مقدار که توانایی دارد نمازها و از جمله نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست.

**مسأله ۷۷۷-** اگر کسی نمی‌داند که قرائت نمازش درست نیست، و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است، و اعاده ندارد؛ اما اگر مقصر بوده، لازم است پس از درست کردن قرائت، نمازش را اعاده کند؛ وگرنه معصیت کرده است.

**مسأله ۷۷۸-** همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد. زائران خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند، و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی،

قرائت نماز خود را برای اهل علم بخوانند، و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند، تا حج آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد.

**مسئله ۷۷۹-** برای صحیح بودن قرائت، دقت‌های علمای تجوید شرط نیست؛ همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می‌کند کافی است.

**مسئله ۷۸۰-** هرگاه کسی از روی عمد نماز طواف را ترک کند، باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر به موقع بجا نیاورد، حج او باطل نیست؛ بلکه فقط گناه کرده و باید آن را جبران کند.

**مسئله ۷۸۱-** اگر شخصی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که قضای آن را بجا آورد؛ و اگر شخص دیگری نیز بجا آورد کفایت می‌کند.

**مسئله ۷۸۲-** هرگاه شخصی از روی سهو، یا جهل و ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترک کند، در صورت امکان باید برگردد و نماز را پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، هر جا که هست نماز را بجا آورد؛ حتی اگر در وطن خود باشد.

**مسئله ۷۸۳-** هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و در حال سعی یادش بیاید، سعی را رها می‌کند، و برمی‌گردد نماز طواف را بجا می‌آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد.

**مسئله ۷۸۴-** هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و اعمال پس از نماز را بجا آورد، و پس از توجه نماز طواف را انجام دهد، اعاده اعمال پس از نماز برای او لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن اعمال است.

**مسئله ۷۸۵-** احتیاط واجب آن است که نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بجا آورد؛ مگر این که یادش برود، که حکم آن گفته شد.

**مسأله ۷۸۶-** هرگاه به واسطه مانعی - مثل باطل شدن وضو، یا نجس شدن لباس و بدن، یا ازدحام جمعیت برای نماز جماعت روزانه، و مانند آن - نتواند نماز طواف را بلافاصله پس از طواف بجا آورد، بعد از رفع مانع بجا می‌آورد، و طواف و نمازش صحیح است.

**مسأله ۷۸۷-** در احکامی که ذکر شد، جاهل به مسأله در حکم کسی است که فراموش کرده است.

**مسأله ۷۸۸-** شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و احتیاط واجب در ظنّ به رکعات اتمام، سپس اعاده است، و در ظنّ در افعال نماز، باید نمازگزار احتیاط کند، و در سایر احکام، نماز طواف همانند نماز یومیّه است.

**مسأله ۷۸۹-** اگر مُحرّم نماز طواف را قبل از طواف خوانده، باید پس از انجام طواف آن را اعاده کند.



## استفتائات نماز طواف

### محلّ نماز طواف

**سؤال ۷۹۰-** این که فرموده‌اید: «واجب آن است که نماز طواف را پشت مقام بجا آورند» پشت مقام تا چه اندازه است، آیا می‌توان حدّ معینی برای آن فرض کرد؟

**جواب:** این امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند نماز او پشت مقام است.

**سؤال ۷۹۱-** شخصی با اعتقاد به این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، نمازش را در آنجا بجا آورده است. وظیفه‌اش چیست؟ اگر بعد از تقصیر متوجه شود، آیا اعمال بعد از نماز هم باید اعاده گردد؟

**جواب:** باید نمازش را در پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

**سؤال ۷۹۲-** خانمی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده، و به منزل بازگشته، و سپس متوجه شده که حائض گردیده، و طبق عادت هر ماهه تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود. آیا نمازی که خوانده صحیح بوده؟ اگر صحیح نبوده، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** عمره او صحیح است، و باید برای حج تمتع محرم شود، و هنگامی که برای اعمال مکه به مکه بازگشت، نماز طواف عمره را پشت مقام ابراهیم بجا می آورد، و احتیاط آن است که نماز سابق را قبل از طواف حج تمتع بخواند.

**سؤال ۷۹۳-** آیا نماز در پشت مقام ابراهیم حکم تکلیفی است، یا وضعی؟ به عبارت دیگر، اگر کسی (مثلاً) نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا فقط معصیت کرده، ولی نماز صحیح است؟

**جواب:** خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است، و جنبه حکم وضعی دارد، ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب تر می رود.

**سؤال ۷۹۴-** هرگاه فردی به خاطر ازدحام نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند تا خلوت شود، یا می تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند، ولو روزهای بعد، در جای نزدیکتر می تواند اعاده نماید؟

**جواب:** می تواند در جایی که مقدور است بخواند، و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

**سؤال ۷۹۵-** اگر کسی نماز طواف را در مکانی غیر از مقام ابراهیم بخواند، و با اعتقاد به صحت آن، بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟  
**جواب:** فقط باید نماز را اعاده کند.

**سؤال ۷۹۶-** در یکی از روزنامه های عربستان مقاله ای تحت عنوان: «آیا جابجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی در مورد لزوم این کار به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح شده است. لطفاً بفرمائید:

الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جابجایی مقام ابراهیم ضرری به امر طواف نمی‌زند؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ اما از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز «طواف واجب» است، و این تغییر سبب می‌شود که معیار مزبور به هم بخورد، تغییر آن شرعاً مجاز نیست. ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف حجاج در مورد طواف و نماز طواف چیست؟

جواب: همان طور که گذشت برای طواف مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است؛ اما اگر خدایی نکرده آنها اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران باید محلّ تقریبی فعلی آن را برای نماز «طواف واجب» در نظر بگیرند، و طبق آن عمل کنند.

سؤال ۷۹۷- گاه انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کنندگان او را حرکت داده، جا بجا می‌کنند؛ ولی در عین حال نماز را شروع می‌کند. اگر این نماز را تمام کند صحیح است؟

جواب: اگر به امید این که بتواند آن را کامل کند انجام داده، و او را جا به جا نکردند، نماز او صحیح است، و اگر کمی جا به جا کنند، به طوری که صورت نماز به هم نخورد، و در حال جا به جایی سکوت کند، آن نیز مانعی ندارد.

سؤال ۷۹۸- شخصی مشغول نماز طواف بود که طواف کنندگان او را حرکت دادند. پس از استقرار ذکر می‌کند که در حال حرکت خوانده بود تکرار کرد، ولی دوباره او را حرکت دادند، او نیز ذکر را تکرار کرد. آیا نمازش صحیح است؟

جواب: اگر طوری حرکت داده‌اند که استقرار او از بین رفته، تکرار

ذکر مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، تنها به قصد احتیاط تکرار کند، به شرط آن که از روی وسواس نباشد.

**سؤال ۷۹۹-** هنگامی که قسمتی از زمین مسجد الحرام نجس می‌شود، کارکنان آنجا اقدام به تطهیر آن به روش غیر صحیح می‌کنند. آیا نماز خواندن بر روی آن قسمت از زمین، که به روش فوق تطهیر شده و هنوز مرطوب است، جایز است؟

**جواب:** احتیاط آن است که در مکان دیگری نماز بخواند؛ ولی اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد، و جستجو در این امور لازم نیست.

**سؤال ۸۰۰-** در موقع نماز طواف امکان ندارد که مردان و زنان طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زنان جلوتر از مردان مشغول نماز نشوند. در این صورت نماز چه حکمی دارد؟

**جواب:** در این شرایط اشکالی ندارد.

### محمول نجس

**سؤال ۸۰۱-** آیا محمول نجس (همراه داشتن دستمال نجس، و امثال آن) در طواف و نماز طواف جایز است؟

**جواب:** پوشیدن لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند، در طواف و نماز طواف اشکالی ندارد؛ همچنین محمول نجس و متنجس.

### وظیفه زنان حائض

**سؤال ۸۰۲-** خانمی برای عمره تمتع مُحرم شده، و پس از ورود به مکه و انجام طواف، و قبل از بجا آوردن نماز طواف، حائض گردیده است. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر وقت وسعت دارد (یعنی تا قبل از عزیمت به عرفات پاک می‌شود) صبر می‌کند تا پاک شود و نماز طواف را بخواند، و پس از آن بقیه اعمال را بجا آورد، و چنانچه وقت تنگ است، سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام می‌دهد، سپس برای حج تمتع مُحرم می‌شود، و احتیاط آن است که پس از بازگشت از عرفات و منی، و قبل از بجا آوردن اعمال مکه، نماز طواف گذشته را بخواند، سپس اعمال مکه را بجا آورد.

### اصلاح قرائت نماز

**سؤال ۸۰۳-** شخصی که نمازش غلطهای فراوانی دارد، و به احرام عمره تمتع محرم شده، و وارد مکه می‌شود، و (مثلاً) هفت روز در مکه توقف می‌کند. آیا واجب است تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح نماید، سپس شروع به طواف و نماز کند، یا وظیفه دیگری دارد؟

**جواب:** لازم است صبر کند، و نمازش را به مقداری که می‌تواند اصلاح کند.

**سؤال ۸۰۴-** هرگاه شخصی مطمئن بوده که قرائت و اذکار نمازش را به طور صحیح انجام می‌داده، و نماز طواف را بر همان اساس خوانده است، اکنون معلوم شده که اشتباهاتی در قرائت نماز دارد. چه باید بکند؟

**جواب:** اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح بوده است، ولی برای نمازهای روزانه آینده اشتباهاتش را اصلاح کند.

### سؤالات دیگر

**سؤال ۸۰۵-** اگر خانمی اذکار نماز طواف را به قدری بلند بخواند که نامحرم بشنود، چه حکمی دارد؟

**جواب:** مانعی ندارد، ولی بهتر است آهسته تری بخواند.

**سؤال ۸۰۶-** وضوی شخصی پس از طواف باطل می‌شود، ولی بر اثر خجالت وضو نمی‌گیرد، و به همان شکل نماز طوافش را به جا آورده، و به دنبال آن سعی و تقصیر نموده، و از احرام خارج می‌شود. وظیفه او چیست؟  
**جواب:** باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

**سؤال ۸۰۷-** آیا روحانی کاروان، که نماز طوافش را به صورت فرادی خوانده، می‌تواند همان نماز را مانند نمازهای یومیّه، به نیت جماعت برای افراد کاروان امامت کند؟

**جواب:** بنابر احتیاط واجب نماز طواف را نمی‌توان با جماعت خواند.

**سؤال ۸۰۸-** آیا جایز است در میان طواف و نماز طواف، نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری بجا آورد؟

**جواب:** احتیاط در ترک آن، و اقدام به انجام نماز طواف است.

**سؤال ۸۰۹-** گاه در پشت مقام ابراهیم ازدحام زیاد است، و چون زن و مرد در کنار هم هستند احیاناً مورد فشار ازدحام قرار می‌گیرند. در صورتی که خوف فساد می‌نرود، آیا به نماز طواف ضرری می‌زند؟  
**جواب:** در فرض سؤال برای نماز ضرر ندارد.

**سؤال ۸۱۰-** آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز آن، به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله ضرر دارد؟  
**جواب:** این مقدار اشکال ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است، و در صورت تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

**سؤال ۸۱۱-** شخصی علاقمند است که قرائت قرآن و نمازهای مستحبی و دعاء توشل را پشت مقام ابراهیم انجام دهد، در حالی که در جاهای دیگر

مسجد الحرام نیز انجام این امور ممکن است. از طرفی، بر اثر ازدحام جمعیت کسانی که می‌خواهند نماز طواف واجب بخوانند با کمبود جا مواجه هستند. آیا این کار جایز است؟

جواب: این کار در صورت مزاحمت جایز نیست، و می‌تواند در نقاط دیگر مسجد الحرام آنها را انجام دهد، زیرا تمامی نقاط مسجد الحرام دارای فضیلت است.

سؤال ۸۱۲- در مناسک فرموده‌اید باید نماز طواف را پس از طواف بدون فاصله بجا آورد؛ آیا فوریت نماز بعد از طواف، وضعی است یا تکلیفی و اگر شخص به فاصله مثلاً یک ساعت بعد از طواف نماز را بخواند، چه حکمی دارد؟

جواب: ظاهراً حکم وضعی است و اگر عمداً فاصله زیادی بیندازد، احتیاط آن است که طواف را اعاده کند و بعد از آن نماز طواف را بجا آورد.





## طوافهای مستحبی

**مسأله ۸۱۳-** یکی از مستحبات بسیار مؤکد برای کسانی که در مکه هستند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعد از آن دو رکعت نماز طواف خوانده می‌شود؛ ولی سعی صفا و مروه ندارد، و این از افضل عبادات در مسجدالحرام است. در حدیثی، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «در اطراف کعبه صد و بیست رحمت الهی وجود دارد. نیمی از آن مخصوص طواف کنندگان، و چهل قسمت از آن مربوط به نمازگزاران، و بیست قسمت دیگر، از آن نگاه کنندگان به کعبه است»<sup>۱</sup>.

**مسأله ۸۱۴-** انسان می‌تواند به نیت خود، یا به نیت دوستانی که در مکه نیستند، اعم از اموات و غیر اموات، این طواف را به جا آورد.

**مسأله ۸۱۵-** طوافهای مستحب، بر عمره‌های متعدّد در یک ماه که به قصد رجا بجا می‌آورند، ترجیح دارد.

**مسأله ۸۱۶-** طواف مستحب مانند طواف واجب است؛ ولی در موارد زیر تفاوت دارد:

۱- در طواف مستحب وضو شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که با

وضو باشد، ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.

۲- نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می‌توان به جا آورد، و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد؛ حتی در حال اختیار.

۳- موالات در طواف مستحب لازم نیست، و می‌تواند میان شوطهای آن جدایی بیندازد.

۴- قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است؛ اگر چه نخواهد بقیه اشواط را بجا آورد؛ اما طواف واجب، بنا بر احتیاط واجب، نباید در غیر موارد ضرورت قطع شود.

۵- شک در نقصان دوره‌های طواف مستحب اشکالی ندارد، و بنا را بر کمتر می‌گذارد.

۶- «قِران» در طواف واجب جایز نیست؛ یعنی دو طواف را پشت سر هم بدون نماز نمی‌توان انجام داد، ولی در طواف مستحب جایز و مکروه است.

۷- قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است، و بعداً از هر کجا قطع کرده بقیه را به‌جامی آورد، و احتیاج به گذشتن از دور چهارم نیست.

**مسئله ۸۱۷-** بهتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند، و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود. تا محلّ طواف در اختیار کسانی که طواف واجب می‌کنند قرار گیرد.

**مسئله ۸۱۸-** طواف مستحب وقت و تعداد معینی ندارد، و در هر موقع از شب یا روز می‌توان انجام داد. ولی هر طواف باید هفت دور باشد.

**مسئله ۸۱۹-** طواف مستحب لباس احرام نمی‌خواهد، و سخن گفتن در آن (مانند طواف واجب)، جایز است. هر چند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد، یا دعا بخواند.

**مسئله ۸۲۰-** بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب، به طوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود، کار درستی نیست.

## استفتائات طوافهای مستحبی

**سؤال ۸۲۱-** هرگاه زنان در طوافهای مستحبی بدانند که چشم آنها به بدن مردان می‌افتد، و امکان دارد در بین فشار مردان هم قرار گیرند، طوافشان چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر عمداً و از روی اختیار نگاه نکنند اشکال ندارد؛ ولی بهتر است در ازدحام مراعات کنند.

**سؤال ۸۲۲-** آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است؟  
**جواب:** آری، شرط است.

**سؤال ۸۲۳-** آیا محرم می‌تواند قبل از اعمال عمره تمتع، یا عمره مفرده، یا قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد؟  
**جواب:** در فرض سؤال احتیاط ترک طواف مستحبی است؛ ولی اگر بجا آورد به عمره و حجّ او ضرر نمی‌زند.

**سؤال ۸۲۴-** آیا می‌توان هر دور از دورهای هفت گانه طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یکی نفر انجام داد؟

**جواب:** نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد؛ و ثواب هر شوط را به یک نفر اهداء کند.



## ۴- سعی صفا و مروه

**مسألة ۸۲۵-** سعی صفا و مروه از واجبات «عمرة تمتع» و «حج» است، و منظور از آن رفت و آمد میان این دو کوه کوچک است. از «صفا» به سوی «مروه» می‌رود، و از «مروه» به «صفا» باز می‌گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می‌شود). بنابراین، چهار بار از صفا به مروه می‌رود، و سه بار باز می‌گردد، و دفعهٔ چهارم باز نمی‌گردد، که در مجموع هفت دور می‌شود.

### واجبات سعی

**مسألة ۸۲۶-** در سعی چند چیز واجب است:

اول: نیت

واجب است سعی را با «قصد» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بداند چه می‌کند، و برای حج یا عمره سعی می‌نماید، کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

دوم: شروع از «صفا»

سوم: ختم کردن به «مروه»<sup>۱</sup>

رفتن از صفا به مروه یک دور، و بازگشت از آن دور دوم حساب می‌شود. بنابراین، دور هفتم به مروه ختم می‌شود.

چهارم: سعی هفت دور تمام باشد

باید سعی صفا و مروه هفت دور تمام باشد؛ نه کمتر و نه بیشتر.

پنجم: سعی در داخل مسعی انجام گیرد

سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد. بنابراین، اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست.

ششم: سعی به صورت متعارف انجام گیرد

واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد.

هفتم: غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان

برای صحت سعی احتیاط واجب آن است که لباس انسان غصبی نباشد، و ستر عورت در مردان و حجاب برای زنان لازم است.

**مسأله ۸۲۷-** باید تمام فاصله میان این دو کوه کوچک را ببیماید، و با توجه به این که در حال حاضر قسمتی از دامنه این دو کوه با سنگ پوشانیده شده، همین اندازه که سر بالایی را ببیماید کافی است. بنابراین، لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسباند، و کارهای نادرستی را (مانند بالا رفتن از کوه) که بعضی عوام انجام می‌دهند، انجام ندهد.

۱. چنانکه گفته شد صفا و مروه دو کوه کوچک نزدیک مسجد الحرام است، که هنگام بیرون آمدن از مسجد از طرف صفا و مروه «صفا» در طرف راست، و «مروه» در سمت چپ قرار دارد. بنابراین، حاجی نخست به صفا آمده، و از آن شروع می‌کند.

**مسئله ۸۲۸-** اگر سعی را سهواً از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده نماید، و در صورتی که در بین سعی بفهمد، چنانچه آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد، و بقیه را تکمیل کند، کفایت می‌کند.

**مسئله ۸۲۹-** اگر کسی عمداً سعی را کم یا زیاد کند، سعی او باطل است، و اگر سهواً باشد، در صورت نقصان، پیش از آن که موالات از بین برود کامل می‌کند، و در صورت زیادی، زیادی سهوی ضرری ندارد.

**مسئله ۸۳۰-** کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند، و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک دور حساب نموده، و در نتیجه چهارده دور سعی کرده، احتیاط آن است سعی را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود.

**مسئله ۸۳۱-** سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد؛ مگر این که بر اثر ازدحام یا غیر آن، نتواند از طبقه پائین سعی را به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد.

**مسئله ۸۳۲-** اگر طبقه زیرزمینی درست شود، و کوه صفا و مروه ریشه‌دار باشد، و سعی بین آن دو کوه واقع شود، صحیح است، ولی احتیاط آن است که حتی الامکان از طبقه همکف سعی کند.

**مسئله ۸۳۳-** اگر کسی به هنگام رفتن به مروه به عکس باشد (یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست راست یا دست چپ حرکت کند) سعی او صحیح نیست؛ اما این مسئله نباید موجب وسواس شود؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را به راست و چپ برگرداند، یا مثلاً برای

ملاحظهٔ همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند.

**مسألهٔ ۸۳۴-** واجب است سعی را پس از انجام نماز طواف بجا آورد.  
**مسألهٔ ۸۳۵-** لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن بجا آورد؛ بلکه اگر خسته شود، یا هوا گرم باشد، می‌تواند آن را تا ساعتها به تأخیر اندازد. حتی بدون خستگی و گرما نیز تأخیر جایز است؛ ولی تأخیر آن تا فردا بدون ضرورت جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت، گناه کرده، ولی سعی او باطل نخواهد شد.

**مسألهٔ ۸۳۶-** اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدم دارد، احتیاط واجب آن است بعد از انجام طواف و نماز طواف سعی را دوباره بجا آورد.



## احکام سعی

### الف) ترک سعی

**مسئله ۸۳۷-** هرگاه کسی عمداً تمام هفت دور سعی، یا قسمتی از آن را ترک کند، اگر در عمره تمتع بوده باشد، و نتواند قبل از وقوف به عرفات آن را جبران نماید، احتیاط واجب آن است که حج خود را مبدل به حج افراد کند؛ یعنی نیت حج افراد کند، و اعمال حج را تمام نماید، و سال آینده نیز حج تمتع را اعاده کند.

**مسئله ۸۳۸-** اگر کسی عمداً سعی در حج را ترک کند، و به موقع آن را جبران ننماید، حج او باطل می‌شود. حج را احتیاطاً تمام کند، و باید سال آینده دوباره حج را به جا آورد.

**مسئله ۸۳۹-** اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده، احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را - که در مسأله قبل گفته شد - اجرا کند؛ اما اگر از روی سهو و فراموشی ترک کند، باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد؛ هر چند بعد از ماه ذی الحجّه باشد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد تا برای او به جا آورد؛ و در این مدت چیزی بر او حرام نیست. همچنین است در عمره مفرده.

### ب) سعی زیادتر از هفت دور

**مسئله ۸۴۰-** هرگاه سعی را عمداً زیادتر از هفت مرتبه به قصد سعی واجب بجا آورد، سعی او باطل است، و اگر سهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند، و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است، و نیازی نیست که مقدار زیادی را تا هفت دور تمام کند؛ بلکه احتیاط در ترک این کار است.

**مسئله ۸۴۱-** هرگاه از روی ندانستن مسئله چیزی بر هفت دور اضافه کند، حکمش مانند صورت عمد است؛ یعنی سعی را از نو بجا می‌آورد.

### ج) سعی کمتر از هفت دور

**مسئله ۸۴۲-** هرگاه از روی سهو و فراموشی چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا پس از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می‌آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکّه خارج شده یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکّه برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد، و کفاره‌ای هم ندارد؛ هر چند کارهایی را که بر محرم حرام است انجام داده باشد.

**مسئله ۸۴۳-** هرگاه شخصی کمتر از یک دور سعی کرد و بقیّه را فراموش نمود، احتیاط واجب آن است که هر وقت یادش آمد سعی را از سر بگیرد، و اگر یک دور را کامل نمود و بقیّه را فراموش کرد، جایز است همان سعی را تکمیل کند، ولی اگر چهار دور را تمام نکرده، احتیاط مستحب آن است که سعی را تکمیل کند، سپس از سر بگیرد.

**مسئله ۸۴۴-** هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص بجا آورده، مثلاً شش دور یا کمتر بوده، بر می‌گردد و آنچه را می‌داند ناقص گذاشته تکمیل می‌کند، و سعی او صحیح است.

### قطع کردن سعی

**مسأله ۸۴۵-** هرگاه مشغول سعی صفا و مروه است و مقداری از آن را انجام داده - خواه کم باشد یا زیاد - و وقت نماز فرا رسد، سعی را قطع می‌کند، و نماز را بجا آورده، سپس باقیمانده سعی را انجام می‌دهد.

**مسأله ۸۴۶-** هرگاه حاجت ضروری برای او، یا یکی از برادران و خواهران دینی پیدا شود، می‌تواند سعی را قطع کرده و به دنبال آن برود، و پس از بازگشت از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد، و سعی او صحیح است. همچنین کسی که خسته شده می‌تواند برای استراحت در وسط سعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو، ولی بهتر است که بدون خستگی ننشیند، و استراحت نکند.

**مسأله ۸۴۷-** هرگاه مشغول سعی باشد و یادش بیاید که نماز طواف را بجا نیاورده، بر می‌گردد و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می‌خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد.

**مسأله ۸۴۸-** احتیاط آن است که در غیر مواردی که در بالا گفته شد موالات را در سعی مراعات کند؛ یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادتی پشت سر هم بجا آورد.

### شک در سعی

**مسأله ۸۴۹-** هرگاه بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر شک کند آیا هفت دور را صحیح بجا آورده، یا نه؟ یا سایر شرایط موجود بوده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، ولی اگر قبل از تقصیر شک کند که ناقص بجا آورده یا کامل، باید سعی را از اول اعاده کند؛ اما اگر می‌داند هفت دور کامل را بجا آورده و شک در بیشتر دارد، سعی او صحیح است و اعتنا نمی‌کند.

**مسأله ۸۵۰-** اگر بعد از اتمام سعی، یا اتمام هر دوری، شک کند که آن را درست بجا آورده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، و سعیش صحیح است. همچنین اگر در بین رفت و آمد، در صحیح بجا آوردن جزء پیش شک کند اعتنا ننماید.

**مسأله ۸۵۱-** هرگاه در مروه شک کند هفت دور سعی نموده، یا زیادت (مثل این که شک بین هفت شوط و نه شوط نماید) اعتنا نمی‌کند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سعی او باطل است. همچنین در هر شکّی که کمتر از هفت دور باشد، مثل شکّ بین یک و سه، یا دو و چهار و مانند آن، سعی باطل است.

**مسأله ۸۵۲-** اگر طواف را (مثلاً روز شنبه) بجا آورد، و روز بعد شک کند که سعی کرده یا نه، احتیاط انجام سعی است، مگر آن که پس از تقصیر شک نماید، که در این صورت لازم نیست سعی کند.

### انجام محرّمات احرام بعد از سعی

**مسأله ۸۵۳-** هیچ یک از محرّمات احرام، یعنی آن چه به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، با انجام سعی حلال نمی‌شود، بلکه باید تقصیر کند.

**مسأله ۸۵۴-** هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده، باید به این گمان قناعت نکند، و تحقیق نماید، و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد، و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند) و پس از آن با همسر خود نزدیکی نماید، احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود، یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود ذبح می‌کند).

**مسأله ۸۵۵-** اگر قسمتی از سعی را در عمره تمتع فراموش کند، سپس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شود و با همسرش نزدیکی کند، واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب یک گاو به عنوان کفاره قربانی نماید؛ بلکه عمره‌های دیگر نیز همین حکم را دارد (بنا بر احتیاط واجب).

### اهور باقی مانده در سعی

**مسأله ۸۵۶-** بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست، حتی زنان حائض می‌توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند.

**مسأله ۸۵۷-** مستحب است بعد از تمام کردن طواف و نماز آن - اگر ازدحام مانع نشود - دست بر «حجر الاسود» بگذارد، یا آن را ببوسد، سپس به سراغ آب زمزم برود، مقداری از آن بنوشد، و کمی بر سر و بدن خود بریزد، و پس از آن شروع به سعی نماید، ولی اگر بوسیدن، یا دست گذاردن بر حجر الاسود، بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران یا خودش گردد، بهتر است از آن صرف نظر کند.

**مسأله ۸۵۸-** سعی را می‌توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا باشد، یا بیمار و ناتوان؛ اما اشخاصی که توانایی دارند بهتر است پیاده بروند.

**مسأله ۸۵۹-** مستحب است مردان به هنگام رفتن از صفا به مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ علامتگذاری شده - که امروزه با چراغ سبز مشخص شده - می‌رسند «هَرَوَلَه»<sup>۱</sup> کنند؛ ولی اگر موجب ناراحتی آنهاست آن را ترک کنند.

**مسأله ۸۶۰-** هروله کردن برای زنان مستحب نیست؛ و مردان نیز اگر

۱. هروله به معنی حرکت سریع است، و حالتی بین راه رفتن و دویدن محسوب می‌شود.

فراموش کنند احتیاط آن است که برنگردند.

**مسألة ۸۶۱-** سخن گفتن، و حتی خوردن آب، یا چیزی از غذا، در حال سعی جایز است؛ ولی بهتر آن است که در این حال مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و با سکینه و وقار و توجه به ذات پاک خداوند سعی را به جا آورد، و حالت روحانی خود را حفظ کند.

## استفتائات سعی

**سؤال ۸۶۲-** شخصی به اعتقاد این که رفتن از صفا به مروه، و بازگشت به صفا مجموعاً یک دور حساب می‌شود، سعی خود را شروع کرده، ولی در دور سوّم متوجّه خطایش می‌شود، و سعی را به هفت دور (طبق آنچه در مناسک آمده) خاتمه می‌دهد. سعی او چه حکمی دارد؟

**جواب:** سعی او صحیح است.

**سؤال ۸۶۳-** اگر شخصی سعی خود را از مروه شروع کند و به صفا ختم نماید، و پس از چند روز به اشتباه خود پی ببرد، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد، و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود، و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمّه بجا آورد.

**سؤال ۸۶۴-** وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده چیست؟

**جواب:** در صورتی که شوط اوّل را اسقاط کند، سپس بقیه را تکمیل نماید تا این که هفت دور به مروه خاتمه یابد، سعی او صحیح است.

**سؤال ۸۶۵-** ابتدای کوه صفا و مروه بر اثر تعمیرات و سنگ فرش درست

روشن نیست. کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حقّ الزحمه از حجّاج پیر و مریض، آنها را با چرخ سعی می‌دهند؛ ولی زودتر از دور حجّاج پیاده دور می‌زنند. تکلیف این افراد چیست؟

**جواب:** قسمت سربالائی مفروش جزء کوه است، و مسیری را که چرخها طی می‌کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است، و هیچ اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۶۶-** همان گونه که اطلاع دارید در سعی صفا و مروه، حجّاج از یک طرف می‌روند و از سمت دیگر باز می‌گردند؛ یعنی انتهای مسیر رفت با ابتدای مسیر بازگشت چند متر فاصله دارد، اگر شخصی از همان مسیری که رفته بازگردد چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد؛ ولی نباید مزاحم دیگران شود.

**سؤال ۸۶۷-** قسمتی که هروله در آن مستحب است را به طور عادی راه رفتن. با توجه به این که خیال می‌کردم هروله واجب است، آن قسمت را دوباره و به صورت هروله تکرار نمودم. آیا سعی من اشکال دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد و صحیح است، ولی این کار را تکرار نکنید.

**سؤال ۸۶۸-** تصوّر می‌کردم رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم است، و چون این مقدار مسافت را بر اثر فشار جمعیت بی اختیار بالا رفته بودم، به محلّ سعی برگشتم، و آن قسمت را دوباره انجام دادم، و در حقیقت مقداری از مسافت را دو بار طی کردم. آیا سعی من صحیح است؟

**جواب:** اگر به نیت احتیاط عمل کرده‌اید ضرری ندارد؛ ولی رفتن روی کوه و حتی بالای کوه واجب نیست.

**سؤال ۸۶۹-** شخصی به هنگام سعی، جهت کنترل همراهان خود گاهی به عقب بر می‌گشته، و مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده است. آیا سعی او اشکال دارد؟



**جواب:** اشکال ندارد و اعاده لازم نیست؛ ولی بهتر است این کار را نکند.

**سؤال ۸۷۰-** با توجه به این که در روزهای ششم و هفتم ذیحجه، بر اثر ازدحام زیاد حجاج، مامورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا می‌توان آنها را در طبقه بالا با چرخ سعی داد؟

**جواب:** در فرض سؤال مانعی ندارد.

**سؤال ۸۷۱-** شخصی به هنگام سعی، گاهی عقب عقب به طرف مروه یا صفا حرکت کرده است. تکلیفش چیست؟

**جواب:** می‌تواند برگردد و جبران نماید، و سعی او اشکال ندارد.

**سؤال ۸۷۲-** کودکی، که محرم به احرام عمره مفرده بوده، گاه به هنگام سعی می‌دویده، و گاه به عقب بر می‌گشته، و با همین وضعیت اعمال عمره را به پایان برده، ولی قصد سعی را داشته است. اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۷۳-** شخصی به هنگام سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شده، و پس از نوشیدن آب به سعی خود ادامه داده است. چه حکمی دارد؟

**جواب:** سعی او صحیح است، مشروط بر این که از همان جا که قطع کرده ادامه دهد.

**سؤال ۸۷۴-** یکی از دوستانم طواف و نماز طواف را انجام داد، و سعی را به روز بعد، یا روزهای آینده، محوّل کرد. آیا این تأخیر ضرر دارد، و باید طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد؟

**جواب:** اعاده لازم نیست، ولی کار خلافی کرده؛ زیرا نباید سعی را اختیاراً به روز بعد موکول کند.

**سؤال ۸۷۵-** آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، یا اختصاص به قسمتی از آن دارد؟

**جواب:** احتیاط آن است که در غیر موارد استثنا شده، موالات عرفیه رعایت گردد.

**سؤال ۸۷۶-** آیا موالات در سعی مانند طواف است؟

**جواب:** استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده، جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که زیاد فاصله نشود.

**سؤال ۸۷۷-** شخصی پس از طواف عمره تمتع گم شده، و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته: «سعی صفا و مروه را بجا آورده‌ام» سپس تقصیر نموده، و برای حج تمتع محرم شده است، ولی بعد از بازگشت از عرفات و منی، و هنگام انجام اعمال مکه اظهار می‌دارد: «سعی را بجا نیاورده‌ام» و پس از بازگشت نگران می‌شود، و وصیت می‌کند برای او نایب بگیرند. وظیفه ورثه چیست؟

**جواب:** وظیفه ورثه آن است که شخصی را برای انجام سعی از طرف آن مرحوم نایب کنند، و گرفتن نایب برای کل حج تمتع لازم نیست.

**سؤال ۸۷۸-** شخصی رفت و برگشت بین صفا و مروه را یک دور حساب کرده، و بدین شکل پنج بار، که در مجموع ده شوط می‌شود، سعی کرده است، سپس متوجه مسأله شده، و سعی را از همان جا قطع کرده، و تقصیر نموده است. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** سعی او باطل است، و سعی را باید از نو شروع کند.

**سؤال ۸۷۹-** هرگاه شخصی سهواً سعی را بیش از هفت دور انجام دهد، باید چه کند؟

**جواب:** به زیادی اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است.

**سؤال ۸۸۰-** زیادی در سعی بر اثر جهل به مسأله، حکم زیادی سهوی را دارد، یا در حکم زیادی عمدی است؟

**جواب:** حکم زیادی عمدی را دارد، و باید از نو به جا آورد.

**سؤال ۸۸۱-** اینجانب پس از تمام شدن شوط ششم در سعی، گمان کردم هفت دور بجا آورده، و تقصیر نمودم، ولی دوستانم فوراً تذکر دادند که باید یک دور دیگر بجا آورم. آن دور را بجا آورده، و بار دیگر تقصیر نمودم. آیا سعی من صحیح است؟ اگر صحیح نبوده، کفاره‌ای دارد؟

**جواب:** عمل شما صحیح بوده، و کفاره‌ای ندارد.

**سؤال ۸۸۲-** اگر شخصی یقین کند هفت شوط سعی را تمام کرده و تقصیر کند؛ ولی پس از آن متوجه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است. آیا باید کلّ سعی را دوباره بجا آورد، یا انجام همان دو شوط کافی است؟ آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟

**جواب:** باید همان سعی را تکمیل کند، و بنا بر احتیاط واجب تقصیر را اعاده نماید.

**سؤال ۸۸۳-** شخصی سه شوط سعی را بجا آورده، سپس آن را رها کرده، و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر انجام داده، سپس تقصیر نموده است. آیا سعی وی صحیح است؟

**جواب:** آری صحیح است.

**سؤال ۸۸۴-** اینجانب به تصوّر این که سعی هم نیاز به وضو دارد، بعد از یک شوط و نیم، سعی را قطع کرده، و پس از وضو هفت شوط دیگر بجا آوردم. آیا سعی من اشکال دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۸۵-** خانمی به تصوّر این که پاک شده، طواف و نماز طوافش را بجا آورده، مشغول سعی می‌شود. در اثناء سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است، وظیفه‌اش چیست؟ اگر بعد از سعی متوجه این موضوع شود، تکلیفش چه می‌باشد؟

**جواب:** در فرض اوّل سعی را قطع می‌کند، و پس از پاک شدن، طواف و نماز طواف و سعی را اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز طواف لازم است، و احتیاطاً سعی را هم اعاده می‌کند.

**سؤال ۸۸۶-** اگر کسی قبل از رسیدن به مروه شک کند دور هفتم است، یا دور نهم، چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** سعی او باطل است، و باید از نو شروع کند.

**سؤال ۸۸۷-** یکی از مقلدین حضرت عالی در عدد دورهای سعی شک می‌کند، و با حال تردید به سعی خود ادامه داده، در عین حال فکر می‌کند تا عدد صحیح را به دست آورد. پس از طیّ حدود صد متر، یا یک دور، یقین به عدد صحیح پیدا نموده، بقیّه سعی را انجام می‌دهد. آیا سعی او صحیح است؟

**جواب:** آری سعی او صحیح است؛ مشروط بر این که در حال شک و تردید به امید روشن شدن واقع مسأله سعی را ادامه دهد.

**سؤال ۸۸۸-** آیا خانم‌هایی که به علّت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند، در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

**جواب:** محلّ سعی مسجد نیست، و رفتن زن حائض در آنجا اشکالی ندارد. بنابراین، باید خودشان سعی را بعد از طواف و نماز طواف نایب، بجا آورند.

**سؤال ۸۸۹-** بر اثر ازدحام زیاد حجّاج، گاه انسان ناچار است برای رفتن به محلّ سعی از مسجد الحرام عبور کند، و از این راه خودش را به صفا برساند، و از آنجا سعی را در مسیر معمولی شروع کند. در این صورت تکلیف زن حائض یا نفساء چیست؟

**جواب:** در صورتی که ممکن باشد از راه دیگری برود، باید خودش

سعی را بجا آورد، و اگر ممکن نیست نایب می‌گیرد؛ ولی چنانچه مرتکب خلاف شود، و خودش از مسجد الحرام عبور کند، باید سعی را بجا آورد و سعیش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

**سؤال ۸۹۰-** شخصی بدون استفاده از چرخ نمی‌تواند سعی کند، و از سوی دیگر، تمکن مالی جهت کرایه آن ندارد. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر می‌تواند با چرخ سعی کند، هر چند با وام گرفتن از دیگران، این کار مقدم است، و نیابت گرفتن صحیح نیست؛ مگر آن که موجب عسر و حرج گردد که در این صورت نایب می‌گیرد.

**سؤال ۸۹۱-** کسی که در حال سعی سوار بر چرخ بوده، به علت خستگی زیاد در بعضی از حالات رفت و برگشت به خواب رفته است. آیا سعی او صحیح است؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۸۹۲-** اگر شخصی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد، و تمام هفت دور را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که اعاده کند.

**سؤال ۸۹۳-** هرگاه به هنگام سعی، عمداً زن حجاب کامل نداشته باشد، آیا ضرری به سعی او می‌زند؟

**جواب:** ضرری به سعی او نمی‌زند؛ ولی اگر عمداً باشد گناه کرده است.

**سؤال ۸۹۴-** شخصی پس از تقصیر در عمره تمتع متوجه شد که طواف و سعیش باطل بوده، و آنها را با لباس دوخته اعاده کرد. آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟

**جواب:** طواف و سعی او صحیح است، و احتیاط آن است که تقصیر

را نیز اعاده کند، ولی کفاره‌ای ندارد.

**سؤال ۸۹۵-** آیا علاوه بر سعی واجب، سعی صفا و مروءه مستحبی نیز داریم؟

**جواب:** سعی مستحبی نداریم، سعی فقط سعی واجب است.

**سؤال ۸۹۶-** آیا قسمتی از سعی، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت است؟

**جواب:** در صورت امکان آنها را درباقیمانده، سوار بر چرخ و مانند آن سعی دهند، در غیر این صورت برای تمام سعی نایب بگیرند.

## ۵- تقصیر

### چگونگی تقصیر

**مسأله ۸۹۷-** پنجمین واجب عمره تقصیر است؛ یعنی کوتاه کردن موی سر، یا صورت (ریش یا سیبیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی است تنها کمی از موی سر، یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی قناعت نکند؛ همانگونه که قناعت کردن به کوتاه نمودن موی زیر بغل و مانند آن نیز مشکل است.

**مسأله ۸۹۸-** کوتاه کردن موی سر، یا صورت، با هر وسیله‌ای باشد فرق نمی‌کند؛ ولی کندن مو کافی نیست.

**مسأله ۸۹۹-** تقصیر عبادت است، و باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود، و اگر ریا کند عمره‌اش باطل می‌گردد؛ مگر آن که جبران کند و مجدداً به قصد قربت انجام دهد.

### محلّ تقصیر

**مسأله ۹۰۰-** تقصیر در عمره محلّ معینی ندارد؛ بنابراین می‌تواند در

پایان سعی در همان محل (مروه) تقصیر کند، یا پس از مراجعت به منزل این کار را انجام دهد، و نیز تفاوت نمی‌کند که خودش کوتاه کند، یا از دیگری که محرم نیست بخواهد کمی از موی او را کوتاه نماید.

**مسأله ۹۰۱-** تراشیدن سر، به جای کوتاه کردن مو، در تقصیر عمره تمتع جایز نیست، و هرگاه عمداً این کار را کند و در ماه ذی القعدة به بعد باشد، احتیاط واجب آن است که گوسفندی کفاره دهد؛ و اگر از روی عمد این کار را نکرده، کفاره ندارد.

### احکام تقصیر

**مسأله ۹۰۲-** کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرمات احرام بر او حرام می‌گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می‌شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می‌گردد.

**مسأله ۹۰۳-** حاجی بعد از تقصیر عمره از احرام خارج می‌شود، و تمام آنچه بر محرم حرام بود بر او حلال می‌شود؛ مگر صید و شکار کردن که همچنان بر او حرام است؛ زیرا صید حرم برای همه حرام است، و احتیاط آن است که سر را نیز نتراشد.

**مسأله ۹۰۴-** هرگاه تقصیر را فراموش کند، و به سراغ اعمال حج برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود)، عمره و حج او صحیح است، و چیزی بر او نیست، ولی بهتر آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسأله ۹۰۵-** اگر از روی عمد تقصیر را ترک کند، و به سراغ اعمال حج برود، عمره او باطل است، و حج او مبدل به حج افراد می‌شود؛ یعنی باید حج را تمام کند، و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد (بنابر احتیاط واجب)،



و حجّ او صحیح است. هر چند احتیاط مستحب آن است که در سال بعد حج را اعاده کند.

**مسألة ۹۰۶-** کسی که از روی ندانستن و جهل به مسأله، تقصیر را ترک کند، حکمش حکم ترک عمدی است، که در مسأله قبل گفته شد.

**مسألة ۹۰۷-** طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست؛ حتی به قصد رجاء نیز طواف نساء را بجا نیاورد.



## استفتائات تقصیر

### چگونگی تقصیر

**سؤال ۹۰۸-** شخصی با احرام عمره مفرده وارد مکه شده، و تمام اعمال عمره را انجام می‌دهد؛ اما به جای تقصیر چند تار موی سرش را می‌کند، و با تصوّر این که از احرام خارج شده، به میقات باز می‌گردد، و برای عمره تمتّع محرم می‌شود، و تمام اعمال عمره تمتّع را بجا می‌آورد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** کندن مو برای تقصیر کافی نیست. بنابراین، عمره تمتّع او صحیح نیست، مگر این که قبل از احرام عمره تمتّع، با تقصیر صحیح از احرام عمره مفرده خارج شود.

**سؤال ۹۰۹-** شخصی در تقصیر عمره تمتّع، یک تار مو از بدنش کنده، و به همان قناعت کرده، سپس اعمال حجّ را بجا آورده است. تکلیف فعلی او چیست؟

**جواب:** این کار برای تقصیر کافی نیست. عمره او باطل شده، و حجّ او مبدّل به حجّ افراد گردیده، و صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که پس از حج، عمره مفرده‌ای بجا آورد.

### زمان تقصیر

**سؤال ۹۱۰-** اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نماید، وظیفه‌اش چیست؟  
**جواب:** باید سعی را تمام کند، و تقصیر را تکرار نماید. و چنانچه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله این کار را کرده، احتیاطاً تقصیر را اعاده کند، و در هر حال کفاره ندارد، و اگر از ابتدای سعی قصد هفت دور نداشته، باید سعی را دوباره انجام دهد.

### شرایط تقصیر کننده

**سؤال ۹۱۱-** آیا تقصیر اهل سنت برای شیعیان کفایت می‌کند؟ یعنی اگر در پایان عمره از آنها خواهش کنیم مقداری از موی ما را کوتاه کنند، اشکالی دارد؟  
**جواب:** اشکال ندارد.

### احکام تقصیر

**سؤال ۹۱۲-** شخصی پس از انجام تقصیر شک می‌کند که آن را صحیح به جا آورده، یا نه؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟  
**جواب:** اگر در حال انجام تقصیر عالم به مسأله بوده، و توجه به آن داشته، اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۱۳-** شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرده، سپس سعی را بجا آورده، و دوباره تقصیر نموده است. چه حکمی دارد؟  
**جواب:** در صورتی که حکم مسأله را نمی‌دانسته، یا فراموش کرده، اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۱۴-** اگر حاجی تقصیر عمره مفرده را فراموش کند، و به وطن

خود بازگردد، آیا می‌تواند در هر مکانی تقصیر کند؟ آیا نیازی به انجام دوباره طواف نساء نیز هست؟

**جواب:** در فرض سؤال می‌تواند تقصیر را در هر جا انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن است که طواف نساء را دوباره انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

**سؤال ۹۱۵-** هرگاه شخصی بر اثر جهل و بی‌اطلاعی از مسأله، یا از روی نسیان و فراموشی، یا عمد، تقصیر عمره مفرده را ترک کند، و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** اکنون باید تقصیر کند، و بنا بر احتیاط واجب طواف نساء و نماز آن را مجدداً به جا آورد، و فرقی بین صورت عمد و سهو و علم و جهل نیست.

**سؤال ۹۱۶-** کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می‌دارند، اگر بعد از سعی تقصیر کنند، آیا از احرام خارج می‌شوند، یا باید کفاره بدهند؟

**جواب:** از احرام خارج نمی‌شوند، و اگر از روی سهو و فراموشی، یا بر اثر جهل و ندانستن مسأله این کار را کرده‌اند، کفاره ندارد.

**سؤال ۹۱۷-** کسی که تقصیر او باطل بوده، و پس از آن محرمات احرام را به جا آورده، و جاهل به مسأله نیز بوده، آیا باید کفاره‌ای بپردازد؟

**جواب:** در صورتی که جاهل بوده کفاره ندارد، مگر در شکار به تفصیلی که در کتب فقهی ذکر شده است.

**سؤال ۹۱۸-** جناب‌عالی فرموده‌اید: «اگر کسی تقصیر را به قصد ریا انجام دهد، عمره‌اش باطل است» منظور از این عبارت چیست؟ وظیفه چنین شخصی چه می‌باشد؟

**جواب:** منظور این است که در تقصیر ریا کند، و بدون این که آن را

جبران نماید برای حج محرم شود، و حج انجام دهد. در این صورت اگر از روی عمد، یا جهل به مسأله بوده، حجّ او مبدّل به حج افراد شده و احتیاطاً بعد از اعمال حج، عمره مفرده به جا می آورد، و حجّش صحیح است. و اگر عمره مفرده بوده، تقصیر را با قصد قربت تکرار می کند.

## فصل دهم

### احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

**مسأله ۹۱۹-** کسی که عمره تمتع را بجا آورده واجب است در مکه بماند تا مراسم حج را نیز انجام دهد (خواه حج واجب باشد، یا حج مستحبی) و در صورتی می‌تواند از مکه خارج شود که اطمینان داشته باشد می‌تواند به موقع بازگردد و حج را بجا آورد، بنابراین رفتن به نقاط نزدیک، مانند غارحرا و امثال آن، که مشکلی در امر حج ایجاد نمی‌کند مانعی ندارد. همچنین خدمه کاروانها و غیر آنها می‌توانند برای انجام کارهای ضروری به جده یا مدینه و غیر آن بروند، به شرط آن که مطمئن باشند بموقع برای انجام مراسم حج باز می‌گردند، و احتیاط واجب آن است که وقتی می‌خواهند خارج شوند محرم به احرام حج شوند و تا موقع انجام اعمال حج در احرام بمانند؛ اما اگر این کار موجب مشقت است می‌توانند بدون احرام خارج شوند.

**مسأله ۹۲۰-** هرگاه برای انجام کاری بعد از اتمام عمره از مکه خارج شود، چنانچه در همان ماه بازگردد، احرام بر او واجب نیست. مثلاً در اوائل ماه ذی القعدة عمره تمتع را بجا آورده، و از مکه خارج شده، و به جده یا

جای دیگر خارج از محدوده حرم رفته، و در همان ماه ذی القعدة بازگشته است، بر چنین شخصی احرام واجب نیست؛ اما اگر در ماه بعد وارد شود باید محرم گردد و دوباره عمره بجا آورد، و همین، عمره تمتع او حساب می‌شود، و احتیاط آن است که برای عمره سابق یک طواف نساء و نماز طواف بجا آورد.

**مسأله ۹۲۱-** شخصی که وظیفه‌اش انجام حج تمتع است باید در حال احرام عمره نیت کند که عمره تمتع و پس از آن حج تمتع را بجا می‌آورد؛ هر چند نیت اجمالی باشد، بنابراین اگر نیت عمره مفرده کند و سپس بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می‌کند، ولی چنانچه عمره مفرده در ماههای حج واقع شده باشد و حج مستحبی باشد می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد.

**مسأله ۹۲۲-** هرگاه کسی عمره تمتع را بجا آورد، و از احرام خارج شود، و بخواهد از انجام مراسم حج خودداری کند اگر به علت بیماری یا مانع دیگری باشد گناهی ندارد، و چنانچه سال اول استطاعت او بوده معلوم می‌شود مستطیع نبوده است، و اگر حج قبلاً بر او واجب شده، باید سال دیگر حج تمتع را به طور کامل انجام دهد؛ اما اگر بدون عذر از انجام حج منصرف شود گناه کرده (خواه حج واجب باشد، یا مستحب) و چیز دیگری بر او نیست، و باید در سال دیگر حج واجب خود را انجام دهد، و در هر حال احتیاط واجب آن است که طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.



## استفتائات احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

**سؤال ۹۲۳-** خدمه کاروانها پس از انجام عمره تمتع، برای شناختن محل اسکان کاروانیان و کارهای دیگر به عرفات و منی می‌روند، سپس به مکه باز می‌گردند. آیا این کار جایز است؟

**جواب:** در این گونه موارد، که مطمئن هستند به آسانی به مکه باز می‌گردند، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۲۴-** گاه محل توزیع کالا در مکه مکرمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد. وظیفه خدمه‌ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟

**جواب:** رفت و آمد به این مناطق بعد از انجام عمره تمتع مانعی ندارد، و در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد، مگر این که شغلش به طور مرتب رفت و آمد به بیرون حرم باشد.

**سؤال ۹۲۵-** بعضی از فقها می‌گویند: «خدمه‌ای که می‌خواهند از مکه خارج شوند، اگر فقط به جده بروند برای ورود مجدد به مکه لازم نیست

محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکه باید دوباره در مسجد شجره محرم شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرتعالی چیست؟

**جواب:** اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را بجا آورد.

**سؤال ۹۲۶-** شخصی برای عمره تمتع محرم شده، و وارد حرم گردیده، ولی هنوز اعمالش را انجام نداده است. آیا می‌تواند برای آوردن وسائل خویش به میقات برگردد؟

**جواب:** می‌تواند قبل از خروج از احرام عمره، از مکه خارج شود و وسائلش را بیاورد، ولی اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شده، نمی‌تواند از مکه خارج شود، مگر در حال ضرورت، که در این صورت بنا بر احتیاط برای حج احرام می‌بندد، و از مکه خارج می‌شود، و اگر بستن احرام برای حج و ماندن در احرام تا روز عرفه موجب عسرو حرج شود، بدون احرام به سراغ وسائلش می‌رود.

**سؤال ۹۲۷-** هرگاه خدمه کاروانها، عمره مفرده را بجا آورده باشند، آیا هر بار که از مکه خارج می‌شوند و برای انجام کارهای کاروان مثلاً به جدّه می‌روند، در موقع بازگشت به مکه باید محرم شوند؟

**جواب:** لازم نیست محرم شوند، مگر این که در ماه بعد (ماه قمری دیگر) وارد شوند.

**سؤال ۹۲۸-** آیا «غار حرا» جزء محدوده مکه است؟ آیا می‌توان پس از عمره تمتع و قبل از عزیمت به عرفات به آنجا رفت؟

**جواب:** رفتن به غار حرا و امثال آن - از مناطق نزدیک - ضرری

ندارد؛ خواه جزء مکه باشد، یا نباشد، ولی به نقاط دورتر نروند، مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

**سؤال ۹۲۹-** یکی از کارمندان سازمان حج به نیابت از شخصی، به مکه مشرف شده و ناچار است بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج شود و به عرفات برود. آیا لطمه‌ای به حج نیایی اش نمی خورد؟

**جواب:** ضرری به حج و نیابتش نمی زند؛ ولی احتیاط آن است که در صورت امکان احرام حج ببندد و از مکه خارج شود؛ اما اگر احرام برایش موجب عسر و حرج است، لازم نیست.

**سؤال ۹۳۰-** منزل بعضی از حاجیان خارج از مکه است. آیا پس از عمره تمتع و قبل از احرام حج، می توانند از مکه خارج شوند و به منزل خود بروند؟

**جواب:** این مقدار ضرری ندارد، و احرام لازم نیست.

**سؤال ۹۳۱-** اخیراً خطاً کمربندی اطراف مکه از کنار «جبل النور» و «کوه ثور» می گذرد، که «غار حرا» و «غار ثور» در این دو کوه قرار دارد. زیارت این دو مکان مقدس بین عمره و حج چه حکمی دارد؟

**جواب:** هیچ کدام ضرری ندارد.

**سؤال ۹۳۲-** خروج از مکه برای کسانی که عمره تمتع انجام داده اند، جهت کارهای غیر ضروری، چه حکمی دارد؟ ملاک ضرورت چیست؟

**جواب:** اگر مطمئن باشند می توانند به آسانی برگردند، و در همان ماه قمری بازگردند، چیزی بر آنها نیست، و چنانچه از میقات بگذرند و در ماه بعد برگردند (مثلاً در ذی القعدة به مدینه رفته، و در ذی الحجه بازگردند) باید دوباره محرم شوند، و عمره به جا آورند، و همان عمره تمتع آنها محسوب می شود، و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء به جا آورند.

**سؤال ۹۳۳-** آیا تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج، جایز است؟ در صورت عدم جواز، کفاره آن چیست؟

**جواب:** اصلاح کردن سر با ماشین مانعی ندارد؛ ولی نباید آن را بتراشد، و احتیاط آن است که از اصلاح سر که مثل تراشیدن است نیز اجتناب ورزد، و در صورت تراشیدن، کفاره آن بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

**سؤال ۹۳۴-** آیا تراشیدن صورت بعد از عمره تمتع و قبل از حج، همانند تراشیدن سر، حرام است؟

**جواب:** حکم تراشیدن سر را ندارد، بلکه حکم آن مانند زمانهای دیگر است.

**سؤال ۹۳۵-** آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتع و قبل از آغاز اعمال حج تمتع، جایز است؟

**جواب:** نباید عمره مفرده بجا آورده شود، و اگر بجا آورند صحت آن محل اشکال است، ولی ضرری به عمره و حج تمتع نمی‌زند.

**سؤال ۹۳۶-** آیا می‌توان عمره تمتع را در یک سال، و حج تمتع را در سال دیگر بجا آورد؟

**جواب:** صحیح نیست.

**سؤال ۹۳۷-** هرگاه پس از شروع اعمال حج تمتع شک کند که عمره تمتع را بجا آورده یا نه؟ یا شک کند آن را صحیح انجام داده یا نه؟ چه وظیفه‌ای دارد؟

**جواب:** به شک خود اعتنا نمی‌کند، و عملش صحیح است.

## فصل یازدهم

### تبدیل حجّ تمتّع به افراد

**مسأله ۹۳۸-** هرگاه شخصی که احرام عمره بسته، به سبب عذری دیر هنگام وارد مکه شود، به طوری که اگر بخواهد عمره به جا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد، یا می‌ترسد که وقت آن بگذرد، چنین شخصی باید از حجّ تمتّع به حجّ افراد عدول کند، و پس از بجا آوردن اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد، و حج او صحیح است، و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

**مسأله ۹۳۹-** اگر خانمی احرام بست، و هنگامی که وارد مکه شد به واسطه عادت ماهیانه، یا نفاس، نتوانست طواف را بجا آورد، و اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود می‌ترسد وقت وقوف به عرفات بگذرد، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد، عمل کند.

**مسأله ۹۴۰-** اگر شخصی به خاطر عذری بدون احرام وارد مکه شود، و وقت هم تنگ باشد، باید برای حجّ افراد در مکه احرام ببندد، و اعمال حج را بجا آورد، و پس از آن، عمره مفرده انجام دهد، و حجّش صحیح است.

**مسأله ۹۴۱-** هرگاه عمداً و بدون عذر احرام نبندد، و عمره خود را باطل

کند، یا برای عمره تمتع واجب احرام ببندد، و عمداً تأخیر بیندازد تا وقت برای عمره تمتع تنگ شود، احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد. در سال بعد نیز حج دیگری بجا آورد.

**مسأله ۹۴۲-** منظور از تنگی وقت در مسائل قبل، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است، که وقت آن از ظهر روز نهم ماه ذی الحجه تا غروب آفتاب است.

**مسأله ۹۴۳-** کسی که قصد دارد حج مستحبی بجا آورد، و پس از ورود به مکه متوجه می شود که وقت تنگ است، به حج افراد عدول می کند؛ یعنی مستقیماً به اعمال حج افراد می پردازد، و عمره مفرده بر او واجب نیست.

**مسأله ۹۴۴-** کسی که وظیفه اش حج تمتع است، و به هنگام احرام یقین دارد که اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمی رسد، چنین شخصی می تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود، و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا آورد، و اعمالش صحیح است.

**مسأله ۹۴۵-** اگر زن در میقات حائض باشد، و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند، و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن فهمید اشتباه کرده، در صورتی که برای حجه الاسلام محرم شده، احرام او باطل است، و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود، ولی بهتر است زن در چنین مواردی در موقع احرام، نیت کند احرامی را که بر او واجب است انجام دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

## استفتائات حج افراد و تبدیل حج تمتع به آن

**سؤال ۹۴۶-** خانمی که عمره تمتع را به جهت عادت ماهانه بجا نیاورده، صبح روز نهم ذی الحجه در عرفات پاک می شود، ولی به دلیل ازدحام جمعیت در مسیر بازگشت به مکه، یا نداشتن همراه، آمدن به مکه جهت انجام عمره تمتع برایش امکان پذیر نیست، وظیفه اش چیست؟  
**جواب:** حجّ او تبدیل به افراد شده، و باید ادامه دهد، و بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد.

**سؤال ۹۴۷-** خانمی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشته، و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شده، همان روز پاک می شود و پس از انجام غسل اعمال عمره اش را بجا می آورد. روز بعد لک می بیند، و دوباره غسل می کند و اعمالش را بجا می آورد. تا روز نهم که به سمت عرفات حرکت می کند پاک بوده، ولی روز یازدهم دوباره لک می بیند. آیا حجش مبدل به افراد شده است؟

**جواب:** در فرض مذکور وظیفه او همان حجّ تمتع است، و اعمال او صحیح بوده است.

**سؤال ۹۴۸-** خانمی روز هشتم ذی الحجه خون دید. خیال کرد عادت

ماهیهانه است، بدین جهت احرامش را تبدیل به حجّ افراد کرد، سپس در عرفات متوجّه شد که مستحاضه است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر وقت عمره تمتّع تنگ شده، حجّ افراد را تمام می‌کند، و اگر حجّ واجب بوده، پس از اعمال حجّ، عمره مفرده‌ای بجا آورد.

**سؤال ۹۴۹-** خانمی که وظیفه‌اش حجّ افراد است، تا چه زمانی می‌تواند عمره مفرده را بدون عذر تأخیر بیندازد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که بلافاصله بعد از حجّ بجا آورد، و اگر ناچار از تأخیر شد، قبل از پایان ذی الحجّه بجا آورد.

**سؤال ۹۵۰-** اینجانب جزء خدمه یا مدیر کاروان هستم، و حجّ مستحبّی بجا می‌آورم. آیا می‌توانم از اوّل بجای حجّ تمتّع، نیت حجّ افراد نمایم، و بجای عمره تمتّع، عمره مفرده بجا آورم؟

**جواب:** شما می‌توانید عمره مفرده انجام دهید و برای حجّ محرم نشوید، و می‌توانید حجّ افراد بجا آورید، ولی میقات حجّ افراد، مواقیت معروفه است.

**سؤال ۹۵۱-** بر شخصی حجّ افراد واجب گشته، و به قصد انجام آن در یکی از میقاتها محرم شده است. آیا چنین شخصی می‌تواند نیت خود را به عمره تمتّع تبدیل نماید، و حجّ تمتّع بجا آورد؟ آیا می‌تواند حجّ افراد را به عمره مفرده تبدیل نموده، و پس از انجام آن، برای عمره تمتّع محرم شود؟

**جواب:** نمی‌تواند عدول کند، و تبدیل نمی‌شود.

**سؤال ۹۵۲-** زنی در حال حیض اعمال عمره را انجام داده، و پس اتمام اعمال عمره متوجّه شده که در آن حال پاک نبوده است. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر وقت دارد باید طواف و نماز آن را دوباره در حال پاکی



بجا آورد، و اگر وقت ندارد حجّ او مبدّل به حجّ افراد می‌شود، و عمره مفرده‌ای بعد از حج بجا می‌آورد.

**سؤال ۹۵۳-** شخصی که وظیفه‌اش حجّ افراد است، عمره مفرده را تا چه زمانی بدون عذر می‌تواند به تأخیر بیندازد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که بلافاصله پس از حج بجا آورد، و اگر ناچار به تأخیر شد، قبل از پایان ذی الحجّه انجام دهد.

### استفتائات تبدیل عمره مفرده به عمره تمتّع

**سؤال ۹۵۴-** شخصی قصد داشت بدون انجام حجّ تمتّع از مکه باز گردد. به همین جهت از ابتدا به نیت عمره مفرده محرم شده، و وارد مکه گردیده، و عمره‌اش را بجا می‌آورد، سپس از قصد خود منصرف می‌شود. آیا عمره‌ای که بجا آورده کفایت از عمره حجّ تمتّع می‌کند، یا باید به میقات برگردد، و به نیت عمره تمتّع محرم شود، و اعمال آن را بجا آورد؟

**جواب:** اگر حجّ او استحبابی است، می‌تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتّع کند؛ مشروط بر این که عمره مفرده‌اش را در ماههای حجّ (شوال، ذی القعدة یا ذی الحجّه) انجام داده باشد، ولی چنانچه حجّ واجب، یا نیابتی باشد، جواز تبدیل محلّ اشکال است.

**سؤال ۹۵۵-** هرگاه پس از نیت عمره و بستن احرام، مجدداً برای عمره دیگری محرم شود؛ مثلاً به نیت عمره مفرده محرم شده، سپس قصد عمره تمتّع کند، و تلبیه بگوید. کدام عمره صحیح است؟

**جواب:** اگر در ابتدا نیت کرده و تلبیه گفته، احرام محقق شده و تجدید آن معنی ندارد؛ و نمی‌تواند برای عمره دیگری نیت کند. بنابراین، احرام دوم باطل است، ولی می‌تواند نیت عمره خود را به عمره

تمتع برگرداند؛ به شرط این که عمره مفرده به سبب نذر و مانند آن بر او واجب نشده باشد.

**سؤال ۹۵۶-** فردی که قبلاً حج واجب خود را انجام داده، هنگام تشرّف به مکه مکرّمه به قصد حجّ تمتّع استحبایی، احرام عمره تمتّع بسته، و پس از انجام اعمال عمره، به عللی از انجام حجّ تمتّع منصرف می‌شود. لطفاً بفرمائید:

**اولاً:** آیا می‌تواند بدون انجام حجّ تمتّع به کشورش بازگردد؟  
**ثانیاً:** آیا می‌تواند به میقات برگردد و به نیابت از دیگری احرام عمره تمتّع ببندد و پس از انجام عمره، حجّ تمتّع را هم به نیابت از آن شخص بجا آورد؟

**ثالثاً:** اگر این کار جایز باشد و نتواند به میقات برود، آیا می‌تواند از ادنی الحلّ محرم گردد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که تا مجبور نباشد تغییر نیت ندهد و حجّ تمتّع خود را تکمیل کند، و به سراغ نیابت از دیگری نرود.

**سؤال ۹۵۷-** کسی که وظیفه او عمره تمتّع است و بدون توجه، به نیت عمره مفرده محرم شده، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** می‌تواند عمره مفرده انجام دهد، و اگر در ماههای حج باشد می‌تواند به عمره تمتّع عدول کند.

## فصل دوازدهم

### اعمال حجّ تمتّع

- مسأله ۹۵۸- همان گونه که قبلاً گفتیم بعد از عمره تمتّع باید حجّ تمتّع را بجا آورد، و اعمال آن سیزده چیز به ترتیب زیر است:
- ۱- احرام بستن از مکه.
  - ۲- «وقوف در عرفات»؛ یعنی ماندن در سرزمین عرفات، از ظهر تا غروب آفتاب روز نهم ذی الحجّه.
  - ۳- «وقوف در مشعر الحرام»؛ یعنی ماندن از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب در آنجا.
  - ۴- رفتن به منی در روز دهم ذی الحجّه و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به محلی که در آخر منی قرار دارد، و نامش «جرمه عقبه» یا «جرمه اولی» است بزند).
  - ۵- قربانی کردن در منی در روز دهم ذی الحجّه (روز عید قربان).
  - ۶- تراشیدن موی سر، یا کوتاه کردن آن.
  - ۷- طواف خانه کعبه (این طواف را طواف زیارت می‌گویند).
  - ۸- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف.

- ۹- سعی میان صفا و مروه.
- ۱۰- طواف دیگری که آن را «طواف نساء» می‌نامند.
- ۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء.
- ۱۲- اقامت شب‌های یازدهم و دوازدهم در منی.
- ۱۳- رمی جمرات سه گانه؛ یعنی انداختن هفت سنگ، در روزهای یازدهم و دوازدهم، به هر کدام از سه محلی که در منی قرار دارد. شرح هر کدام در مسائل آینده خواهد آمد.

## ۱- احرام بستن از مکه

**مسأله ۹۵۹-** قبلاً نیز اشاره شد که میقات احرام برای «حج تمتع» «مکه» است، و از هر جای مکه (خواه مسجد الحرام، یا مساجد دیگر مکه، یا کوچه‌ها و خیابانها، و یا خانه و منزل باشد) کافی است، و فرقی میان مکه جدید و قدیم نیست؛ حتی محلاتی از مکه امروز که به طرف منی و عرفات گسترش یافته، از همه آن مناطق می‌توان احرام بست.

**مسأله ۹۶۰-** احتیاط واجب آن است که از نقاطی از شهر مکه، که از مسجد تنعیم دورتر است (یعنی از محدوده حرم بیرون است) احرام نبندد (مسجد تنعیم نزدیکترین حد حرم است) و بهتر از همه جا برای احرام حج، مسجد الحرام است.

**مسأله ۹۶۱-** بهترین وقت برای احرام حج، روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) است، ولی از سه روز قبل از آن نیز می‌توان احرام بست و به سوی منی حرکت کرد، تا از آنجا به عرفات برود، به خصوص افراد پیر و بیماران، در صورتی که از ازدحام بترسند، می‌توانند زودتر از این هم حرکت کنند.

**مسأله ۹۶۲-** آخرین وقت احرام حج موقعی است که تأخیر از آن سبب شود به وقوف عرفات، که از ظهر روز نهم تا غروب است، بنابراین،

صبح روز نهم نیز می‌تواند مُحرم شود و خود را به عرفات برساند (در صورتی که امکان رسیدن در این موقع باشد).

**مسأله ۹۶۳-** چگونگی احرام بستن و لَبِیک گفتن به همان شکلی است که در احرام عمره ذکر شد.

**مسأله ۹۶۴-** نیت باید خالص و برای اطاعت خداوند باشد، و ریا کردن موجب بطلان عمل است.

**مسأله ۹۶۵-** هرگاه نیت حَجّ تَمَتُّع کند، و لَبِیک‌های واجب را - به شکلی که در احرام عمره بیان شد - بگوید، و قصد احرام کند، و اموری را که بر محرم حرام است برخورد تحریم کند، محرم می‌شود.

**مسأله ۹۶۶-** تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام نیز حرام است، و از جهت کفّاره نیز تفاوتی بین احرام حج و عمره نیست.

**مسأله ۹۶۷-** اگر احرام را فراموش کند و به منی یا عرفات برود، واجب است به مکه بازگردد و احرام ببندد، و چنانچه بر اثر تنگی وقت یا عذر دیگری، بازگشت به مکه ممکن نشود از همان جا که هست (عرفات، یا مشعر، یا منی قبل از رمی جمرات و قربانی کردن) محرم می‌شود، و اگر بعد از آن متوجه شود، وقت احرام گذشته و حَجَّش صحیح است.

**مسأله ۹۶۸-** هرگاه احرام را فراموش کند، و پس از انجام تمام اعمال حج یادش بیاید، حَجَّش صحیح است، ولی اگر بعد از وقوف به عرفات و مشعر، و قبل از انجام تمام اعمال حج یادش بیاید، احتیاطاً مستحب آن است که حَجَّش را به همان صورت تکمیل نموده، و در سال بعد نیز اعاده کند.

**مسأله ۹۶۹-** شخصی که بر اثر جهل به مسائل حج و فراموشی احکام شرعی احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام را ترک کرده، که در مسائل بالا حکم آن بیان شد.

**مسأله ۹۷۰-** اگر کسی آگاهانه و از سوی عمد احرام را تا زمان فوت

وقوف عرفات و مشعر ترک کند، حجّ او باطل است.

## استفتائات احرام حجّ تمتّع

**سؤال ۹۷۱-** فاصله برخی از محلّه‌های جدید الاحداث مکه تا مسجد الحرام شاید بیش از هیجده کیلومتر است، و عرفاً از توابع مکه محسوب می‌شود، ولی ظاهراً جزء مکه نیست، چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده است. با توجه به این مطلب، احرام بستن از محلّه‌های مذکور چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر از محلّه‌های مکه محسوب شود احرام بستن از آن مانعی ندارد؛ ولی چنانچه عرفاً از محلّه‌های آن نیست، یا مشکوک است، کفایت نمی‌کند.

**سؤال ۹۷۲-** اشخاص معذور که می‌توانند اعمال مکه را قبل از وقوفین (وقوف به عرفات و مشعر) انجام دهند، چنانچه از روی ناآگاهی به احکام شرعی اعمال مکه را بدون احرام انجام دهند چه حکمی دارد؟

**جواب:** بنابر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و باید آن اعمال را دوباره پس از احرام حجّ، قبل از وقوفین، یا بعد از انجام اعمال منی بجا آورند.

سؤال ۹۷۳- اگر شخصی در عرفات یا منی متوجه شود که به هنگام احرام حج تلبیه نگفته، تکلیف او چیست؟

جواب: در صورت امکان باید به مکه بازگردد و دوباره محرم شود، و تلبیه بگوید و بقیه اعمال را انجام دهد، و اگر ممکن نیست همانجا قصد احرام کند و «لَبَّيْكَ» بگوید، و اگر بعد از تقصیر یا حلق یادش بیاید، اعمالش صحیح است و نیازی به احرام و لَبَّيْكَ نیست.



## ۲- وقوف در عرفات

**مسأله ۹۷۴-** دومین واجب از واجبات حج، وقوف به عرفات است. عرفات بیابانی است در حدود بیست کیلومتری مکه، که امروز به صورت نیمه مشجر در آمده، و واجب است حجاج از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجه در آنجا بمانند.

**مسأله ۹۷۵-** احتیاط آن است که از اول ظهر تا غروب آفتاب در آنجا توقف کنند، خواه سواره باشند یا پیاده، در حال حرکت باشند یا نشسته، در حال بیداری باشند و یا مقداری خواب و مقداری بیدار، و مستحب مؤکد است که در این مدت مشغول ذکر خدا و توجه به ذات پاک او و توبه و دعا باشند، که فضیلت دعا و نیایش در این مکان و در این زمان بی نظیر است.

**مسأله ۹۷۶-** اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد، وقوف او باطل است، ولی چنانچه قبل از ظهر به عرفات آمده و نیت کرده، صحیح است.

**مسأله ۹۷۷-** وقوف در عرفات عبادت است، و باید با نیت و قصد قربت همراه باشد. نیت آن عبارت خاصی ندارد، همین مقدار که در دل قصد کند که در عرفات از ظهر تا غروب برای خدا توقف می‌کند کافی است.

**مسأله ۹۷۸-** هرگاه از روی عمد قبل از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند و باز نگردد، گناه کرده و باید یک شتر در منی (و احتیاطاً در روز عید)

قربانی کند (و اگر نتواند شتر قربانی کند، باید هیجده روز روزه بگیرد) و در هر صورت حجّش صحیح است، و اگر قبل از غروب آفتاب دوباره به عرفات بازگردد و تا غروب در آنجا بماند و سپس کوچ کند، کفّاره‌ای بر او واجب نیست.

**مسأله ۹۷۹-** هرگاه قبل از غروب آفتاب کوچ کند، اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، در صورتی که یادش بیاید اگر امکان دارد باید بازگردد، و اگر مراجعت نکند گناهکار است، و بنابر احتیاط کفّاره نیز دارد، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

**مسأله ۹۸۰-** گرچه وقوف در عرفات در تمام وقتی که در بالا گفته شد واجب است، و ترکش گناه می‌باشد، ولی تمام آن از ارکان حج نیست. بلکه رکن حج فقط مقداری از مدّت است؛ یعنی اگر کسی تنها مقداری از ظهر تا غروب را در عرفات توقّف کند، حجّش صحیح است، و اگر عمداً وقوف را در تمام این مدّت ترک کند حجّ او باطل خواهد شد، و وقوف در شب عید، که «وقوف اضطراری» نام دارد، برای او کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۹۸۱-** کسی که موقّف به درک وقوف در عرفات از ظهر تا غروب نشود، واجب است مقداری از شب عید را - هر چند کم باشد - در آنجا توقّف کند، بنابراین اگر بر اثر موانع، زمانی به عرفات برسد که مردم از آنجا کوچ کرده باشند، مقداری از شب را می‌ماند، سپس به سوی مشعر می‌رود، به شرط آن که قبل از طلوع آفتاب روز عید خود را به مشعر الحرام برساند، و این را «وقوف اضطراری عرفات» می‌گویند، و اگر موقّف به وقوف اضطراری نیز نشد، یعنی نتوانست چیزی از شب را در آنجا بماند، کافی است که مقداری از وقوف مشعر الحرام را، که شرح آن خواهد آمد، درک کند. در این صورت نیز حجّش صحیح است.

**مسأله ۹۸۲-** اگر کسی بر اثر عذری موقّف به وقوف در عرفات در روز نهم ذی الحجه نشد، و شب عید را هم عمداً و بدون هیچ عذری وقوف نکرد، حجّ او باطل می‌شود؛ هر چند وقوف به مشعر الحرام را درک نماید.

## استفتائات وقوف در عرفات

**سؤال ۹۸۳-** آیا حدودی که برای «عرفات» و «مشعر» و «منی» مشخص شده، و علاماتی که نصب کرده‌اند، جهت مناسک حج اعتبار دارد؟  
**جواب:** آری معتبر است.

**سؤال ۹۸۴-** شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده (از ظهر روز نهم تا غروب آفتاب در عرفات بوده) ولی قبل از رفتن به مشعر بی‌هوش شده است. اگر تا آخر اعمال حج به هوش نیاید تکلیف چیست؟ اگر بعد از بی‌هوشی او را به کشورش منتقل کرده باشند چه حکمی دارد؟ و چنانچه بعد از ایام تشریق (بعد از سیزدهم ذی الحجّه) در ماه ذی الحجّه به هوش آید و در مکه یا کشورش باشد، چه کند؟

**جواب:** درک وقوف اختیاری عرفه برای صحت حجّ او کافی است. پس اگر به هوش آید بقیّه اعمال را بجا می‌آورد، و اگر نتواند بجا آورد نایب می‌گیرد، به شرط آن که وقت اعمال باقی باشد. در غیر این صورت، صحت حجّ او مشکل است، و برای خروج از احرام احتیاطاً عمره مفرده بجا می‌آورد.

**سؤال ۹۸۵-** زنی که عادت ماهانه‌اش (مثلاً) شش روز بوده، در حال

عادت برای عمره تمتع محرم می‌شود. روز هشتم ذی الحجه که روز ششم عادت اوست پاک می‌گردد، و پس از غسل اعمال عمره تمتع را انجام می‌دهد، و برای حج تمتع محرم می‌شود، ولی ظهر روز نهم در عرفات لک می‌بیند، و نمی‌داند که آیا این لک بینی پس از ده روز ادامه خواهد داشت، تا آن را استحاضه حساب کند و اعمال قبلی‌اش صحیح باشد، یا قبل از ده روز قطع می‌گردد تا احکام حیض داشته باشد. وظیفه‌اش چیست؟ اگر در همین فرض در مشعر لک ببیند تکلیفش چه می‌باشد؟

**جواب:** چنانچه کاملاً پاک شده باشد عمره او هنگام پاک بودن صحیح است، و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی‌زند؛ (زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد). بنابراین منظور از ده روز مجموع دو خون است، نه با ضمیمه کردن طهر واقع در میان آن دو.

**سؤال ۹۸۶-** در فرض سؤال قبل، اگر در عرفات یا مشعر لک دید، و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً در حال انجام اعمال عمره پاک نبوده، با توجه به این که وقت وقوف اختیاری یا اضطراری باقی است، ولی برای بازگشت به مکه و انجام اعمال عمره تمتع وقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** باید به حج افراد عدول کند و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

**سؤال ۹۸۷-** آیا قبل از نیت وقوف به عرفات صعود به «جبل الرحمة» (کوهی که در وسط عرفات است) کراهت دارد، یا پس از آن؟

**جواب:** فقط در وقت وقوف کراهت دارد.

### ۳- وقوف در مشعر الحرام

**مسأله ۹۸۸-** مشعر الحرام، که نام دیگرش «مُزْدَلَفَه» و «جُمُع» می باشد، محلّ معروفی است میان منی و عرفات (و حدود آن بین کوه مَأْزَمَین و حِیَاض و وادی محسّر می باشد) و برکسانی که حج بجا می آورند واجب است بعد از وقوف به عرفات به آنجا کوچ کنند، و احتیاط آن است که در صورت امکان، کوچ کردن به مشعر را به تأخیر نیندازند.

**مسأله ۹۸۹-** بیتوته کردن در دامنه کوههای اطراف مشعر به هنگام وقوف در مشعر در شب عید جایز است، ولی در دامنه کوههای مأزمین که در آغاز مشعر قرار دارد، و خارج از مشعر محسوب می شود، جز در موقع ازدحام و ضرورت اشکال دارد.

**مسأله ۹۹۰-** وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که شب را نیز در آنجا بماند، و مقداری ذکر خدا بگوید، و واجب است برای تمام اینها نیت کند، و قصد قربت داشته باشد.

**مسأله ۹۹۱-** هرگاه بدون عذر شرعی قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند و به منی رود، اگر جاهل باشد چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد

گناه کرده و باید یک گوسفند کفّاره دهد؛ ولی حجّ او صحیح است؛ اما می‌تواند کمی قبل از طلوع آفتاب از مشعر به سمت منی حرکت کند، ولی قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر (در انتهای منی) عبور ننماید.

**مسأله ۹۹۲-** وقوف در مشعر الحرام رکن است؛ یعنی هر کس آن را عمداً ترک کند حجّ او باطل می‌شود، و وقوف رکنی وقوف مقداری از بین الطلوعین است.

**مسأله ۹۹۳-** اگر چه ماندن تمام فاصله میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است (و حتّی ماندن در شب عید نیز بنا بر احتیاط، واجب می‌باشد)، ولی هرگاه شب را به تنهایی در آنجا بماند، برای صحیح بودن حجّ او کافی است؛ اما همان‌طور که گفتیم اگر از روی عمد باشد گناه کرده، و باید یک گوسفند کفّاره دهد.

**مسأله ۹۹۴-** برای چند طائفه جایز است مقدار مختصری در مشعر توقّف کرده، سپس به منی بروند: ۱- زنان ۲- بیماران ۳- پیرمردان ۴- تمام افراد معذور. به این ترتیب، کسانی که عذری دارند مقداری از شب را در مشعر توقّف کنند، سپس از آنجا کوچ کرده به منی بروند، بنابراین پیرمردان، بیماران، کودکان، و تمام اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی باید همراه آنها باشند، و آنها که می‌ترسند در ازدحام جمعیت صبح روز عید اذیت شوند، می‌توانند شبانه (بعد از مقداری توقّف در مشعر الحرام و ذکر خدا) به منی بروند، و همان شب نیز رمی جمره عقبه کنند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از نصف شب از مشعر حرکت نکنند، و راهنمایان اگر بتوانند بعد از رساندن نفرات به منی، برای وقوف به مشعر بازگردند، احتیاط آن است که برگردند.

## احکام وقوف در عرفات و مشعر

مسأله ۹۹۵- همان گونه که گفته شد هر یک از وقوف در عرفات و مشعر دارای دو قسم است: ۱- وقوف اختیاری ۲- وقوف اضطراری.

«وقوف اختیاری عرفات» از حدود ظهر تا غروب آفتاب است.

«وقوف اضطراری عرفات» مقداری - هر چند کم - از شب عید است.

«وقوف اختیاری مشعر» از طلوع صبح روز عید تا طلوع آفتاب است.

«وقوف اضطراری مشعر» از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید است.

البته «مشعر» وقوف اضطراری دیگری نیز دارد، که مربوط به زنان و افراد ضعیف و بیمار است، و آن، مقدرای از شب عید می‌باشد که در آنجا توقف کوتاهی نموده، سپس از آنجا به منی کوچ می‌کنند.

احکام کسی که همه یا بعضی از این وقوفها را درک کند، به شرح زیر است:

۱- کسی که هر دو وقوف به عرفات و مشعر را، در وقت اختیاری انجام دهد (یعنی از ظهر تا غروب روز عرفه در عرفات، و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام باشد) مسلماً حج او صحیح است.

۲- کسی که هیچ یک از وقوفهای اختیاری و اضطراری را که در مسأله

قبل گفته شد، نه در مشعر و نه در عرفات، درک نکند، حجّ او باطل است، و باید نیت «عمره مفرده» کند؛ یعنی با همان احرامی که دارد طواف و نماز طواف و سعی را انجام داده و تقصیر کند (و احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را نیز بجا آورد) و از احرام خارج شود؛ و در سال آینده باید حجّ تمتع را اعاده کند.

تبصره ۱: چنین شخصی اگر قربانی‌اش را همراه آورده، احتیاطاً ذبح کند.  
تبصره ۲: اگر درک نکردن وقوفهای اختیاری و اضطراری از روی تقصیر و کوتاهی بوده، حج بر او مستقر می‌شود، و باید سال بعد انجام دهد؛ چه دارای شرایط آن باشد، یا نباشد.

۳- هرگاه «وقوف اضطراری عرفه» را با «وقوف اختیاری مشعر» بجا آورد (یعنی روز نهم به عرفات نرسیده و تنها مقداری از شب دهم را در آنجا مانده، سپس در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب وقوف کرده)، چنین کسی نیز حجّش صحیح و بدون اشکال است.  
تبصره: اگر عمداً وقوف اختیاری عرفه را ترک کرده باشد، حجّ او باطل است.

۴- کسی که «وقوف اختیاری عرفه» را با «وقوف اضطراری روز مشعر» درک کند (یعنی بعد از ظهر عرفه تا غروب در عرفات بوده، ولی به علّتی بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر نمانده است، اما مقداری قبل از ظهر روز عید را در مشعر وقوف کرده)، حجّ او نیز صحیح است.  
تبصره: چنین شخصی اگر وقوف اختیاری مشعر را از روی عمد ترک کرده باشد حجّش باطل است.

۵- کسی که فقط «وقوف اختیاری عرفه» را درک کرده (یعنی بعد از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات بوده، اما نتوانسته در مشعر حتی قبل از



ظهر روز عید مقداری وقوف کند) حجّ او نیز صحیح است (به هر علت که باشد).

۶- کسی که تنها «وقوف اختیاری مشعر» را درک کرده (یعنی مطلقاً به عرفات نرسیده، اما در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب توقّف کرده) حجّ او نیز صحیح است.

تبصره: چنین شخصی اگر عمداً وقوف اختیاری عرفات را ترک کرده باشد، حجّش باطل است.

۷- کسی که «وقوف اضطراری عرفات» را در شب عید و «وقوف اضطراری مشعر» را در پیش از ظهر عید درک نموده، حجّ او نیز صحیح می‌باشد.

تبصره: چنانچه شخصی وقوف عرفات یا وقوف مشعر را به کلی و از روی عمد ترک کند، حجّ او باطل است.

۸- کسی که فقط «وقوف اضطراری روز مشعر» را درک کرده (یعنی تنها توانسته خود را پیش از ظهر روز عید به مشعر الحرام برساند) حجّ چنین شخصی باطل شده، و باید نیت عمره مفرده کند، و بعد از انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون آید، و در سال آینده باید حجّ تمتّع را اعاده کند.

۹- کسی که فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند، حجّ او نیز باطل است و باید مطابق صورت قبل عمل کند.

۱۰- کسی که هیچ یک از وقوفهای اضطراری و اختیاری را درک نکند (یعنی بعد از ظهر روز عید به آنجا برسد) حجّ او باطل است، و باید طبق صورت هشتم عمل کند.

۱۱- کسی که وقوف اختیاری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند (یعنی از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات بوده، و شب دهم در مشعر

وقوف کرده، و قبل از طلوع صبح به منی رفته است) در صورتی که وقوف اختیاری مشعر را به سبب عذری ترک کرده، حجّش صحیح، و اگر عمدی بوده بنا بر احتیاط واجب باطل است.

۱۲- کسی که وقوف اضطراری عرفه و اضطراری شبانه مشعر را درک کند (یعنی قسمتی از شب دهم را در عرفات، و قسمتی دیگر را در مشعر وقوف کرده، و قبل از طلوع صبح به منی رفته) در صورتی که عذر داشته، و وقوف اختیاری عرفه را از روی عمد ترک نکرده باشد، حجّ او صحیح است؛ اما اگر عذر نداشته، و عمداً وقوف اختیاری عرفه را ترک کرده، حجّش باطل است، و چنانچه وقوف اختیاری مشعر (وقوف بین الطلوعین) را عمداً ترک کرده باشد حجّ او صحیح است، ولی یک گوسفند کفّاره دارد، و اگر از روی جهل ترک کرده باشد، حجّ او بنا بر احتیاط واجب باطل است.

۱۳- کسی که فقط وقوف اضطراری شبانه مشعر را درک کند (یعنی شب دهم به مشعر الحرام رسیده، و قبل از طلوع صبح به منی کوچ کرده است) اگر وقوف عرفات را عمداً ترک کرده باشد حجّ او باطل، و اگر از روی عمد نباشد، بلکه به سبب عذر باشد، در این صورت نیز حجّ او اشکال دارد.

## استفتائات وقوف در مشعر الحرام

**سؤال ۹۹۶-** عده‌ای از حجّاج در شب دهم ذیحجه از عرفات عازم مشعر می‌شوند، در بین راه از افرادی که آنجا هستند می‌پرسند: «مشعر کجاست؟» جواب می‌دهند: «همین جاست». آنها اطمینان پیدا می‌کنند که آنجا مشعر است، و قصد وقوف می‌کنند. پس از گذشتن وقت وقوف اضطراری مشعر معلوم می‌شود که آنجا مشعر نبوده است، تکلیف آنها چیست؟  
**جواب:** حجّ آنها صحیح است.

**سؤال ۹۹۷-** اگر مدیر کاروان به یکی از حجّاج بگوید: «درک وقوف اختیاری مشعر برای شما مشکل است». و آن شخص به این سخن اعتماد پیدا کند، و وقوف اختیاری را ترک نماید، آیا به حجّ او اشکالی وارد می‌شود؟  
**جواب:** در فرض سؤال اشکالی ندارد.

**سؤال ۹۹۸-** کسی که نمی‌دانسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوع صبح و طلوع آفتاب است، و آن را ترک کرده، ولی وقوف اضطراری را انجام داده است، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** در صورتی که جاهل قاصر بوده نه مقصّر، مانعی ندارد.

**سؤال ۹۹۹-** آیا نیابت خدمه‌ای که پیش از طلوع صبح به همراه خانمها

به منی می‌روند، ولی قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر رسانده، و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، صحیح است؟

**جواب:** اگر لازم است با زنها به منی بروند گناهی نکرده‌اند، و چنانچه از ذوی الاعذار نبوده‌اند (یعنی عذرشان عارضی است)، در فرض سؤال نیابت آنها اشکال ندارد.

**سؤال ۱۰۰۰-** شخصی وقوف به عرفات و مقداری از وقوف شبانه مشعر را درک کرده، و قبل از طلوع صبح برای بردن اثاثیه و کارهای دیگر عمداً به منی رفته، و قصد داشته دوباره به مشعر باز گردد؛ ولی در منی به خواب رفته، و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده است. وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** حجّ او صحیح است، و اگر می‌تواند وقوف اضطراری روز مشعر را بجا آورد، احتیاط آن است که بجا آورد، و اگر نایب است، چون عذر مزبور قابل پیش بینی نبوده، نیابتش نیز صحیح است.

**سؤال ۱۰۰۱-** آیا برای وقوف در مشعر یک نیت کافی است، یا برای وقوف از شب تا طلوع صبح یک نیت، و برای وقوف پس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نیت دیگری لازم است؟

**جواب:** یک نیت برای همه کافی است.

## ۴- رمی جمره عقبه

**مسأله ۱۰۰۲-** چهارمین واجب از واجبات حج، رمی «جمره عقبه» در روز عید قربان است، و منظور از آن، انداختن هفت عدد سنگ کوچک به محلی است که در آخر منی در طرف مکه واقع شده، و آن را «جمره عقبه» می‌نامند.<sup>۱</sup>

**مسأله ۱۰۰۳-** در رمی جمره چند چیز واجب است:

۱- نیت و قصد قربت؛ کافی است در دل قصد داشته باشد که برای اطاعت فرمان خدا و انجام مناسک حج، هفت سنگ کوچک به جمره می‌اندازد، و به زبان آوردن لازم نیست.

۲- تعداد سنگ‌ها باید هفت عدد باشد؛ البته نه زیاد بزرگ، و نه زیاد کوچک؛ بلکه کافی است هر کدام به اندازه یک سر انگشت باشد.

۳- سنگ‌ها را یکی بعد از دیگری پرتاب کند، و اگر دو عدد یا بیشتر را با

---

۱. به گفته مرحوم صاحب جواهر رحمة الله علیه «جمره» از «جمار» گرفته شده، که در لغت به معنی سنگریزه است، و در حقیقت جمره محلّ جمار و سنگریزه‌ها می‌باشد. شرح این مطلب را در کتاب «الجمرات فی الماضي و الحاضر»، که تحقیق جدید و جامعی پیرامون رمی جمرات است، نوشته‌ایم. ضمناً باید توجه داشت که سه جمره داریم؛ «جمره اولی» و «جمره وسطی» و «جمره عقبه» که آخرین آنها به طرف مکه است.

هم بزند کافی نیست و یکی حساب می‌شود.

۴- اصابت سنگها به ستون و دیوار جمره لازم نیست، بلکه کافی است در حوضچه اطراف ستون بیفتند. بنابراین، اگر به ستون و دیوار اصابت کند، و به خارج از حوضچه پرتاب شود کافی نیست، و ظنّ به عدد سنگها اعتبار ندارد، بلکه یقین لازم است.

۵- باید سنگها را پرتاب کند، نه این که روی جمره بگذرد، و اگر به کمک شخص، یا چیز دیگری به جمره برسد کافی نیست. (مثلاً اگر سنگی را که او پرتاب کرده در راه به کمک سنگی که شخص دیگری زده به جمره بخورد کافی نیست).

۶- وقت زدن سنگها مابین طلوع آفتاب روز عید و غروب آفتاب است (ولی همان طور که گفتیم برای «زنان» و «پیرمردان» و کسانی که از ازدحام روز عید ترسان هستند، جایز است شب عید رمی کنند)، و اگر فراموش کرد می‌تواند تا روز سیزدهم بجا آورد، و اگر تا آن روز به یادش نیامد، در صورت امکان باید خودش در سال بعد در همان موقع به منی برود و قضا کند، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

**مسأله ۱۰۰۴-** احتیاط واجب آن است که در رمی جمره «موالات» را رعایت کند؛ یعنی سنگها را پی در پی و با فاصله کمی به جمره بزند، ولی چنانچه گفتیم اگر چهار سنگ پشت سر هم زده باشد، و بقیه را از روی فراموشی یا عدم اطلاع ترک نماید مانعی ندارد که بقیه را بعداً بزند؛ هر چند موالات به هم خورده باشد.

**مسأله ۱۰۰۵-** سنگریزه‌ها چهار شرط دارد:

اول: سنگ باشد؛ نه کلوخ و گل، یا چیز دیگر.

دوم: آنها را از حرم جمع کند.<sup>۱</sup> و بهتر آن است که همان شب عید، که در مشعر الحرام است، سنگ‌ها را از آنجا جمع‌آوری کند. جمع‌آوری از «منی» و «مکه» نیز مانعی ندارد، ولی از عرفات کافی نیست؛ چون خارج از حرم است. سوّم: سنگریزه‌ها «بکر» باشد؛ یعنی قبلاً خودش یا دیگری از آنها برای رمی جمرات (هر چند در سالهای قبل) استفاده نکرده باشد. بنابراین، از سنگهایی که دور جمره افتاده و از آن استفاده کرده‌اند، نمی‌توان استفاده کرد؛ ولی اگر در غیر آنجا سنگهایی ببیند و شک کند که آیا از آنها استفاده شده، یا نه؟ می‌تواند از آنها در رمی استفاده کند. ضمناً باید توجّه داشت تعداد سنگریزه‌های مورد نیاز او برای سه روز ۴۹ عدد می‌باشد (و اگر ناچار باشد روز سیزدهم را بماند هفتاد سنگ لازم است) که بهتر است شب عید آنها را از مشعر جمع کرده، و در کیسه‌ای با خود بیاورد، و چون ممکن است بعضی از آنها به جمره اصابت نکند، سزاوار است تعداد بیشتری جمع‌آوری کند.

چهارم: سنگها مباح باشد؛ بنابراین با سنگ غصبی، یا آنچه که شخص دیگری برای خودش جمع کرده (بدون رضایت او) نمی‌توان رمی کرد.

**مسأله ۱۰۰۶-** هرگاه شک کند سنگهایی را که برای رمی جمع‌آوری کرده، شخص دیگری قبل از او استفاده کرده یا نه؟ رمی با آن سنگها جایز است.

**مسأله ۱۰۰۷-** هرگاه احتمال دهد که سنگهای موجود در حرم را از خارج از حرم آورده‌اند، رمی با آن سنگها جایز است، و به این احتمال اعتنا نمی‌کند.

**مسأله ۱۰۰۸-** اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد ببندد، «حصی» یعنی سنگریزه گفته می‌شود یا نه؟ نباید به آن اکتفا کند.

**مسأله ۱۰۰۹-** اگر شک کند سنگی که پرتاب کرده در حوضچه مخصوص

۱. باید توجّه داشت که تمام مشعر الحرام و منی در داخل حرم قرار دارد، امّا عرفات خارج از حرم است.

افتاده یا نه؟ باید دوباره بیندازد تا یقین پیدا کند داخل حوضچه افتاده است؟ و گمان نیز کافی نیست.

**مسأله ۱۰۱۰-** اگر چند سنگ را با هم بیندازد همه آنها یک سنگ حساب می‌شود؛ چه همه به محل اصابت کند، یا یکی از آنها.

**مسأله ۱۰۱۱-** رمی جمره را می‌توان پیاده یا سواره انجام داد، و با دست راست یا چپ تفاوت نمی‌کند. در پرتاب کردن آن نیز طرز خاصی واجب نیست. وضو داشتن نیز شرط آن نمی‌باشد؛ هر چند بهتر است پیاده و با وضو باشد، و در آن حال دعاوتنای پروردگار بگوید، و با دست راست رمی کند.

**مسأله ۱۰۱۲-** لازم است سنگ را با دست پرتاب کند و با وسیله دیگری (مانند تیر و کمان) جایز نیست.

**مسأله ۱۰۱۳-** همان گونه که گذشت وضو داشتن به هنگام رمی واجب نیست، بلکه اگر شخصی غسل واجبی بر عهده داشته باشد می‌تواند قبل از انجام غسل رمی جمرات کند. حتی اگر خود سنگها هم پاک نباشد ضرری به رمی نمی‌زند. هر چند بهتر رعایت همه این امور است.

**مسأله ۱۰۱۴-** رمی کردن در شب جایز نیست، مگر برای زنان و بیماران و کسانی که از ازدحام در روز می‌ترسند، یا کسانی که روزها گرفتار کار حجّاج هستند، و توانایی رمی در روز را ندارند. در این صورت فرقی نمی‌کند که شب قبل رمی کنند، یا شب بعد از آن.

**مسأله ۱۰۱۵-** جمرات را از هر طرف که بخواهد می‌تواند رمی کند؛ حتی جمره عقبه را. هر چند مطابق مشهور مستحب است هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله و رو به جمره باشد، اما در جمرات دیگر مستحب است رو به قبله بایستد.



### شک در رمی

**مسأله ۱۰۱۶-** هرگاه در عدد سنگهایی که زده شک کند، بنا را بر کمتر می‌گذارد، و آنچه را که شک دارد بجا می‌آورد، و اگر بعد از اتمام رمی یقین کند که کمتر بجا آورده، چنانچه موالات به هم نخورده باقیمانده را بجا می‌آورد، و اگر موالات به هم خورده، احتیاط آن است که آن را تکمیل کند، و سپس از نو هفت سنگ بزند.

**مسأله ۱۰۱۷-** چنانچه بعد از انجام رمی و بازگشت به چادرهای محلّ استراحت، در عدد سنگهایی که پرتاب کرده شک کند، اگر شک در کمتر از هفت سنگ باشد مانند مسأله سابق عمل می‌کند، و اگر شک در بیش از هفت باشد اعتنا نمی‌کند.

**مسأله ۱۰۱۸-** اگر بعد از قربانی کردن، یا تراشیدن یا کوتاه کردن سر، در تعداد سنگها شک کند، اعتنا نمی‌کند.

**مسأله ۱۰۱۹-** هرگاه بعد از فراغت از رمی جمرات و اتمام آن، شک کند که سنگها در دست انداخته یانه، (یعنی شک در شرایط کند) بنا را بر صحت می‌گذارد.

### نیابت در رمی

**مسأله ۱۰۲۰-** همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد کسانی که به واسطه عذر نمی‌توانند در روز رمی کنند باید در شب رمی کنند، و اگر در شب هم از آن عاجز باشند، یا خوف خطر و ضرری باشد، باید کسی را نایب کنند که در روز بجای آنها رمی کند.

**مسأله ۱۰۲۱-** رمی از طبقه دوم مانعی ندارد؛ مخصوصاً در هنگام ازدحام، و این کار بر نایب گرفتن مقدّم است.

**مسأله ۱۰۲۲-** لازم است شخصی به نیابت از بچه‌ها، بیماران و کسانی که

به واسطه عذری نمی‌توانند شخصاً رمی کنند، رمی جمرات را انجام دهد؛ البته این کار باید با اذن و اجازه آن افراد باشد، و در مورد بچه‌های غیرمتمیز به اذن ولیشان است.

**مسئله ۱۰۲۳-** هرگاه پس از آن که نایب رمی جمرات را انجام داد، بیمار خوب شود، لازم نیست رمی را دوباره خودش انجام دهد، ولی در مورد شخصی که بیهوش بوده، چون نیابت اجازه می‌خواهد (و نایب بدون اجازه او این کار را کرده) احتیاط آن است که خودش دوباره انجام دهد؛ اما اگر در بین رمی نایب، بیمار خوب شود یا بیهوش هوشیار گردد، باید خودش از اول شروع کند، و به آن مقدار که نایب انجام داده اکتفاء نکند.

### ترک رمی جمرات

**مسئله ۱۰۲۴-** هرگاه کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، رمی جمرات را ترک کند لازم است تا روز سیزدهم، هر وقت یادش آمد، یا متوجه مسأله شد، قضا کند، و بهتر این است آنچه را مربوط به قضای روز قبل است پیش از ظهر بجا آورد، و وظیفه همان روز را بعد از ظهر انجام دهد، ولی مانعی ندارد هر دو را در یک وقت بجا آورد؛ (اول قضای روز گذشته، سپس وظیفه همان روز).

**مسئله ۱۰۲۵-** چنانچه پس از بازگشت از منی به مکه متوجه شد که رمی جمره را بجا نیاورده، باید به منی بازگردد و آن را بجا آورد؛ ولی اگر روز سیزدهم بگذرد، باید آن را در سال آینده در همان ایام قضا کند، و اگر نمی‌تواند، کسی را نایب بگیرد که برای او قضا کند.

**مسئله ۱۰۲۶-** اگر کسی از روی عمد رمی جمره را ترک کند گناه کرده، ولی حج او باطل نمی‌شود، و باید مطابق مسأله قبل عمل کند.

## استفتائات رمی جمرات

**سؤال ۱۰۲۷-** اگر مردی که قادر است در روز رمی جمرات کند، از سوی زنی نایب شود، آیا می‌تواند رمی را در شب انجام دهد؟

**جواب:** نمی‌تواند.

**سؤال ۱۰۲۸-** کسی که در روز عید نمی‌تواند رمی نماید، آیا مجاز است قبل از رمی تقصیر کند، و روز بعد رمی جمره را بجا آورد؟

**جواب:** لازم است بقیه اعمال خود را، مانند قربانی و تقصیر، در روز عید انجام دهد.

**سؤال ۱۰۲۹-** آیا رمی جمرات از طبقه دوم جایز است؟

**جواب:** به هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد؛ بلکه در غیر ازدحام نیز جایز است.

**سؤال ۱۰۳۰-** آیا به نیابت از افراد سالم می‌توان رمی جمرات را انجام داد؟

**جواب:** جایز نیست.

**سؤال ۱۰۳۱-** آیا خانمها برای اجتناب از تماس بدنی با مردان نامحرم، می‌توانند نایب بگیرند؟

**جواب:** خودشان باید رمی کنند، و تماس از روی لباس در این گونه

موارد ضرری ندارد.

**سؤال ۱۰۳۲-** کسانی که همراه زنان و معذورین حرکت می‌کنند، آیا می‌توانند همانند آنها شبانه رمی جمره کنند؟

**جواب:** چنانچه بتوانند در روز رمی کنند، باید در روز رمی نمایند، در غیر این صورت در شب جایز است.

**سؤال ۱۰۳۳-** اخیراً جمرات سه گانه را به شکل بیضی بزرگی درآورده‌اند که در وسط آن به جای ستون سابق دیواری به طول ۲۵ متر و ارتفاع ۵ متر احداث کرده‌اند؛ تکلیف رمی چه خواهد شد؟

**جواب:** باید سنگ‌ها به داخل حوضچه رمی پرتاب شود، و اگر سنگ‌ها به ستون خورده و به داخل حوضچه بیفتد کافی است.

## ۵- قربانی

**مسأله ۱۰۳۴-** پنجمین واجب از واجبات حج، و دومین واجب از واجبات منی، قربانی است. بهترین قربانی شتر، و متوسط آن گاو، و ساده‌ترین آن گوسفند است، و غیر از سه حیوان مذکور کفایت نمی‌کند، و تنها بر کسانی واجب است که حج تمتع بجا می‌آورند، و بر غیر آنها واجب نیست.

**مسأله ۱۰۳۵-** احتیاط واجب آن است که یک قربانی فقط برای یک نفر باشد؛ حتی در حال ضرورت، و اگر چند نفر فقط قادر بر یک قربانی باشند احتیاط آن است که هم قربانی کنند و هم روزه‌ای را که بدل قربانی است و بعداً اشاره خواهیم کرد، بجا آورند، ولی در قربانیهای مستحب، که روز عید قربان انجام می‌شود، مانعی ندارد عده کم یا زیادی یک قربانی کنند.

**مسأله ۱۰۳۶-** بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند؛ ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.

**مسأله ۱۰۳۷-** اگر به خاطر عذری، یا بدون عذر و از روی عمد، قربانی را تأخیر انداخت واجب است تا آخر ذی الحجّه آن را انجام دهد، و اگر انجام نداد، باید نایب بگیرد که در سال بعد در همان ایام عید و در همان جا انجام دهد، و حجّ او باطل نیست.

**مسأله ۱۰۳۸-** قربانی نیز از عبادات است، و باید با نیت خالص و به قصد اطاعت پروردگار انجام گردد، و احتیاط واجب آن است که بعد از رمی جمره عقبه انجام شود.

**مسأله ۱۰۳۹-** حدّ اقل قربانی یک گوسفند است، و هر چه بیشتر ذبح کند بهتر است. در روایتی آمده است که: «رسول خدا ﷺ در یک سفر حج صد شتر همراه آوردند. شصت و شش شتر را برای خود، و بقیه را برای حضرت علی علیه السلام قربانی کردند»<sup>۱</sup>.

**مسأله ۱۰۴۰-** گاو میش برای قربانی حج جایز است، ولی بهتر ترک آن است.

**مسأله ۱۰۴۱-** قیمت گوسفند قربانی در حج بر ولی طفل محرم است.

**مسأله ۱۰۴۲-** قربانی در حج بذلی بر عهده دهنده پول (بازل) می باشد، ولی کفّارات بر عهده وی نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که کفّارات غیر عمدی را بپردازد. و اگر باذل پول قربانی را ندهد حج واجب نمی شود. مگر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، که در این صورت حج بر وی واجب می گردد، و به جای قربانی روزه می گیرد.

### شرایط حیوان قربانی

**مسأله ۱۰۴۳-** حیوانی که برای قربانی انتخاب می شود باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- شتر قربانی حدّ اقل پنج سال تمام، و گاو دو سال تمام، و گوسفند یک سال تمام داشته باشد؛ بنابر احتیاط واجب.

۲- چشم آن سالم باشد.

۳- گوش آن بریده نباشد.

۴- دست و پای آن لنگ نباشد؛ (البته لنگی مختصر عیب ندارد).

۵- شاخ درونی آن شکسته نباشد؛ اما اگر شاخ بیرونی<sup>۱</sup> شکسته باشد

ضرری ندارد.

۶- احتیاط واجب آن است که خیلی پیر نباشد.

۷- قربانی باید سالم باشد، بنابراین حیوان مریض (حتّی مثل کچلی بنا بر

احتیاط) کافی نیست.

۸- حیوان لاغر نباشد، و همین اندازه که مردم بگویند لاغر نیست کافی

است، بلکه اگر در ظاهر لاغر است، ولی بر کلیه‌های آن مقداری چربی

وجود داشته باشد کافی است.

۹- حیوانِ خصی و اخته شده (حیوانی که تخم آن را کشیده باشند) برای

قربانی جایز نیست؛ ولی اگر آن را کوبیده، یا رگ آن را از کار انداخته باشند،

اشکالی ندارد.

۱۰- احتیاط آن است که در اصل خلقت نیز بی بیضه نباشد.

**مسأله ۱۰۴۴-** هرگاه گوش حیوان را برای نشانه و علامت مقداری چاک

داده، یا سوراخ کرده، یا کمی از آن را بریده باشند ضرری ندارد.

**مسأله ۱۰۴۵-** چنانچه نوعی از این حیوانات در اصل خلقت بی شاخ، یا بی

دم، یا بدون گوش باشد، ضرری برای قربانی ندارد.

**مسأله ۱۰۴۶-** هرگاه حیوانی را که به ظاهر چاق است خریداری کند، و بعد

از ذبح کردن، یا پس از خریدن و پرداخت وجه و قبل از ذبح معلوم شود

لاغر است، کافی است. همچنین اگر به گمان این که لاغر است خریداری

۱. منظور از شاخ بیرونی و خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ سفید داخل می باشد.

کند، و بعد معلوم شود چاق است کفایت می‌کند؛ خواه قبل از ذبح باشد، یا بعد از ذبح.

**مسأله ۱۰۴۷-** هرگاه حیوانی را که به ظاهر ناقص نیست خریداری کند و بعد از ذبح، یا پس از خریداری و پرداخت پول بفهمد که ناقص است، آن حیوان کفایت می‌کند؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که به آن قناعت نکند.

**مسأله ۱۰۴۸-** هرگاه احتمال بیماری یا نقص بعضی از شرایط معتبر در قربانی را بدهد، احتیاط آن است که آن را وارسی کند، هر چند در احتمال غیر عیب‌های مادرزادی وارسی کردن واجب نیست، و بعید نیست قول فروشنده در مورد سنّ حیوان، یا اخته نبودن، یا سایر عیوب پنهانی، که خریدار نمی‌داند یا نمی‌تواند تشخیص دهد، مقبول باشد.

**مسأله ۱۰۴۹-** هرگاه پس از ذبح قربانی شک کند که آن حیوان ناقص بوده، یا بعضی از شرایط معتبر قربانی را دارا نبوده، اعتنا به شک نمی‌کند.

**مسأله ۱۰۵۰-** هرگاه می‌دانست که گوسفند او لاغر است، ولی به واسطه جهل به مسأله آن را با قصد قربت ذبح کرد، سپس معلوم شد چاق است کفایت می‌کند.

**مسأله ۱۰۵۱-** هرگاه معتقد به ناقص بودن قربانی بود، و بر اثر ناآگاهی از مسأله قربت الی الله آن را ذبح کرد، بعد معلوم شد که سالم است، کافی است.

**مسأله ۱۰۵۲-** اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است، یا احتمال می‌داد، ولی از روی بی‌مبالاتی آن را ذبح کرد، اگر قصد اطاعت امر الهی داشته کافی است.

**مسأله ۱۰۵۳-** اگر قربانی سالم (و دارای شرایطی که ذکر شد) یافت نشود، ناقص کافی است.



**مسأله ۱۰۵۴-** اگر حیوان برای قربانی یافت نشود، نه سالم و نه غیر سالم، می‌تواند قیمت آن را نزد شخص امینی در مکه بگذارد که تا پایان ماه ذی الحجه در منی برای او قربانی کند، و اگر در آن سال نتوانست، در سال بعد این کار را انجام می‌دهد، و اگر شخص مطمئی در آنجا نیابد، می‌تواند در سال آینده از بعضی از حجاج مطمئن خواهش کند برای او انجام دهند، و در شرایط فعلی می‌تواند در وطنش نیز ذبح کند.

### تقسیم و مصرف گوشت قربانی

**مسأله ۱۰۵۵-** مستحبّ است قربانی را سه قسمت کند: یک سوّم آن را برای خود بردارد، و یک سوّم را در راه خدا به نیازمندان صدقه دهد، و یک سوّم را به دوستان و مؤمنان هدیه نماید. البته لازم نیست تقسیم به سه قسمت به طور مساوی باشد، ولی دادن بخشی از آن به فقیر واجب است، اما خوردن چیزی از آن واجب نیست؛ هر چند موافق احتیاط است.

**مسأله ۱۰۵۶-** گوشت قربانی را به همه فقرای مسلمین، اعمّ از شیعه و اهل سنت می‌توان داد؛ ولی دادن به غیر مسلمانان و ناصیبها (آنها که با ائمه علیهم‌السلام عداوت دارند) اشکال دارد.

**مسأله ۱۰۵۷-** احتیاط آن است که تا افراد نیازمند در منی پیدا شوند، گوشت قربانی را از منی خارج نکنند.

**مسأله ۱۰۵۸-** مسلمانان باید کاری کنند که گوشتهای قربانی استفاده شود و از بین نرود، و مانند بعضی از سال‌ها مجبور به دفن کردن یا سوزاندن آنها نشوند؛ زیرا این کار اسراف است و حرام، و مخالف دستورات اسلام است، و چنانچه در منی مستحقّینی یافت نشوند، باید آن را به سایر کشورها ببرند، و به فقرا و مؤمنان بدهند، و چنانچه هزینه‌ای برای این کار لازم باشد باید

حکومت اسلامی، یا مردم، آن را بپردازند.

**مسئله ۱۰۵۹-** چنانچه بعد از تلاش و کوشش لازم راهی برای استفاده از گوشتهای قربانی پیدا نشود، و مجبور به نابود کردن آنها شوند، در این صورت باید موقتاً از قربانی کردن در منی صرف نظر نمایند، و پول آن را کنار گذاشته و هنگام بازگشت در محلّ خود قربانی کنند، و طبق دستور بالا گوشت آن را در مصارفی که ذکر شد مصرف نمایند، و اگر مسؤولین سازمانهای مورد اعتماد بپذیرند که قربانی را طبق آداب شیعه در آنجا ذبح کرده، و گوشت آن را برای محرومین مناطق دیگر بفرستند، قربانی در منی مانعی ندارد، و با توجه به جهات مختلف در حال حاضر مخیر بین ذبح در قربانگاههای موجود، که همه در خارج از منی است، و ذبح در وطن می‌باشند، و این حکم تا زمانی است که گوشتهای - مانند سال‌های اخیر - به خارج منتقل گردیده و مصرف شود.

**مسئله ۱۰۶۰-** در فرض مسئله قبل باید قربانی را در باقیمانده ذی‌الحجه انجام دهد، و اگر بازگشت او به طول می‌انجامد نایب بگیرد، و چنانچه در ماه ذی‌الحجه آن سال موفق نشد، باید در ایام عید قربان سال آینده آن را انجام دهد.

**مسئله ۱۰۶۱-** قربانی کردن در قربانگاههای موجود کافی است، هر چند در حال حاضر همه آنها در خارج از محدوده منی است، و لازم نیست مخفیانه در گوشه‌ای از منی یا مکه قربانی کنند، یا برای روزهای بعد بگذارند، بلکه این کار در شرایط فعلی خالی از اشکال نیست.

**مسئله ۱۰۶۲-** استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد؛ ولی باید شرایط شرعی ذبح، مانند رو به قبله بودن، بسم‌الله گفتن، و غیر آن رعایت شود (چنان که در رساله توضیح المسائل، در مسئله ۲۲۳، شرح داده‌ایم).

**مسأله ۱۰۶۳-** احتیاط آن است که قربانی کننده پوست حیوان قربانی و مانند آن را نفروشد، و اگر آن را برای استفاده خود نگهدارد، به اندازه پول آن به فقرا دهد.

### نیابت در قربانی

**مسأله ۱۰۶۴-** هرگاه سازمانهای مسؤول پول قربانی را بگیرند، و با برنامه ریزی مورد اطمینانی قربانی حجاج را انجام دهند مانعی ندارد، ولی باید تقصیر و خارج شدن از احرام بعد از اطمینان به انجام قربانی صورت کرد.

**مسأله ۱۰۶۵-** قربانی را می توان شخصاً ذبح نمود، یا به دیگری نیابت داد، و در هر صورت نیت را خود حاجی می کند، و لازم نیست نایب دقیقاً شناخته شده باشد؛ بلکه شناخت اجمالی او کافی است، و نیز لازم نیست ذبح کننده شیعه اثناعشری باشد، بلکه تمام کسانی که ذبیحه آنها پاک و حلال است می توانند ذبح کنند؛ هر چند شیعه بودن بهتر است.

**مسأله ۱۰۶۶-** لازم نیست وکیل نام کسی را که برای او قربانی می کند بر زبان جاری سازد (هر چند نام بردن بهتر است)؛ حتی اگر از روی اشتباه نام شخص دیگری را ببرد ضرر ندارد، و برای موکل اصلی، که پول داده، واقع می شود.

**مسأله ۱۰۶۷-** اگر شخصی را مأمور خریداری حیوان قربانی و ذبح آن کند، و نایب مأموریتش را انجام دهد، و پس از آن حاجی احتمال دهد که نایب به شرایط درست عمل نکرده، آن ذبح کافی است و نباید به این احتمال توجهی کند.

**مسأله ۱۰۶۸-** کسی که به دیگری وکالت می دهد تا قربانی را بخرد و ذبح کند، باید علم یا اطمینان پیدا کند که نایب آن کار انجام داده، و گمان کفایت نمی کند.

**مسأله ۱۰۶۹-** اگر نایب در مورد شرایط قربانی، یا چگونگی ذبح، بر خلاف دستور شرع عمل کرد ضامن است، و باید غرامت دهد، و دوباره با رعایت شرایط قربانی کند.

**مسأله ۱۰۷۰-** اگر نایب بر اثر اشتباه، یا جهل به مسائل شرعی، برخلاف دستور شرع عمل کرد، اگر مقصر باشد ضامن است، و در هر صورت باید دوباره قربانی انجام گیرد.

**مسأله ۱۰۷۱-** شخصی که حج نیابتی بجا می آورد، می تواند شخص ثالثی را برای قربانی وکیل کند، و نیت قربانی را نایب اصلی می کند.

**مسأله ۱۰۷۲-** کسانی که از طرف دیگران و به نیابت از آنان قربانی می کنند، باید قبل از حلق یا تقصیر کسی که آنها را نایب کرده قربانی را ذبح کنند.

### بدل قربانی

**مسأله ۱۰۷۳-** اگر حاجی قدرت بر ذبح نداشته باشد، یعنی نه حیوانی برای قربانی دارد و نه پول آن را، چنین شخصی باید سه روز در سفر حج، و هفت روز پس از بازگشت (مجموعاً ده روز) روزه بگیرد.

**مسأله ۱۰۷۴-** حاجی اگر بتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند، و مالی داشته باشد که بتواند قرض خود را ادا نماید، باید قرض کند و قربانی نماید.

**مسأله ۱۰۷۵-** اگر بتواند بدون مشقت چیزی که اضافه بر لوازم مورد نیاز سفر است بفروشد، باید آن را فروخته، و با پولش قربانی تهیه نموده، و آن را ذبح کند.

**مسأله ۱۰۷۶-** آن سه روز را که در سفر حج بجای قربانی روزه می گیرد، باید در ماه ذی الحجه باشد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم

این ماه باشد، و جلوتر نباشد، و باید آن سه روز پشت سر هم باشد.

**مسأله ۱۰۷۷-** اگر به عللی نتوانست روز هفتم ذی الحجه روزه بگیرد، روز هشتم و نهم را روزه می‌گیرد، و یک روز دیگر را پس از مراجعت از منی در مکه می‌گیرد.

**مسأله ۱۰۷۸-** جایز نیست سه روز روزه مذکور را در ایام تشریق در منی بگیرد. روزه در ایام تشریق در منی برای همه حرام است، بنا بر احتیاط واجب؛ چه حج بجا بیاورد یا نیاورد.

**مسأله ۱۰۷۹-** اگر روز هشتم را هم روز نگرفت، روز نهم ذی الحجه را نگیرد، بلکه پس از بازگشت از منی سه روز پی در پی روزه بگیرد.

**مسأله ۱۰۸۰-** حاجی می‌تواند سه روز روزه مذکور را در سفر بگیرد، و لازم نیست در مکه قصد اقامت ده روز کند؛ بلکه اگر برای ماندن در مکه سه روز هم مهلت ندارد، می‌تواند باقیمانده آن را در بین راه بگیرد.

**مسأله ۱۰۸۱-** هرگاه پس از بجا آوردن سه روز روزه، قادر بر ذبح قربانی شد، احتیاط واجب آن است که ذبح کند؛ و اگر قبل از تمام شدن سه روز قدرت بر ذبح پیدا کرد، باید ذبح نماید.

**مسأله ۱۰۸۲-** اگر سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد، باید خودش، یا نابیش، در ماه ذی الحجه سال آینده در منی قربانی کند.

**مسأله ۱۰۸۳-** هفت روز دیگر را باید پس از بازگشت از سفر حج روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پی در پی بجا آورد.

**مسأله ۱۰۸۴-** جایز نیست هفت روز مذکور را در مکه یا در بین راه روزه بگیرد؛ مگر این که قصد اقامت در مکه را داشته باشد. در این صورت، اگر مدتی صبر کند که در آن مدّت می‌توانست به وطنش بازگردد، پس از آن می‌تواند روزه‌ها را شروع کند.

**مسأله ۱۰۸۵-** هرگاه در غیر مکه اقامت کند، چه در بین راه باشد یا شهر دیگر مثلاً جدّه، نمی‌تواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد؛ هر چند به مقداری صبر کند که اگر به سمت وطنش حرکت می‌کرد به وطن می‌رسید.

**مسأله ۱۰۸۶-** اگر قدرت بر روزه گرفتن پیدا کرد و قبل از انجام روزه‌ها فوت نمود، بر ولی او واجب است سه روز را قضا کند، و احتیاط واجب آن است که هفت روز را نیز قضا نماید.

**مسأله ۱۰۸۷-** لازم نیست پس از بازگشت به وطن، حتماً در محلّ زندگی روزه بگیرد، بلکه اگر در جای دیگری نیز قصد اقامت کند می‌تواند روزه بگیرد.

**مسأله ۱۰۸۸-** اگر نتوانست سه روز روزه در مکه راه، در آنجا بجا آورد و به وطن بازگشت، در صورتی که ماه ذی الحجّه باقی است می‌تواند در وطن روزه بگیرد، ولی با هفت روز روزه فاصله دهد.

## استفتائات قربانی

**سؤال ۱۰۸۹-** اگر شخصی قربانی را بدون عذر از روز عید تأخیر بیندازد، چه حکمی دارد؟

**جواب:** تأخیر تا روز سیزدهم جایز است؛ ولی ذبح در شب اشکال دارد.

**سؤال ۱۰۹۰-** حجاج محترمی که قربانی را در وطن انجام می‌دهند (بنابر فتوای حضرتعالی که در شرایط فعلی مخیر هستند) آیا روز عید قربان ایران را ملاک قرار دهند، یا عید قربان مکه را؟

**جواب:** معیار روز عید قربان مکه است؛ ولی اگر ممکن است طوری هماهنگ کنند که قربانی بعد از رمی جمره عقبه، و قبل از حلق باشد.

**سؤال ۱۰۹۱-** آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده‌اند، با گوسفندی که تخمه‌ایش را تاییده‌اند یکی است؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که تاییده نباشد.

**سؤال ۱۰۹۲-** در صورت عدم دسترسی به گوسفند سالم، آیا می‌توان گوسفندی را که تخمه‌ایش را کوبیده‌اند ذبح کرد؟

**جواب:** در هر صورت کفایت می‌کند؛ چه دسترسی به گوسفند سالم داشته باشد، یا نه.

**سؤال ۱۰۹۳-** آیا تحقیق برای اطمینان از وجود شرایط در قربانی لازم است؟

**جواب:** در صفات پنهانی حیوان می توان به قول فروشنده ظاهر الصلاح قناعت کرد، و شیعه بودن او شرط نیست کافی است مسلمان باشد.

**سؤال ۱۰۹۴-** اگر حاجی پس از ذبح و انجام بقیة اعمال حج، یا قبل از آن، متوجه شود سنّ قربانی کمتر از مقدار لازم بوده، چه وظیفه ای دارد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که قربانی دیگری کند.

**سؤال ۱۰۹۵-** ذبح با کاردهای استیل، که معلوم نیست از آهن است یا فلزات دیگر، چه حکمی دارد؟

**جواب:** ذبح در حج و غیر حج با هر فلز برنده ای صحیح است.

**سؤال ۱۰۹۶-** در چه صورتی حاجی موظف است در وطنش قربانی کند؟

**جواب:** هرگاه گوشتهای قربانی را نتوانند جمع کنند و ناچار به دفن کردن یا سوزاندن آنها شوند (همان گونه که در سابق معمول بود) قربانی کردن در منی جایز نیست و باید در جایی دیگر مانند وطنشان قربانی کنند که گوشت آن مصرف شود، یعنی پول قربانی را کنار بگذارند و بعد از بازگشت در ماه ذی الحجه قربانی کنند و یا با کسان خود در وطن هماهنگ کنند که در همان روز عید مکه قبل از تقصیر برای آنان قربانی کنند. و اگر گوشتهای قربانی را جمع می کنند و به مراکز برای مصرف کردن می فرستند (آنگونه که در سالهای اخیر معمول شده)، حجاج مخیرند بین این که قربانی را در همان جا ذبح کنند و یا در محل خود، زیرا تمام قربانگاههای فعلی خارج از منی است.

**سؤال ۱۰۹۷-** هرگاه در منی فقیر یافت نشود و گوشت قربانی تلف شود،



آیا لازم است قبل از سفر از یک فقیر وکالت بگیریم که بعد از ذبح سهمی برای او در نظر بگیریم، سپس آن را در همان جا رها کنیم؟

**جواب:** در این صورت - که گوشت‌ها تلف می‌شود - قربانی کردن در آنجا، چه با اخذ وکالت از فقیر و چه بدون آن، جایز نیست، و باید به روشی که در مسأله قبل گفته شد عمل گردد.

**سؤال ۱۰۹۸-** هرگاه پس از بریدن رگهای چهارگانه، و در حالی که حیوان هنوز زنده است، گردن او را قطع کنیم، چه صورتی دارد؟  
**جواب:** این کار حرام نیست؛ ولی بهتر است بگذارید روح از بدن حیوان برود، بعد سر او را جدا کنید.

**سؤال ۱۰۹۹-** هرگاه پس از قطع رگهای چهارگانه حیوان را رها کنند، و خود به خود پشت به قبله شود و جان دهد، یا بعد از قطع رگهایی مذکور و قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده رها کنند، و در اثر این کار حیوان از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

**جواب:** رو به قبله بودن در حال قطع رگهای چهارگانه کافی است، و پس از آن لازم نیست.

**سؤال ۱۱۰۰-** شخصی با این عقیده که: «گوشت قربانی تلف می‌گردد، و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد» قربانی را ترک نموده، سپس تقصیر کرده، و به دنبال آن بقیه اعمال حج را انجام داده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** حجّ او صحیح است؛ ولی اگر قربانی در منی از بین می‌رود و قابل استفاده نیست، باید پول آن را کنار بگذارد و در ماه ذی الحجه همان سال، و اگر نتوانست در سال بعد در ایّام تشریق (دهم و یازدهم و دوازدهم ذی الحجه) در شهر خودش قربانی کند.

**سؤال ۱۱۰۱-** در صورتی که گوشتهای قربانی در قربانگاهها نابود شود، و به مصرف فقرا و نیازمندان نرسد، آیا حاجی می‌تواند از قربانی صرفنظر نموده، پول آن را به اماکن خیریه بپردازد؟

**جواب:** باید از قربانی در منی صرف نظر کند؛ ولی صرف پول قربانی در جای دیگر کافی نیست؛ بلکه لازم است در محل دیگری، مانند شهر خودش، در ذی الحجّه قربانی کرده و به مصرف برساند.

**سؤال ۱۱۰۲-** هرگاه شخصی به قصد ما فی الذمه در ماه ذی الحجّه در وطن خود قربانی کند، آیا پوست و روده آن باید به طور کامل به فقیر داده شود، یا ممکن است بر اساس تقسیم و مصرف گوشت قربانی، بین فقرا و دوستان و خودش تقسیم کند؟ و چنانچه بر خلاف دستور شرع عمل کرده، و اکنون بخواهد پول آن را به مصرف شرعی‌اش برساند، آیا ملاک قیمت آن در روز ذبح قربانی است، یا زمان ادای دین؟

**جواب:** می‌تواند آن را به عنوان سهم خود بردارد، یا به دوستانش، یا به فقرا و نیازمندان بدهد، ولی دادن آن به قصاب - به عنوان اجرت کاری که انجام داده - اشکال دارد، و احتیاط مستحب آن است که اگر خودش از آن استفاده کرده، قیمت آن را صدقه بدهد، و ملاک قیمت روز ذبح قربانی است.

**سؤال ۱۱۰۳-** جنابعالی در مسأله ۲۹۰ مناسک حج فرموده‌اید: «اگر به خاطر عذری، و یا بدون عذر و از روی عمد، قربانی را به تأخیر انداخت تا در وطن قربانی کند، واجب است تا آخر ماه ذی الحجّه انجام دهد». در این صورت، آیا حاجی می‌تواند حلق یا تقصیر را در همان روز عید انجام دهد، یا باید آن را بعد از ذبح قربانی بجا آورد؟

**جواب:** رعایت ترتیب در اینجا لازم نیست.

**سؤال ۱۱۰۴-** طبق فتوای حضرت عالی مقلدین پس از رمی جمرات می‌توانند در منی قربانی نکنند، و آن را پس از بازگشت به وطنشان بجا آورند، آیا چنین اشخاصی می‌توانند در همان روز عید حلق یا تقصیر نموده، و از احرام خارج شوند؟

**جواب:** آری پول قربانی را در آنجا، یا در محلّ خود کنار می‌گذارند، و حلق یا تقصیر می‌کنند، و از احرام بیرون می‌آیند.

**سؤال ۱۱۰۵-** شخصی که معذور از رمی جمره عقبه بوده به کسی نیابت داده، سپس به اعتماد نایبش ذبح کرده، و پس از آن تقصیر نموده است. سپس معلوم شده که نایب رمی نکرده است. آیا قربانی و تقصیر او صحیح است؟

**جواب:** آری صحیح است.

**سؤال ۱۱۰۶-** گاه لباس احرام به هنگام ذبح قربانی آلوده به خون می‌شود، آیا می‌توانیم تا هنگامی که به نیابت از دیگران ذبح می‌کنیم در این لباس نجس بمانیم؟

**جواب:** در صورت امکان باید لباس احرامتان را تطهیر کنید، و اگر مشکل است به بعد موکول می‌کنید.

**سؤال ۱۱۰۷-** روحانی کاروان، که به مقتضای وظیفه‌اش باید بر اعمال حجّ نظارت داشته باشد، می‌داند که احرامی او در روز عید در قربانگاه آلوده به خون خواهد شد، و باید چند ساعتی در احرامی نجس باشد، تکلیفش چیست؟ آیا با علم به این مطلب می‌تواند حجّ نیابتی به جا آورد؟

**جواب:** اگر قادر بر تطهیر یا تعویض آن نباشد اشکال ندارد، و نیابتش صحیح است.

**سؤال ۱۱۰۸-** شخصی بدون آن که صریحاً وکالت بگیرد از سوی همسر یا

دوستش قربانی می‌کند، ولی مطمئن است که اگر به آنها بگویند راضی هستند، و خوشحال می‌شوند. آیا این مقدار اذن فحوی کافی است؟

**جواب:** کافی نیست؛ مگر این که او را وکیل کرده باشند.

**سؤال ۱۱۰۹-** بعضی از حجاج محترم بدون اخذ وکالت از دوستانشان، برای آنها قربانی می‌کنند. آیا این قربانی کافی است؟ اگر کافی نیست، پول قربانی بر عهده کیست؟

**جواب:** کفایت نمی‌کند، و پول بر عهده کسی است که آن را هزینه کرده است؛ مگر این که کسی او را فریب داده باشد که از فریب دهنده می‌گیرد.

**سؤال ۱۱۱۰-** نایب به تعداد افرادی که به او نیابت داده‌اند از صاحب گوسفند، بعد از توافق بر قیمت، گوسفند می‌گیرد، سپس یکی یکی گوسفندان را به نیت افرادی که وکالت داده‌اند سر می‌برد، پس از آن پول گوسفندان را به صاحبش می‌پردازد، آیا قربانی آنها صحیح است؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۱۱۱-** معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف تمامی اعضا کاروان نایب می‌شوند و به قربانگاه می‌روند. اگر نایب شک کند برای فلان شخص قربانی کرده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** باید قربانی کند.

**سؤال ۱۱۱۲-** هرگاه شخصی بر اثر عذری نتواند خودش قربانی کند، و دیگری را مامور این کار نماید و نایب فراموش کند و در مدینه یا ایران یادش بیاید که قربانی نکرده، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** حجّ او اشکالی ندارد، ولی قربانی بر ذمه‌اش می‌ماند. اگر ماه ذی الحجّه تمام نشده، در وطنش قربانی می‌کند. در غیر این صورت، در

سال آینده در ماه ذی الحجّه قربانی می نماید.

**سؤال ۱۱۱۳-** شخصی ده رأس گوسفند برای خود و نه نفر دیگر خریده و قربانی کرده است. پس از انجام کار، یقین می کند که فقط پول نه گوسفند را پرداخته، وظیفه اش نسبت به پول گوسفند دیگر چیست؟ اگر صاحب گوسفند را نیابد چه کند؟ و معیار در پرداخت قیمت آن گوسفند در ایران، ارز کدام کشور است؟

**جواب:** هرگاه امیدی به یافتن صاحب نداشته باشد، پول آن را از طرف صاحب اصلی به فقیری صدقه می دهد، و معیار ریال عربستان، قیمت ارز آزاد است.

**سؤال ۱۱۱۴-** آیا نایب می تواند قبل از ذبح قربانی خود، برای دیگران ذبح کند؟  
**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۱۱۵-** شخصی آقای زید را وکیل کرد که از طرف او قربانی کند، سپس به دیگری نیابت داد که این کار را انجام دهد؛ ولی وکیل اول قربانی را ذبح کرد. چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر اولی را از وکالت عزل نکرده، قربانی مذکور کفایت می کند، و مجرد نیابت دادن به شخص دوم، عزل اولی از نیابت نیست.

**سؤال ۱۱۱۶-** آیا وکیل حق دارد دیگری را وکیل در ذبح قربانی کند؟  
**جواب:** اگر شرط کرده که خودش قربانی کند، نمی تواند به دیگری وکالت دهد.

**سؤال ۱۱۱۷-** جمعی از حجّاج پول روی هم می گذارند، و شخصی با پول مشترک برای همه آنها گوسفند می خرد، و به نیت هر کدام گوسفندی می کشد. آیا چنین قربانی صحیح است؟ در صورتی که گوسفندان از جهت قیمت متفاوت باشند، با توجه به این که سهم پول همه آنها مساوی بوده، چه حکمی دارد؟

**جواب:** اگر همه صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

**سؤال ۱۱۱۸-** کسی که حج نیابی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص دیگری را وکیل کند، قربانی کننده، که نایب نایب است، چگونه نیت نماید؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از سوی میّت قربانی می‌کنم، یا به وکالت از سوی نایب میّت؟ و در هر صورت، آیا ذکر نام میّت هم لازم است؟

**جواب:** بردن نام میّت لازم نیست، بلکه کافی است نیت کند که آنچه را بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

**سؤال ۱۱۱۹-** کیف پول یکی از حجاج در مکه به سرقت رفت. پس از شکایت و پی‌گیری سارق را یافتند، و پول او را از سارق گرفتند. آیا این شخص می‌تواند با آن پول گوسفندی بخرد و قربانی کند؟

**جواب:** اگر می‌داند که پول خود اوست اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت اشکال دارد.

**سؤال ۱۱۲۰-** عده‌ای از حجاج پس از توافق با صاحب گوسفند بر سر قیمت، تعداد گوسفندان مورد نظر را جدا نموده تا ذبح کنند. در این بین عده‌ای از دوستانشان از راه می‌رسند، و بدون توافق با صاحب گوسفند به تعداد آنها هم گوسفند جدا کرده، و تمام آنها را ذبح می‌نمایند. با این نیت که پس از قربانی طبق توافق قبلی، آنها هم همان قیمت را بپردازند، آیا قربانی آنها درست است؟

**جواب:** هرگاه صاحب گوسفندان آنها را در اختیارشان قرار داده، که هر مقدار بخواهند بردارند سپس پول آن را بدهند، مانعی ندارد.

**سؤال ۱۱۲۱-** اگر قربانی از پولی باشد که خمس به آن تعلق گرفته، چه صورت دارد؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که به آن قناعت نکند.

## ۶- تفصیر

**مسأله ۱۱۲۲-** واجب است حجّاج بعد از قربانی مقداری از موی سر خود را کوتاه کرده، یا تمام آن را بتراشند، و با این عمل از احرام بیرون می‌آیند، یعنی پوشیدن لباس دوخته و سایر محرّمات احرام بر آنها مباح می‌شود؛ به استثنای بوی خوش و زن که در اعمال بعد (چنان که خواهد آمد) بر آنها حلال می‌شود.

**مسأله ۱۱۲۳-** کسی که برای تفصیر، تراشیدن سر را انتخاب می‌کند، احتیاط آن است که تمام سر را بتراشد و به قسمتی از آن قناعت نکند.

**مسأله ۱۱۲۴-** کوتاه کردن مقدار کمی از موی سر، یا ریش، یا سبیل، با هر وسیله‌ای کافی است (البته غیر از کندن موها)، ولی گرفتن ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند (بنابر احتیاط واجب).

**مسأله ۱۱۲۵-** برای کسانی که دفعه اول حجّ آنها است، احتیاط مستحب تراشیدن است، و برای دفعات بعد در میان این دو کار مخیر هستند.

**مسأله ۱۱۲۶-** تراشیدن موی سر مخصوص مردان است، و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست، و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است.

**مسأله ۱۱۲۷-** از آنجا که تقصیر از عبادات محسوب می‌شود، باید با نیت قربت و صرفاً برای اطاعت خداوند و خالی از ریا باشد، در غیر این صورت باطل است، و آنچه در مسأله اول این فصل گفته شد بر او حلال نمی‌گردد.

**مسأله ۱۱۲۸-** حاجی مخیر است که برای تقصیر موی سر را کوتاه کند یا موی صورت را؛ و اگر در سر و صورت هیچ مویی ندارد تیغ را به سر می‌کشد، و مقداری از ناخن را می‌گیرد، و اگر ناخن هم نداشت، کافی است تیغ را آهسته به سر بکشد.

**مسأله ۱۱۲۹-** تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی‌کند.

**مسأله ۱۱۳۰-** اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل، یا سایر موهای بدن اشکال دارد.

**مسأله ۱۱۳۱-** محلّ تقصیر و تراشیدن سر «منی» است، و در حال اختیار جایز نیست در جای دیگر این کار را انجام دهد.

**مسأله ۱۱۳۲-** احتیاط آن است که تقصیر را در روز عید قربان بجا آورد؛ هر چند تأخیر آن تا آخر ایام تشریق جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که در شب این کار انجام نشود.

**مسأله ۱۱۳۳-** واجب است وظایف سه گانه منی را از روی ترتیب انجام دهد؛ اول: رمی جمره، دوم: قربانی، سوم: تراشیدن سر، یا کوتاه کردن مقداری از موی آن و ناخن گرفتن، و هرگاه از روی نادانی، یا فراموشکاری بر خلاف این ترتیب انجام دهد، عمل او صحیح است.

حتی اگر عمداً ترتیب را رعایت نکند گناه کرده، اما اعمال او صحیح است و کفاره ندارد.

**مسأله ۱۱۳۴-** واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو قبل از طواف حج بوده باشد، و اگر طواف را عمداً قبل از تقصیر انجام دهد باید بعد از تقصیر



آن را اعاده کند، و یک گوسفند نیز کفّاره بدهد؛ اما اگر از روی فراموشی یا نادانی آن را مقدّم داشته، کفّاره ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که آن را بعد از تقصیر اعاده کند. و اگر سعی را نیز مقدّم بدارد باید مانند طواف آن را اعاده کند، ولی کفّاره ندارد.

**مسأله ۱۱۳۵-** اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر بیفتد، بنابر احتیاط نمی‌تواند تقصیر کند و از احرام خارج شود و پس از آن قربانی نماید، بلکه باید ترتیب بین قربانی و تقصیر و اعمال پس از آن را مراعات کند، اگر این حکم را رعایت نکند، عمل او باطل نیست، ولی گناه کرده است.

**مسأله ۱۱۳۶-** اگر برای قربانی نایب بگیرد، تا نایب قربانی نکرده نمی‌تواند تقصیر کند، ولی چنانچه به اعتقاد این که وکیلش قربانی کرده تقصیر کند، و بعد معلوم شود که وکیل هنوز قربانی نکرده، تقصیر مذکور کافی است، بلکه اگر پس از تقصیر، اعمال مکّه را به گمان قربانی کردن نایب انجام داده باشد کفایت می‌کند، و اعاده لازم نیست.

**مسأله ۱۱۳۷-** واجب است تراشیدن، یا کوتاه کردن مو، در منی باشد، و کسی که از روی عمد، یا نادانی و فراموشی در منی تقصیر نکند واجب است به منی بازگردد، و این وظیفه را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند برگردد، یا مشقّت شدید دارد، هر جا که هست انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، موی خود را به منی بفرستد، و مستحب است در آنجا دفن کند.

**مسأله ۱۱۳۸-** کسی که می‌داند اگر سرش را بتراشد زخمی می‌شود (و زخمی کردن بدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اوّل مقداری از آن را کوتاه کند، سپس سرش را بتراشد.

**مسأله ۱۱۳۹-** لازم نیست انسان خودش موی سر خود را کوتاه کند، بلکه

اگر به دیگری هم دستور این کار را بدهد کافی است؛ خواه شیعه باشد یا از اهل سنت، و در هر حال خودش باید نیت کند که مثلاً برای حجّة الاسلام تقصیر می‌کنم قربة الی الله.

**مسألة ۱۱۴۰-** محرمی که قصد دارد سر دیگری را بتراشد یا کوتاه کند، باید اول خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود.

## استفتائات تقصیر

**سؤال ۱۱۴۱-** کسی که در خارج از منی تقصیر نموده، و اعمال پس از تقصیر را نیز بجا آورده، و پس از اتمام اعمال حج، عمره مفرده‌ای هم انجام داده، آیا از احرام خارج شده و عمره مفرده‌اش صحیح است؟

**جواب:** در صورتی که عمداً در خارج از منی تقصیر کرده، از احرام خارج نشده و عمره‌اش صحیح نیست، ولی در صورت جهل یا نسیان عمل او صحیح است، و اگر می‌تواند، باید به منی برگردد و سر خود را کوتاه کند.

**سؤال ۱۱۴۲-** قربانگاه‌های جدید خارج از منی است. هرگاه عده‌ای پس از قربانی در همانجا تقصیر کرده باشند، وظیفه آنها چیست؟

**جواب:** باید به منی بازگردند و تقصیر کنند.

**سؤال ۱۱۴۳-** در فرض سؤال قبل، کسانی که پس از حلق یا تقصیر در خارج از منی، به مکه آمده و اعمال مکه را انجام داده، سپس متوجه اشتباه خود شده‌اند، آیا اعمال آنان صحیح است؟

**جواب:** در فرض مزبور اعمال آنان صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که آن اعمال را نیز اعاده کنند.

**سؤال ۱۱۴۴-** شخصی در سفر حج سال گذشته و امسال، تقصیر را در خارج از منی انجام داده است. وظیفه اش چیست؟  
**جواب:** کافی است آن را در منی دوباره بجا آورد، و یک تقصیر کفایت می‌کند.

**سؤال ۱۱۴۵-** شخصی که برای اولین بار و به عنوان نیابت به حج مشرف شده، به تصور این که مرز بین وادی محسر و منی جزء منی است، در آنجا تقصیر کرده، و سال بعد برای انجام حَجَّة الاسلام خودش مشرف گردیده، و در منی تقصیر کرده است، آیا کفایت می‌کند؟  
**جواب:** کفایت می‌کند، و حج نیابتی صحیح می‌شود.

**سؤال ۱۱۴۶-** شخصی که قادر بر درک غیر از وقوفین اضطراری نیست، و برای بقیه اعمال خود نایب می‌گیرد، آیا می‌تواند تقصیر را در خارج منی انجام دهد؟  
**جواب:** تقصیر در غیر منی کافی نیست، و باید در منی انجام دهد؛ مگر آن که نتواند به منی برود.

**سؤال ۱۱۴۷-** شخصی سال گذشته قربانی و تقصیر را در خارج از منی انجام داده، و به ایران بازگشته است. امسال نیز قصد حج دارد، وظیفه اش چیست؟  
**جواب:** تقصیر را در منی اعاده می‌کند، اما اعاده اعمال مترتبه لازم نمی‌باشد.

**سؤال ۱۱۴۸-** شخصی در سفر اول حج، هنگامی که سلمانی مشغول تراشیدن سر او به عنوان حلق بوده، ناخنهای خود را می‌گرفته است، آیا کفاره‌ای بر او واجب است؟  
**جواب:** چیزی بر او نیست.

**سؤال ۱۱۴۹-** کسی که سال قبل اولین سفر حجّ او بوده، و حَجَّةَ الاسلام را انجام داده، و امسال اولین سفر حج نیابتی اوست، آیا در سفر دوّم - که سفر اوّل حجّ نیابتی اوست - حکم ضرورة را دارد که باید تمام سر را بتراشد، یا تقصیر کافی است؟

**جواب:** تراشیدن تمام سر برای هیچ کس واجب نیست، بلکه برای ضرورة مستحب موکّد است.

**سؤال ۱۱۵۰-** کودک نابالغی که خوب و بد را از هم تشخیص می‌دهد (و ممیّز است) تمام اعمال حج را به طرز صحیح انجام داده است. آیا از ضرورة بودن خارج می‌گردد؟ و اگر بعد از بلوغ مشرّف شود سفر دوّم او حساب می‌شود؟

**جواب:** آری از ضرورة بودن خارج می‌گردد، ولی چنانکه گفتیم حلق برای ضرورة نیز واجب نیست.

**سؤال ۱۱۵۱-** اگر کسی عمداً قربانی را تأخیر بیندازد، آیا می‌تواند حلق یا تقصیر کند، یا حتماً باید بعد از قربانی باشد؟

**جواب:** باید بعد از قربانی انجام دهد، ولی اگر مقدّم دارد گناه کرده، اما ضرری به حجّ او نمی‌زند.

**سؤال ۱۱۵۲-** شخصی در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد، و چون برای خرید قربانی پول نداشت، آن را به روزه تبدیل کرد. آیا بر چنین شخصی لازم است تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد، یا می‌تواند همانند سایر حجّاج، که قربانی کرده‌اند، روز عید حلق یا تقصیر کند؟

**جواب:** می‌تواند روز عید حلق یا تقصیر کند.

**سؤال ۱۱۵۳-** در موردی که حاجی می‌خواهد احتیاط کند و سر بتراشد، اگر

به جای آن موهای خود را کوتاه کند، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** همان گونه که گذشت تراشیدن واجب نیست، و کوتاه کردن کفایت می‌کند. ولی اگر می‌خواهد احتیاط کند باید سر را بتراشد.

**سؤال ۱۱۵۴-** عصر روز عید قربان بعد از ذبح قربانی، که سایر حجّاج مشغول تراشیدن سر بودند، من هم با این فکر «که باید سر را تراشید» سر خود را تراشیدم، ولی نگفتم: «سرم را می‌تراشم برای حج تمتّع». اکنون وظیفه‌ام چیست؟

**جواب:** با توجه به این که این عمل را به منظور حجّ تمتّع بجا آورده‌اید، کافی و صحیح است؛ هر چند نیت را به زبان نیاورده‌اید. **سؤال ۱۱۵۵-** آیا جایز است مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیه را ماشین کند؟ البته پس از ماشین کردن، دوباره آن قسمت را تیغ می‌کشد. آیا به این ترتیب حلق صدق می‌کند؟

**جواب:** این گونه افراد بهتر است اول تمام سر خود را ماشین کنند و بعد چنانچه مایل به احتیاط باشند تمام سر را حلق کنند.

**سؤال ۱۱۵۶-** تخییر بین حلق و تقصیر ابتدایی است، یا استمراری؟ به عبارت دیگر، اگر شخص حلق را انتخاب کرد و قسمتی از سرش را تراشید و سپس پشیمان شد، آیا می‌تواند آن را رها کند، و با کوتاه کردن کمی از موی سر از احرام خارج شود؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۱۵۷-** شخصی پس از قربانی قدری از ناخن خود را گرفته، و از احرام خارج شده، و اعمال مکه را انجام می‌دهد. سپس متوجه می‌شود که برای تقصیر، گرفتن ناخن به تنهایی کافی نبوده، و باید مقداری از موی سر خود را نیز کوتاه می‌کرده، وظیفه او چیست؟ آیا اعمال مکه او صحیح است؟

جواب: چنانچه در مکه متوجّه این مطلب شود، تقصیر را به طور کامل انجام می دهد و احتیاطاً طواف و سعی را اعاده می کند و اگر بعد از خروج از مکه متوجّه این مطلب شد و امکان بازگشت ندارد، همانجا تقصیر می کند و حجّش صحیح است، و اگر بتواند موی خود را به منی می فرستد تا در آنجا دفن کنند.





## ۷ تا ۱۱- واجبات پنج‌گانه مکه (بعد از منی)

**مسأله ۱۱۵۸-** بعد از انجام اعمال سه‌گانه «منی» واجب است برای انجام باقی مانده اعمال حج به مکه بازگردد، و اعمال مکه را، که پنج چیز است، انجام دهد، و آنها عبارتند از:

۱- «طواف حج» که آن را «طواف زیارت» نیز می‌نامند.

۲- «نماز طواف حج».

۳- «سعی بین صفا و مروه».

۴- «طواف نساء».

۵- «نماز طواف نساء».

این پنج واجب را به همان کیفیت که در عمره تمتع بیان کردیم بدون هیچ تفاوت بجا می‌آورد، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و نماز و سعی آن باشد، سپس به نیت طواف نساء و نماز آن.

**مسأله ۱۱۵۹-** حاجی می‌تواند بعد از اعمال منی بلافاصله در همان روز عید قربان به مکه برود، و اعمال بالا را انجام دهد، و بهتر است که از روز یازدهم تأخیر نیندازد، و اگر تأخیر انداخت از روز سیزدهم نگذرد، ولی تا آخر ماه ذی‌الحجه نیز می‌تواند این اعمال را انجام دهد؛ هر چند احتیاط

مستحب عدم تأخیر از روز سیزدهم است.

**مسأله ۱۱۶۰-** اعمال مکه را باید بعد از اعمال منی (رمی جمره عقبه، قربانی و تقصیر) بجا آورد؛ ولی چند گروه می‌توانند قبل از رفتن به عرفات آنها را بجا آورند:

۱- زنهایی که ترس دارند هنگام بازگشت از منی گرفتار عادت ماهانه، یا وضع حمل گردند، و نتوانند در مکه بمانند تا پاک شوند و اعمال خود را بجا آورند.

۲- بیماریانی که نتوانند در ازدحام جمعیت طواف و سعی را بجا آورند.

۳- پیرمردان یا پیرزنانی که از انجام این اعمال هنگام بازگشت از منی به خاطر زیادی جمعیت عاجز باشند، یا خوف خطر یا ضرر داشته باشند.

۴- تمام کسانی که می‌دانند بعد از مراجعت به علتی قادر به انجام این اعمال نیستند، و یا فوق العاده به زحمت می‌افتند (و فرقی میان طواف نساء و طواف حج در این مسأله نیست).

**مسأله ۱۱۶۱-** در مواردی که این اعمال را مقدم می‌دارد احتیاط واجب آن است که محرم به احرام حج شود، سپس آنها را انجام دهد.

**مسأله ۱۱۶۲-** اگر بیمار بعد از بازگشت از «منی» بهبودی یابد، یا زن پاک باشد، و توانایی بر طواف و سعی پیدا کند، احتیاط واجب آن است که اعاده نماید (هر چند قبل از رفتن به عرفات آن را انجام داده باشد).

**مسأله ۱۱۶۳-** طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و مجرد، و حتی کودکان ممیز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی‌شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیز را به حج آورده، و محرم کرده‌اند، ولی او همراه او طواف نساء را بجا آورد.

**مسأله ۱۱۶۴-** اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا

جهالت، یا فراموشی، همسر بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولی او قضای آن را به جا می‌آورد.

**مسأله ۱۱۶۵-** اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همه آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی‌شود.

**مسأله ۱۱۶۶-** در عمره حجّ تمتّع طواف نساء واجب نیست، ولی در حجّ تمتّع و عمره مفرده طواف نساء واجب است.

**مسأله ۱۱۶۷-** طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده و حجّ تمتّع واجب است، و اگر بجا نیآورد همسر بر او حلال نمی‌شود؛ بلکه به خواستگاری رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنا بر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست.

**مسأله ۱۱۶۸-** طواف نساء را نمی‌توان بلافاصله بعد از طواف حج و قبل از سعی بجا آورد؛ بلکه باید پس از اتمام سعی انجام شود؛ ولی اگر از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله، آن را قبل از سعی بجا آورد صحیح است. همچنین تقدیم سعی بر طواف زیارت (حج) و نماز آن در حال اختیار جایز نیست.

**مسأله ۱۱۶۹-** طواف نساء را در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و عدم امکان اقامت در مکه تا زمان پاکی از آن، می‌توان قبل از سعی بجا آورد؛ ولی احتیاط واجب آن است که پس از آن هم نایبی بگیرد که از طرف او انجام دهد.

**مسأله ۱۱۷۰-** هرگاه زنی که طواف حج و طواف نساء را بجا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی‌دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف حج و نماز آن نایب بگیرد، سپس خودش سعی را بجا آورد، سپس برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد (همچنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند).

**مسأله ۱۱۷۱-** هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از حج بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و بجا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشقت داشته باشد نایب می‌گیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می‌شود.

**مسأله ۱۱۷۲-** کسی که طواف واجب (اعم از طواف عمره، یا طواف حج، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفاره ندارد، ولی اگر مسأله را می‌دانسته و عمداً مرتکب آن شده باید کفاره بدهد، و کفاره آن در محرمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می‌نماید.

**مسأله ۱۱۷۳-** اگر بر اثر جهل به مسأله طواف را ترک کند، و به وطن خویش بازگردد، باید حج را اعاده نماید، و اگر طواف عمره بوده قربانی واجب نیست، ولی اگر طواف حج بوده احتیاط واجب آن است که قربانی کند.

**مسأله ۱۱۷۴-** با انجام اعمال سه گانه منی و اعمال پنج گانه مکه، آنچه در احرام برای حاجی حرام بود در سه مرحله حلال می‌شود:

۱- بعد از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، تمام محرمات احرام، جز بوی خوش و همسر، حلال می‌شود.

۲- پس از طواف زیارت و نماز طواف و سعی صفا و مروه، بوی خوش نیز حلال می‌شود.

۳- بعد از طواف نساء و نماز آن، همسر نیز بر او حلال می‌شود.

**مسألهٔ ۱۱۷۵-** کسانی که به خاطر عذری (مانند پیری، ترس از عادت ماهانه، بیماری و مانند آن) طواف زیارت و نساء را قبل از وقوف به عرفات انجام داده‌اند، بوی خوش و همسر بر آنها حلال نمی‌شود، بلکه تمام محرّمات احرام بعد از حلق یا تقصیر بر چنین افرادی حلال می‌گردد.



## استفتائات اعمال بعد از منی

### الف) مقدم داشتن اعمال پنج‌گانه مکه

**سؤال ۱۱۷۶-** اگر نایب ترس از بیماری یا عادت ماهانه داشته باشد، آیا می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم دارد؟  
**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۱۷۷-** اگر شخصی تنها نگرانی او این باشد که پس از بازگشت از منی، بر اثر ازدحام جمعیت نتواند طواف کند، آیا می‌تواند اعمال مکه را مقدم دارد؟

**جواب:** احتیاط آن است که مقدم بدارد، و بعداً اگر نتوانست برای طواف نایب بگیرد.

**سؤال ۱۱۷۸-** آیا شخصی که دیگری او را به وسیله تخت‌های مخصوص طواف می‌دهد، می‌تواند اعمال مکه را مقدم دارد؟  
**جواب:** اگر عذر دیگری ندارد، و در هر صورت باید دیگری او را طواف دهد، نمی‌تواند اعمال مکه را مقدم بدارد.

**سؤال ۱۱۷۹-** حجاج محترمی که به واسطه عذرهایی اعمال مکه را قبل از اعمال منی انجام می‌دهند، آیا می‌توانند سعی را بعد از بازگشتن از منی و

بقیّه اعمال را قبل از آن بجا آورند؟

جواب: باید همه را قبلاً انجام دهند.

سؤال ۱۱۸۰- تقدیم اعمال مکه برای معذورین جایز است، یا لازم؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ترک نکند.

سؤال ۱۱۸۱- آیا کسانی که اعمال مکه را مقدّم می‌دارند، باید نزدیکترین

زمان به وقت وقوف به عرفه را انتخاب کنند، یعنی کمی قبل از حرکت به

سوی عرفات، یا این کار لازم نیست؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۱۱۸۲- تشخیص عذر برای کسانی که اعمال مکه را مقدّم می‌دارند،

بر عهده چه کسی است؟

جواب: تشخیص با خود مکلف است.

سؤال ۱۱۸۳- کسی که اعمال مکه را قبل از وقوف به عرفات انجام

می‌دهد، آیا می‌تواند طواف نساء را بعد از اعمال منی و بقیّه را قبل از وقوف

به عرفات انجام دهد؟

جواب: لازم است همه را با هم انجام دهد.

سؤال ۱۱۸۴- شخصی که مجاز است اعمال مکه را قبل از وقوف به

عرفات انجام دهد، اگر بر اثر جهل بدون احرام آن اعمال را بجا آورده باشد،

چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و باید یا قبل از وقوف به

عرفات آنها را با احرام اعاده کند، یا بعد از وقوف و اعمال منی آنها را

بجا آورد.



### ب) طواف نساء

**سؤال ۱۱۸۵-** آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می‌آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟  
جواب: واجب نیست.

**سؤال ۱۱۸۶-** نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟  
جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الذمه کند؛ هر چند می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

**سؤال ۱۱۸۷-** آیا می‌توان چند روز پس از سعی، طواف نساء را بجا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی بجا آورد؟  
جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد.

**سؤال ۱۱۸۸-** شخصی پس از انجام فریضهٔ حج از دواج کرد، و خداوند به او فرزندان عینیت فرمود. پس از آن متوجه شد که در حج، طواف نساء را ترک کرده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟ و همسر و فرزندانش چه حکمی دارند؟

جواب: در صورتی که جاهل به مسأله بوده، فرزندانش حلال زاده هستند، ولی باید طواف نساء را انجام دهد، و عقد ازدواجشان را بنا بر احتیاط واجب دوباره بخوانند.

**سؤال ۱۱۸۹-** مردی به همسرش گفت: «وظیفهٔ من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری!» زن نیز به همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می‌کند؟

جواب: چون منظورش انجام وظیفهٔ مربوط به حج بوده، مانعی ندارد (هر چند چیزی به نام طواف رجال نداریم).

**سؤال ۱۱۹۰-** شخصی پس از بازگشت از مکه شک می‌کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر اجمالاً توجه به وجوب طواف نساء داشته، می‌گوید انجام داده‌ام. و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند، نایب بگیرد.

**سؤال ۱۱۹۱-** آیا ترک طواف نساء از روی جهل به مسأله، همانند ترک طواف زیارت حج و عمره است، که باید حج را اعاده نموده، و شتر قربانی نماید؟

**جواب:** ترک طواف نساء حج را باطل نمی‌کند، و کفاره هم ندارد؛ ولی تازمانی که آن را بجا نیاورده همسر بر او حرام است، و بنا بر احتیاط واجب آمیزش با همسرش کفاره دارد؛ امّا در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

**سؤال ۱۱۹۲-** شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفاره دارد؟

**جواب:** بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفاره ندارد.

**سؤال ۱۱۹۳-** اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می‌شود، یا علاوه بر آن ذمه‌اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟

**جواب:** ذمه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

**سؤال ۱۱۹۴-** آیا طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که عرفاً قادر بر

آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی‌کنند، و نیز کسانی که عنین هستند، واجب است؟

**جواب:** همه باید انجام دهند.

**سؤال ۱۱۹۵-** زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را بجا آورده‌اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را بجا نیاورده، و به وطن بازگشته‌اند. حکم این زوجین از نظر محرّمیت و زندگی در یک خانه چیست؟

**جواب:** این زن و شوهر فقط نمی‌توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر خودشان نمی‌توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛ یعنی از کسانی که به مکه می‌روند خواهش کنند که به نیابت از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند.

**سؤال ۱۱۹۶-** آیا منظور از این که می‌فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی‌شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می‌شود؟

**جواب:** سایر استمتاعات را نیز شامل می‌شود.

**سؤال ۱۱۹۷-** هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می‌برد؟

**جواب:** در هر حال فرزند او مشروع است، و از آنها ارث می‌برد.

**سؤال ۱۱۹۸-** کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟

**جواب:** عقد او باطل است، و چنانچه علم به حکم داشته، آن زن بر او

حرام ابدی می شود.

**سؤال ۱۱۹۹-** کسی که طواف نساءِ عمرهٔ مفرده را بجا نیاورده، و پس از آن حجِّ افراد بجا آورده است، آیا طواف نساءِ حجِّ افراد کفایت می کند؟  
**جواب:** آری کفایت می کند.

**سؤال ۱۲۰۰-** شخصی طواف نساءِ عمرهٔ مفرده را فراموش کرده، و برای عمرهٔ تمتع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمرهٔ تمتع بجا آورد، یا قبل از آن؟

**جواب:** می تواند بعد از انجام اعمال عمرهٔ تمتع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حجِّ کافی است.

**سؤال ۱۲۰۱-** خانمی که اعمال مکه را بر وقوف عرفات مقدم داشته، بعد از انجام سعی حائض می گردد. شوهرش در همان زمان به نیابت از او طواف نساء را انجام می دهد. آیا این نیابت صحیح است؟

**جواب:** چنین نیابتی صحیح نیست. زیرا تقدیم اعمال مکه برای کسی جایز است که خودش بخواهد آن را انجام دهد.

### سؤالات دیگر

**سؤال ۱۲۰۲-** آیا بعد از اعمال منی و قبل از اعمال پنج گانه مکه می توان طواف مستحبی انجام داد؟ پس از احرام عمرهٔ تمتع و قبل از انجام اعمال آن چگونه؟

**جواب:** احتیاط ترک طواف مستحبی در این دو حال است.

**سؤال ۱۲۰۳-** کسانی که می توانند در مشعر در شب عید وقوف اضطراری نمایند، پس از وقوف به منی آمده و رمی جمره عقبه نموده اند، آیا جایز است

پس از رمی برای قربانی به کسی وکالت دهند، و قبل از انجام ذبح تقصیر نموده، و برای انجام طواف و اعمال مکه همان شب عید به مکه بیایند؟

**جواب:** جایز است.

**سؤال ۱۲۰۴-** اگر شخصی بعد از اتمام حجّ تمتّع از مکه خارج شود، و بخواهد دوباره به مکه بازگردد، آیا لازم است محرم شود، و دوباره اعمال عمره را انجام دهد؟

**جواب:** هرگاه در همان ماه قمری برگردد احرام لازم نیست.

**سؤال ۱۲۰۵-** آیا خروج از مکه بعد از اعمال منی و قبل از اعمال مکه، جایز است؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۲۰۶-** حجّاجی که از منی باز می‌گردند، و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده‌اند، آیا می‌توانند طواف مستحبی بجا آورند؟

**جواب:** احتیاط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداد، طواف مستحبی نکنند.

**سؤال ۱۲۰۷-** خانمی به همراه شوهرش به سمت جمرات حرکت کرد. بر اثر شلوغی و ازدحام شوهرش را گم کرده، و بخاطر شدت اضطراب و ترس شوکه شده، و از هوش می‌رود. مأمورین او را به بیمارستان منتقل نموده، و پس از چند روز در بیمارستان پیدا می‌شود، در حالی که قادر بر سخن گفتن نبوده، و نمی‌توانسته بقیهٔ اعمالش را بجا آورد. به شوهرش می‌گویند: «اعمال همسرت را انجام بده»، و حتی از او سؤال می‌کنند که آیا انجام دادی؟ جواب می‌دهد: «آری، انجام دادم». البته او هم پس از جریان همسرش ناراحت و مضطرب بوده، و هوش و حواس کاملی نداشته است.

پس از مراجعت به ایران قسم یاد می‌کند که اعمال نیابتی را بجا نیاورده‌ام. حج آن خانم چه حکمی دارد؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه اعمال روز عید (رمی جمره، قربانی، تقصیر) را بجا آورده، و اعمال مکه را انجام نداده، در صورت امکان خودش به مکه برود و آن اعمال را بجا آورد، و اگر ممکن نیست، نایب بگیرد، و در فرض سؤال که صورت اضطرار است کفاره‌ای به سبب عدم بیتوته در منی لازم نیست، و نسبت به عدم انجام رمی جمرات، در سال بعد قضا کند، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

## ۱۲- توقّف شبانه (بیتوته) در منی

**مسأله ۱۲۰۸-** شخصی که بدون عذر در نیمه اول شب در منی نبوده، باید نیمه دوم شب را در منی بیتوته کند.

**مسأله ۱۲۰۹-** نیمه شب از اول غروب آفتاب تا طلوع صبح محاسبه می‌شود.

**مسأله ۱۲۱۰-** واجب است حاجی شب یازدهم و دوازدهم را در منی بماند (و در بعضی از مواقع، شب سیزدهم نیز واجب می‌شود) و اگر در این شبها در غیر منی باشد باید کفاره بدهد (به شرحی که در مسائل آینده خواهد آمد).

**مسأله ۱۲۱۱-** کافی است نیمی از شب را در آنجا بماند؛ خواه نیمه اول باشد، یا دوّم.

**مسأله ۱۲۱۲-** مانعی ندارد که حاجی شب یازدهم بعد از نیمه شب برای انجام اعمال مکه به مکه بیاید، یا همان روز عید بعد از انجام اعمال سه گانه منی به مکه بیاید، و تا نیمه شب بازگردد، که بیتوته منی انجام شود.

**مسأله ۱۲۱۳-** بیتوته در منی نیز مانند سایر اعمال حجّ نیت و قصد قربت می‌خواهد، و کافی است در قلبش نیت کند که برای انجام حجّ تمتّع از حجّه الاسلام، یا حجّ مستحبی شب را در منی می‌ماند.

**مسأله ۱۲۱۴-** هرگاه کسی از روی اضطرار و ناچاری از بیتوته در منی خودداری کند گناهی بر او نیست و کفاره هم ندارد، و حجش نیز صحیح است.

**مسأله ۱۲۱۵-** چند طایفه از بیتوته در منی معاف هستند:

۱- پیر مردان، پیرزنان، بیماران و پرستارانشان، که ماندن در منی برای آنها مشقت شدید دارد.

۲- مسؤولان و خدمه کاروانها، در صورتی که ناچار باشند برای حل مشکلات زوار به مکه بیایند.

۳- کسانی که از ازدحام جمعیت هنگام بازگشت عمومی خوف ضرر یا خطر دارند.

۴- کسانی که در مکه در تمام شب مشغول انجام اعمال طواف یا عبادت دیگری باشند، و جز برای ضروریات خود کار دیگری انجام ندهند، ولی در غیر مکه کافی نیست.

۵- کسانی که برای انجام مناسک به مکه آمده، و قبل از طلوع فجر به منی بازگردند.

۶- کسانی که می‌ترسند اگر در منی بمانند اموال قابل توجه آنها در مکه از بین برود.

**مسأله ۱۲۱۶-** بیتوته کردن در دامنه کوههای اطراف منی - به خصوص در موقع ازدحام - مانعی ندارد.

### بیتوته شب سیزدهم

**مسأله ۱۲۱۷-** سه طایفه باید شب سیزدهم را نیز در منی بمانند، و در روز سیزدهم جمرات سه گانه را (بنابر احتیاط واجب) رمی کنند:



- ۱- کسی که در احرام خود مرتکب صید حیوانی شده است.
  - ۲- کسی که در احرام با همسرش نزدیکی کرده باشد.
  - ۳- کسی که روز دوازدهم از منی کوچ نکند تا آفتاب غروب کند و شب فرا رسد. در این سه صورت ماندن شب سوّم در منی واجب است، و در غیر این سه صورت می‌تواند روز دوازدهم بعد از ظهر به مکه بازگردد.
- مسأله ۱۲۱۸-** کسی که در احرام عمره تمتّع از صید و نزدیکی با همسرش اجتناب نکرده، نیز باید شب سیزدهم را در منی بماند، بنابراین حکم مذکور اختصاص به احرام حج ندارد.
- مسأله ۱۲۱۹-** اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب برای کاری به منی بازگشته، واجب نیست شب سیزدهم را بماند و روز آن رمی کند.

### بازگشت از منی

- مسأله ۱۲۲۰-** بازگشت از منی در روز دوازدهم باید بعد از اذان ظهر باشد؛ ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند قبل از ظهر نیز جایز است.
- مسأله ۱۲۲۱-** اگر صبح دوازدهم از منی کوچ کند و به مکه بیاید، کار خلافی کرده، و احتیاط واجب آن است که اگر می‌تواند به منی بازگردد.
- مسأله ۱۲۲۲-** زنان نیز باید بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کنند. حتی اگر از رمی در روز معذور بوده، و در شب دوازدهم رمی کرده‌اند، بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند؛ مگر این که از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

### کفّارهٔ ترکِ بیتوته در منی

**مسألهٔ ۱۲۲۳-** کسی که بیتوتهٔ واجب منی را ترک کند، احتیاط واجب آن است که برای هر شب یک گوسفند قربانی کند.

**مسألهٔ ۱۲۲۴-** کسانی که در زمین‌های متصل به منی، که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفّاره بدهند، و برای هر شب، بنابر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کنند؛ هر چند معتقد بوده‌اند که آنجا جزء منی است، یا به گفتهٔ اشخاص محلّی مطمئن شده بودند.

**مسألهٔ ۱۲۲۵-** در وجوب قربانی فرقی نیست بین آن که از روی علم و عمد بیتوته را ترک کرده باشد، یا از روی فراموشی، یا ناآگاهی از مسألهٔ شرعی.

**مسألهٔ ۱۲۲۶-** کسانی که در تمام شب در مکه مشغول عبادت بوده، و به منی نیامده‌اند، قربانی بر آنها واجب نیست.

## استفتائات بیتوته

**سؤال ۱۲۲۷-** شخصی قصد دارد بعد از انجام اعمال سه گانه منی، جهت انجام اعمال پنج گانه به مکه برود، ولی می داند اگر به مکه برود چند ساعت از بیتوته ابتدای شب منی را درک نمی کند. وظیفه اش چیست؟  
**جواب:** با توجه به این که بیتوته نصف دوّم شب نیز کافی است، اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۲۲۸-** شخصی در شب یازدهم و دوازدهم در مسجدالحرام به عبادت مشغول می شود. با توجه به این که باید تمام شب را مشغول عبادت باشد، چنانچه بر اثر خستگی مرتباً چرت بزند و بیدار شود، چه حکمی دارد؟  
**جواب:** هرگاه به قدری چرت بزند که صدق نکنند تمام شب را مشغول عبادت بوده کافی نیست، و باید کفاره بدهد.

**سؤال ۱۲۲۹-** آیا اشتغال به عبادت در شبهای یازدهم و دوازدهم، در پشت بام مسجدالحرام کافی است؟  
**جواب:** عبادت در هر جای مکه کافی است.

**سؤال ۱۲۳۰-** کسانی که از رمی جمرات در روز معذور هستند، آیا می توانند شب دوازدهم رمی روز دوازدهم را انجام دهند و به مکه بروند، یا باید صبر

کنند همراه دیگر حجّاج بعد از ظهر روز دوازدهم کوچ نمایند؟

**جواب:** احتیاط واجب صبر کردن است.

**سؤال ۱۲۳۱-** شخصی در شب دوازدهم پس از نیمه شب از منی به مکه می‌رود، و روز بعد برای رمی جمرات به منی باز می‌گردد. آیا لازم است قبل از ظهر به منی بازگردد؟ یا چون وظیفه‌ای غیر از رمی ندارد، بعد از ظهر هم می‌تواند بیاید؟

**جواب:** احتیاط واجب آن است که قبل از ظهر به منی بیاید، و بعد از ظهر حرکت کند.

**سؤال ۱۲۳۲-** مدیر کاروان زنهارا قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج نموده است. وظیفه کسانی که از مسأله اطلاع نداشته‌اند، یا اگر متوجه بودند نمی‌توانستند بدون همراهان و مدیر کاروان در منی بمانند، چیست؟

**جواب:** با توجه به این که عذر داشته‌اند، مانعی ندارد.

**سؤال ۱۲۳۳-** سابقاً فرمودید شخصی که نصف اول شب را در منی نبوده واجب است نصف دوم را در منی بماند. آیا چنین شخصی کفاره هم باید بپردازد؟

**جواب:** کفاره ندارد.

**سؤال ۱۲۳۴-** این جانب مدیر کاروان هستم. چندین سال قبل به اتفاق اعضای کاروان در جایی که یقین داشتم جزء منی است مستقر شدیم، و شبهای یازدهم و دوازدهم را در آنجا بسر بردیم. سالهای بعد یقین کردم که آنجا جزء منی نبوده است. با توجه به این مطلب، لطفاً بفرمائید:

الف) آیا کفاره‌ای بر من و سایر حجّاج واجب است؟

ب) در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره سایر حجّاج هم بر عهده من است؟

ج) آیا لازم است این مطلب را به اعضای کاروان اطلاع دهیم؟  
 جواب: کفّاره ترک بیتوته بنا بر احتیاط واجب بر خود شما لازم است، ولی اعلان به دیگران لازم نیست؛ امّا اگر آنها با خبر شوند و کفّاره بدهند، شما باید آنها را راضی کنید. ضمناً دامنه‌های کوههای اطراف منی، جزء منی است.

سؤال ۱۲۳۵- علامت گذاری حدود منی در سالهای قبل، با آنچه اکنون توسط حکومت عربستان صورت گرفته متفاوت است. اینجانب، که مدیر کاروان هستم، در سالهای قبل به اتفاق کاروان در قطعه زمینی بیتوته کردیم که طبق علامتگذاری قدیم جزء منی بوده، و طبق علامت گذاری فعلی خارج از منی محسوب می‌شود. تکلیف ما نسبت به این مسأله چیست؟ آیا لازم است به اطلاع حجاج برسانم؟

جواب: اگر در محلی بیتوته کرده‌اید که یقین داشته‌اید جزء منی است، تا یقین به خلاف آن پیدا نکنید کفّاره‌ای به شما تعلق نمی‌گیرد، و در این صورت اعلان به سایر حجاج لازم نیست؛ و علامت گذاریهای فعلی قابل قبول است.



## ۱۳- رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم

**مسأله ۱۲۳۶-** در روز یازدهم و دوازدهم، که رمی هر سه جمره واجب است، باید ترتیب را میان جمرات رعایت کند؛ یعنی اوّل «جمره اولی» بعد «جمره وسطی» و سپس «جمره عقبه» را - که آخرین جمره است - سنگ بزند. (این مربوط به روز یازدهم و دوازدهم است؛ ولی در روز دهم، یعنی روز عید، فقط جمره عقبه را رمی می‌کند). تمام این سه جمره علامت دارد، و نام آنها روی تابلوها نوشته شده است.

**مسأله ۱۲۳۷-** هرگاه ترتیب را در رمی جمرات رعایت نکرد، باید برگردد و طوری بجا آورد که ترتیب حاصل شود؛ اما اگر چهار سنگ یا بیشتر به هر کدام به ترتیب زده باشد، لازم نیست از اوّل شروع کند، بلکه بر می‌گردد و باقیمانده را به ترتیب می‌زند، و اگر کمتر از چهار سنگ زده از اوّل شروع می‌کند، و به هر کدام هفت سنگ می‌زند، و اگر از یکی از جمرات سه سنگ یا کمتر ترک کرده، فقط همان را تکمیل می‌کند، و چیز دیگری بر او واجب نیست.

**مسأله ۱۲۳۸-** اگر عمداً ترتیب را رعایت نکرد، احتیاط واجب آن است که برگردد و از آغاز شروع کند، و فرقی میان چهار سنگ، یا کمتر از آن نیست.

**مسأله ۱۲۳۹-** بر اشخاصی که باید شب سیزدهم در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

**مسأله ۱۲۴۰-** ترک عمدی رمی جمرات گناه و معصیت است، ولی موجب بطلان حج نمی‌شود.

**مسأله ۱۲۴۱-** در هر روز از این روزها باید به هر یک از جمرات هفت سنگ ریزه پرتاب کند، و چگونگی رمی و شرایط و واجبات آن در اعمال روز عید قربان (رمی جمره عقبه) گذشت.

**مسأله ۱۲۴۲-** وقت رمی جمرات از اوّل طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب، و در شب جایز نیست.

**مسأله ۱۲۴۳-** کسانی که از رمی جمرات در روز معذورند، مثل بیماران و کسانی که ترس از ازدحام جمعیت دارند و مانند آنها، می‌توانند شب قبل، یا شب بعد رمی کنند.

**مسأله ۱۲۴۴-** ترتیب در رمی جمرات واجب است؛ یعنی ابتدا جمره اولی، و بعد از آن جمره وسطی، و سپس جمره عقبه را رمی کند.

**مسأله ۱۲۴۵-** اگر ترتیبی را که در مسأله قبل گفته شد رعایت نکرد، باید دوباره آنچه را بر خلاف ترتیب بجا آورده تکرار کند، به طوری که ترتیب حاصل گردد. مثلاً اگر اوّل جمره وسطی را رمی کرده و بعد جمره اولی را، کافی است جمره وسطی را دوباره رمی کند، و پس از آن جمره عقبه را رمی نماید، و لازم نیست رمی جمره اولی را تکرار کند.

**مسأله ۱۲۴۶-** در آنچه که در مسأله قبل گفته شد، تفاوتی نیست بین آن که عمداً بر خلاف ترتیب عمل کرده باشد، یا از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله باشد. در هر صورت باید ترتیب حاصل شود.

**مسأله ۱۲۴۷-** رعایت ترتیب در تمام هفت سنگ لازم نیست، بلکه در



چهار سنگ اوّل واجب است، بنابراین اگر چهار سنگ به جمره اولی، سپس چهار سنگ به جمره وسطی بیندازد، و بعد از آن جمره عقبه را رمی کند، ترتیب مراعات شده است؛ هر چند در باقیمانده ترتیب رعایت نشود، ولی احتیاط آن است که باقیمانده را نیز با ترتیب بزند؛ اما عمداً این کار را نکند.

**مسأله ۱۲۴۸-** اگر در یکی از روزها رمی جمرات را فراموش کند، واجب است روز بعد قضای آن را بجا آورد، و اگر دو روز را فراموش نماید، باید در روز سوّم قضای آن دو روز را نیز انجام دهد. همچنین اگر عمداً ترک کرده باشد.

**مسأله ۱۲۴۹-** بهتر است قضای رمی جمرات را قبل از ادای آن بجا آورد؛ یعنی اگر می‌خواهد قضای روز عید را در روز یازدهم انجام دهد، بهتر است اوّل قضای رمی جمره روز عید را بجا آورد، سپس رمی روز یازدهم را به صورت ادا انجام دهد، و اگر دو روز قضا شده، در آنجا هم بهتر رعایت ترتیب است.

**مسأله ۱۲۵۰-** اگر برخی از جمرات رمی نشود، قضای آن هم لازم است، بنابراین اگر روز یازدهم جمره اولی را رمی کرده، و دو جمره دیگر را رمی نکرده باشد، روز بعد باید قضای آن را بجا آورد.

**مسأله ۱۲۵۱-** اگر روز بعد متوجه شود که روز قبل جمرات را برخلاف ترتیب لازم رمی کرده، باید قضای آن را به گونه‌ای انجام دهد که ترتیب حاصل شود.

**مسأله ۱۲۵۲-** اگر به هر یک از جمرات چهار سنگ پرتاب کرده، و در روز بعد یادش بیاید، باید روز بعد باقیمانده را قضا کند، و بهتر است قضا را مقدّم بدارد.

**مسأله ۱۲۵۳-** اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کند، و از منی به

مگه برود، چنانچه تا روز سیزدهم متوجه شود باید برگردد و انجام دهد، و در صورتی که خودش نتواند، باید نایب بگیرد، و اگر بعد از روز سیزدهم متوجه شود، یا عمداً آن را به تأخیر اندازد، باید خودش یا نایبش در سال بعد در همان ایام قضا نماید، و حجش صحیح است.

**مسأله ۱۲۵۴-** اگر رمی جمرات را فراموش کند، و زمانی یادش بیاید که از مگه خارج شده، واجب است خودش در سال بعد قضای آن را بجا آورد، و در صورت عدم امکان، کسی برای او نیابت کند.

**مسأله ۱۲۵۵-** حکم کسی که رمی بعضی از جمرات را فراموش کند (نه تمام آنها را) همانند کسی است که تمام آنها را فراموش کرده، که در مسائل بالا روشن شد؛ بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعضی از آنها انداخته، همین حکم را دارد؛ (بنابر احتیاط واجب).

**مسأله ۱۲۵۶-** اشخاصی که معذور از انداختن سنگ هستند، مانند بیماران، اطفال، معلولینی که قادر بر رمی نیستند، افراد بیهوش، کسانی که از شدت ضعف توانایی بر رمی ندارند، و مانند آنها، باید نایب بگیرند، و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشند، مثل اطفال و افراد بیهوش، ولی آنها یا شخص دیگری، به نیابت از آنها رمی جمرات می‌کند، و در سال بعد نایب می‌گیرند.

**مسأله ۱۲۵۷-** هرگاه پس از انجام رمی توسط نایب، عذر برطرف شود و وقت باقی باشد، احتیاط آن است که خودش دوباره انجام دهد.

**مسأله ۱۲۵۸-** چنانچه بیمار مایوس از بهبودی خود باشد، یا معذور ناامید از برطرف شدن عذر گردد، واجب است نایب بگیرد، و اگر مایوس نیست احتیاطاً صبر کند.

**مسأله ۱۲۵۹-** اگر شخصی معذور از رمی باشد، و اطرافیان او مایوس از برطرف شدن عذرش باشند، باید با اجازه او برایش نایب بگیرند، و بدون اذن کافی نیست.

### شک در رمی

**مسأله ۱۲۶۰-** هرگاه بعد از گذشتن روزی که رمی در آن روز واجب است، شک کند که آن را انجام داده، یا نه (مثلاً روز یازدهم شک کند رمی روز عید را بجا آورده، یا نه؟) به شک خود اعتنا نمی‌کند.

**مسأله ۱۲۶۱-** هرگاه پس از پرتاب سنگ شک کند که صحیح پرتاب کرده یا نه، اعتناء نمی‌کند.

**مسأله ۱۲۶۲-** اگر موقع رمی جمره عقبه شک کند جمره اولی یا وسطی یا هر دو را رمی کرده یا نه؟ یا صحیح انجام داده یا نه؟ اعتنا به شک نمی‌کند.

**مسأله ۱۲۶۳-** هرگاه قبل از شروع رمی جمره دوم، شک کند که هفت سنگ به جمره اول پرتاب کرده یا کمتر، باید برگردد و کسری احتمالی را جبران کند تا یقین به رمی هفت سنگ پیدا کند، هر چند از عمل منصرف شده باشد.

**مسأله ۱۲۶۴-** هرگاه بعد از شروع به رمی جمره بعدی، در تعداد سنگهایی که به جمره قبل زده شک کند، چنانچه یقین داشته باشد که چهار سنگ به جمره قبلی پرتاب کرده و نسبت به سه سنگ دیگر مشکوک باشد، احتیاط واجب آن است که مقدار مشکوک را به جا آورد، هر چند بعد از تکمیل رمی جمره بعدی باشد، و اگر در کمتر از چهار سنگ شک کند، تا مقدار چهار سنگ را اعتنا نکند و بگوید انشاء الله بجا آورده‌ام، و سه سنگ دیگر بزند؛ بنابر احتیاط واجب.

**مسأله ۱۲۶۵-** هرگاه بعد از فراغت از رمی جمرات سه گانه، یقین پیدا کند که یک، یا دو، یا سه سنگ، از یکی از سه جمره ناقص شده، باید به هر مقدار که احتمال نقصان می‌دهد به هر سه جمره بیندازد، و اگر یقین کند به

یکی از جمرات کمتر از چهار سنگ زده، احتیاط واجب آن است که همه را از سر بگیرد.

**مسأله ۱۲۶۶-** اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که در یک روز رمی نکرده، ولی دقیقاً نداند که کدام روز بوده، کافی است یک روز را به نیت ما فی الذمه قضا کند.

## استفتائات رمی جمرات

**سؤال ۱۲۶۷-** آیا زنها و مراقبین آنها، و افراد ناتوانی که مجازند بعد از نیمه شب از مشعر الحرام به منی بروند، می توانند شبانه رمی کنند؟  
**جواب:** اگر از رمی در روز معذورند می توانند شب رمی کنند؛ بلکه زنها مطلقاً مجازند شبانه رمی نمایند.

**سؤال ۱۲۶۸-** آیا می توان بدون عذر در شب رمی کرد، یا کافی نیست؟  
**جواب:** رمی در شب بدون عذر جایز نیست، و چنانچه بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده، و رمی او صحیح نیست، ولی تمام کسانی که احساس خطری در روز می کنند، می توانند شبانه رمی کنند.

**سؤال ۱۲۶۹-** آیا می توان زنها را شب دهم بعد از نیمه شب از مشعر به منی آورد و همان شب آنان را به جمره عقبه برد تا رمی کنند، سپس شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را بجا آورند، مخصوصاً که ازدحام و خطرات احتمالی وجود دارد؟  
**جواب:** این کار اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۲۷۰-** کسانی که از رمی در روز معذورند، آیا لازم است نایب بگیرند تا رمی در روز انجام شود، یا می توانند خودشان در شب رمی کنند؟

**جواب:** تا بتوانند در شب رمی کنند، نایب گرفتن اشکال دارد.

**سؤال ۱۲۷۱-** شخصی جهت رمی جمرات نایب شده است. آیا می‌تواند شبانه رمی نیابتی را انجام دهد؟ همچنین کسی که در تمام مناسک حج نایب شده، و از ابتدا می‌دانسته که نمی‌تواند رمی کند، یا نمی‌تواند در روز رمی نماید، یا نسبت به رمی در روز کوتاهی می‌کند، حکمش چیست؟

**جواب:** نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمی‌تواند نایب شود. البتّه عذرهایی که به طور طبیعی گاه در حج پیش می‌آید مانع نیابت نیست، و کسی که در رمی نایب شده باید در روز رمی کند. مسامحه و کوتاهی در رمی موجب بطلان نیابت نمی‌شود، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

**سؤال ۱۲۷۲-** شخصی که نمی‌تواند رمی جمرات کند و معذور است، آیا می‌تواند کسی را به عنوان نایب اختیار کند که او هم از رمی در روز معذور است؟ آیا بودن یا نبودن کسی که بتواند رمی را در روز انجام دهد در حکم مسأله تأثیر دارد؟

**جواب:** در صورت امکان باید کسی را نایب کند که در روز رمی نماید.

**سؤال ۱۲۷۳-** فرموده‌اید: «رمی در شب دهم برای زنان جایز است، خواه توانایی رمی در روز را داشته باشند یا نه». آیا با این حال زنان می‌توانند نایب شوند؟

**جواب:** نیابت آنها مانعی ندارد، و در شب رمی می‌کنند.

**سؤال ۱۲۷۴-** هرگاه مردی که قادر است رمی را در روز انجام دهد، نایب زنی در رمی جمرات شود، آیا می‌تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

**جواب:** باید رمی را در روز انجام دهد.

**سؤال ۱۲۷۵-** هرگاه افرادی صبح روز دهم بر اثر ازدحام جمعیت از رمی معذور باشند، ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت می‌شود و قادر بر رمی خواهند بود، آیا چنین افرادی می‌توانند صبح نایب بگیرند؟

**جواب:** اگر می‌توانند در عصر همان روز رمی کنند، نمی‌توانند نایب بگیرند.

**سؤال ۱۲۷۶-** افرادی که از انجام آن دسته از مناسک حج معذورند که حتی ترک عمدی آن ضرری به حج نمی‌زند، مانند رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم، و بیتوته در منی در شبهای مذکور، آیا چنین اشخاصی می‌توانند نایب شوند؟

**جواب:** چنانچه عذرهای مذکور از ابتدای نیابت وجود داشته باشد نمی‌توانند نایب شوند؛ ولی عذرهایی که گاه در حج پیش می‌آید، مانع از نیابت نیست.

**سؤال ۱۲۷۷-** کسی که به نیابت از دیگری رمی جمره می‌کند، آیا کافی است پس از رمی هر جمره برای خودش، به نیابت از دیگری آن جمره را رمی کند، هر چند از چندین نفر نیابت داشته باشد؟ یا باید ابتدا هر سه جمره را به قصد خود رمی کند، سپس به نیت هر یک از کسانی که از آنها نیابت کرده به شکل بالا عمل کند؟

**جواب:** هر دو صورت صحیح است.

**سؤال ۱۲۷۸-** خانمی که احتمال می‌دهد بجا آوردن رمی جمرات باعث شروع عادت ماهیانه‌اش شود، آیا صرف این احتمال مجوز نایب گرفتن جهت رمی شود؟

**جواب:** اگر در اثر آن به مشقت می‌افتد عذر محسوب می‌شود، و می‌تواند نایب بگیرد، و اگر مشقتی برای او ندارد نباید نایب بگیرد.

**سؤال ۱۲۷۹-** شخصی بر اثر کسالت و بیماری، برای رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم نایب گرفته، و در روز سیزدهم که بهبود یافته برای قضای رمی جمرات بدین شکل عمل کرده است: «ابتدا جمره عقبه را رمی کرده، سپس از جمره اولی شروع کرده، و برای هر دو روز چهارده سنگ پشت سر هم زده، سپس چهارده سنگ به جمره وسطی زده، و بعد از آن چهارده سنگ به جمره عقبه پرتاب کرده» و اکنون به وطنش بازگشته است، وظیفه‌اش چیست؟

**جواب:** اگر کسالت داشته و معذور بوده، و نایب گرفته، و نایب به وظیفه‌اش عمل کرده عمل او صحیح بوده، و نیاز به قضا نداشته است، و در هر صورت، تکرار به شکلی که نوشته‌اید صحیح نیست.

**سؤال ۱۲۸۰-** شخصی روز سیزدهم متوجه می‌شود که رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است. آیا پس از قضای رمی جمره عقبه لازم است رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

**جواب:** لازم نیست.

**سؤال ۱۲۸۱-** کسی که موفق به ذبح قربانی نشده، و حلق یا تقصیر نیز نکرده، می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۲۸۲-** آیا رمی جمرات از طبقه دوم جایز است؟

**جواب:** به هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد؛ بلکه در غیر ازدحام نیز جایز است.

**سؤال ۱۲۸۳-** شخصی به هنگام رمی جمرات در تعداد سنگهایی که پرتاب کرده شک می‌کند، سپس آن مقدار را رها کرده، از اول شروع می‌نماید. آیا رمی او صحیح است؟



**جواب:** اشکالی ندارد؛ هر چند با زدن مقدار قطعی باقیمانده، وظیفه او تمام است و بقیه اضافه بوده است.

**سؤال ۱۲۸۴-** گاه سنگریزه‌های موجود در مشعر را از خارج مشعر می‌آورند، و در آنجا می‌ریزند، ولی معلوم نیست که از حرم است، یا خارج حرم. رمی با آنها چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورت شک اعتنا نکنید، و اگر یقین داشته باشید که از خارج مشعر آورده‌اند از آنها برای رمی استفاده نکنید، مگر این که مدتی بماند و جزء مشعر محسوب شود.

**سؤال ۱۲۸۵-** آیا پرتاب بیش از هفت سنگ، اشکالی برای رمی ایجاد می‌کند؟

**جواب:** اگر از اول قصد زیادتر از هفت سنگ را به عنوان انجام وظیفه شرعی داشته صحیح نیست، و باید رمی را دوباره انجام دهد؛ ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه، اضافه زده ضرری ندارد.



## فصل سیزدهم

### احکام مصدود و محصور

**مسألة ۱۲۸۶-** «مصدود» به کسی گفته می‌شود که شخصی (خواه دشمن، یا مأمور دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال باز دارد. و «محصور» به کسی گفته می‌شود که بر اثر بیماری یا شکستگی اعضا، یا مجروح شدن، و امثال آن نتواند اعمال حج یا عمره را بجا آورد.

**مسألة ۱۲۸۷-** کسی که احرام عمره یا حج بست، باید عمره و حج را تمام کند، و اگر انجام ندهد به احرام باقی خواهد ماند، ولی اگر مصدود یا محصور شد، باید به دستورهای آینده عمل کند تا از احرام بیرون آید.

**مسألة ۱۲۸۸-** شخصی که محرم به احرام «حج» یا «عمره» شود، و دشمن یا فرد دیگری، مانند مأموران دولت، یا سارقین، یا غیر آنها، او را از رفتن به مکه باز دارند، و راه دیگری برای رفتن به مکه نداشته باشد، یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همان جا یک قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌شود، و احتیاط آن است که قربانی را به قصد خروج از احرام انجام دهد. همچنین احتیاط آن است که موی سر خود را کوتاه کند، و اگر دسترسی به قربانی پیدا نکرد، همان جا نیت خارج شدن از احرام می‌کند، و

احتیاط آن است که به جای قربانی، ده روز (به شرحی که قبلاً گفته شد) روزه بگیرد، و اگر در آنجا به آن صورت نتوانست بگیرد، تمام آن را در بازگشت روزه بگیرد.

**مسئله ۱۲۸۹-** اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد، و دشمن، یا کس دیگری او را از انجام اعمال باز داشت، حکم مسئله قبل را دارد.

**مسئله ۱۲۹۰-** هرگاه شخصی را به خاطر بدهکاری، یا اتهام دیگری زندانی کنند، یا به ظلم حبس نمایند، حکم مسئله سابق را دارد.

**مسئله ۱۲۹۱-** اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه، یا اجازه بجا آوردن اعمال پولی مطالبه کنند، چنانچه تمکن دارد باید بپردازد؛ مگر این که موجب عسر و حرج گردد، و اگر تمکن ندارد، یا حرجی است، حکم «مصدود» را دارد.

**مسئله ۱۲۹۲-** اگر یک راه بسته باشد، و راه دیگری هست که می تواند از آن برود، و هزینه آن را هم دارد، به احرام باقی می ماند تا از آن راه برود، و چنانچه از آن راه رفت و به اعمال حج نرسید، با انجام عمره مفرده از احرام خارج می شود.

**مسئله ۱۲۹۳-** هرگاه شخص مصدود خوف داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد، نمی تواند به صرف خوف، اعمال مصدود را انجام دهد و از احرام خارج گردد؛ بلکه وظیفه اش آن است که از آن راه برود، و زمانی که وقت اعمال حج گذشت با عمره مفرده از احرام خارج گردد.

**مسئله ۱۲۹۴-** مصدود شدن به جلوگیری از آمدن به مکه بعد از احرام، یا آمدن به مکه و ممنوع شدن از انجام همه اعمال حج بر اثر زندان و بازداشت یا هر عامل دیگر، و یا ممنوع شدن از وقوف به عرفات و مشعر حاصل می شود. اما اگر تنها از اعمال منی ممنوع گردد برای رمی و قربانی

نایب می‌گیرد، سپس موی سر را می‌تراشد یا کوتاه می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و بقیه اعمال مکه را شخصاً انجام می‌دهد، و اگر وقوفها را انجام داده، و فقط از انجام اعمال منی و اعمال مکه ممنوع شود، برای رمی و قربانی نایب گرفته، سپس تقصیر می‌کند، و بعد برای اعمال مکه نایب می‌گیرد، و در تمام این صورتهای حجّ او صحیح است، و از احرام بیرون می‌آید؛ مگر در جایی که ممنوع از ورود به مکه یا انجام وقوف به عرفات و مشعر گردد، و به تعبیر دیگر از بجا آوردن اعمال رکنی که با ترک آنها (حتی بدون عمد) حج باطل می‌شود، ممنوع گردد، که در این صورت اگر قبلاً مستطیع بوده، یا استطاعت او تا سال آینده باقی بماند، حج بر او واجب می‌شود، و اگر در همان سال مستطیع شده، و استطاعت او از میان رفت، در سال آینده حج بر او واجب نیست.

**مسأله ۱۲۹۵-** مصدود اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کند؛ ولی اگر گمان برطرف نشدن آن را داشته باشد، می‌تواند به دستوری که برای «مصدود» گفته شد عمل کند.

**مسأله ۱۲۹۶-** «محصور» یعنی کسی که بر اثر بیماری، یا مجروح شدن، یا شکستگی اعضا و مانند آن، نتواند اعمال حج و عمره را بجا آورد، دارای چهار حالت است:

**الف)** محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بازگردد، یا در همان جا بستری شود، و در هر حال قادر به انجام عمره نیست. چنین کسی باید پول یک قربانی را به مکه بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود مگر همسر، تا زمانی

که حالش خوب شود، و عمره مفرده بجا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره بجا آورد، نایب می‌فرستد، و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می‌کند.

**ب)** هرگاه محرم به احرام «عمره تمتع» باشد، مانند مسأله قبل عمل می‌کند، بنابر احتیاط واجب، و اگر حجّ او واجب بوده، باید سال بعد بجا آورد. **ج)** هرگاه از مکه محرم به احرام حجّ تمتع شده باشد، و بر اثر یکی از موانع نتواند هیچ یک از وقوف به «عرفات» یا «مشعر» را بجا آورد، در این صورت پول یک قربانی را به وسیله دوستان خود به منی می‌فرستد، تا در روز عید (یا بعد از آن تا سیزدهم) برای او قربانی کنند، و بعد از آن، در ساعتی که با دوستان خود قرار داده، تقصیر می‌کند و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود، جز همسر بنابر احتیاط واجب، که باید در سال آینده حج بجا آورد تا بر او حلال شود، یا قبل از فرا رسیدن سال آینده عمره مفرده بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، نایب می‌فرستد، و بعد از عمره مفرده نایب همه چیز بر او حلال است. چنین کسی اگر حج بر او واجب بوده، باید سال آینده حجّ واجب را بجا آورد.

**د)** هرگاه یکی از دو وقوف را درک کند حجّ او صحیح است، و برای بقیه اعمال، هر چه را بتواند خودش بجا می‌آورد، و هر چه را نتواند نایب می‌گیرد.

**مسأله ۱۲۹۷-** هرگاه بیمار بهبودی یابد و بتواند خود را به حج برساند، و لااقل یکی از دو وقوف را درک کند، باید برود و بقیه اعمال را نیز بجا آورد.

**مسأله ۱۲۹۸-** هرگاه شخص بیمار پس از فرستادن قربانی یا پول آن، بهبود یافت، به طوری که قادر به رفتن به سوی مکه شد، باید به مکه برود،

و اعمال را انجام دهد، بنابراین اگر محرم به احرام حج تمتع است، و در وسعت وقت رسید، اعمال عمره و حج را بجا می‌آورد، و اگر وقت تنگ باشد، به گونه‌ای که با انجام عمره به وقوف عرفات نمی‌رسد، باید به عرفات برود و حج افراد بجا آورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند، و پس از انجام حج، عمره مفرده انجام دهد، و این حج کفایت از حجة الاسلام می‌کند، و اگر زمانی به مکه برسد که وقت حج گذشته، یعنی به هیچ یک از وقوف مشعر و عرفات نمی‌رسد، عمره او تبدیل به عمره مفرده می‌شود، و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج گردد، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر بجا آورد.

**مسألة ۱۲۹۹-** کسانی که مریض نیستند، ولی به علت دیگری بعد از احرام نتوانسته‌اند به مکه بروند (مثل کسی که کمر یا پایش شکسته، یا بر اثر خونریزی ضعف بر او مستولی شده) حکم مریض را دارند.

**مسألة ۱۳۰۰-** شخص بیمار برای ذبح قربانی در احرام حج، باید روز دهم تا سیزدهم وعده قربانی بگذارد، بنا بر احتیاط واجب، و در احرام عمره تمتع قبل از خروج حجاج به عرفات این کار را انجام دهد.





## استفتائات محصور و مصدود

**سؤال ۱۳۰۱-** شخصی به نیت عمره تمتع استحبایی برای یکی از حضرات معصومین علیهم السلام یا شهداء، یا امواتش، احرام بست و طواف و نماز طواف عمره را نیز بجا آورد، سپس قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد. آیا حکم مصدود و محصور را دارد؟

**جواب:** اگر مریض شده، یا دشمن او را از ادامه اعمال ممنوع کرده، و قادر بر اتمام اعمال نیست، و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

**سؤال ۱۳۰۲-** آیا تصادف به هنگام احرام، داخل در عنوان محصور است، و شخصی که تصادف کرده باید احکام محصور را بجا آورد؟

**جواب:** آری، هرگاه شرایط حصر حاصل شود، حکم «محصور» بر آن مترتب می شود.

**سؤال ۱۳۰۳-** شخصی پس از احرام حج دچار سکتة قلبی شده، به گونه ای که هر نوع حرکتی برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

**جواب:** اگر نمی تواند وقفین را درک کند حکم محصور را پیدا می کند، و چنانچه وقفین را درک کرده، در صورت امکان نسبت به بقیه

اعمال نایب می‌گیرد، و در صورت عدم امکان مطابق آنچه در مسائل سابق گذشت عمل می‌کند.

**سؤال ۱۳۰۴-** اگر مانع دیگری غیر از مثالهایی که معمولاً برای مصدود و محصور بیان می‌شود حاصل گردد، مثل این که پایش بشکند، یا وسیله نقلیه‌اش خراب شود، یا راه را گم کند، آیا احکام محصور یا مصدود را دارد؟  
**جواب:** نسبت به کسی که پای او شکسته احکام محصور جاری می‌شود، و نسبت به موانع دیگر - مثل خراب شدن وسیله نقلیه، یا مانع دیگر - احکام مصدود دارد.

**سؤال ۱۳۰۵-** کسی که دعای شرط را، که مستحب است هنگام نیت احرام خوانده شود، بخواند و شرط خروج از احرام را در صورت وجود موانعی کند، آیا در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می‌شود، یا به مجرد حدوث این دو حالت، بدون قربانی از احرام خارج می‌گردد؟

**جواب:** می‌تواند از احرام خارج شود، ولی قربانی بر او واجب است، و اثر شرط در جهات دیگر ظاهر می‌شود.

**سؤال ۱۳۰۶-** وظیفه کسی که حبش را فاسد کرده، سپس مصدود یا محصور شده چیست؟

**جواب:** وظیفه‌اش آن است که اعمال مصدود یا محصور را انجام دهد، سپس در سال آینده حج بجا آورد.

**سؤال ۱۳۰۷-** شخصی که همراه خود قربانی آورده، سپس محصور یا مصدود شده، آیا ذبح همان قربانی کافی است، یا علاوه بر آن قربانی دیگری نیز بر او واجب است؟

**جواب:** قربانی دیگری بر او واجب نیست.

**سؤال ۱۳۰۸-** هرگاه شخصی پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام محصور شود، و نتواند برای حج محرم گردد، وظیفه‌اش چیست؟  
**جواب:** از احرام خارج شده، ولی کفایت از حج واجب نمی‌کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نشده است. زیرا استطاعت بدنی ندارد.

**سؤال ۱۳۰۹-** شخصی در مدینه مصدوم می‌گردد. او را به مسجد شجره می‌برند، و محرم می‌شود. آیا احرام چنین شخصی صحیح است؟ در صورت صحت، اگر نتواند مناسک عمره و حج را به جا آورد تکلیفش چیست؟  
**جواب:** احرامش صحیح است. اگر بتواند عمره و حج را، هر چند با کمک نایب در طواف و سعی، انجام دهد حج او صحیح است، و اگر نتواند حج بجای آورد، احتیاط آن است که به حکم محصور عمل کند، و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

**سؤال ۱۳۱۰-** یکی از حجاج پیر و بیمار کاروان ما، پس از خروج از عمره تمتع بیماری‌اش شدت گرفت، و در بیمارستان بستری شد. من که روحانی کاروان بودم برای بردن ایشان به عرفات به بیمارستان مراجعه کردم. آنها گفتند: «خود ما بیماران را محرم نموده، و به عرفات و مشعر می‌بریم. شما در منی ایشان را از ما تحویل بگیرید» در منی به درمانگاه مراجعه کردم، گفتند: «حال مریض شما وخیم بود، پزشک اجازه حرکت به او نداد». پس از مراجعت از منی به بیمارستان رفتم. مشاهده کردم با آن حال وخیم، لباس احرام بر تن دارد! با توجه به این که هر کس وقوفین را درک نکند حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود، احتیاطاً برای انجام عمره از او وکالت خواستم. به زحمت گفت: «هر چه می‌خواهید انجام دهید، و مرا از احرام خارج کنید». عمره انجام شد، و او را به ایران فرستادند، و متأسفانه در ایران

از دنیا رفت. بعداً در باب محصور به این مسأله بر خوردیم: «محصور باید برای قربانی در منی نایب بگیرد». با توجه به این مطلب به سؤالات زیر پاسخ دهید:

(الف) با عنایت به این که: «اگر کسی پس از احرام و دخول در حرم از دنیا برود، حجّ او مجزی است». آیا این حکم شامل فرد مذکور نیز می‌شود؟  
جواب: این حکم شامل چنین شخصی نمی‌شود.

(ب) با توجه به این که ما فقط لباس احرام را در تن او دیدیم، اما هر چه تحقیق کردیم نفهمیدیم چه کسی او را محرم کرده، و تلبیه را گفته یا نه؟ آیا می‌توان حکم به محرم بودن او کرد؟

جواب: این مقدار برای اثبات احرام کافی نیست؛ بنابراین نمی‌توانید او را محرم حساب کنید.

(ج) در این فرض، آیا طواف نساء بر او واجب بوده است؟  
جواب: انجام طواف نساء در این مورد موافق احتیاط است، و عمل نایب در فرض مسأله کافی است.

(د) بر فرض حکم به صحت احرام، آیا اعمال انجام شده کافی است، یا علاوه بر آن قربانی نیز لازم است؟  
جواب: قربانی لازم نیست.

(ه) در صورتی که قبلاً حج در ذمه او مستقر شده باشد، وظیفه ورثه اش چیست؟

جواب: اگر واجب الحج بوده، باید برای او حج بجا آورند، و آنچه شما بجا آورده‌اید کافی نیست.

(و) در صورت اختلاف فتوی در این مسأله، آیا باید بر طبق فتوای مرجع تقلید نایب در عمره مفرده، یا مرجع ورثه، یا مرجع میّت عمل شود؟  
جواب: به فتوای مرجع تقلید نایب عمل می‌شود.

## فصل چهاردهم

### عمره مفرده

**مسألة ۱۳۱۱-** عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: «الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ!» عمره كفارة تمام گناهان است (و پشت انسان را از بار گناه سبک می کند).

**مسألة ۱۳۱۲-** عمره را در هر ماهی از سال می توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است<sup>۲</sup>، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.

**مسألة ۱۳۱۳-** عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب.  
**مسألة ۱۳۱۴-** کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را بجا آورد؛ هر چند استطاعت و توانایی بر حج

---

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷.  
۲. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست، بنابراین کسانی که حج نیابتی بجا می‌آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده‌ای برای خود بجا آورند.

**مسئله ۱۳۱۵-** هر کس قصد دارد وارد مکه شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغلشان زیاد به مکه رفت و آمد می‌کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروانها)، از این حکم استثنا شده‌اند. همچنین کسانی که عمره بجا آورده‌اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکه شوند، احرام و عمره مجدد بر آنها واجب نیست.

**مسئله ۱۳۱۶-** شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جدّه رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می‌شود باید عمره دیگری انجام دهد.

**مسئله ۱۳۱۷-** کسانی که عمره را مثلاً در ماه شعبان بجا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می‌روند، با توجه به این که از محدوده حرم خارج می‌شوند در بازگشت باید محرم شوند، و عمره مفرده دیگری بجا آورند.

### فاصله معتبر بین دو عمره مفرده

**مسئله ۱۳۱۸-** تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، ولی در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان بجای آورد.

**مسأله ۱۳۱۹-** همان‌گونه که گفته شد در هر ماه قمری یک عمره مستحب است، بنابراین اگر کسی در اواخر ماه رجب وارد مکه شود و عمره مفرده بجا آورد، و بعداً ماه شعبان شروع شود، می‌تواند دوباره عمره مفرده‌ای بجا آورد، و اما در همان ماه، دو عمره مفرده اشکال دارد، و اگر کسی بخواهد در یک ماه بیش از یک عمره بجا آورد، به قصد رجاء انجام می‌دهد؛ یعنی به امید این که مطلوب درگاه الهی باشد (نه به نیت دستور قطعی) ولی بهتر آن است که زائران محترم به جای این گونه عمره‌های مکروه، به طواف بپردازند که مشروعیت آن مسلم است.

### اعمال عمره مفرده

**مسأله ۱۳۲۰-** اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

- ۱- احرام از میقات.
- ۲- طواف خانه خدا (هفت دور).
- ۳- نماز طواف.
- ۴- سعی صفا و مروه.
- ۵- تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن.
- ۶- طواف نساء.
- ۷- نماز طواف نساء.

**مسأله ۱۳۲۱-** طرز بجا آوردن احرام و طواف و سایر اعمال بالا درست مانند عمره حج تمتع است، با این تفاوت که در همه اینها نیت عمره مفرده می‌کند.

**مسأله ۱۳۲۲-** عمره مفرده در سه چیز با عمره تمتع تفاوت دارد:

اول - این که در عمره تمتع باید تقصیر کند<sup>۱</sup>؛ ولی مردان در عمره مفرده مخیرند بین تقصیر و سر تراشیدن.

دوم - آن که در عمره تمتع، طواف نساء نیست؛ ولی عمره مفرده طواف نساء هم دارد.

سوم - این که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است؛ ولی در عمره مفرده علاوه بر میقاتهای مذکور، از ادنی الحل (مانند مسجد تنعیم) نیز می‌توان محرم شد.

**مسأله ۱۳۲۳-** برای عمره مفرده از هر یک از میقاتهای معروف، به خصوص مسجد شجره (نزدیک مدینه) می‌توان احرام بست؛ و نیز جایز است از «ادنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم محرم شد ولی بهتر است از یکی از این سه محل: «حدیبیه»، «جعراثه» یا «تنعیم»، که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، ولی برای کسانی که بعد از حج می‌خواهند عمره مفرده بجا آورند، آسانتر این است که به مسجد تنعیم بروند، که فعلاً داخل مکه است و حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد، و از آنجا محرم شوند، و چون داخل شهر است می‌توانند حتی در روز با ماشین سر پوشیده رفت و آمد کنند.

**مسأله ۱۳۲۴-** کسانی که مستقیماً از طریق جدّه برای عمره مفرده به مکه می‌آیند، باید از حدیبیه<sup>۲</sup> (که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است) محرم شوند، و اگر از طریق مدینه بروند، و در مسجد شجره محرم شوند، از همه اینها بهتر است.

۱. یعنی قسمتی از مو یا ناخن خود را بچیند.

۲. حدیبیه در جاده قدیم جدّه به مکه است، ولی محاذی آن در جاده جدید علامت گذاری شده، و مسجدی ساخته‌اند که از آنجا می‌توان محرم شد.



**مسأله ۱۳۲۵-** کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود، در صورتی که در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) احرام بسته باشد، جایز است آن را عمره تمتع قرار دهد، و به دنبال آن حج تمتع بجا آورد.

**مسأله ۱۳۲۶-** کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرمات احرام بر او حرام می‌گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می‌شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می‌گردد.

**مسأله ۱۳۲۷-** در عمره مفرده طواف نساء را باید پس از کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر بجا آورد.



## استفتائات عمره مفرده

**سؤال ۱۳۲۸-** فرموده‌اید که: «در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد» آیا در این مسأله بین دو عمره مفرده‌ای که برای خودش بجا می‌آورد، با دو عمره مفرده‌ای که هر دو، یا یکی از آنها را به نیابت از دیگران انجام می‌دهد، تفاوتی هست؟  
**جواب:** تفاوتی نمی‌کند.

**سؤال ۱۳۲۹-** هرگاه در یک ماه قمری دو عمره مفرده انجام دهد، و عمره دوم نیابتی باشد، آیا نایب می‌تواند برای انجام آن اجرت بگیرد؟ و چنانچه عمره مفرده بر منوب عنه واجب شده باشد، آیا چنان عمره‌ای کفایت می‌کند؟  
**جواب:** لازم است احتیاط را مراعات کند، و چنانچه با اطلاع اجیر کننده از آنچه انجام شده اجرت بگیرد اشکال ندارد؛ ولی کفایت کردن چنین عمره‌ای از عمره واجب محل اشکال است.

**سؤال ۱۳۳۰-** آیا انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست؟  
**جواب:** مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اولین بار به حج می‌رود و غیر او تفاوتی نیست.

**سؤال ۱۳۳۱-** همان گونه که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع، هر چند در همان ماه قمری باشد، اجازه داده‌اید، آیا بعد از عمره تمتع و قبل از حج نیز می‌توان در همان ماه قمری عمره مفرده‌ای انجام داد، یا باید به قصد رجاء باشد؟

**جواب:** اشکال دارد.

**سؤال ۱۳۳۲-** در مواردی که فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه است، و شخص می‌خواهد برای خودش رجاءاً عمره مجدداً بجا آورد، آیا کافی است به این شکل نیت کند: «محرّم می‌شوم به احرام عمره مفرده رجاءاً قرّبۀاً الی الله»؟

**جواب:** کافی است.

**سؤال ۱۳۳۳-** هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟

**جواب:** همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند.

**سؤال ۱۳۳۴-** آیا طواف عمره مفرده مستحب، حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد؟ یا حکم طواف مستحبی را دارد که در هر جای مسجد الحرام می‌توان آن را خواند؟

**جواب:** حکم طواف واجب را دارد، و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد. البته به مقداری که میسر است.

**سؤال ۱۳۳۵-** شخصی عمره مفرده بجا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده، و اکنون می‌خواهد برای عمره تمتع محرم شود. آیا مجاز است بدون انجام طواف نساء محرم گردد، و پس از انجام عمره تمتع طواف نساء را بجا آورد؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۱۳۳۶-** اگر شخصی در عمره مفرده تقصیر را از روی جهل یا فراموشی بجا نیاورد، و طواف نساء را نیز ترک کند، و سپس به مسجد شجره برود، و برای عمره تمتع محرم شود، و پس از انجام عمره تمتع متوجه گردد، تکلیف این شخص در دو فرض داشتن وقت کافی برای انجام دوباره عمره تمتع و عدم آن چیست؟

**جواب:** در فرض مسأله چنانچه عمره مفرده را در ماههای حج بجا آورده، و می خواهد حج مستحبی انجام دهد، می تواند به عمره تمتع عدول کند، چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه، ولی اگر حج واجب باشد بنا بر احتیاط کافی نیست، و باید پس از تقصیر صحیح به میقات بازگردد، و مجدداً برای عمره تمتع محرم شود.

**سؤال ۱۳۳۷-** اگر شخصی چندین عمره مفرده بجا آورده، و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد، چند طواف نساء باید بجا آورد؟

**جواب:** یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

**سؤال ۱۳۳۸-** شخصی در عمره مفرده بدون این که تقصیر کند طواف نساء بجا آورده است. آیا عمره اش باطل است؟ اکنون وظیفه اش چیست؟

**جواب:** عمره اش باطل نیست، ولی احتیاط واجب آن است که پس از تقصیر طواف نساء را اعاده کند، و بدون آن همسر بر او حلال نمی شود.

**سؤال ۱۳۳۹-** اگر خانمی به نیت عمره مفرده محرم، و پس از آن عادت شود، و در همه روزهایی که در مکه است در حال عادت باشد، برای عمره مفرده باید چه کند؟ اگر بدون انجام اعمال به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

**جواب:** در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده، باید برگردد و اعمالش را انجام دهد، و اگر نمی تواند برگردد، باید برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر نموده، و ترتیب بین تقصیر و سایر اعمال

را مراعات کند، و تا اعمال عمره را انجام ندهد، در احرام باقی می ماند.

**سؤال ۱۳۴۰-** شخصی پس از بازگشت از مکه شک می کند که طواف نساء

حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه اش چیست؟

**جواب:** اگر اجمالاً توجه به وجوب طواف نساء داشته، می گوید انجام

داده ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که

طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی تواند، نایب بگیرد.

**سؤال ۱۳۴۱-** زنی که احتمال می دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد

الحرام گردد، آیا می تواند برای عمره مستحبی محرم شود، و اگر عادت شد

برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ همچنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند

اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می تواند چنین کند؟

**جواب:** اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای

طواف و نماز طواف نایب می گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش

انجام می دهد.

**سؤال ۱۳۴۲-** شخصی در دور پنجم سعی عمره مفرده بیمار شده، و

نتوانسته اعمال عمره را به پایان برساند. بیماری اش شدت یافته، و به

ایران منتقل می شود، و پس از بهبودی نتوانسته به مکه بازگردد، وظیفه او

چیست؟

**جواب:** در صورتی که خودش نتواند به مکه بازگردد، شخصی را

نایب می کند که سعی ناتمام او را تمام نموده، و سپس آن را اعاده نماید،

و بعد از آن به منوب عنه اطلاع دهد تا تقصیر کند، و نایب پس از تقصیر

منوب عنه طواف نساء و نماز آن را انجام می دهد.

**سؤال ۱۳۴۳-** آیا کسی که نمازش را غلط می خواند، و وقت تصحیح آن را

ندارد، می تواند عمره مفرده مستحبی بجا آورد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

## فصل پانزدهم

### مسائل متفرقه حج

#### ۱- شرکت در نماز جماعت اهل سنت

**مسئله ۱۳۴۴-** هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می‌گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیه مسلمانان به نماز جماعت بایستند.

**مسئله ۱۳۴۵-** نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ در مسافرخانه‌ها و هتل‌های مکه و مدینه توسط شیعیان در صورتی که بتوانند در نماز جماعت حرمین شرکت کنند، اشکال دارد، ولی نماز جماعت چند نفری اشکال ندارد.

**مسئله ۱۳۴۶-** کسی که نمازش را در مسجد الحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه‌ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ مشروط بر این که امام به حسب دایره یعنی از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

**مسئله ۱۳۴۷-** رعایت اتصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنت لازم

است، بنابراین هرگاه عده‌ای از آنها با فاصله بایستند، به سراغ گروهی بروید که با امام اتصال دارند.

**مسئله ۱۳۴۸-** کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکه و مدینه می‌روند، و در جماعت آنها شرکت می‌کنند، می‌توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فردی بجا آورند.

**مسئله ۱۳۴۹-** نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنت اقامه می‌گردد صحیح است، و حتی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد.

**مسئله ۱۳۵۰-** هرگاه رعایت اتصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد، و اصرار نسبت به سجده بر سنگفرش مسجد مستلزم عدم رعایت اتصال باشد، باید اتصال را مراعات کند؛ هر چند بر فرش سجده نماید.

**مسئله ۱۳۵۱-** هرگاه با کمی تأخیر به نماز جماعت برسد، به گونه‌ای که مسلمین نماز خود را بسته، و با صفوف جلو اتصال معتبر نزد شیعه را ندارند، و امکان عبور از صفوف و رفتن به جایی که اتصال برقرار است نیز نمی‌باشد، یا مأمورین اجازه چنین کاری را نمی‌دهند، در همان‌جا که ممکن است اقتدا نموده، و همین نماز کفایت می‌کند و نیازی به اعاده نیست.

**مسئله ۱۳۵۲-** نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجد الحرام یا مسجدالنبی به جماعت برگزار می‌شود، کافی نیست و باید اعاده گردد.

**مسئله ۱۳۵۳-** نماز جمعه با اهل سنت نیز کفایت از نماز ظهر می‌کند، و اعاده آن لازم نمی‌باشد، و اینها دستوراتی است که ائمه طاهرين علیهم‌السلام برای حفظ وحدت مسلمین به ما داده‌اند.

**مسئله ۱۳۵۴-** هرگاه مؤمنین زمانی به مسجد برسند که نماز جماعت تمام



شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده، اذان و اقامه ساقط است، و از این جهت تفاوتی با نماز جماعت شیعیان ندارد.

**مسألة ۱۳۵۵-** خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنت، مانعی ندارد.

**مسألة ۱۳۵۶-** با توجه به این که اگر اهل سنت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی‌کنند (و به صورت نیم خیز نمی‌نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

## ۲- سجده گاه

**مسألة ۱۳۵۷-** سجده کردن بر تمام انواع سنگها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگهای سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگفرشهای «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد.

**مسألة ۱۳۵۸-** سجده کردن بر فرشهای مسجدالنبی مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنت نمی‌شود آن را مقدّم دارد؛ اما تأکید می‌شود از هر عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن می‌گردد اجتناب ورزند.

**مسألة ۱۳۵۹-** سجده بر حصیرهایی که در مکه و مدینه مورد استفاده حجّاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود، و حصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد.

**مسألة ۱۳۶۰-** چنانچه حاجی شیعه نمازش را به گونه‌ای انجام دهد که معلوم نباشد حتی موافق نظر اهل سنت است، مثل این که بر پشت نمازگزاران صف جلو سجده کند (آن گونه که بعضی از عوام اهل سنت به

هنگام ازدحام انجام می‌دهند)، یا اتصال صفوف را مراعات ننماید، باید نمازش را اعاده کند.

**مسأله ۱۳۶۱-** نمازهای شخصی که خیال می‌کرده سجده بر سنگفرشهای مسجدالحرام یا مسجدالتبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست؛ مگر این که جاهل قاصر باشد.

**مسأله ۱۳۶۲-** حاجی مخیر است نماز را در محلی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالتبی)، اما مجبور است بر فرش سجده کند بجا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می‌تواند بر سنگ سجده نماید.

**مسأله ۱۳۶۳-** حجاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می‌خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می‌شوند، و به هنگام سجده کمی بیشتر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفشهای خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

### ۳- نماز مسافر

**مسأله ۱۳۶۴-** مسافران مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالتبی، بلکه در تمام شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام افضل است، و فرقی بین مکه و مدینه قدیم و امروز نیست.

**مسأله ۱۳۶۵-** با توجه به این که قصد اقامه عشره باید در یک محل، یا دو محل نزدیک به هم باشد (مثلاً با فاصله سه یا چهار کیلومتر) حجاج محترم نمی‌توانند با احتساب ایام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کنند، ولی چنانچه قصد ده روز توقف در مکه کنند، و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی بروند، یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد برگردند، و به آن امکانه مقدسه بروند، نمازشان در همه این مکانها کامل

است. زیرا در شرایط فعلی فاصله مکه تا عرفات به مقدار مسافت شرعی نیست.

**مسأله ۱۳۶۶-** هرگاه مدیر کاروان، با توجه به این که می داند توقف زائران در مکه یا مدینه کمتر از ده روز است، اعلام کند که ده روز می مانیم، و زوار با اعتماد به گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند، و قبل از ده روز از آنجا بروند، نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید.

**مسأله ۱۳۶۷-** شخصی که قصد کرده تا پایان روز ترویه (هشتم ذی الحجه) در مکه اقامت کند، و به تصور این که از آغاز ورودش تا روز هشتم ذی الحجه ده روز خواهد بود نمازهایش را تمام خوانده، سپس متوجه می شود که ده روز اقامت نخواهد داشت، باید نمازها را شکسته بخواند، و آنچه را تمام خوانده قضا کند.

#### ۴- وقت نماز و روزه

**مسأله ۱۳۶۸-** نماز خواندن با اذان اهل تسنن در نماز صبح و ظهر، چنانچه یقین یا گمان قابل ملاحظه ای به دخول وقت حاصل شود مانعی ندارد؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمرة زائل گردد. این در صورتی است که بخوانند در محل سکونت نماز فرادی بخوانند، ولی اگر با آنها نماز جماعت بخوانند رعایت این احتیاط لازم نیست، و اذان آنها کافی است.

**مسأله ۱۳۶۹-** کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می کنند، هرگاه جهت نماز اول وقت به مسجدالحرام یا مسجدالتبی بروند، و قبل از زوال حمرة به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، مجاز هستند افطار کنند، و روزه آنها صحیح است، و نیازی به قضا ندارد.

### ۵- اعلان عید

**مسئله ۱۳۷۰-** هرگاه از سوی قاضی اهل سنت حکم شود که فلان روز عید قربان است، و ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم، متابعت از آنان جایز است. بلکه اگر یقین بر خلاف داشته باشیم (که غالباً چنین یقینی حاصل نمی‌شود)، نیز باید تبعیت کنیم، و نیازی به احتیاط نیست، و حج صحیح است.

### ۶- حج و خمس

**مسئله ۱۳۷۱-** هرگاه شخصی هزینه حج دیگری را بپردازد، و باذل اهل وجوهات شرعی نباشد، چنانچه یقین به وجود خمس در پول مزبور نباشد حج او اشکالی ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در آن دارد، لازم است خمس آن را بپردازد.

**مسئله ۱۳۷۲-** هرگاه کسی بدون این که خمس مال خود را بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند.

**مسئله ۱۳۷۳-** شخصی که حساب خمسی ندارد هرگاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی‌ها که بر مبنای اولین درآمد، سال بر آن گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی‌کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آنها که تا کنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده‌اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

### ۷- لقطه (گمشده) حرم

**مسئله ۱۳۷۴-** هرگاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد.

**مسئله ۱۳۷۵-** اگر لقطه (گمشده) حرم را برداشت، چنانچه قیمت آن کمتر از یک درهم<sup>۱</sup> باشد می‌تواند آن را تملک و مصرف نماید، و اگر تملک نکرد و کوتاهی ننمود ضامن نیست، ولی اگر بدون قصد تملک آن را نزد خود نگاه داشت، و در نگهداری آن کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و قبل از آن که آن را مصرف کند صاحبش پیدا شد، باید آن را به صاحبش بازگرداند.

**مسئله ۱۳۷۶-** هرگاه لقطه حرم را، که یک درهم یا بیشتر ارزش دارد بردارد، باید اگر می‌تواند آن را به شخصی مطمئنی بسپارد تا یک سال در جستجوی صاحبش باشد و اعلام کند<sup>۲</sup>، و اگر بعد از یک سال صاحبش پیدا نشد، و امیدی به پیدا شدن صاحبش ندارد، آن را صدقه می‌دهد، ولی چنانچه پس از صدقه دادن، صاحبش پیدا شود و راضی به صدقه نگردد، احتیاط واجب آن است که قیمت آن را به او بدهد، و در هر حال تملک چنین لقطه‌ای جایز نیست، و چنانچه تملک کند مالک نمی‌شود، و ضامن آن است، و اگر از ابتدا نسبت به پیدا کردن صاحبش کاملاً مایوس باشد می‌تواند بلافاصله آن را به شخص نیازمندی از طرف صاحب اصلی صدقه دهد.

**مسئله ۱۳۷۷-** هرگاه زائرین در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کنند، و

۱. یک درهم ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار است، که قیمت فعلی آن حدود ۴۰۰ تومان است.

۲. چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز، و پس از آن تا یک سال هفته‌ای یک بار، در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.

ندانند که متعلق به زوّار ایرانی است یا غیر ایرانی، در صورتی که از یافتن صاحبش مأیوس باشند، احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقیری صدقه دهند.

### ۸- استفتائات مرتبط با مسائل حج

**سؤال ۱۳۷۸-** شخصی که مقلد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، اکنون می‌خواهد تقلید نماید. در این مدّت مگه هم رفته است. آیا عبادتهایش صحیح است؟

**جواب:** هرگاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از اوست باشد، صحیح است.

**سؤال ۱۳۷۹-** قرآنهایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته نشده است. لطفاً در مورد قرآنهایی مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:  
الف) در بین حجّاج مشهور است که برداشتن قرآنهایی که جمله مذکور در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟

**جواب:** برداشتن آنها بدون اجازه مسؤولین مربوطه جایز نیست، و کسانی که بدون اجازه برداشته‌اند، باید بازگردانند.

ب) گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآنهایی که جمله مذکور روی آن نوشته شده را به حجّاج هدیه می‌کنند. آیا گرفتن چنان قرآنهایی جایز است؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۱۳۸۰-** آیا می‌توان قطعه‌ای از سنگ کوه صفا و مروه، یا صحرای مشعر را به عنوان تبرّک برداشت؟

**جواب:** برداشتن سنگ از صفا و مروه جایز نیست؛ و برداشتن از مشعر نیز احتیاط در ترک آن است.

**سؤال ۱۳۸۱-** گاه دیده می‌شود که برخی از حجّاج محترم به عنوان تبرک مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه خود به ایران می‌آورند. آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفه فعلی آنها چیست؟

**جواب:** این کار جایز نیست، و احتیاط آن است که آن را برگردانند.

**سؤال ۱۳۸۲-** سال گذشته یکی از دوستان، که به حج مشرف شده بود، دو قطعه سنگ از غار حرا به عنوان هدیه برایم آورد. سنگها را در مکان مناسبی نهاده، و هر چند روز یک بار به عنوان تبرک آنها را می‌بوسم و زیارت می‌کنم. آیا این عمل شرک محسوب می‌شود؟

**جواب:** این کار ذاتاً حرام نیست؛ اما از این جهت که ممکن است منشأ برداشتهای سوء بدخواهان، یا بدعت گردد، از این کار خودداری کنید.

**سؤال ۱۳۸۳-** آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین از جمله مکه و مدینه به فروش می‌رسد، جایز است؟

**جواب:** اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند از کشورهای اسلامی است، مانعی ندارد، و اگر یقین داشته باشند از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، در صورتی استفاده از آن جایز است که وارد کننده آن مسلمان باشد، و احتمال داده شود که او شرایط شرعی ذبح را احراز کرده، و در دسترس مسلمانان قرار داده است، یا روی آن جمله «ذبح شرعی» نوشته شده باشد.

**سؤال ۱۳۸۴-** اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد، و عوض آن را پول

ایرانی بگیرد چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که مخالف مقررات نباشد، و با رضایت همدیگر باشد مانعی ندارد.

**سؤال ۱۳۸۵-** هنگامی که قسمتی از مسجدالحرام نجس می‌شود، مأمورین به شکل زیر آن را تطهیر می‌کنند: «ابتدا عین نجاست را برطرف نموده، سپس ظرف آب قلیلی بر روی محلّ نجس می‌ریزند، و در مرحله سوم آبهای ریخته شده را جمع می‌کنند». با توجه به این نوع تطهیر انسان به نجاست تمام مسجدالحرام یقین پیدا می‌کند. آیا سجده بر سنگهای مذکور در فرض سؤال جایز است؟

**جواب:** علم به نجاست تمام مسجد پیدا نمی‌شود، و به شک نباید اعتنا کرد، و این نیز نوعی تطهیر است.

**سؤال ۱۳۸۶-** اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، برای تیمّم چه نیتی کند؟

**جواب:** باید فوراً خارج شود، و برای خروج از مسجد تیمّم بدل از غسل جنابت می‌کند؛ مگر این که زمان خروج کمتر از زمان تیمّم باشد، که بدون تیمّم فوراً خارج می‌شود.

**سؤال ۱۳۸۷-** آیا عبور و مرور حائض و جنب، از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؟

**جواب:** جایز نیست، و فرقی میان قسمت قدیم و جدید نیست.

**سؤال ۱۳۸۸-** اگر بعضی از ورثه بدون پرداختن سهم سایر ورثا و با تصاحب کلّ مال الارث به حج بروند، حج آنها چه حکمی دارد؟ صلّه رحم با چنین اشخاصی چگونه است؟

**جواب:** هرگاه سهم الارث بعضی از ورثا پرداخت نشود، به



صورت مشاع در اموال بقیه می ماند، و تصرف در آن حرام است، و اگر با همان پول حج بروند، و لباس احرام و قربانی را از آن تهیه کنند، حج آنها نیز اشکال دارد، و تا سهم الارث بقیه را نپردازند، آن مال حکم مال غصبی را دارد، و اگر صله رحم با چنین اشخاصی سبب جرأت و جسارت آنها بر حرام شود، جایز نیست، و اگر ترک صله رحم باعث نهی از منکر شود، واجب است، و چنانچه صله رحم و ترک آن تأثیری در نهی از منکر نداشته باشد، صله رحم را ترک نکنند.

سؤال ۱۳۸۹- خرید و فروش فیش حج چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه صاحب فیش مستطیع نباشد، یا حج واجبش را انجام داده باشد، و این کار مخالف مقررات حکومت اسلامی نباشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۰- پدرم وصیت نموده که به جای او حج بروم، در صورتی که چیزی به ارث نگذاشته است. آیا عمل به این وصیت واجب است؟ آیا می توانم برای خودم به مکه بروم، و کسی را اجیر کنم تا از طرف پدر حج بجا آورد؟ آیا قربانی برای او و خودم هر دو واجب است؟

جواب: اگر مالی از خود نگذاشته، بر شما واجب نیست برای او حج بجا آورید، و اگر خودتان مایل باشید، می توانید کسی را در آنجا نایب بگیرید که برای او حج بجا آورد، و هر کدام باید یک قربانی ذبح کنید.

سؤال ۱۳۹۱- در کشوری مانند کشور ما، که عده فراوانی در انتظار نوبت برای رفتن به حج واجب هستند، و شاید أجل به بعضی از آنها مهلت ندهد، آیا جایز است عده ای برای مرتبه دوم و سوم یا بیشتر، به حج مشرف شوند، و جای آنها را بگیرند؟

جواب: بهتر است رعایت حال آنها را بکنند.

**سؤال ۱۳۹۲-** بعضی از متمکنین که حج واجب خود را بجا آورده‌اند، معتقدند هزینه حج‌های مکّرر استحبابی صرف کارهای خیر گردد، و بعضی اصرار به انجام حج‌های استحبابی دارند. کدام بهتر است؟

**جواب:** هر کدام در جای خود خوب است.

**سؤال ۱۳۹۳-** منظور از مشقت یا عسر و حرج، که در بعضی از مسائل به آن اشاره کرده‌اید چیست؟ آیا مشقت و عسر و حرج شخصی ملاک است، یا نوعی؟

**جواب:** منظور از عسر و حرج شخصی است.

**سؤال ۱۳۹۴-** آیا قصد باطل کردن عمره یا حج، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می‌گردد؟

**جواب:** قصد ابطال موجب بطلان نمی‌گردد.

**سؤال ۱۳۹۵-** خدمه کاروانها که نمی‌توانند با لباس احرام خدمت کنند، و قصد دارند بدون احرام در عرفات و منی باشند، برای ورود به مکه چه کنند؟

**جواب:** می‌توانند برای ورود به مکه عمره مفرده انجام دهند، و برای حج محرم نشوند، ولی کسانی که مستطیع هستند نباید این کار را قبول کنند، و باید عمره و حج تمتع را بجا آورند، و در هر صورت، اگر در حال احرام لباس دوخته معمولی بپوشند، حج آنها صحیح است؛ ولی باید کفاره بدهند.

**سؤال ۱۳۹۶-** غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می‌شود؟

**جواب:** تا یک روز معتبر است؛ و اگر حدث اصغر از او سرزند، به

قصدها را اعاده می‌کند، ولی واجب نیست.

**سؤال ۱۳۹۷-** آیا طلب رحمت برای بانیان، حافظان و خدمتکاران مسجدالحرام و مسجدالنبی، که زحمات فراوانی را متحمل می‌شوند، جایز است؟

**جواب:** برای آنها طلب هدایت کنید.

**سؤال ۱۳۹۸-** بعضی از حجّاج سهمیه موادّ خوراکی و مصرفی خود (مانند نوشابه، موز، پرتغال، سیب، پنیر، آبمیوه، صابون، شامپو و مانند آن را) که در ایام سفر مورد استفاده قرار نداده‌اند، با خود به ایران می‌آورند. این کار چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از آن مواد جایز است؟

**جواب:** در صورتی که واقعاً جنبه سهمیه داشته باشد مانعی ندارد؛ ولی اگر فقط جنبه اباحت تصرف دارد، فقط حق دارند در آنجا مصرف کنند، ولی با خود بردن جایز نیست.

**سؤال ۱۳۹۹-** انجام حج با مال حرام، یا مال مشتبه به حرام چگونه است؟  
**جواب:** با مال حرام جایز نیست؛ ولی اگر مال او مشتبه به حرام است، ولی یقین به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را صرف حج کند. مشروط بر این که از نظر ظاهر محکوم به حلال بودن باشد؛ یعنی از طریق ظاهراً حلال به دست آورده است.

**سؤال ۱۴۰۰-** شک در اعمال حج یا عمره چه حکمی دارد؟

**جواب:** هرگاه پس از شروع در عملی که بعد از آن است شک کند، اعتنا ننماید؛ چه شک در انجام آن داشته باشد، یا شک در صحیح بجا آوردن آن.



## چهل مسأله مهم و محل ابتلاء در حج و عمره

۱- استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، جایز است، همچنان که سوار ماشین سر پوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد، یا در شب)، ولی بهتر است در آن قسمت که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می‌رود) احتیاط کند، ولی با توجه به این که قسمتهای بعد از تنعیم هم جزء شهر مکه است، احتیاط مذکور واجب نیست.

۲- اگر بدون اختیار چشم مُحرم به آینه بیفتد، اشکالی ندارد، و بهتر است که در ایام احرام حج یا عمره، در اطاق‌هایی که افراد مُحرم سکونت دارند، و همچنین در مسیر رفت و آمد آنها، مانند داخل آسانسورها، روی آینه‌ها چیزی بیندازند، که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد.

۳- احتیاط واجب آن است که مُحرم حشرات (مانند پشه، زنبور، مگس، ملخ و امثال آن را) نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر، و نیز هیچ جنبنده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایه آزار او شود، یا حیوان مودی و خطرناکی باشد؛ (مانند مار و عقرب). و اگر عمداً آنها را بکشد کفاره

دارد، و کفاره آن مقداری غذا است؛ (مثلاً یک نان به فقیر بدهد)، بنابراین باید موقع راه رفتن مواظب ملخها و مورچه‌ها و مانند آن باشد.

۴- لازم نیست طواف در فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد؛ بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است؛ (به خصوص هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصله مزبور تجاوز نکند.

۵- لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول همه مردم، خانه کعبه را دور بزند کافی است. ۶- هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد، و همین اندازه که از آغاز نیت می‌کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می‌داند فشار جمعیت او را به جلو می‌برد.

۷- طواف در طبقه دوم و پشت بام مسجدالحرام اشکال دارد؛ ولی کسانی که مجبور هستند از آنجا طواف کنند طوافشان صحیح است، و نایب گرفتن لازم نیست.

۸- محلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می‌توان عقب‌تر نماز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، در این صورت نباید مزاحم طواف کنندگان شد، و اصرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، و دستها را زنجیر می‌کنند، و مزاحم طواف کنندگان می‌شوند، صحیح نیست؛ اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می‌توان خواند.

۹- خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.

- ۱۰- سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست؛ مگر این که از دحام به قدری زیاد باشد که سعی در طبقه پایین مشقت شدید داشته باشد.
- ۱۱- هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است.
- ۱۲- نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو.
- ۱۳- لازم نیست سنگها به ستون و دیواره جمره اصابت کند، بلکه کافی است در حوضچه اطراف بیفتد؛ زیرا جمره همان محل اجتماع سنگهاست.
- ۱۴- رمی جمرات از طبقه بالا مانعی ندارد، و کسانی که در روز نمی‌توانند رمی کنند، می‌توانند شب قبل یا بعد از آن رمی نمایند.
- ۱۵- قربانی کردن در هر یک از قربانگاههای موجود جایز است، هر چند خارج از محدوده منی است؛ مشروط بر این که گوشتها تلف نشود.
- ۱۶- بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند؛ ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.
- ۱۷- لازم نیست ذابح شیعه باشد؛ بلکه هر مسلمانی که ذبیحه او پاک و حلال است می‌تواند ذبح کند.
- ۱۸- سر بریدن و ذبح حیوانات، برای قربانی یا غیر آن، با چاقوهای استیل و فلزات دیگر، اشکالی ندارد.
- ۱۹- قربانی را می‌توان شخصاً ذبح نمود، یا به شخص دیگری که به او اطمینان دارد نیابت داد. خواه مدیر کاروان باشد، یا نفرات بعثه حج، یا

بعضی از دوستان (معیار اطمینان داشتن به کار نایب است). و لازم نیست وکیل نام صاحب قربانی را بداند، همین اندازه که نیت او را کند کافی است، هر چند بردن نام او به هنگام ذبح بهتر است، و اگر کسی بدون گرفتن وکالت از طرف دیگری قربانی کند صحیح نیست.

۲۰- مسلمانان باید کاری کنند که گوشتهای قربانی از بین نرود، و مجبور به سوزاندن و دفن کردن آن نباشند؛ زیرا این کار اسراف و حرام است، و ادلهٔ قربانی شامل آن نمی‌شود، و چنانچه مستحقیقی در منی یافت نشوند، لازم است آن را به سایر بلاد اسلامی ببرند، و به فقرا و مؤمنان بدهند، و یا پول آن را کنار بگذارند و هنگام بازگشت در محل خود قربانی کنند، و یا با دوستان خود هماهنگ کند که در همان روز بعد از رمی جمره قربانی کنند؛ و هر یک از اینها کافی است.

۲۱- تا آنجا که ممکن است باید قربانی را در قربانگاههای موجود انجام داد، و از تلف شدن گوشت آن جلوگیری کرد؛ اما اگر بعد از تلاش و کوشش، یقین پیدا کند که راهی برای استفاده از گوشت قربانی نیست، و حتماً ضایع می‌شود، باید از قربانی در آنجا صرفنظر کند، و پول آن را کنار بگذارد، و هنگام بازگشت در محل خود قربانی نماید. البته در ماه ذی الحجهٔ همان سال، و اگر ممکن نشد در ماه ذی الحجهٔ سال آینده قربانی می‌کند، و می‌تواند به وسیلهٔ تلفن با دوستان خود هماهنگ کند که در همان روز بعد از رمی جمره قربانی کنند؛ ولی این کار واجب نیست.

۲۲- استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد، ولی شرایط ذبح شرعی<sup>۱</sup> مانند رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و غیر آن باید رعایت شود.

۱. شرح این مطلب در مسألهٔ ۲۲۲۳ توضیح المسائل ما آمده است.



۲۳- بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محلّ طواف را برای کسانی که طواف واجب می‌کنند آزاد گذاشت.

۲۴- میقات برای احرام حجّ تمتّع مکه است، و از هر جای مکه باشد کافی است، و فرقی میان مکه قدیم و جدید نیست؛ حتی از محلاتی از مکه که امروز به طرف منی گسترش یافته می‌توان احرام بست؛ اما احتیاط واجب آن است که از نقاطی از شهر مکه که از مسجد تنعیم<sup>۱</sup> دورتر، است یعنی از محدوده حرم بیرون می‌باشد، احرام نیندد؛ و بهتر از همه جا مسجدالحرام است.

۲۵- کارکنان کاروانها و بعثه حج، و تمام کسانی که حجّ واجب خود را قبلاً بجا آورده‌اند و انجام مراسم حج برای آنها مشکل است، می‌توانند از اوّل نیت عمره مفرده کنند، و آن را کامل کرده و از احرام بیرون آیند، و بعد از آن برای رفتن به عرفات و مشعر و منی، یا نرفتن و ماندن در مکه و رسیدگی به کارها آزادند. البته اگر به عرفات و مشعر و منی می‌روند نیت وقوف نکنند، ولی برای حفظ ظاهر می‌توانند لباس احرامی (بدون نیت) بپوشند، و اگر عمره مفرده خود را در ذی‌الحجه بجا آورده، در بازگشت از عرفات تجدید عمره لازم نیست.

۲۶- حجاج محترمی که در مکه مکرمه قصد اقامه ده روزه می‌کنند، نباید در این ایام از مکه خارج شوند؛ ولی می‌توانند برای یکی دو ساعت به عرفات بروند و باز گردند.

۲۷- نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن، برای حفظ وحدت مسلمین از مستحبات مؤکّد و موجب تقویت صفوف در برابر دشمنان است، و در روایات معصومین علیهم‌السلام

۱. مسجد تنعیم نزدیکترین حدّ حرم است.

تأکیدات فراوانی درباره آن شده است، و چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند، و اعاده آن لازم نیست.

۲۸- حُجَّاج محترم می‌توانند در مسأله وقت نماز و مانند آن از آنها پیروی نمایند، و با آنها نماز بخوانند، و برای سجده اگر بتوانند، روی سنگهای کف مسجد سجده نمایند (زیرا سجده بر تمام آن سنگها جایز است) و اگر نتوانند، روی فرش سجده می‌کنند، و لازم نیست دست بسته نماز بخوانند، یا بعد از حمد آمین بگویند.

۲۹- زوَّار عزیز خانه خدا در مورد هلال ماه ذی الحجّه می‌توانند از آنها پیروی کنند، و کسانی که به هنگام افطار روزه در مسجد الحرام یا سایر مساجد آنان حضور دارند، هرگاه به آنها اصرار بر افطار کنند، مانعی ندارد همزمان با آنها افطار نمایند، و روزه آنها صحیح است.

۳۰- استفاده از بادبزن، یا حصیرهای بدون نخ، یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد، برای سجده کردن در همه حال جایز است، و لزومی ندارد از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرست روی آن حساسیت دارند. بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع - که باعث بدبینی و اعتراض می‌شود - اشکال دارد.

۳۱- روحانیون کاروانها، خدمه، کارکنان بعثه‌ها، کارمندان بانکه‌ها، پزشکان، پرستاران، و تمام کسانی که به هر عنوان به حج دعوت می‌شوند می‌توانند قصد حجّ واجب کنند؛ هر چند مستطیع نباشند، و همین دعوت سبب استطاعت آنها می‌شود، و حجّ دیگری بر آنها واجب نیست.

۳۲- احتیاط واجب آن است افرادی که حجّ نیابتی انجام می‌دهند و سال اول آنهاست بعد از اتمام حج، عمره مفرده‌ای (با طواف نساء) برای خود بجا آورند.

۳۳- احتیاط واجب آن است افراد معذور که ناچارند بعضی از اعمال حج را ترک کنند نایب و اجیر نشوند؛ ولی عذرهایی که برای افراد در سفر حج پیدا می‌شود، مانند تیمم، جبیره، و نرسیدن به بعضی از وقوفهای اختیاری، و امثال آن، مانع از عمل نایب نخواهد شد؛ بلکه مطابق دستور عمل می‌کند، و حجّ نیابتی او صحیح است. همچنین اگر بر اثر ضیق وقت مجبور به عدول از حجّ تمتّع به حجّ افراد شود. و کسانی که بر اثر بیسوادی یا کم سوادی قادر به اصلاح حمد و سوره خود نیستند، نیابت قبول نکنند؛ هر چند حجّشان برای خودشان در صورت ناچاری صحیح است.

۳۴- نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش بجا آورد، نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می‌کند.

۳۵- زوّار خانۀ خدا مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنّبی، بلکه در همه شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند، و نماز تمام افضل است، و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و جدید نیست.

۳۶- کسانی که پیش از رفتن به عرفات قصد ده روز در مکه کرده‌اند، و نیت نداشته‌اند قبل از ده روز از مکه خارج شوند، هنگامی که به عرفات و مشعر و منی می‌روند نمازشان در آنجا تمام است، و این مسافت گرچه در گذشته به اندازه چهار فرسخ بوده، ولی امروز به سبب توسعه مکه کمتر شده و مسافت قصر نیست.

۳۷- مسافر می‌تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد؛ (هر چند قصد ده روز نکند) و احتیاط لازم آن است که روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را انتخاب کند.

۳۸- احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز می‌باشد، حتی از کنار مسجد شجره نیز می‌توان احرام بست. همچنین تمام

آنچه امروز جزء مسجدالحرام و مسجدالتبی شده حکم آن را دارد.  
 ۳۹- حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نباید در ایام حج و مانند آن، نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجدالحرام یا مسجدالتبی، تشکیل بدهند، و چنین نماز جماعتی خالی از اشکال نیست، مگر این که نماز چند نفری باشد.

۴۰- زوَّار خانۀ خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب ورزند؛ مانند:

(الف) بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالتبی و صفوف جماعت، هنگام اذان یا نزدیک اذان.

(ب) پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها، یا بازگشتن با اجناس خریداری شده به سمت کاروانها در چنان ساعتی؛ بلکه این کارها را کنار بگذارند، و به جماعت بپیوندند.

(ج) اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین علیهم السلام، هنگام نماز جماعت.

(د) پوشیدن لباسهای نامناسب که مایۀ وهن در انظار عموم است.  
 هـ) برخورد خشونت‌آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوَّارخانۀ خدا، یا ساکنان مکه و مدینه.

خلاصه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت پیروی از اهل بیت علیهم السلام از تربیت بالایی برخوردارند، و هیچ گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را انشاء الله مضاعف می‌سازد.

## فصل شانزدهم

### آداب و مستحبات حج و عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان الله تعالی علیهم) آداب و مستحبات بسیاری برای هر یک از اعمال «حج» و «عمره» ذکر شده که قسمت قابل توجهی از آن را عیناً در اینجا می‌آوریم، ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصل تسامح در ادله سنن و مستحبات را صحیح نمی‌دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدس و دارای ثواب باشد، به جا آورد.

«نکته مهم دیگر» این که انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیت، برای بسیاری از مردم غیر ممکن است؛ بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهند، و آنچه را نمی‌توان انجام داد اگر مورد علاقه حاجی باشد و نیت انجام آن را، در صورت امکان داشته باشد، طبق روایات معصومین علیهم‌السلام خداوند مطابق نیتش به او پاداش خواهد داد.

### مستحبات سفر

کسی که قصد سفر مکه، یا سفر دیگری دارد، مستحب است امور زیر را

انجام دهد:

- ۱- از خداوند متعال طلب خیر کند.
- ۲- وصیت بنماید.
- ۳- صدقه دهد، تا به آن صدقه سلامت خود را خریداری نماید.
- ۴- هنگامی که برای مسافرت مهیا می‌شود، در خانه خود چهار رکعت نماز به جا آورد. در هر رکعت سوره حمد، و توحید (قل هو الله) را بخواند، و بگوید:
 

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ، فَاجْعَلُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي».
- ۵- بر در خانه خود ایستاده، و سه مرتبه از پیش رو، و از طرف راست، و طرف چپ، سوره حمد، و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند، سپس بگوید:
 

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ، بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».

### مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

- ۱- قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده، و ناخن و شارب (سبیل) خود را بگیرد، و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کند.
- ۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعده، و شخصی که قصد عمره مفرده دارد پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند، و بعضی از فقها قائل به وجوب آن شده‌اند، و این قول هر چند ضعیف است، ولی موافق احتیاط می‌باشد.
- ۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صحیح است، و تقدیم این غسل، به

خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید، و هر گاه مکلف پس از انجام غسل احرام لباسی بپوشد، یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، تکرار غسل مستحب است، و اگر در روز غسل نماید، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند. همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید.

۴- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوْرِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَغَنِي، وَ أَرَدْتُهُ فَأُعَانَتَنِي، وَ قَبْلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي. فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَاي وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

۵- دو حوله احرام از جنس پنبه باشد.

۶- احرام را به ترتیب زیر ببندد:

در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و اگر ممکن نبود، پس از نماز واجب دیگر، و چنانچه آن هم امکان پذیر نبود، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، که در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند، و شش رکعت افضل است، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی به جا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد؛ آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا

مَا أُعْطِيتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَ ارْتَضِيتَ، وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، بِسَقْدَرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةٌ أَحْرَمٌ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَ جَهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۷- نیت احرام را بر زبان جاری کند، و تنها به نیت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸- سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل می شود، بنا بر احتیاط چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و مستحب است پس از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَقَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبَدِّئُ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْعُوبًا وَ مَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ



لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.»

و خوب است این جمله‌ها را نیز بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحِجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ،  
لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ.»

۹- تلبیه‌ها را در حال احرام، و در موارد زیر تکرار کند:

الف) هنگام برخاستن از خواب.

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج) وقت رسیدن به زوآر دیگر که سواره هستند.

د) هنگام بالا رفتن از بلندی، یا سرازیر شدن از آن.

هـ) وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و) در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید.

۱۰- زنان حائض و نفساء (زنی که وضع حمل کرده) نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

شخصی که عمره به جامی آورد تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا خانه‌های مکه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد، و تلبیه حج تا ظهر روز عرفه ادامه دارد، و پس از آن قطع خواهد شد.

## مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در احرامی مشکى، و احتیاط ترک آن است، و بهتر احرام در

جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم در رختخواب و بالش زردرنگ.

۳- احرام بستن در جامه چرکین، و اگر لباس احرام کثیف شود بهتر است

- مکلف مادام که در حال احرام است آن را نشوید؛ ولی می‌تواند تبدیل کند.
- ۴- احرام بستن در جامه راه‌راه.
- ۵- استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند، و فرقی میان حنا و رنگهای امروزی نیست.
- ۶- بهتر است محرم کیسه و مانند آن بر بدن نکشد.
- ۷- لیبیک گفتن در جواب کسی که او را صدا می‌کند، بلکه احتیاط ترک آن است.

### هستحبات دخول حرم

- ۱- برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال پابرهنه شده، و کفشهای خود را در دست گرفته، داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد.
- ۲- هنگام دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَيْتَنِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمُعْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَ أَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

### مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام

- ۱- برای دخول به مکه معظمه غسل کردن مستحب است.
- ۲- هنگام ورود به مکه، با حالت تواضع وارد شود.
- ۳- مستحب است برای دخول به مسجدالحرام غسل نماید.
- ۴- مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود.
- ۵- بهتر است از باب السلام که محاذی باب بنی شیبه سابق است وارد شده، و جلوی در مسجد الحرام ایستاده، و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

عرسپس داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها را بلند نموده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي حَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَأَمْنًا مُبَارَكًا، وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتَ بَيْتُكَ، جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْفُؤُكَ طَاعَتَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و در روایت دیگر آمده که بر در مسجد چنین بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَمَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَا تِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تِيَّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِلَيَّ يَا بِيَارَتِي إِلَيْكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَسَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس سه مرتبه می‌گوید: «اللَّهُمَّ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». سپس می‌گوید: «وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ، وَادْرَأ عَنِّي شَرَّ شَيْطَانِيْنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۷- مستحب است وقتی که به محاذات حجرالأسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

۸- سپس نزدیک حجرالأسود رفته، و در صورت امکان دست بر آن

بگذارد، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَنَى وَأَحْذَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۹- صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم السلام بفرستد، و سلام بر پیغمبران

بدهد، همان گونه که هنگام دخول مسجد سلام می‌دهد.

۱۰- سپس بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوْفِي بِعَهْدِكَ».

۱۱- در روایت معتبر آمده است: هنگامی که نزدیک حجرالأسود

رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی به جا آور، و بر پیامبر اسلام ﷺ صلوات بفرست، و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند.

پس از آن، در صورت امکان حجر را بوسیده، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست لمس کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمَوْفَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّةَ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الْأَلَاتِ وَ الْعُزَى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و اگر نتوانی تمام آن را بخوانی، قسمتی از آن را بخوان، و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَ فَمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْعَقْرِ، وَ مَوَاقِفِ الْحِزْبِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

### آداب و مستحبات طواف

انجام اعمال زیر در حال طواف مستحب است:

۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمِشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ، كَمَا يُمِشِي بِهِ عَلَى جُدِّ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا»، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد.

۲- مستحب است هنگام طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي.»

۳- صلوات بر محمد و آل او بفرستد، به خصوص هنگامی که به در خانه کعبه رسید.

۴- هنگامی که به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و بگوید:  
«اللَّهُمَّ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَاجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَعَافِنِي مِنَ الشُّقْمِ، وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ اَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۵- به هنگام عبور از حجر بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِمُهُ لِي، وَ تَقَبَّلُهُ مِنِّي، اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۶- هنگامی که به رکن یمانی برسد دستها را بلند کند، و بگوید:

«يَا اَللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعَمَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُنَّانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضَّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۷- سپس سر را به سمت کعبه کند، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلَيَّا اِمَامًا. اَللَّهُمَّ اِهْدِ لَهٗ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

۸- هنگامی که بین رکن یمانی و حجرالأسود رسید، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

۹- در شوط هفتم، وقتی که به مستجار<sup>۱</sup> رسید، مستحب است - در

۱. مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه واقع شده است.

صورت امکان - دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

۱۰- سپس به گناهان خود اعتراف نموده، و از خداوند عالم آمرزش بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْغَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ حَفِيَ عَلَيَّ حَلْفِكَ، اسْتَجِرُّ بِاللهِ مِنَ النَّارِ».

۱۱- و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمانی - که قبل از رکن حجرالاسود قرار دارد - بگذارد، سپس نزد حجرالاسود آمده، و طواف خود را تمام کند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

۱۲- برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن)، و حجرالاسود را استلام نماید.<sup>۱</sup> و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالمُؤَافَاةِ».

### دعاهای اشواط طواف

خواندن دعاهای زیر در هر یک از شوطهای طواف به ترتیبی که می آید، شایسته است:

۱. منظور از استلام لمس کردن آن است.



## شوط اول

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاءُ وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوْلِيَّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخُدَّةٌ وَخُدَّةٌ وَخُدَّةٌ، وَأَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَخُدَّةٌ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ.

## شوط دوم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

## شوط سوم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُونِ الْحَزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ،

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا، وَيَا مُطِيقَ الْأَسَارِي، وَيَا فَكَكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، وَأَنْ تُجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَ آخِرَهُ صَلَاحًا، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

### شوط چهارم

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي، وَإِنْ رَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عَظِيمًا فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتِكَ، فَارْحَمْتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسْعَنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَ بَصَرًا وَ فَهْمًا وَ عِلْمًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

### شوط پنجم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَ لَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَ لَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَ لَا عَيْبًا إِلَّا أَصْرَفْتَهُ، وَ لَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَ لَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَ لَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَ لَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا، وَ لِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

## شوط ششم

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بِأَيْسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْعُرُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَحْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكُرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

## شوط هفتم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمَوْلِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

البته انجام بسیاری از این امور در ایام حج امکان پذیر نیست، و موجب

مزاحمت برای زوار است، آنچه می تواند و مزاحمت ندارد، انجام دهد.

### مستحبات نماز طواف

مستحب است امور زیر را در نماز طواف به قصد رجا بجا آورد:

- ۱- پس از قرائت سوره حمد، در رکعت اول «سوره توحید»، و در رکعت دوم «سوره قل یا ایها الکافرون» را بخواند.
- ۲- پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید.
- ۳- در بعضی از روایات آمده، که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته، و چنین راز و نیاز می کردند:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَابِسِينَ يَدَيْكَ نَاصِبِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُعَرِّضٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

- و پس از سجده آثار گریه و زاری بر چهره مبارک آن حضرت ظاهر بود.
- ۴- پس از انجام نماز طواف، و پیش از سعی مستحب است نزد زمزم رفته، و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِيمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

### مستحبات سعی

پس از نماز طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از در محاذی حجرالأسود به سوی صفا برود، و با آرامش بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمتهای خداوند را در نظر بگیرد، سپس این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

سپس سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا آتَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» و سه مرتبه آن را تکرار کند.

پس از آن سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید.

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَالَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ

أَظْلَنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و سپردن دین و نفس و أهل و مال خود را به خداوند عالم بسیار تکرار کند. پس از آن بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي. اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَ اَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر قادر بر انجام تمام این عمل نباشد، هر قدر که می تواند بخواند.

و نیز مستحب است که این دعا را بخواند:

«اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَدْنَيْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِاَلْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ اَهْلُهُ، فَإِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ اَهْلُهُ تَرْحَمْنِي، وَ اِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّ عَذَابِي، وَ اَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ اَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِي. اَللّٰهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ، فَإِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، اَصْبَحْتُ اَتَقِي عَذَابَكَ وَ لَا اَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ اِرْحَمْنِي».

### دعاهای لشواط سعى

خواندن دعاهای زیر در هر یک از دوره‌های سعى، به ترتیبی که می آید، شایسته است:

دور اوّل (از صفا به مروه)

اللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيْرًا، وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَ بِحَمْدِهِ

الْكَرِيمِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً، وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَخَدَّهُ، لَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَلَا يَفُوتُ أَبَدًا، يَبْدِيهِ الْخَيْرُ وَالْإِيهَ الْمَصِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَتَكْرَّمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ نَحْنُ مِنَ النَّارِ سَالِمِينَ غَائِبِينَ، فَرِحِينَ مُسْتَبْشِرِينَ، مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا، ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ، وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

و نزدیک مروه این آیه خوانده می شود:

إِنَّ الصَّفَاَ وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور دوم (از مروه به صفا)

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُتَزَّلِ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، دَعَوْنَاكَ رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا كَمَا أَمَرْتَنَا، إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا

تُخَلِّفُ الْمِعَادَ، رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَأَعْفُ وَتَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ، أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

### دور سوم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، عَاجِلَهُ وَ آجِلَهُ، وَ اسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي، وَ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَأَعْفُ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ بِمِعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى.

إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.



## دور چهارم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنْزِعَهُ مِنِّي، حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي عَلَيْهِ وَ أَنَا مُسْلِمٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا. اللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَ سَاوِسِ الصَّدْرِ، وَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَهَبُّ بِهِ الرِّيَّاحُ، يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ. سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَ أَرْحَمَ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

## دور پنجم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ، اللَّهُمَّ حَبِّبِ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَ زَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَ كَرِّهِ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ أَرْحَمَ، وَ اغْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ

تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ  
عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى، وَتَقِنِي بِالتَّقْوَى، وَاغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ  
الْأُولَى، اللَّهُمَّ أَبْسِطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ،  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النِّعِيمَ الْمُقِيمَ، الَّذِي يَحُولُ وَلَا يَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ  
فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَ  
عَنْ يَمِينِي نُورًا، وَفِي فَوْقِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَعَظْمِي لِي نُورًا.  
رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي.

إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمُرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

### دور ششم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ  
وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا  
إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَكُوِّرَهُ الْكَافِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ  
التَّقَى وَالْغِنَى وَالْغِنَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ،  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ، وَمَا  
يُقَرِّبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَفِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَبِفَضْلِكَ  
اسْتَعِينْنَا، وَفِي كَنَفِكَ وَإِنْعَامِكَ وَعَطَائِكَ وَإِحْسَانِكَ أَصْبَحْنَا وَآمَسَيْنَا،  
أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَالْآخِرُ فَلَا بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَالظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ  
فَوْقَكَ، وَالْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَلْسِ وَالْكَسَلِ وَ  
عَذَابِ الْقَبْرِ، وَفِتْنَةِ الْغِنَى، وَنَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَ  
اعْفُ وَتَكَرَّمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

### دور هفتم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَتَكَرَّمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِالْخَيْرَاتِ أَجَالَئَنَا، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَئَنَا، وَسَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَئَنَا. يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَّ الْهَالِكِي، يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ لَا غَيْرَ بِشَيْءٍ عِنْدَهُ، وَلَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَمِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا. اللَّهُمَّ تَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنَا بِالصَّالِحِينَ، غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُونِينَ، رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، رَبِّ ائْتِمَّ بِالْخَيْرِ.

إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

مستحب است پیاده سعی نماید، و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند؛ یعنی کمی تندتر برود، و اگر سوار چرخ باشد این مقدار را فی الجمله تند نماید، و بعد از آن به طور عادی تا مروه راه برود، و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است بر درگاه خداوند گریه کند، و در حال سعی دعا بسیار نماید.

### مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است. علاوه بر آن، مستحبات زیر را نیز به قصد رجاء بجا آورد: پس از این که احرام بست، و از مکه بیرون آمد، همین که بالای بلندی اطراف مکه قرار گرفت، با صدای بلند لَبَّيْکَ بگوید.

و هنگامی که متوجه منی شد بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَاصْلِحْ لِي عَمَلِي.»

با تن و دلی آرام، با تسبیح و ذکر حق تعالی راه را ادامه دهد، و چون به

منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ، وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمُنَاسِكِ، فَاسْأَلْكَ أَنْ

تَمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ.»

و اگر ممکن است شب عرفه را در منی بماند، و به طاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب تعقیب گفته، سپس به سوی عرفات روانه شود، و اگر بخواهد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط این است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، مگر بر اثر ضرورت، مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد.

چون به سوی عرفات حرکت کند، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ

تُبَارِكْ لِي فِي رِحْلَتِي، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ

الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

و تا رسیدن به عرفات لَبَّيْک را تکرار کند.

البته انجام بسیاری از این مستحبات در حال حاضر مشکل است. آنچه را می‌تواند انجام دهد، و اگر نیت انجام همه را داشته، خداوند ثوابش را می‌دهد؛ انشاءالله.

### مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است.

۱- با طهارت بودن در حال وقوف.

۲- غسل نمودن، و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد؛ تا قلب او متوجه درگاه الهی گردد.

۴- در پایین کوه و در زمین هموار وقوف کند، زیرا بالا رفتن از کوه مکروه است.

۵- نماز ظهر و عصر را اول وقت به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۶- قلب خود را متوجه خدا ساخته، و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده، و ثنای پروردگار را به جا آورد. پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و صد مرتبه سوره توحید را بخواند، و آنچه خواهد دعا نماید، و از شیطان رجیم به خدا پناه برد.

۷- این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَ لَا تَخْذَعْ عَنِّي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ

يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا)» و حاجت خود را نام ببرد، سپس دست به آسمان بردارد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ، الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ مَلِكٌ نَاصِبَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي، الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا لَدِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْفَانِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ لَكَ تُرَاثِي، وَ بِكَ حَوَالِي، وَ مِنْكَ قُوتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنَ وَسْوَيسِ الصُّدُورِ، وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَّاحُ، وَ أَسْئَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي نُورًا، وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا، وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا، يَا رَبَّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می‌تواند در خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- رو به کعبه کند و هر یک از این اذکار را صد مرتبه بگوید:  
 «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، «أَشْهَدُ  
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ  
 يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ».

سپس از اول سوره بقره ده آیه بخواند، سپس سوره توحید را سه مرتبه  
 بخواند، پس از آن آیه الکرسی را تا آخر بخواند، سپس این آیات را تلاوت  
 کند:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى  
 عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ  
 مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* أَدْعُوا رَبَّكُمْ  
 تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ  
 إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>.

سپس سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را  
 بخواند.

سپس آنچه از نعمتهای پروردگار به یاد داشته باشد یک یک ذکر کرده،  
 و حمد الهی نماید. مخصوصاً به خاطر نعمت خانواده و اموال، که خداوند  
 بزرگ به او مرحمت نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ، الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ، وَ لَا تُكْفَى  
 بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده خدا را حمد نماید، و به

آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده خدا را تهلیل نماید، و بر محمد و آل محمد زیاد صلوات بفرستد، و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند، و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند؛ و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ، الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ جَمْعِكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى عَلَيْكَ وَ آلِهِ، وَ بِأَسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَ بِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدِّدَهُ، وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي، فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که دارد از خداوند بخواهد، و از خداوند متعال توفیق حج را در سال آینده و هر سال طلب کند.

و هفتاد مرتبه «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید.

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ



ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰- نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنْ تَشْتِتِ الْأُمُورِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي. يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلِّئْ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَلْسِنِي عَافِيَتِكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

توجه به این نکته لازم است که دعاهاى وارده در این روز شریف بسیار است، و هر قدر ممکن باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و حضرت زین العابدین علیه السلام خوانده شود، و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَدْباً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَداً مِنْهُمْ، مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفَرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ، مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اغْتَفِنِي مِنَ النَّارِ».

### مستحبات و قوف به مشعر

۱- باتن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه حرکت کند، و استغفار نماید.

۲- همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:  
 «اللَّهُمَّ اَرْحَمَ تَوْفِئِي، وَ زِدْهُ فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي، وَ تَقَبَّلْ  
 مَنَابِيكِي».

۳- در راه رفتن عجله ننماید، و کسی را آزار ندهد.

۴- نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تاخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد، ولی باتوجه به این که گاه رسیدن به مشعر در زمان ما به تاخیر می‌افتد بهتر است در شرایط فعلی نماز مغرب و عشا را در عرفات بخواند و حرکت کند.

۵- میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه گوید، و برای نماز عشا فقط اقامه.

۶- نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد.

۷- در آن شب به هر مقدار ممکن به عبادت الهی بپردازد.

۸- این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ.  
 اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ، أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ  
 مِنْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تَقَيِّمَنِي جَوَامِعَ  
 الشَّرِّ».

۹- بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و هر اندازه که ممکن باشد از نعمتهای حضرت حق ذکر کند، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آن‌گاه دعاء نماید، و بعضی آن را واجب می‌دانند.

۱۰- این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ  
 رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ

مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرٌ مَدْعُوٌّ وَ خَيْرٌ مَسْئُولٌ، وَ لِكُلِّ وَادٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقْبِلَ مَعْدِرَتِي، وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَن حَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

۱۱- سنگ‌ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مشعر بردارد، و مجموع آنها هفتاد سنگ است (و چون بعضی از سنگها ممکن است اصابت نکنند، بیشتر بردارد).

۱۲- هنگامی که از مشعر به سوی منی می‌رود و به وادی «مُحَسَّر» می‌رسد، مقدار صد قدم تند برود، و بگوید:  
«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَ أَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَ اجِبْ دَعْوَتِي، وَ اخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي».

### مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱- با وضو بودن در حال رمی.
- ۲- هنگامی که سنگها را در دست گرفته، این دعا را بخواند:  
«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي، فَأَخْصِنِّي لِي، وَ ارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».
- ۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.
- ۴- هر سنگی را که بیندازد این دعا را بخواند:  
«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ، وَ عَلَي سُنَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي حَجًّا مَبْرُوراً، وَ عَمَلًا مَقْبُولاً، وَ سَعِيًّا مَشْكُوراً، وَ ذَنْبًا مَغْفُوراً».
- ۵- در صورت امکان به هنگام رمی جمره عقبه، پنج تا هفت متر با آن فاصله داشته باشد، و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید، و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی کند.

۷- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى، وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

### مستحبات قربانی

مستحبات قربانی چند چیز است:

۱- در صورت تمکن شتر قربانی کند، و در مرحله بعد گاو، و چنانچه هیچ کدام ممکن نشد به گوسفند قناعت نماید.

۲- قربانی فریه (چاق) باشد.

۳- شتر یا گاو را از جنس ماده، و گوسفند یا بز را از جنس نر انتخاب کند.

۴- شتری که می‌خواهند آن را نحر کنند ایستاده باشد، و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند، و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودال گردن او فرو کند.

۵- در وقت ذبح این دعا را بخواند:

«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۶- اگر می‌تواند خودش قربانی را ذبح کند، و اگر نتواند دست خود را روی دست قصاب بگذارد.

### مستحبات حلق

- ۱- از طرف راست جلوی سر بتراشد، و این دعا را بخواند:  
«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
- ۲- موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید، و بهتر است پس از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و ناخنها را نیز بگیرد.

### مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه از مستحبات که در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است در روز عید قربان برای طواف حج بیاید، و بر در مسجد بایستد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْنِي لِي. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ يَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلْدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُخَيِّرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس اگر ممکن است نزد حجرالأسود بیاید، و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست بر حجر مالیده، و دست خود را ببوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید، سپس آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

### مستحبات منی

۱- مستحب است روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و

حتی برای طواف مستحب از منی بیرون نرود.

۲- تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز، و در غیر منی بعد از ده نماز، که اول آنها نماز ظهر روز عید است، مستحب می‌باشد، و بعضی آن را واجب دانسته‌اند، و اولی در کیفیت تکبیر این است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَيْلَانَا».

۳- مادام که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را، اگر ممکن است، در مسجد خیف به جا آورد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که: «صد رکعت نماز در مسجد خیف، با هفتاد سال عبادت برابر است، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» برابر با ثواب بنده آزاد کردن است، و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد، و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در آن مکان برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد»<sup>۱</sup>.

### مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا کند، و قرآن بخواند.

۲- ختم نمودن یک قرآن.

۳- خوردن آب زمزم، و خواندن دعای زیر پس از آن:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴- نگاه کردن به کعبه.

۵- هرگاه مزاحم طواف کنندگان واجب نشود، در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نماید؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه به عدد روزهای سال طواف نماید، و اگر این مقدار ممکن نشد پنجاه و دو مرتبه، و اگر آن هم ممکن نشد هر مقدار که بتواند.

۷- شخص ضروره، یعنی کسی که اولین بار حج به جا می آورد، در صورت امکان داخل خانه کعبه شود، و مستحب است قبل از دخول غسل کند، و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

سپس دو رکعت نماز گزارده، در رکعت اول بعد از حمد سوره «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر سوره های قرآن، بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند<sup>۱</sup>.

۸- دو رکعت نماز در هر یک از چهار زاویه کعبه بجا آورد، و بعد از نماز

این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعْدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَأَلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ أَعْدَدْتُ وَ اسْتَعَدَدْتُ رَجَاءَ رَفْدِي وَ جَائِزَتِي وَ نَوَافِلِي وَ فَوَاضِلِي، فَلَا تُخَيِّبْ

۱. این گونه امور در حال حاضر معمولاً امکان پذیر نیست، ولی هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطف و کرمش ثواب آن را به او می دهد.

الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ  
 الْيَوْمَ تَقَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي  
 أَتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي، وَلَا عُذْرَ،  
 فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي،  
 وَ تُغْلِبَنِي بِرِعْبَتِي، وَلَا تُرَدَّنِي بِجُبُوهَا مَمْنُوعاً، وَلَا خَائِباً، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ  
 يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ، أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ،  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

۹- هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءِنَا، رَيْنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ  
 الضَّارُّ النَّافِعُ».

۱۰- سپس پایین آمده، پله‌ها را در سمت چپ قرار دهد، و کعبه را  
 استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند. (البته در شرایط فعلی  
 انجام این مستحبات غالباً ممکن نیست).

### طواف وداع

کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع بجا  
 آورد، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمانی را - در صورت امکان -  
 استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان  
 ذکر شد به جا آورد، و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام  
 نموده، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این  
 دعاء را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَ



نَحْيِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أَوْذَى فِي جَنْبِكَ، وَ عَبْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنْ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود، و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد، و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

### قسمتی از مستحبات مدينه طيبه

از جمله مستحبات که بسیار بر آن تأکید شده این است که هنگام برگشتن از مکه، به مدينه طيبه برگردد. تا به زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت صدیقه طاهره ع و ائمه ع بقیع ع مشرف شود.

### زیارت حضرت رسول اکرم ص

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَبْدتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

### زیارت حضرت صدیقه ع

«يَا مُتَّخِذَةَ إِمْتِحَانِكِ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا

امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ، وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ ﷺ وَ أَتَانَا بِهِ وَ صَبِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَضَدِّيقِنَا لَهُمَا، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ».

زیارت جامعه که هر یک از ائمه علیهم السلام را می توان با آن زیارت نمود

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَضْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ، مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، مِنَ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

زیارت ائمه علیهم السلام بقیع علیهم السلام

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آن بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن دعای زیر اجازه ورود بگیرد:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ  
 أَيْدِيكُمْ، وَالمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالمُعْتَرَفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا  
 بِكُمْ، قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى  
 بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ؟ ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؟ ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ  
 المُحَدِّقِينَ بِهَذَا الحَرَمِ، المُقِيمِينَ بِهَذَا المُشْهَدِ؟»

سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود، و

بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا، وَ  
 الحَمْدُ لِلَّهِ الفَرْدِ الصَّمَدِ، المَاجِدِ الآحَدِ، المُنْتَفِضِ المُنَانِ، المُنْتَطَوِّلِ الحَنَانِ،  
 الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَ سَهْلَ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ  
 زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.»

و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر دعای زیر بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ  
 عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا القَوَامُ فِي البَرِّيَّةِ  
 بِالتَّسْطِطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي  
 ذَاتِ اللَّهِ، وَ كُذِّبْتُمْ وَ أُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ  
 المُهْتَدُونَ، وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ  
 فَلَمْ تُجَابُوا، وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ أَنَّكُمْ دَعَاءُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الأَرْضِ،  
 لَمْ تَزَلُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ  
 المَطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الجَاهِلِيَّةُ الجُهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتْنُ الأَهْوَاءِ،  
 طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنَبَّتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ

اللَّهُ أَنْ تُزْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَا يَنْكُم، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ وَاقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخُلَاصَ، وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمُنُّ بِمَا وَقَفْتَنِي، وَ عَرَفْتَنِي بِمَا أَقْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكَورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ، بِحُزْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آنها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه بخواند.

\* \* \*

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای أحد را زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم ﷺ در أحد بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ

أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي، مُتَقَرَّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، ابْتَغِي بِي يَا رَبِّكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْفَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا اسْحَطَّ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَفَرِي وَحَاجَتِي، فَقَدِ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ يَا كَيًّا، وَصَرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَني اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَبْنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَمِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ».

و هنگام وداع با پیامبر ﷺ بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ قَدْ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأُمَّةَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ، وَتَحْتَ لِوَاءِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعْلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

و پس از وداع با قبر رسول خدا ﷺ قبور ائمهٔ بقیع علیهم السلام را نیز زیارت کند، و با آنان وداع نماید و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْهُدَىٰ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ  
أَقْرَبُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ،  
اللَّهُمَّ فَاصْبِرْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.»

و سپس می‌گوید:

«وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.»

## دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ  
صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ  
الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازِيَ كُلِّ  
صَانِعٍ، وَرَأَيْتُ كُلَّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَ  
الْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلْكُرْبَاتِ  
دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ  
يَعْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغُبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرّاً بِسَانَكَ رَبِّي، وَ  
إِلَيْكَ مَرَدِّي، إِنْبَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكَوراً، خَلَقْتَنِي مِنْ  
الْتُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُتُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ

السَّيِّئِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ،  
وَالْقُرُونِ الْحَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَ لُطْفِكَ لِي، وَ احْسَانِكَ إِلَيَّ فِي  
دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي  
لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ  
ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ  
يُمْنِي، وَ أَسَكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي،  
وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى  
الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ  
كَبَنًا مَرِيًّا، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمَمَاتِ الرَّوَاحِمَ،  
وَ كَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزُّبَادَةِ وَ النَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ  
يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ  
الْإِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَ اعْتَدَلْتُ  
مَرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِسَعَائِبِ  
حِكْمَتِكَ، وَ أَيْقَظْتَنِي لِمَا ذُرَّتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَ  
نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَّمْتَنِي  
مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ  
ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي  
نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنْكَ



الْعَظِيمِ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النَّعْمِ، وَصَرَفْتَ  
 عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ، لَمْ يَمْتَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي  
 إِلَيْكَ، وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ  
 أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ  
 لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِّي مُعِيدِ حَمِيدِ  
 مَجِيدِ، وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ آلاؤُكَ، فَآيِّي نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي  
 عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ آيِّي عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ  
 يُحْصِيهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَاتَ  
 عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَ  
 أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ  
 تَوْجِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَ  
 أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيْفِ لِمَارِنِ  
 عَزِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَ مَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ، وَ  
 حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرُزِ حَنَكِ فِيهِ وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ  
 مَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَهَمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ فَارِعِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ  
 مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَهَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَابِطِ حِجَابِ  
 قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كِبِدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَايِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ  
 مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي، وَالْحَمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي،

وَبَشْرِي، وَعَصِي، وَفَصِي، وَعِظَامِي، وَمُحِي، وَعُرُوقِي، وَجَمِيعِ  
جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي،  
وَنَوْمِي، وَبِقَطَّتِي، وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ  
حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَّرْتَهَا أَنْ أُودِّيَ  
شُكْرُ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ  
شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلَ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ  
الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُخْصِي مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآتِيهِ مَا حَصَرْنَاهُ  
عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَسِيهَاتِ أَنْيِّ ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ  
الطَّاطِقِ، وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ: «وَأِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا». صَدَقَ  
كِتَابُكَ. اللَّهُمَّ وَإِنبَاءُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَاؤَكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ  
وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنْيِّ يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِمُجْهَدِي وَ  
جَدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ  
يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا  
ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ  
فِيهَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرْنَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ،  
الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ  
مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ  
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

آنگاه حضرت شروع در دعا و سؤال از حق تعالی کردند، و با دیدگانی

اشکبار گفتند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَمَا نِيَّ أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشْقِنِي  
بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ  
مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي  
قَلْبِي، وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالتَّوَرَّ فِي بَصْرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ  
مُتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى  
مَنْ ظَلَمَنِي، وَارِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي. اللَّهُمَّ اكْشِفْ  
كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُزْ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَفَكَرْ رَهَانِي،  
وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الأَخِرَةِ وَالأُولَى. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا  
خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً  
سَوِيّاً رَحِماً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي،  
رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي  
عَاقِبَتِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَقَّفْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا  
أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا  
أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ  
الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
أَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ

الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَكَفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ. اَللّٰهُمَّ  
مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَكْفِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي  
سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاحْلُقْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ  
فِي نَفْسِي فَدَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ  
فَسَلِّمْنِي، وَبِدُنُوبِي فَلَا تُفْضَحْنِي، وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا  
تَبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي. اَللّٰهُمَّ اِلَى مَنْ تَكِلْنِي  
اِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، اَمْ اِلَى بَعِيدٍ فَيَبْجَهْمَنِي، اَمْ اِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي، وَاَنْتَ  
رَبِّي وَمَلِيكَ اَمْرِي، اَشْكُو اِلَيْكَ عُزْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهُوَ اِنِّي عَلَى مَنْ  
مَلَكَتُهُ اَمْرِي. اَللّٰهُمَّ اِلَى مَنْ تَحْلِلُ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا  
اُبَالِي. سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ غَافَيْتَكَ اَوْ سَعُ لِي، فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ،  
الَّذِي اَشْرَقَتْ لَهُ الْاَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ  
اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَنْ لَا تُبَيِّنَنِي عَلَيَّ غَضَبِكَ، وَلَا تُزِلَّ بِي سَخَطَكَ،  
لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، رَبَّ السَّبَدِ  
الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي اَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَجَعَلْتَهُ  
لِلنَّاسِ اَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الدُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ اَسْبَغَ التَّسْمَاءَ  
بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ اَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا ضَاحِحِي فِي  
وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي. يَا اَللّٰهُمَّ يَا اَبَا بَرٍّ اِبْرَاهِيمَ  
وَاسْمَاعِيلَ وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاسْرَافِيلَ،

وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ آلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَ مُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ  
 وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنْزِلِ كَهْلَيْعَصَ وَ طِهَ وَ يَسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ  
 كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرَحْمَتِهَا، وَ لَوْلَا  
 رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَ أَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ  
 لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَ أَنْتَ مُوَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ لَوْلَا  
 نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَ الرَّفِيعَةِ،  
 فَأَوْلِيَائَتَهُ بَعْزَهُ يَعْزَتُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمَلُوكُ نِزَامَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ،  
 فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ  
 غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْمَنَةُ وَ الدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ  
 لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى  
 الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْأَهْوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي  
 لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ  
 الْجُبِّ، وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّةً عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ أَيِّضَتْ  
 عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٍ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ، وَ  
 مُمَسِّكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ، بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ  
 اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَ حِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ  
 يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِتِنِّي إِسْرَ آيِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ  
 جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ

يَدِي رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ  
السَّحْرَةَ بَعْدَ طَوْلِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَوْنَا فِي نِعْمَتِهِ، يَا كُلُونَ رِزْقَهُ وَ  
يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ  
يَا بَدِيْعٌ لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نِفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَّ الْمَوْتَى،  
يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْني،  
وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْني، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْني، يَا  
مَنْ حَفِظْني فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقْني فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا  
تُحْصَى، وَنِعْمَةٌ لَا تُحَازَى، يَا مَنْ عَارَضْني بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَ  
عَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْإِضْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ  
شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَغُرْيَانًا فَكَسَانِي، وَ  
جَائِعًا فَاشْبَعْنِي، وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفْنِي،  
وَوَجِيدًا فَكَثَّرْنِي، وَغَائِبًا فَردَّنِي، وَمُقِلًّا فَاعْغَنَانِي وَمُنْتَصِرًا، فَنَصَرْنِي،  
وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأْنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ  
وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَ  
سَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغْنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرْنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ  
أَعَدَّ نِعْمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَ مَنَحِكَ لِأَحْصِيهَا. يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي  
مَنَّتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ  
الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي اكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ،

أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
 آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ  
 الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ،  
 أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
 أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ  
 الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا  
 أَبَدًا. ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا  
 الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا  
 الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ،  
 وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ  
 بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ  
 عِبَادِهِ، وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ  
 رَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي  
 فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ لِي يَا مَنْ لَا ذَا بَرَاءَتِهِ لِي فَاغْفِرْ لِي، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَاتَّصِرْ،  
 فَيَا شَيْءَ اسْتَقْبَلِكَ يَا مَوْلَايَ، ابْسَمِعِي أَمْ بِيصِرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي  
 أَمْ بِرَجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ، يَا مَوْلَايَ فَلَكَ  
 الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي،  
 وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ

لَوْ اَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي اِذَا مَا اَنْظَرُونِي، وَ  
لَرَفَضُونِي وَ قَطَعُونِي، فَهِيَ اَنَا ذَا يَا اِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ  
حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَايَةٍ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةٍ  
فَاَحْتَجَّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ  
جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَ اَنَّى ذَلِكَ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ  
عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ اِنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ  
الْاُمُورِ، وَ اِنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ  
عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَانْ تُعَذِّبْنِي يَا اِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ اِنْ تَعَفُّ  
عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ. لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنْ  
الظَّالِمِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنْ  
الْخَائِفِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنْ  
الرَّاغِبِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنْ  
الْمُسَبِّحِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْبَرِينَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
سُبْحَانَكَ رَبِّي وَ رَبُّ اِبَائِي الْاَوَّلِينَ. اَللّٰهُمَّ هَذَا اِسْتِثْنَائِي عَلَيْكَ مُمَجَّدًا،  
وَ اِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحَّدًا، وَ اِقْرَارِي بِالْاِيْتِكَ مُعَدِّدًا، وَ اِنْ كُنْتُ مُقْرَأً اِنِّي



لَمْ أَحْصِهَا، لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا وَ تَظَاهُرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ  
تَزَلْ تَعْتَهْدُنِي بِهِ مَعَهَا مِنْذُ خَلَقْتَنِي، وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ  
مِنَ الْفَقْرِ، وَ كَشْفِ الضَّرِّ، وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَ دَفْعِ الْعُسْرِ، وَ تَفْرِيجِ  
الْكَرْبِ وَ الْعَاقِبَةِ فِي الْبَدَنِ، وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ  
ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْأَخْرَجِينَ، مَا قَدَرْتُ وَ لَا هُمْ  
عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْضِي  
الْأَوْكَ، وَ لَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ. صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ  
وَ أَتَمَّ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَ أَسْعَدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اَللَّهُمَّ  
إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تُغَيِّثُ الْمَكْرُوبَ، وَ تَشْفِي  
السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ،  
وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلَقَ  
الْمُكْتَبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِضْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا  
مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطَنِي فِي هَذِهِ  
الْعِشْيَةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا،  
وَ الْأَيِّ تُجَدِّدُهَا، وَ بِلَيْتَةٍ تَصْرِفُهَا، وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَ  
حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَ سَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَ أَكْرَمُ مَنْ  
عَفَى، وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ

رَحِيمُهَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنِي،  
وَسَأَلْتُكَ، فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَثِقْتُ بِكَ فَجَبَيْتَنِي، وَ  
فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَ  
عَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهَيِّئْنَا عَطَاكَ، وَ  
اكَتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِإِنِّكَ ذَاكِرِينَ، أَمِينَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا  
مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، وَقَدَرَ فَقَهَرَ، وَعُصِيَ فَسْتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ  
الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا،  
وَوَسِعَ الْمُسْتَغِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ  
الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ  
خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ  
بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِيكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِهِ  
الْمُنْتَجِبِينَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَا، فَالْيَاكَ  
عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ  
نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا،  
وَبَرَكَاتٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسِطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ  
اقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا  
مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُوَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ

لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ  
 قَانِطِينَ، وَلَا تُزِدْنَا خَائِسِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ  
 الْأَجْوَدِينَ، وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ أَمِينَ  
 قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَا سِكِنَا، وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَ اغْفُ عَنَّا وَ غَافِنَا،  
 فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَاعْظِنَا فِي  
 هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا  
 رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ فِينَا حُكْمَكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ،  
 إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ  
 الْأَجْرِ، وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ، وَ دَوَامَ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا  
 تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَ  
 شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ ثَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَلِّهَا  
 فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ نَقِّنَا وَ سَدِّدْنَا، وَ اقْبَلْ  
 تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ  
 إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَ لَا مَا  
 انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، الْأَكُلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَ وَسِعَهُ  
 حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلُوًّا كَبِيرًا، تَسْبِيحُكَ لَكَ  
 السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ، وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ

بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ  
وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ.  
اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ  
خَوْفِي، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا  
تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ».

سپس حضرت سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کردند، و با چشم

گریان و صدای بلند گفتند:

«يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَأَسْأَلُكَ  
اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ  
يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لِأَنَّ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ  
لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَكَانَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ  
يَا رَبِّ».

و جمله «یا رب» را بسیار تکرار کردند، و کسانی که دور آن حضرت  
بودند به دعای ایشان گوش داده و آمین می‌گفتند، آنگاه صدایشان به گریه  
بلند شد، تا آن که خورشید غروب کرد، و روانه مشعر الحرام شدند.

تا این جا دعای امام حسین علیه السلام طبق روایت مرحوم کفعمی تمام  
می‌شود؛ ولی سید ابن طاووس (علیه الرحمه) این ذیل را نیز اضافه نموده

است:

«إِلهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي. إِلهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ، وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بِلَاءٍ. إِلهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَ مِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ. إِلهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وَجُودِ ضَعْفِي، أَقْتَمْتَعْنِي مِنْهَا بَعْدَ وَجُودِ ضَعْفِي. إِلهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمُحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَ لَكَ الْإِثْنَةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلهِي كَيْفَ تَكَلَّمَنِي وَ قَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَ كَيْفَ أَضَامَ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَحْبَبَ وَ أَنْتَ الْحَقِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُحِبُّبُ أَمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ. إِلهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَ مَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلهِي كُلَّمَا أَحْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمِكَ، وَ كُلَّمَا أَيْسَرَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعَنِي مِنْنُكَ، إِلهِي مَنْ كَانَتْ مُحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي، وَ

مِنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إلهي حُكْمَكَ  
 التَّافِدُ وَ مَسِيئَتِكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِي مَقَالٍ مَقَالاً، وَلَا لِي حَالٍ خَالاً.  
 إلهي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا وَ حَالَةٍ شَبِدْتُهَا هَدَمَ اعْتِدَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ  
 أَقَابَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إلهي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلاً جَزْماً  
 فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْماً، إلهي كَيْفَ أَعَزِّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزِّمُ وَ  
 أَنْتَ الْأَمْرُ، إلهي تَرُدُّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ  
 بِخِدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَعِرٌ إِلَيْكَ،  
 أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى  
 غَبْتِ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ  
 هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيباً، وَ خَسِرَتْ  
 صَفْقَةٌ عَبْدٌ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَبِّكَ نَصِيباً. إلهي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ،  
 فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِئْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ  
 مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَ مَرْفُوعِ الْهَمَّةِ  
 عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ  
 يَدَيْكَ، وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ  
 أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَ أَقْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ.  
 إلهي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْزُونَ، وَ صَنَّنِي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ، إلهي حَقَّقْنِي  
 بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَ اسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْمَجْذِبِ. إلهي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ

لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ إِخْتِيَارِي، وَأَوْقَفْنِي عَلَى  
 مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي. إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكْبِي وَ  
 شَرِّ كِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْ نِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا  
 تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَ  
 بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ  
 رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي. إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ  
 بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ التَّفَعُّعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ  
 الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ مُمَيَّنِي، وَإِنَّ الْهُمَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ  
 النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ  
 طَلْبِي. أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ  
 وَحَدُّوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَرَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا  
 سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْ حَشَتَهُمُ الْعَوَالِمُ،  
 وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَمَنْ فَقَدَكَ، وَ  
 مَا الَّذِي فَقَدَمَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَ لَقَدْ خَسِرَ  
 مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَ  
 كَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَدَاكَ  
 أَحِبَّائُهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ  
 أَوْلِيَاءَهُ مَلَاسِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَعْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُّ  
بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لَمَّا وَهَبْتَ لَنَا مِنْ  
الْمُسْتَقْرَضِينَ. إلهي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى  
أُقْبَلَ عَلَيْكَ. إلهي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا  
يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي  
بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إلهي كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ  
مُتَكَلِّبِي، إلهي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ  
نَسَبْتَنِي، إلهي كَيْفَ لَا أَقْتَعِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقْرَاءِ أَقْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَقْتَعِرُّ  
وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ  
شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا  
فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ  
الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحْفَتَ الْأَثَارِ بِالْأَثَارِ، وَمَحْوَتَ الْأَغْيَارِ بِمُحِيطَاتِ  
أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ  
الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفِي  
وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».